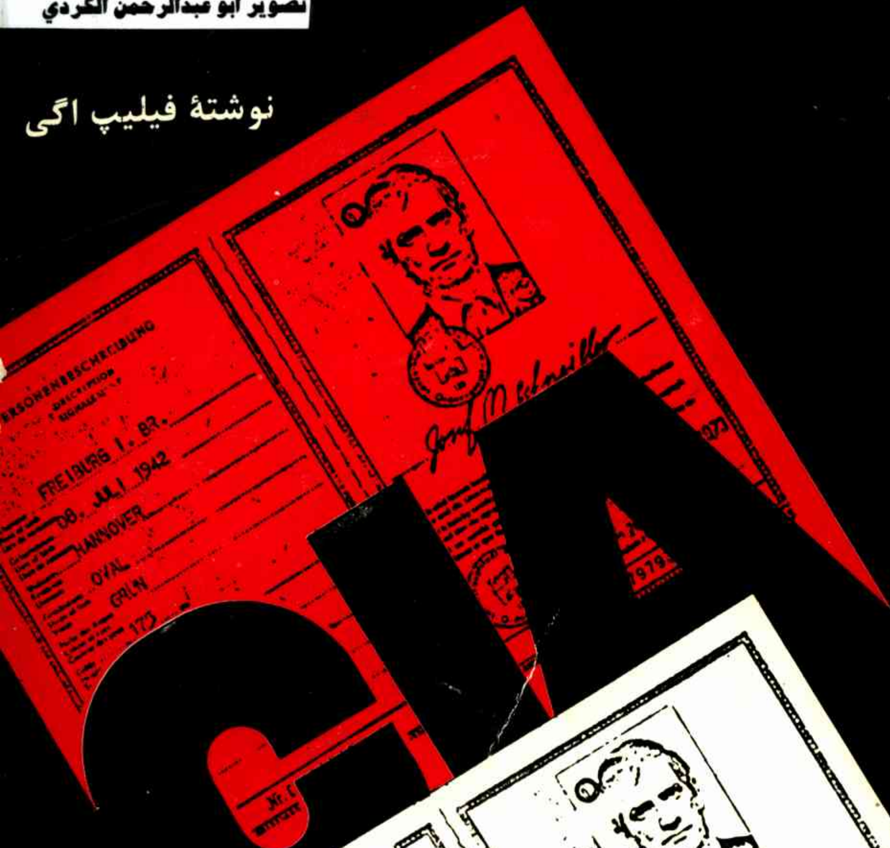
نوشتهٔ فیلیپ اگی

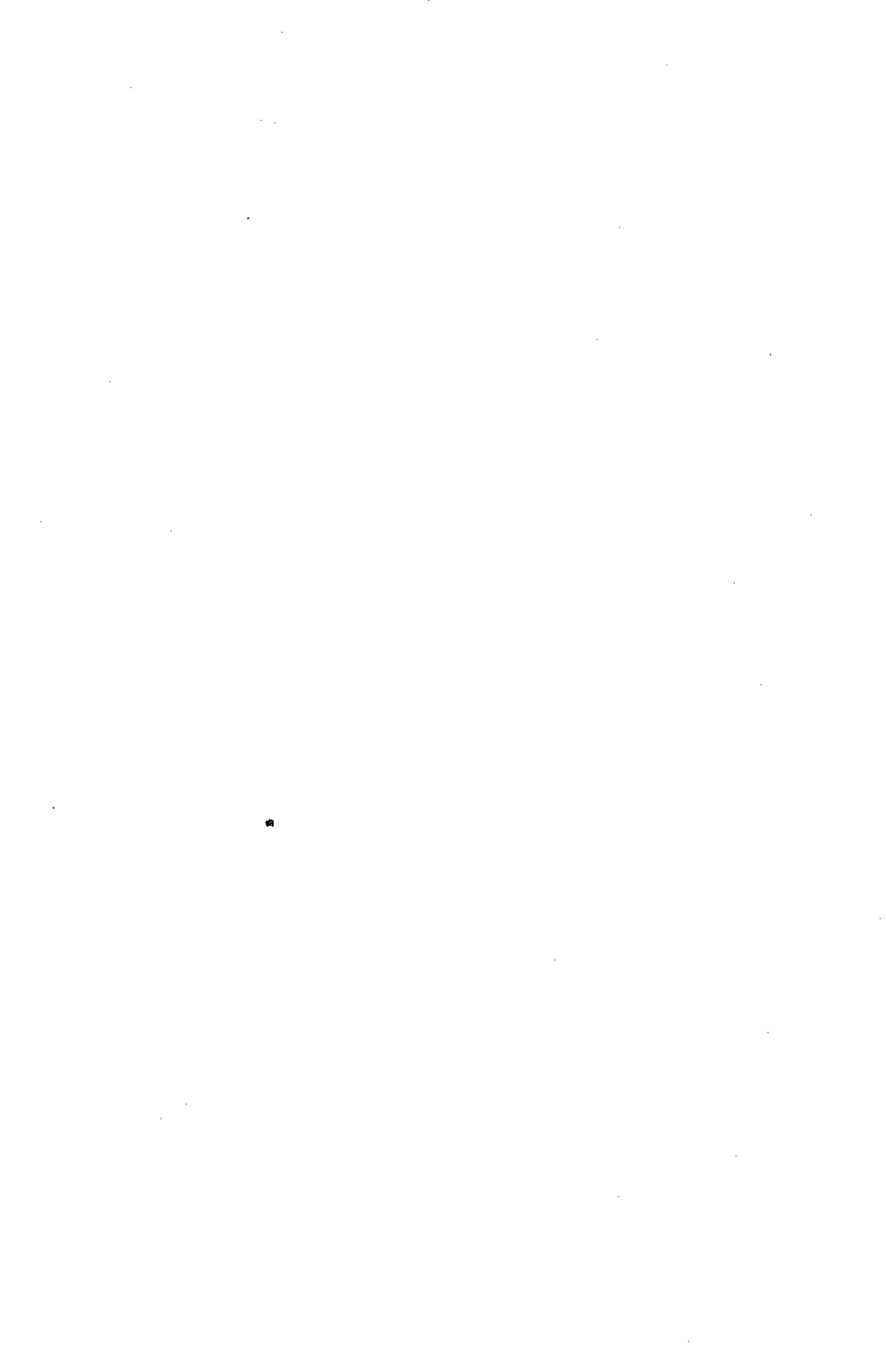


سیا وجعل اسناد

گوشه‌ای از دخالتهای سیا در ایران و آمریکای لاتین

ترجمهٔ حمید احمدی

سیا و جعل اسناد



سیا و جعل اسناد

گوشه‌هایی از دخالت سیا
در السالوادور

نوشته فیلیپ اگی

ترجمه حمید احمدی



انتشارات کیهان

این اثر ترجمه‌ای است از:

WHITE PAPER WHITE WASH!
Phillip Agee on the CIA and
El Salvador
Edited by Warner Poelchau



سیا و جعل اسناد

نوشتهٔ فیلیپ اگی
ترجمهٔ حمید احمدی

چاپ اول ــ تابستان ۱۳۶۵ ــ پنج هزارنسخه
چاپ وصحافی : مؤسسهٔ کیهان

تهران ــ خیابان فردوسی ــ مؤسسهٔ کیهان

بسم الله الرحمن الرحیم

سیاست ـ ۲

فهرست مطالب

بخش اول

پیشگفتار ویراستار

تیم سیاست خارجی ریگان و شخص رئیس جمهوری، قبل از روی کار آمدن بطور وضوح اعلام کردند دولت جدید امریکا در قبال کشورهای سوسیالیستی و بویژه اتحاد جماهیر شوروی موضع سخت‌تری اتخاذ خواهد کرد.

رئیس جمهوری جدید، پس از ورود به کاخ سفید، به جهانیان فهماند که از نظر او مبارزات مسلحانه برای رهایی ملی با تروریسم بین‌الملل برابر و به معنی توسعهٔ قدرت شوروی است. «الکساندر هیگ» وزیر خارجهٔ جدید با این اظهارات، تعجب همگان را برانگیخت که «بعضی چیزها مهم‌تر از صلح است.»

روزنامهٔ «تایمز لندن» در فوریهٔ ۱۹۸۱ نوشت: «دولت جدید امریکا در اطراف جهان می‌گردد تا جای مناسبی برای ایستادگی در مقابل کمونیسم بیابد.» السالوادورهمان جایی بودکه «ریگان» و «هیگ» به‌جهان نشان دادند. امریکا قصد دارد، موضع‌گیری خود را آشکار کند. رئیس جمهوری و وزیر خارجه با آنچنان لحن جسورانه و تجاوزطلبانه‌ای سخن می‌گفتند که سالها بود از واشنگتن بخصوص پس از عقب‌نشینی از ویتنام به گوش نمی‌رسید.

به اعتقاد بسیاری از ناظران، تهدیدهای جنگ‌طلبانه علیه السالوادور، یك نوع تلاش آگاهانه علیه مردم امریکا نیز به حساب می‌آمد، تا بدین‌ترتیب زمینهٔ روانی در افکار عمومی برای پذیرش سیاست خارجی تجاوزطلبانه و از بین رفتن «آثار شکست ویتنام» را فراهم سازد. بسیاری از مردم جمهوری فدرال آلمان و دیگر کشورهای اروپای غربی به یاد اوضاع سیاسی زمان بحران موشکی کوبا افتاده بودند.

از نظر ریگان ــ هیگ، کلید بحران السالوادور، مداخلهٔ خارجی در جنگ خونین داخلی به نفع شورشیان چپگراست که در سال ۱۹۸۰ برای

تکرار پیروزی ساندنیستهای نیکاراگوا، قدرت و استعدادهای خوبی از خود نشان دادند. دولت ریگان از اسنادی که گفته می‌شود به تـوسط ارتش و نیروهای امنیتی السالوادور، از شورشیان به‌دست آمده، برای افزایش کمك نظامی به «خونتای نظامی السالوادور» به رهبری «خوزه ناپلئـون‌دوارته» استفاده می‌کند. از نظر دولت امریکا، دولت «دوارته» میان خشونت غیرانسانی نیروهای راست و چپ افراطی گرفتار شده و در عین‌حال سعی دارد تا آنجا که می‌تواند برای انجام اصلاحات اساسی در بانکداری، تجارت و معاملهٔ زمین، سخت کار کند. این اصلاحات، از نظر دولت ریگان، چریکها را از مسائلی که طی ده سال مبارزهٔ مسلحانه، از آن برای تقویت نیروی خود بهره‌برداری کردند، محروم می‌کند. مخالفان «دوارته» اصلاحات مذکور را، نمایشی و بسیارمحـدود دانسته وفشارمـداوم برغیرنظامیان بیگناه را نشانـه‌ای ازایـن امرمی‌دانندکـه نیروهـای امنیتی «خونتا» وسازمانهای راست افـراطـی تروریستی، یکسان هستند.

اغلب سوسیال دمکراتهای اروپای غربی، ادعای مخالفان را عموماً قبول دارند. سوسیال دمکراتهای آلمان غربی، سوئدی و هلندی بـا شورشیـان السالوادور، روابط بسیار حسنه‌ای دارند. زیرا «گیلرمواونگو» رهبر جبههٔ دمکراتیك انقلابی، خود یك سوسیال دمکرات بود که چند سال با احـزاب بین‌الملل سوسیالیست همکاری می‌کرد و از نظر رهبرانی چون «ویلی‌برانت» و «اولاف پالمه» نخست‌وزیر سابق سوئد، انقلابیون السالوادور نه «تروریستهای بین‌المللی» بلکه مبارزان راه آزادی و بیشتر دمکرات هستند.

بدین‌ترتیب، دولت ریگان و از جمله معاون او «جورج‌بوش» رئیـس سابق سیاـ به نحوی از انحاء، در پی این بودند که دولتهای متحد و سوسیال دمکراتها را در مورد توطئهٔ کمونیسم بین‌المللی در السالوادور، متقاعد کنند.

وزارت خارجه، یك «مدرك مستند» ارائه داد، تـا ثابت کنـد کـه: «السالوادور، به‌نمونـهٔ دیگری ازتجاوزغیرمستقیم مسلحانهٔ قدرتهای‌کمونیستی از طریق کوبا علیه یك کشور کوچك جهان سوم تبدیل شده است.»

دولت ریگان، درست در آستانهٔ اعزام تیمهای بلندپایهٔ دیپلماتها به اروپا و امریکای لاتین برای متقاعد کردن رهبران دست راستی در مورد موضع امریکا، جریان «اسناد به‌دست آمده» را از طریق روزنامهٔ نیویورك‌تایمز به‌راه انداخت. «جان‌دواونی» نویسندهٔ قدیمی نیویورك‌تایمز در امور امریکـای لاتین دربارهٔ دو سندی که به گزارش او از میان سایر اسناد به‌دست آمده، مقاله‌ای نوشت که مطبوعات سراسر جهان نیز در فوریهٔ ۱۹۸۱ آن را تکرار

کردند. یکی از اسنادی که به «دواونی» داده شد، نشان می‌دهد که شوروی وکشورهای متحد آن، سلاحها وتجهیزات زیاد دیگری به‌چریکهای السالوادور داده‌اند و کوبا نیز پایگاه تدارکاتی برای حمل این سلاحها بـه السالوادور به‌حساب می‌آید. «جان‌دواونی» گزارش داد که: «آژانسهای اطلاعاتی امریکا این اسناد را حقیقی می‌دانند.»

«افشای رسمی» اسناد بـه‌خارج وانتشارآنها درمطبوعات به‌دنبال یـك حملهٔ دیپلماتیك بسیار خوب تدارك دیده شده، صورت گرفت. مخاطب ایـن تبلیغات، نه تنها دولتهای اروپایی و امریکای لاتین، بلکه احزاب سوسیال دمکرات نیز بودند.

هدف اصلی این بود که آنها را متقاعد کنند دست از حمایت سیاسی و مالی از «جبههٔ دمکراتیك انقلابی» (FDR) ارکان سیاسی جنبش چریکی دست بکشند. در بعضی مناطق، نشانه‌ای از توافق با امریکا در این زمینه آشکار شد. مثلا درآلمان غـربی، یك سخنگوی دولت وقائم‌مقام حـزب سوسیال دمکرات، در جریان مصاحبهٔ مطبوعاتی جداگانـه‌ای بـرای اولین‌بـار از «دمکراتهای محترم» در دو طرف جنگ داخلی السالوادور نام به میان آوردند

موضوع اصلی مبارزهٔ دیپلماتیك فوریه «انبوه اسناد به‌دست آمده»ای بود که ظاهراً جریان ارسال سیل سلاحها از طرف کوبا و نیکاراگوا، بـرای «جبههٔ آزادیبخش ملی فاراباندومارتی» (FMLN) را اثبات می‌کرد.

هنگامی که «فیلیپ‌اگی» مقالهٔ «دواونی» را خواند به من گفت که به تمامی این جریان مشکوك است. او تعدادی از عملیات خود را، طی تجربـهٔ دوازده ساله‌اش در سازمان سیا، در رابطه با جعل اسناد به منظور رسیدن بـه اهداف خاص، برایم تشریح کرد. این حوادث، شباهت زیادی به ماجـرای «اسناد به‌دست آمدهٔ» اخیر در رابطه با السالوادور دارد. موضع ناگهانی دولت آلمان غربی ــ که گذشته از داشتن اختلافات جزئی، هنوز یکی از شرکای مهم امریکا در مسائل عمده استــ پس از انتشار مقالهٔ «دواونی» در رابطه با اسناد السالوادور، و نیز نمونه‌هایی که «اگی» از جعل اسناد در سالهای دههٔ ۱۹۶۰ برایم گفت، مرا نیز به جریان اسناد السالوادور مشکوك کرد. این شك و تردیدها هنگامی تقویت شد که دولت امریکا ظاهراً برای ارائهٔ نسخه‌هـای اصلی اسناد به‌دست آمده، به منظور بررسی کلی جریان عجله‌ای از خود نشان نمی‌داد.

هنگام ورود هیأت دیپلماتیك امریکا به ریاست «ایگل‌برگر» معـاون وزارت امور خارجه و مسائل اروپایی به «بن» به منظور شروع سفرهایش به

کشورهای اروپایی و استفاده از «اسناد به‌دست آمده» برای امکانات مداخلهٔ شوروی، فیلیپ اگی تصمیم گرفت یك کنفرانس مطبوعاتی برپا کند. او در بیستم فوریه طی بحثی با خبرنگاران و روزنامه‌نگاران در بن، تجربهٔ خود را در سازمان سیا در رابطه با جعل اسناد در امریکای لاتین و ذکر شواهدی از فعالیتهای جاری سیا در السالوادور، برای آنها مطرح کرد.

طی این کنفرانس، اسناد زیادی از جمله خلاصه‌هایی از اولین کتابش به‌نام «در داخل کمپانی، خاطرات سیا» و نیز فیلم مستند مربوط به سیا تحت عنوان «در مورد کارهای کمپانی» در اختیار روزنامه‌نگاران قرار داد. طی این کنفرانس، او همچنین نسخه‌هایی از اسناد اخیر به‌دست آمده به هنگام تسخیر سفارت امریکا از سوی دانشجویان مبارز در تهران را به روزنامه‌نگاران داد. این اسناد را، من طی چندین سفری که به تهران داشتم با خود آوردم. پاسپورتهای جعلی و سندسازیهای دیگر به‌خوبی نشان می‌دهد که سیا، هنوز هم در امر جعل اسناد، دست دارد.

تلاش «اگی» برای برانگیختن شك و تردید در مورد «اسناد به‌دست آمده» نتوانست تأثیری را که او امید داشت، از خود بجا گذارد. مطبوعات غربی و بویژه مطبوعات امریکایی، ظاهراً علاقهٔ چندانی به پرس‌وجو در مورد صحت «اسناد به‌دست آمده» یا استفاده از آنها برای توجیه حملات دیپلماتیك و تبلیغاتی علیه جنبش آزادیبخش السالوادور نداشتند. او به من گفت که حملهٔ تبلیغاتی بین‌المللی و داخلی امریکا علیه «جبههٔ آزادیبخش ملی فاراباندومارتی» و «جبههٔ دمکراتیك انقلابی»، زمینه را برای تهاجم جدید امریکا به شیوهٔ تهاجم ۱۹٦٥ این کشور به جمهوری دومینیکن، در صورت شروع یك حملهٔ موفقیت‌آمیزتر، از سوی چریکها، پس از بن‌بست ماه ژانویه، فراهم می‌سازد. او به‌یاد می‌آورد که در سال ۱۹٦٥ هنگامی که در اروگوئه برای سیا کار می‌کرد، «اوریل هریمن» سفیر سیار ارشد امریکا یك مأموریت دیپلماتیك را به پایتختهای امریکای لاتین آغاز کرد. مأموریت ویژهٔ دیپلماتیك کنونی «ورنون والترز» معاون سابق سیا، به السالوادور نیز بسیار به آن شبیه است. هدف مأموریت «هریمن» در آن زمان، کسب حمایت از تهاجم امریکا به«دومینیکن» بود.

دلیل هریمن برای اثبات این مسئله که کوبای دیگری در ۱۹٦٥ در حال به‌وجود آمدن است، لیست نام ٥۸ کمونیست آموزش دیده‌ای بود که در صفوف مقامات طرفداران قانون اساسی رخنه کرده بودند، جناح طرفداران قانون اساسی در اثر تهاجم امریکا شکست خورد و از بین رفت. «اگی» معتقد

بود که «اسناد به‌دست آمده» می‌تواند بهانهٔ مشابهی برای افزایش مداخلهٔ امریکا در السالوادور فراهم سازد.

گرچه کنفرانس ۲۰ فوریهٔ «فیلیپ اگی» در روزنامه‌های آفریقایی و امریکای لاتین و بعضی نشریات لیبرال اروپای‌غربی گزارش شد، اما عکس‌العمل آن در ایالات متحدهٔ امریکا، ناچیز و در یك مورد حیرت‌آور بود. ده روز پس از برگزاری کنفرانس مطبوعاتی، روزنامهٔ واشنگتن‌پست، مقاله‌ای طولانی از «امت‌تیرل» (که عضو هیأت تحریریهٔ واشنگتن‌پست نبود) با شیوه‌ای مضحك و تحریف‌گونه به‌چاپ رساند.

«تیرل» در مقالهٔ خود نوشت که فیلیپ اگی («این چهره مرموز») از یکی از پاتوقهای مشکوك خارجی‌اش سربرآورده و در «بن» یك کنفرانس مطبوعاتی بموقع برپا کرده است. «اگی» در این کنفرانس، فاش کرده است که اسناد فعلی مورد استفادهٔ وزارت خارجه، برای بدنام کردن شورشیان السالوادور، در واقع جعلی هستند. «تیرل» در مقالهٔ خود اضافه می‌کند که: «اگی برای نود دقیقه، گزارشگران را شدیداً متوجه خود کرده بود».

«تیرل» ضمن حمله به سیاست فیلیپ اگی و حمایت او از انقلاب کوبا، مسئلهٔ تبدیل السالوادور به یك «ویتنام دیگر» و نیز جعلی بودن «اسناد به‌دست آمده» را تکذیب کرد و اشاره نمود که به گفتهٔ «اگی» اسناد، ساختگی است. در صورتی که «اگی» در واقع، هدفش برانگیختن شك و تردید بود، تا بدین‌وسیله زمینهٔ بررسی اسناد فراهم شود.

«تیرل» سپس از جنبش آزادیبخش السالوادور به عنوان «تلاش برای استقرار مستعمرهٔ مارکسیستی دیگری در پشت دروازه‌های ما» نام برد، و در پایان، پیشنهادی مطرح ساخت که نشان می‌دهد روزنامهٔ واشنگتن‌پست تا چه اندازه از خط‌مشی روزنامه‌نگارانهٔ خود در دوران واترگیت دور شده است.

تیرل «حدس زد» که اقدام «اگی» علیه سازمان سیا، طی ده سال گذشته، خود یك توطئهٔ تدارك دیده شده از سوی سیا، برای جلب اعتماد شورویها و بدین‌وسیله تبدیل «اگی» به یك مأمور دوجانبه است. «تیرل» بدون هیچگونه اشارهٔ طنزآمیزی به‌شورویها هشدارداد‌که مواظب باشند. چون: «کسی که زمانی مأمور سیا بود، برای همیشه مأمور سیا باقی خواهد ماند.»

از آنجا که «اگی» با خانواده‌اش مدت سه سال است بطور علنی در هامبورگ زندگی می‌کند و من طی این مدت، او را خوب شناخته‌ام، از این مقاله، تعجب کردم که چگونه مطبوعات امریکا نتوانسته‌اند جریان «اسناد به‌دست آمده» را مورد سؤال قرار دهند. همکاری آنها با دولت امریکا آنقدر

روشن وآشکاربودکه حرف «فیلیپ اگی» را پذیرفتم‌که می‌گفت باید مسئله‌ای درکارباشد.

«اگی» نوار کنفرانس مطبوعاتی خود را در اختیار داشت و من تصمیم گرفتم آن را پیاده کرده و با سایر اسناد توزیع شده، منتشر کنم. شش بخش أول این‌کتاب، شامل‌کنفرانس مطبوعاتی ۲۰ فوریه ونمونهٔ اسناد منتخب، می‌شود. مسئلهٔ جعل اسناد ازسوی سیا برای به‌راه انداختن قتل‌عام یك‌ونیم میلیون نفر از اهالی اندونزی در سالهای ۶۶ـ۱۹۶۵ که در بخش چهارم به آن اشاره شده، از مقالهٔ «رالف مك‌گی» عضو سابق دیگر سیا گرفته شد، که او نیز به اسناد السالوادور مظنون بود.

در ضمن، همان وقتی که تصمیم داشتم اظهارات «اگی» را منتشر کنم، وزارت خارجهٔ امریکا بعضی از «اسناد به‌دست آمده» را در کتاب سفید خود در مورد «مداخلهٔ کمونیستی در السالوادور» چاپ کرد. ما تصمیم گرفتیم یك نسخه از آن را، که به‌دست آوردنش آسان نبود، برای تحلیل و نشان دادن این مسئله که ممکن است اسناد السالوادور جعلی باشد به دست آوریم. نه من و نه «اگی»، هیچکدام متخصص امور السالوادور نبودیم، بدین‌خاطر، تحقیق وجستجوی وسیعی را درآرشیو مطبوعات هامبورك، شروع کردیم تا نامها، تاریخها و دیگر حقایق مربوط به اسناد را با اطلاعات موجود، مربوط به حوادث مذکور مقایسه کنیم. همچنین با افراد مطلع و از جمله انقلابیون السالوادور صحبت کردیم. اصل اسپانیایی اسناد را با ترجمه‌های انگلیسی کتاب سفید (از اسناد)، و نیز همهٔ اینها را با برداشتها و نتایج حاصله از نظر وزارت خارجه مقایسه و بررسی نمودیم.

نتایج تحقیقات و بررسیهایمان، ما را شگفت‌زده کرد. اشتباهات فاحش زیادی در رابطه با ترجمهٔ اسناد ونتایج بی‌اساس‌گرفته شده از آنها ونیزجعلیات آشکار، به‌چشم می‌خورد. درپایان، فیلیپ‌اگی به‌این نتیجه رسیدـومن‌هم‌پذیرفتمـ که در بسیاری ازاسناد مهم، نشانه‌های روشنی از جعلی‌بودن واحتمالا جادادن اسناد واقعی وسپس ادعای کشف آنها دیده می‌شود، انتقادما ازکتاب سفید دربخش هفتم، ومتن کامل کتاب سفید در بخش هشتم آمده است.

هیچکس نمی‌تواند با بررسی ساده نسخه‌های‌کپی شدهٔ اسناد، جعلی بودن ویا درست بودن آنها را بطور علمی ثابت کند. ولی تضادها وتناقضهای موجود، در حقایق وحوادث مربوط به‌اسناد ونیز ناسازگاریهای آشکار آنها، شك وتردید بسیارزیادی دررابطه با اسناد مهم مندرج درکتاب سفید به‌وجود می‌آورد. اما مشاهدهٔ جعل واختراع واغراق در تحلیلهای‌کتاب سفید وزارت خارجه، به‌هنگام

مقایسهٔ این مسائل با آنچه که اسناد می‌گویند، یك امر مهم است.

در امر تهیه این کتاب، بامشکل ویژه‌ای مواجه شدم. زیرا یك دادگاه امریکایی از ۱۹۸۰ برای«فیلیپ‌اگی»دررابطه‌با مکاتبات وتماسهایش‌محدودیتهایی به‌وجود آورده واورا وادار کرده‌تا تمام‌نوشته‌ها وسخنرانیهای رسمی‌اش‌رابه‌سانسور سازمان سیا تحویل دهد. اما به‌هرحال، به‌او اجازه داده شدتابدون آمادگی قبلی، در رابطه با موضوعات مورد توجه عموم، عقاید شخصی خود را بیان کند واین درصورتی‌است‌که اطلاعات طبقه‌بندی شدهٔ دولت امریکا را افشا نکند.

بدین خاطر، تصمیم گرفتم این‌کتاب را باسختی تمام تکمیل‌کنم، پس‌ازبررسی و ویراستاری بخش یك تا ٦ وجمع‌آوری کنفرانس مطبوعاتی ماه فوریه «اگی» در رابطه بااسناد، ساعتها با «فیلیپ‌اگی» در رابطه با «کتاب سفید واشنگتن» مصاحبه‌کردم ونتیجه آن‌کتابی است‌که امیدوارم سیاست امریکا درالسالوادور را آشکارکرده، به‌جناح مخالف برای تسریع وسازماندهی مجدد کمك کندونسبت به‌کتاب سفید فعلی‌و کتابهای سفید آینده، شك وتردید ایجاد نماید.

باوجود این هنوز یك‌سئوال باقی می‌ماندوآن‌اینکه آیا چریکهای‌السالوادور ازخارج، اسلحه‌دریافت می‌کنند؟ جواب، البته‌مثبت‌است. روزنامهٔ«دی‌تاژه‌زایتنگ» نوشته است‌که ۱٫۵ میلیون مارك اسلحه برای چریکها خریداری شده است واین مقدار به‌زودی تبدیل به‌دو میلیون مارك شده وهمانطورکه همه می‌دانند چریکهای السالوادور میلیونها دلار از طریق آدم‌رباییها وسایر اقدامات، به‌دست آورده‌اند. ومی‌توانند با استفاده از آنها در بازار بین‌المللی برای خود، سلاح تهیه کنند.

اما عامل دیگری نیزوجود دارد. حتی‌درصورتی‌که‌شوروی‌واقعاً به‌چریکهای السالوادور، اسلحه بدهد تا بابی‌عدالتی، بی‌سوادی، استثمار، شکنجه وقتل مبارزه کنند، من آن‌را تحسین می‌کنم، زیرا قضیهٔ السالوادوریها یك قضیهٔ عادلانه است وآنها هرچه بیشتراز هرمنبعی کمك به‌دست آورند، بهتر خواهد بود. ایالات متحدهٔ امریکا دردورانی نه‌چندان دور، به‌شوروی اسلحه فرستاد تاعلیه هیتلرمبارزه کند. اما امروز ایالات متحدهٔ امریکا، تنها قدرت خارجی است‌که به‌السالوادور اسلحه می‌دهد، وما روزبه‌روز پی‌می‌بریم‌که ازاین سلاحها برای قتل‌عام غیرنظامیان بی‌گناه وادامهٔ حکومت ترور استفاده می‌شود.

بحران بین‌المللی برسر السالوادور، دیگر کشورهای جهان را نیز علناًتهدید می‌کند. سیاست مداخله جویانهٔ امریکا، ساندنیستهای نیکاراگوا،کوبا، گرانادا، آنگولا، خلیج‌فارس وتمامی جنبشهای آزادیبخش را هدف قرارداده است. باید افشا کرد که چرا امریکا در السالوادور حضور دارد و در آنجا توقف‌کرده است.

خواننده، باید این‌کتاب را چیزی بیش‌از نوعی حمایت از «جبههٔ آزادیبخش ملی فارابوندومارتی» ازسوی «جهان آزاد» درنظربگیرد، ومن معتقدم‌که ما،کتاب سفید را به‌سطح یك «کتاب خنده‌آور» پایین آورده وبه‌نمونه‌ای ازیك دروغ بزرگ تبدیل کرده‌ایم.

وارنر پوئلخو
هامبورگ، ۱۹۸۱

مقدمه

صبح بخیر، خوش آمدید!

امیدوارم صندلی به‌قدرکافی برای همه وجود داشته باشد. انتظاریک‌چنین جمعیت زیادی را نداشتم. نسخه‌های اسناد زیادی راکه برای این‌بخش جمع‌آوری کرده‌ام، جلوی خودتان مشاهده می‌کنید. ازشما دعوت‌کردم تادرمورد جعل اسناد ازسوی سازمان «سیا» به‌عنوان یك‌شیوهٔ استاندارد وارتباط این شیوه با السالوادور به‌بحث بپردازیم، زیرا همانطورکه می‌دانید اخیراً درروزنامه‌ها مطالبی پیرامون اسناد ظاهراً به‌دست آمده از «جنبش آزادیبخش‌السالوادور» خوانده‌ام حاکی از اینکه اتیوپی، ویتنام، شوروی وکوبا در این‌کشور (السالوادور) مداخله می‌کنند. دستهٔ اسنادی که شما اکنون پیش روی خود دارید شامل بعضی اسناد مخفی سابق سازمان سیا و مواردی‌ازچگونگی جعل اسناد از سوی این سازمان درگذشته‌است. از آنجا که حملات وجاروجنجال دیپلماتیك برسراسناد ظاهراً به‌دست آمده از السالوادوریها، این روزها همچنان ادامه دارد، فکر کردم برپایی سریع این‌بحث پراهمیت باشد. همانطور که همگی می‌دانیم، برای توجیه تلاش امریکا به‌منظور قطع حمایت بین‌المللی از جبههٔ دمکراتیك انقلابی و بهره‌برداری از آن به‌نفع خونتای نظامی، این شیوهٔ سندسازی مورد استفاده واقع می‌شود.

در روی اسناد، پیش‌پردهٔ متن فیلم «دربارهٔ کارهای کمپانی[1]» رامی‌بینید، که یك‌کارمستند سه‌ساعتهٔ تاریخی است دربارهٔ سازمان سیا به‌کارگردانی «آلن‌فرانکویچ»[2] ازدانشگاه برکلی کالیفرنیا. پنج سال صرف ساختن این‌فیلم‌شده و سال‌گذشته جایزهٔ منتقدین بین‌المللی فستیوال فیلم برلین را به‌خود اختصاص داد. تلویزیون ملی ایالات متحده، فنلاند و سوئد این فیلم را نشان داده ودر

1 — On Company Business
2 — Alan Francovich

تلویزیونها و تأترهای سراسرجهان نیز به‌نمایش گذاشته خواهد شد. این فیلم که من نیز به‌عنوان مشاور روی آن کارکرده‌ام، در برگیرندهٔ مصاحبه‌هایی با بسیاری از افسران و مأموران سابق «سیا»ست که طی آن عملیات گذشتهٔ سازمان را تشریح کرده‌اند. پیش پردهٔ این فیلم را بدین خاطر دراختیارتان گذاشتم تا دیگر بخشهای متن فیلم را به‌خاطر داشته باشید. پاراگراف زیر نیزکه از«گزارش دولیتل[1]» برگرفته شده، فلسفهٔ دولت امریکا را در ۱۹۵۱ به‌منظور استفاده از سیا به‌عنوان یك ابزارسرنگونسازی وویرانگری نشان می‌دهد.

> ما با یك دشمن کینه‌توز روبه‌رو هستیم. در این بازی، هیچ قانونی وجود ندارد. باید بیاموزیم‌که دشمنانمان را با وسایلی به‌مراتب هوشمندانه‌تر، سنجیده‌تر، و مؤثرتر از وسایلی که علیه ایالات متحده به کار گرفته می‌شود، سرنگون ساخته، درهم کوبیده و ویران سازیم.
>
> از گزارش دولیتل دربارهٔ سیا در ۱۹۵۱

اسنادی راکه از مقوله‌های مختلف برای بحث برگزیده‌ام تاآنجاکه امکان دارد به‌سرعت مورد بررسی قرار می‌دهم. درابتدا گزارش مطبوعاتی این روزها پیرامون حمایت فرضی اتیوپی و ویتنام و دیگر کشورها از جبههٔ آزادیبخش السالوادور را بررسی می‌کنیم. سپس به‌مواردی از اسناد به‌دست آمده از سفارت امریکا در تهران که‌بعضی از آنها تحریف شده‌است، می‌پردازیم. آنگاه ده‌مورد، از تجربیات خودم و دیگر مأموران سیا را درجعل اسناد بررسی می‌کنم، که گزارش اخیر مطبوعات در بارهٔ السالوادور می‌تواند کپی دقیق این موارد باشد. اسنادی نیز از مطبوعات امریکای لاتین به‌هنگام مأموریتهای خودم درآنجا دارم که آنها را ازمیکروفیلم موجود در«بریتیش میوزیم» (موزهٔ بریتانیا) درلندن نسخه برداری کرده‌ام و در اولین کتابم مورد بررسی قرار گرفته است. اینها، به‌نحوی ازانحا تأثیر شگرف اسناد تحریف شده را نشان می‌دهد.

قصد دارم در بارهٔ «مؤسسه امریکایی توسعهٔ کار آزاد[2]» نیز صحبت‌کنم، زیرا این مؤسسه مسئول کمك تکنیکی امریکا به‌طرح اصلاحات ارضی خونتای السالوادور است. این طرح یکی از برنامه‌های مهمی است‌که افسران نظامی‌از هنگامی‌که قدرت را در اواخر ۱۹۷۹ به‌دست‌گرفتند، به‌مرحله اجرا درآورده‌اند. «مؤسسهٔ امریکایی توسعهٔ کارآزاد» از زمان تأسیسش در ۱۹۶۱، یکی ازجبهه‌های سیا بوده است. من اسناد گوناگونی در بارهٔ عملیات سیا ازطریق این جبهه در

1 — The Doolittle Report
2 — American Institute for free Labor Development ''AIFLD..

اختیار دارم که رویهمرفته ارتباط میان آژانس جاسوسی و برنـامه‌هـای نظیر اصلاحات ارضی را نشان می‌دهد. این مسئله درست، اینك به‌السالـوادور بسیار مربوط می‌شود، زیرا آنچه که درجریان است، خود ویتنام دیگری است. استفادهٔ سیا از این جبهه کاربرد شیوه‌های قدیمی آرام‌سازی روستایی راکه اجرای آن‌در ویتنام با شکست مواجه شد، نشان می‌دهد، این شیوه دربرگیرندهٔ برنامهٔ مفتضح عملیات «فونیکس»[1] است که طی آن دهها هزار ویتنامی ترور شدند.

سرانجام می‌خواهم در بارهٔ برنامه‌های مختلفی که سیا با سرویسهای امنیتی محلی در امریکای لاتین وبدون شك امروزه نیز با سرویسهای امنیتی السالوادور دارد، سخن بگویم واضافه کنم که این برنامه‌ها به‌چه‌طریقی باجوخه‌های مرگ شبه‌نظامی که درالسالوادور، گواتمالا وهندوراس به‌کارمشغولند، ارتباط دارد. به‌شما اطمینان می‌دهم که درست در همین لحظه، بین ده تا پانزده افسر سیا، دریك دفتر سفارت امریکا در «سان‌سالوادور» مشغول به‌کار هستند، و دادن اطلاعات وکمکهای دیگر به‌نیروهای امنیتی السالوادور یکی ازاولویتهای اصلی آنان است.

بطور خلاصه این ماحصل چیزی است که می‌خواهم در باره‌اش صحبت کنم. کوشش خواهم کرد تا سرحدامکان بااستفاده از تمام اسنادی که در اختیارتان گذاشته‌ام، بدون هیچگونه تعصب واحساساتی حق مطلب را اداکنم. درابتدا، می‌خواهم در بارهٔ مقالهٔ جان‌دواونی[2] در نیویورك تایمز (که‌در روزنامهٔ‌انترناشنال هرالدتریبون نیزچاپ شد) نظربدهم.

اسناد به‌دست آمده نشان می‌دهد که روسیه وکوبا در مـورد تحویل سلاحهای‌به‌دست آمدهٔ‌امریکایی به‌شورشیان‌السالوادور موافقت کرده‌اند.

نوشته : جان‌دواونی، سرویس نیویورك‌تایمز

واشنگتن ــ اسناد مخفی به دست آمده از چریکهـای مـارکسیست السالوادور، که به نظر آژانسهای اطلاعاتی امریکا موثق است، نشان می‌دهد که اتحاد شوروی و کوبا سال گذشته در مورد تحویل چندین تن اسلحه از سلاحهای ذخیره امریکایی به چریکها، که در ویتنام و اتیوپی به دست آمده، به توافق رسیدند. نسخه‌هایی از این اسناد که بـه دست روزنامـهٔ نیویورك‌تایمـز رسیده، شامل گزارشی است حاکی از اینکه یك چـریك السالوادوری که گمان می‌رود «شافیك‌هندل»[3] دبیرکل حـزب کمونیست

---

1 — Phoenix program
2 — Juan de Onis
3 — Shafik Handal

السالوادور باشد به اتحاد شوروی، ویتنام، اتیوپی و پایتختهای اروپای شرقی سفر کرده، و مقامات بلندپایهٔ حزبی آنجا در مورد تهیه اسلحه، یونیفورم و دیگر تجهیزات نظامی برای بیش از ده هزار چریك موافقت کرده‌اند.

جریان اسلحه،

طی دو ماه گذشته، چریکهای «جبهه آزادیبخش فاراباندومارتی[1]» به یك حملهٔ ناموفق، اما بسیار وسیع دست زده‌اند. بسیاری از سلاحهایی که توسط نیروهای مسلح السالوادور ازچریکها به‌دست آمده، تفنگها، چمپاره‌ها و مسلسلهای ساخت امریکا بوده است. سلاحهای چینی نیز در میان آنها وجود دارد و به‌علاوه مقدار گوناگونی از سلاحهای کوچك به چشم می‌خورد که ازطریق کانالهای تجارتی فراهم شده است.

مقامات امریکایی گفتند: اطلاعاتی در دست ندارند که نشان دهد اسناد، و محمولهٔ توصیف شده در اسناد، به السالوادور تحویل داده شده باشد. اما منابع وزارت خارجه و دفاع امریکا گفته‌اند: یك سری اسلحه، در ماههای اخیر به چریکهای السالوادور تحویل داده شده که گمان می‌رود عمدتاً از کوبا آمده باشد.

الکساندر هیگ وزیر دفاع امریکا در نخستین کنفرانس مطبوعاتی خود در هفتهٔ گذشته اظهار داشت که اتحاد شوروی به «ریسك بی‌سابقه‌ای» دست زده و به‌قول هیگ با استفاده از «کانال کوبا» به حمایت از جنبشهای انقلابی درامریکای لاتین و افریقا پرداخته است.

اسناد به دست آمده توسط نیروهای امنیتی دولت در السالوادور در هفتهٔ گذشته، میزان همکاری میان اتحاد شوروی و متحدانش را در حمایت از چریکهای السالوادور، که با توافق بالاترین سطوح رهبری کمونیستی در اروپای شرقی و ویتنام صورت گرفته، تشریح می‌کند.

در یکی از این اسناد، که ظاهراً در هاوانا نوشته شده است، چریك السالوادوری گزارش می‌دهد که از ۹ تا ۱۵ ژوئن ۱۹۸۰ از هانوی دیدن کرده و از سوی «له‌دوان[2]» دبیرکل حزب کمونیست لبنان، «خوان‌توی[3]» نایب رئیس مجمع ملی و ژنرال «تران‌وان‌کونگ[4]» معاون وزیر دفاع به حضور پذیرفته شده است.

گزارش مذکور می‌گوید: ویتنامیها توافق کرده‌اند که، ۶۰ تن سلاح و مهمات، که عمدتاً از سلاحهای جاگذاشته شده نیروهای امریکایی و ویتنام جنوبی است، به‌چریکها تحویل دهند. لیست سلاحها، شامل ۱۶۲۰ تفنگ اتوماتیك ام-۱۶، ۱۶۲ مسلسل ام-۳۰ و ۳۶ مسلسل ام-۶۰، ۴۸

1 — Farabundo Marti Liberation Front
2 — Le Duan 3 — Xuan thuy 4 — Tran Van Quang

خمپاره‌انداز، ۱۲ موشك‌انداز ضدتانك، ۱٫۵ میلیون گلولهٔ فشنگ، و ۱۱۰۰۰ گلولهٔ خمپاره، می‌شود.

گزارش می‌گوید که چریك السالوادوری در ۳ تا ٦ ژوئیه در اتیوپی با سرهنگ منگیستو هایله ماریام. رئیس شورای انقلابی دیدار کرده است. طبق گزارش، ماریام به او وعده داده که ۱۵۰ مسلسل، ۱۵۰۰ تفنگ ام‌-یك، ۱۰۰۰ تفنگ ام‌-۱٤ و بیش از ٦۰۰٫۰۰۰ گلولهٔ فشنگ برایش فراهم کند.

نیروهای مسلح اتیوپی، قبل از سرنگونی امپراتور هایلاسلاسی به توسط افسران انقلابی که راه نفوذ نظامی شوروی را گشودند، از نظر اسلحه توسط ایالات متحده تأمین می‌شدند، اما هم اکنون نیروهای مسلح اتیوپی به‌طور کامل با سلاحهای روسی واروپای شرقی تجهیز می‌شوند .

رهبر چریکی السالوادور گزارش می‌دهد که از بلغارستان دیدن کرده و «دیمیتوراستانیشف[1]» منشی کمیته مرکزی حزب کمونیست حضوراً به او وعدهٔ ۳۰۰ مسلسل با ۲۰۰٫۰۰۰ گلوله داده است.

وی گزارش می‌دهد که در چکسلواکی با «واسیل‌بیلاك[2]» منشی دوم کمیته مرکزی حزب کمونیست دیدار کرده و بیلاك به او مقداری سلاحهای ساخت چکسلواکی تسلیم کرده و گفته است که سلاحهای مذکور توسط کشتیهای آلمان شرقی به کوبا حمل خواهد شد.

گزارش مذکور می‌گوید که فرستادهٔ السالوادوری در مجارستان به حضور «یانوس کادار[3]»، دبیرکل حزب سوسیالیست کارگران رسید. مجارستانها یك‌سری تجهیزات رادیویی، وسایل پزشکی و ۱۰۰۰۰ جفت پوتین و یونیفورم به او تحویل داده‌اند.

کمك مالی

براساس این گزارش، فرستادهٔ السالوادوری در آلمان شرقی از سوی اریش‌هونکر رئیس حزب و رئیس‌جمهوری کشور، و «هرمان‌آکسن[4]» دبیر روابط بین‌المللی حزب به حضور پذیرفته شده است. طبق گزارش مذکور، آنها از طریق یك «کمیتهٔ همبستگی» وعدهٔ یك میلیون دلار کمك مالی به او داده‌اند اما در مورد تحویل اسلحه، به او قولی داده نشده است.

این گزارش می‌گوید که چریك السالوادوری در مسکو دو دیدار به‌عمل آورده است. اولین دیدار، در دوم ژوئن قبل از رفتن او به ویتنام، و دیگری در ژوئیه صورت گرفته، و موضوع هر دو دیدار، چگونگی حمل سلاحها به السالوادور بوده است.

این دیدارها با «کارن‌بروتنت[5]» نایب رئیس دفتر روابط بین‌الملل کمیته مرکزی شوروی و «میخائیل کوداچکین[6]» معاون او صورت گرفته است.

---

1 — Dimitor Stanishev 2 — Vasil Bilak 3 — Janos Kadar
4 — Hermann Axen 5 — Karen Brutents 6 — Mikhail Kudashkin

گزارش فوق، می‌گوید مقامات شوروی موافقت کرده‌اند که ۳۰ جوان کمونیست السالوادوری را که در شوروی به تحصیل مشغولند، آموزش نظامی بدهند.

چریك السالوادوری در گزارش خود شکوه می‌کند که بدون اتخاذ یك تصمیم قاطع در مورد چگونگی حمل سلاحها از طریق کشتی یا هواپیما، و بدون اینکه موفق به دیدار با «بوریس پنوماریف» رئیس بخش روابط بین‌المللی حزب کمونیست بشود شوروی را ترك کرد.

فرستادهٔ السالوادوری می‌گوید پس از رسیدن به هاوانا در ۲۹ ژوئیه، سفارت شوروی یادداشتی به او تسلیم داشت دایر براینکه کمیتهٔ مرکزی حزب کمونیست شوروی از او می‌خواهد برای بحث بیشتر در سپتامبر یا اکتبر مجدداً به مسکو سفر کند.

در گزارش وی آمده است: «رفیق از این نگران بود که فقدان تصمیم‌گیری از سوی شورویها ممکن است نه تنها برکمکهای خود آنها بلکه برکمکهایی که طرفهای دیگر اردوگاه سوسیالیستی، اروپایی تقدیم کرده‌اند، تاثیر بگذارد.»

در سند دیگری که آن هم از هاوانا نوشته شده، به ملاقاتهایی اشاره می‌شود که سال گذشته میان رهبر چریکی السالوادور و «گوستاو کارواخال‌موره‌نو[1]» رئیس «حزب نهاد انقلابی[2]» حاکم مکزیك صورت گرفته است. موره‌نو طی دیدار «خوزه لوپزپورتیلو» رئیس جمهوری مکزیك از کوبا، در هاوانا به‌سر می‌برد.

این سند می‌گوید: چریك السالوادوری میهمان شامی بود که از سوی لوپزپورتیلو به افتخار فیدل‌کاسترو برپا شده بود. به گزارش چریك داده شود. طبق این گزارش، آقای کارواخال پیشنهاد تشکیل یك جبههٔ که به جبههٔ سیاسی چریکها اجازه باز کردن یك دفتر در مکزیکوسیتی داده شود. طبق این گزارش، آقای کارواخال پیشنهاد تشکیل یك جبههٔ هماهنگ از احزاب سیاسی امریکای لاتین را داد که علیه مداخله نظامی امریکا در السالوادور در صورت سرنگونی دولت امریکایی خوزه ناپلئون دوارته توسط چریکها، وارد عمل خواهد شد.

اما براساس گزارش مزبور، آقای کارواخال گفت که به دولت مکزیك و نه حزب حاکم هیچیك کمك نظامی به چریکها نخواهد داد.

هنگامی‌که این مقاله را خواندم به‌اندازهٔ زمانی‌که بایك نسخه از «گواهی» جعلی سیا برخوردم شگفت‌زده شدم. بدین خاطر به‌این سند ــ ویا به‌این مقاله ــ مشکوك شدم وبا «جان دواونی» گزارشگرنیویورك تایمز که اسناد را ازدولت

1 — Gustavo Carvjal Moreno

2 — Revolutionary Institional Party

دریافت‌کرده واین مقاله را نوشته بود صحبت‌کردم. طی این هفته، سه‌بار بـا او سخن گفتم.

«دواونی» از دادن نسخه‌های اسنادی که براساس آن مقالهٔ خود را نوشته است، خودداری می‌کند ودولت ایالات متحدهٔ نسخهٔ اسنادرا برای تحلیل به‌افراد دیگرنمی‌دهد. دوروزقبل با دفتر«رونالددلومز[1]» عضوکنگره ـ که عضومجلس نمایندگان از شهر برکلی درکالیفرنیاست ـ صحبت کردم وخواستم درصورتی‌که نسخه اسناد را در اختیار دارند آنها را به‌من بدهند زیرا فوق‌العاده مایلم به‌بررسی وتحلیل آنها بپردازم.

بعداً معلوم شدکه دفتر او بیش‌از یك هفته سعی‌کرده نسخهٔ اسناد را به‌دست آورد، اما دولت از تحویل آنها خودداری کرده است.

«دواونی» به‌من گفت‌که اسناد را به‌شیوهٔ غیرقانونی به‌دست نیاورده است. تحویل اسناد به‌او به‌دلیل درج آنها در روزنامهٔ نیویورك‌تایمز یك عمل رسمی‌بوده است. به‌گفتهٔ او اسناد، تایپ شده وخواندن آنها مشکل نبود، اما مسئلهٔ عجیب در بارهٔ این اسناد، شیوهٔ نگارش مقاله «دواونی» است، وشما فکـرمی‌کنید اسناد زیادی در کار باشد. او دوبار کلمهٔ **«اسناد مخفی»** راذکر می‌کند، و این یك‌آرشیو به‌دست آمده شده را درذهن شما تجسم می‌کند. سپس دو نمونه برایمان ذکـر می‌کند: یکی در بارهٔ حمایت نظامی و دیگری توافق سیاسی فرضی میان رئیس حزب حاکم مکریك وانقلابیون السالوادور.

طی گفتگوهایم با «دواونی» سرانجام قبول کردکه تنها دو سند رادیده‌است وگفت‌که این اسناد از جملهٔ اسناد دیگری بودند که در ماه دسامبر، توسط نیروهای امنیتی السالوادور از چریکها به‌دست آمد. اماوی در مقاله‌اش گفته است که‌اسناد درماه‌گذشته یعنی ماه ژانویه، به‌دست آمد. بدین‌خاطردوباره با اوگفتگوکرده و پرسیدم اسناد چه‌موقعی به‌دست آمده است. از او پرسیدم آیا می‌داند اسنادراکجا و ازچه‌کسی و تحت چه شرایطی به‌دست آورده‌اند، پرسیدم آیا تاریخ یا محـل یادرگیری را به‌خاطر می‌آورد و آیا اسناد در ساك پشتی کسی بوده است. امـااو دربارهٔ جزئیات اینها هیچ‌چیزنمی‌دانست. ظاهـراً دراین مورد، سئوالی نکرده بود. او به‌من گفت: «افرادی که اسناد را به‌من داده‌اند از این مسائل خبردارند».

تعجب می‌کنم‌که چرا «دواونی» برای اطلاع بیشتر از موثق بودن اسناد،این جزئیات را ازآنها نپرسید. دراینجا عملیاتی را به‌خاطـرمی‌آورم‌که درلیمـا پایتخت «پرو» انجام می‌شد و بسیار مهم بود. در آنجـا یك‌سری اسناد حقیقی

---

1 — Ronald Delums

به‌دست ما افتاد، و «سیا» بعداً بعضی اسناد جعلی را داخل اسناد حقیقی کرد.همهٔ ما از آنجایی‌که این‌اسناد السالوادوری را ندیده‌ایم و دولت نیز از دادن آنها به‌ماخودداری می‌کند، می‌دانیم که احتمال دارد اسناد جعلی باشند و ممکن است برای ثابت کردن به‌اصطلاح گواهی حمایت کشورهای کمونیستی از جنبش‌انقلابی در السالوادور، «سیا» دست به‌سندسازی بزند.

فکر می‌کنم سخن گفتن در این باره ، بسیار با اهمیت است ، زیرا در مطبوعات آمریکا کمترین کلمه‌ای پیرامون شك و تردید نسبت به صحت این اسناد نخوانده‌ام و این همان چیزی است که امروز می‌خواهم آن را مطرح کنم . البته از آنجایی که من اسناد را ندیده‌ام ، نمی‌خواهم بگویم جعلی یا حقیقی هستند . اما حداقل شما نزد خودتان فکر کنید اگر دولت آمریکا یك کتاب سفید دربارهٔ موضوع منتشر می‌کرد و نسخه‌هایی از اصل سندها را ارائه می‌داد بهتر نبود؟ چه کسی می‌داند ، شاید بیش از دو سند سنددیگری در کار نبوده ، و شایدهم دراصل ۱۵۰ سند بوده ، و این دو سند مهمتر از همه ، به توسط «سیا» جعل‌شده، و قاطی بقیه اسناد شده و سپس منتشر شده است .

مسئله عجیب دیگر این است که دولت السالوادور ، خود از این اسناد بهره‌برداری نکرده‌است. آنها فرضا اسناد را به دست آورده ، و سپس آنها را به ایالات متحده تحویل داده‌اند. ایالات متحده نیز از این مسئله ، در سراسر جهان استفاده دیپلماتیك می‌کند ، و من به این نکته رسیده‌ام که دولت السالوادور کاری نمی‌کند و حتی از اسنادی که خود به دست آورده بهره‌برداری نمی‌نماید.

آنچه ، بیشتر مرابه‌شك می‌اندازداین است که دولت آمریکا ، این اسناد را منتشر نیز نکرده است. «جان‌دواونی» می‌گفت که می‌خواهند آنها را منتشر کنند. او فکر می‌کرد دولت آمریکا اسناد را دیروز منتشر می‌کند، سپس می‌گفت امروز آنها را انتشار خواهند داد، و حالا به نظر می‌رسد دوشنبه منتشر خواهندکرد. او گفت : در واشنگتن‌اوضاع برسر این اسناد بی‌نهایت درهم و طوفانی است.

دراینجا می‌پرسم آیاکسی می‌داندکه هیأت «ایگل‌برگر[1]» چه‌وقت نسخه‌های این اسناد را نشان خواهدداد. شنیده‌ام قصد ندارند چنین کاری بکنند. آنها کوشش می‌کنند دولتهای اروپای غربی را به درپیشگیری یك چنین روشی در قبال جبهه یا دولت السالوادور متقاعد سازند. اما شنیده‌ام که نمی‌خواهند نسخه‌های این اسناد را در اختیارشان بگذارند. هرچه بیشتر روی آنها در این رابطه فشار بگذارند و با آنها مخفی‌کاری کنند ، سوء ظن من بیشتر می‌شود.

1 — Eagle Burger

امیدوارم در نتیجه این کنفرانس‌مطبوعاتی و تلاشهای شما ، مردم به اسناد دسترسی پیدا کرده و آنها را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهند. حتی بعد از تحلیل نیز همیشه‌به آسانی نمی‌توان درباره جعلی‌بودن یا حقیقی بودن آنها قضاوت کرد ، اما به هرحال باید تلاش کرد .

ژنرال «ورنون‌والترز»[1] نایب رئیس سابق سیا، به‌مأموریتی شبیه مأموریت ایگل‌برگر فرستاده شده است ، تا دولت مکزیك و دیگر دولت‌های آمریکای مکزیکیها دست ازحمایت ازجبهه دمکراتیك انقلابی بردارد، زیرا آنها ازحامیان مکزیکیها دست از حمایت دمکراتیك انقلابی بردارند، زیرا آنها از حامیان عمدهٔ جبهه در آمریکای لاتین به شمار می‌آیند .

برای یادآوری آنهایی که به خاطر ندارند ، باید بگویم که نیکسون ، ژنرال والترز را مامور سرپوش گذاشتن بر ماجرای واترگیت در ۱۹۷۲ کرد. هنگامی که والترز ، معاونت ریاست سیا را به عهده داشت ، دولت نیکسون از او خواست با مداخله در کار «اف‌ــبی‌ــآی» ، تحقیق در شهر مکزیکوسیتی دربارهٔ دزدان دستگیر شده در ساختمان دفتر واترگیت را متوقف کند. والترز با «اف‌ــبی‌ــآی» تماس گرفت و گفت به او گفته شده که اگر «اف‌ــبی‌ــآی» به تحقیق خود ادامه دهد در عملیات سیا در مکزیکو مداخله کرده است ، که البته کل این‌مسئله ، ساختگی بود .

1 — Vernon Walters

بخش ۳

اسناد جعلی اخیر سفارت آمریکا در ایران

حال می‌رسیم به اسنادی که در ایران به دست آمده است . این اسناد جعلی را برای‌آن‌ساده‌اندیشانی به بحث می‌گذارم که فکر می‌کنند ممکن است سیا در سالهای اخیر جعل و ساختن اسناد را کنار گذاشته باشد. زیرا نمونه‌هایی که در مورد آن بحث می‌کنم ــ یعنی مواردی که در آن شرکت داشته و از آغاز کارم در سیادرباره‌شان می‌دانستم ــ به سالهای دهه ۱۹۶۰ مربوط می‌شود ، اما اسنادی‌که اخیراً توسط دانشجویان ایرانی درسفارت آمریکا درتهران به‌دست آمده به سال ۱۹۷۹ مربوط است. این اسناد ، در میان دیگر اسناد به دست آمده از سفارت‌پیداشده‌است.

اولین سند متن یك تلگرام مخفی از سفارت آمریکا در تهران به وزارت خارجه درواشنگتن است‌که درآن «بروس لینگن» کاردارآمریکا درتهران با انتصاب دو افسر جدید «سیا» موافقت کرده و قدری پایین‌تر از آن متذکر می‌شود که حالا چهارنفرازاین افسران در سفارت وجود دارند. در بالای (سمت راست) تلگرام ، لینگن با خط خود نوشته است : «به تام‌آ ، نشان دهید»[1] «تام‌آ» همان «تام‌آهرن»[2] رئیس ایستگاه «سیا» درایران است‌که بعداً جزو گروگانها ، دستگیر شد. کلمه رمز «SRF» در این سند به «سیا» اشاره می‌کند. هنگامی که من‌درسیاکارمی‌کردم وزارت خارجه با به کار بردن کلمهCAS (به معنی منبع شایسته آمریکا)[3] به ما اشاره می‌کرد. «SRF» علامت جدیدی است که برای اشاره به‌سیا به‌کاربرده می‌شود وشاید به‌معنی «وسیلۀ تسهیل تحقیق ویژه»[4] یا یك چنین تعبیری باشد .

---

1 — Show To A

2 — Tom Ahern

3 — Competent, American Source

4 — Special Research Facility

SECRET TEHRAN 9933

DE RUQMHR #9933 221 **
ZNY SSSSS ZZH
R 091037Z AUG 79
FM AMEMBASSY TEHRAN
TO SECSTATE WASHDC
BT
S E C R E T TEHRAN 09933

ROGER CHANNEL

[illegible] ADS 2 8/9/99 (LAINGEN, L. B.) OR-M
TAGS: PINR
SUBJ: SRF ASSIGNMENTS

CLASS: SECRET
CHRGE: STATE 8/9
APPRV: CHG:LBLAINGEN
DRFTD: CHG:LBLAINGEN/BJE
CLEAR: NONE
DISTR: CHG

REF: STATE 202249 AND 202252

1. S - ENTIRE TEXT

2. I CONCUR IN ASSIGNMENTS MALCOLM KALP AND WILLIAM DAUGHERTY AS DESCRIBED REFTELS.

3. WITH OPPORTUNITY AVAILABLE TO US IN THE SENSE THAT WE ARE STARTING FROM A CLEAN SLATE IN SRF COVERAGE AT THIS MISSION, BUT WITH REGARD ALSO FOR THE GREAT SENSITIVITY LOCALLY TO ANY HINT OF CIA ACTIVITY, IT IS OF THE HIGHEST IMPORTANCE THAT COVER BE THE BEST WE CAN COME UP WITH. HENCE THERE IS NO QUESTION AS TO THE NEED FOR SECOND AND THIRD SECRETARY TITLES FOR THESE TWO OFFICERS. WE MUST HAVE IT.

4. I BELIEVE COVER ARRANGEMENTS IN TERMS OF ASSIGNMENTS WITHIN EMBASSY ARE APPROPRIATE TO PRESENT OVERALL STAFFING PATTERN. WE SHOULD HOWEVER HOLD TO THE PRESENT TOTAL OF FOUR SRF OFFICER ASSIGNMENTS FOR THE FORESEEABLE FUTURE, KEEPING SUPPORTING STAFF AS SPARSE AS POSSIBLE AS WELL, UNTIL WE SEE HOW THINGS GO HERE.

5. WE ARE MAKING EFFORT TO LIMIT KNOWLEDGE WITHIN EMB OF ALL SRF ASSIGNMENTS; THAT EFFORT APPLIES PARTICULARLY TO DAUGHERTY, PURSUANT TO NEW PROGRAM OF WHICH HE IS A PRODUCT AND ABOUT WHICH I HAVE BEEN INFORMED.

6. I SUPPOSE I NEED NOT MIND THE DEPARTMENT THAT THE OLD AND APPARENTLY INSOLUBLE PROBLEM OF R DESIGNATION FOR SRF OFFICERS WILL INEVITABLY COMPLICATE AND TO SOME DEGREE WEAKEN OUR COVER EFFORTS LOCALLY, NO MATTER HOW MUCH WE WORK AT IT. LAINGEN
BT
#9933

NNNN SECRET TEHRAN 9933

سند بعدی ، اعترافات «آهرن» است که در مطبوعات تهران در ژوئیه ۱۹۸۰ به چاپ رسید ، و روزنامهٔ «آزادگان» یکی از روزنامه‌های صبح ، آنرا منتشر کرد. ترجمهٔ اعترافات، توسط سرویسی به‌نام «شعله»[1] صورت گرفت. توجه داشته باشید که «آهرن» دربارهٔ استفاده از کلمات رمز در ارتباطات داخلی سیا صحبت کرده و همکاران ایرانی «سیا» را به دانشجویان تصرف‌کننده سفارت ، معرفی کرده است.

این اعترافات ، آشکارا چکیده‌ای از یك نسخه رونوشت بزرگتر است ،

1 — The Flame

که تلاش برای به دست آوردن آن با شکست مواجه شد. امیرانتظام ، که «آهرن» از او با عنوان «SDPROBE» (اسم رمز داخلی سیا) نام می‌برد، معاون نخست‌وزیر ایران ، در اولین دولت انقلابی به ریاست مهدی بازرگان بود. متن اعترافات بصورت مصاحبه، چنین است:

آزادگان: دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، با یکی از جاسوسان امریکایی در ارتباط با امیرانتظام، قشقایی و مدنی، مصاحبه‌ای انجام دادند که بشرح زیر است:

سئوال: دربارهٔ فعالیتها وعملیات خودتان توضیحات بیشتری بدهید...؟

آهرن: هر افسر سیا، مسئولیت برقراری تماس با تعدادی از منابع و کسب اطلاعات لازم را به‌عهده داشت. این کار بیشتر از طریق ملاقاتهای مستقیم با منابع صورت می‌گرفت.

سئوال: چگونه ترتیب ملاقاتها را می‌دادید؟

آهرن: معمولا ترتیب ملاقاتها قبلا داده می‌شد، یعنی اینکه در هر ملاقاتی، تاریخ و محل ملاقات بعدی مشخص می‌شد.

سئوال: آیا شما اسم رمز داشتید؟

آهرن: بلــه.

سئوال: آیا اسم رمز شما «پنگوئن[1]» بود؟ (این نزدیکترین کلمه‌ای است که برای ترجمهٔ فارسی کلمه برگزیدیم- ناشر انگلیسی کتاب).

آهرن: بله درست است.

سئوال: آیا منابع شما نیز اسم رمز داشتند؟

آهرن: بله، این هم درست است.

سئوال: پنگوئن، مسئول چه منابعی بود؟

آهرن: منابع او عبارت بودند از: «روتور[2]» «پروب[3]» ترامپ[4]» و منبع دیگر او «ژنیوس ۱۳[5]».

سئوال: مسئول چهار منبع فوق، شما بودید؟

آهرن: بله، من بودم.

سئوال: پس شما شخصاً مسئول چهار منبع فوق بودید؟

آهرن: بله درست است.

سئوال: یك چیز را برایمان شرح دهید، نام تمامی اینهایی که بـا کلمه «S» و «D» آغاز می‌شود، معنی کلمات S و D چیست؟

آهرن: این دو کلمه نشان می‌دهد که شخص منبع یا فعالیت مورد نظر در رابطه با ایران است.

سئوال: اما به معنی این نیست که حتماً ایرانی باشند؟

آهرن: نه، به این معنی نیست.

---

1 — Penguin   2 — Rotor   3 — Probe   4 — Tramp   5 — Genius

سئوال: آیا چهار منبعی که با شما تماس داشتند، ایرانی بودند؟
آهرن: بلـه.
سئوال: هر چهار نفر ایرانی بودند؟
آهرن: باید، برای اطمینان از این مسئله، فکر کنم. بله، مطمئنـم که ایرانی بودند.
سئوال: آیا کشورهای دیگر نیز دو کلمه مخصوص به کشور خود، در این مورد دارند؟
آهرن: بله دارند.
سئوال: خوب، پس همه ایرانی بودند؟
آهرن: بله درست است.
سئوال: شما چه مأموریتهایی برای هریك از این منابع معین کردید، از آنها با اسم رمز نام ببرید.
آهرن: در رابطه با «SD پروب»، در مرحلهٔ اول به کسب اطلاعات و تهیهٔ گزارش در مورد جلسات مجلس خبرگان علاقه داشتم، در رابطه با «SD ترامپ»، از آنجایی که اشخاص گوناگونی را مـی‌شنـاخت از او تقاضاهای بیشتری کردیم، از اطلاعاتی دربارهٔ بیوگرافی افراد در رابطه با دولت و رهبران انقلاب گرفته تا اطلاعاتی در مورد کردستان و گزارشهای مختصر دربارهٔ رهبری و روحیهٔ نیروهای مسلح. اینها نکاتی است که حالا می‌توانم به‌خاطر آورم.
سئوال: دربارهٔ منابع دیگر چه؟
آهرن: «SDروتور» معمولا دربارهٔ یکی از اقلیتهای نژادی گزارش می‌داد... روتور در مورد اوضاع امنیتی یکی از قبایل مناطق قبیله‌ای و روابطشان با مقامات محلی و دولت مرکزی گزارش می‌داد.
سئوال: پس در اینصورت SD روتور می‌دانست که مأمور «سیا» ست؟ آیا شما پولی به او پرداختید؟ اگر نه، پس انگیزه‌های او برای برقراری تماس با سیا چه بود؟
آهرن: به‌نظر من، او می‌دانست که من نمایندهٔ سازمان «سیا» هستم، من چیزی به او نپرداختم. در رابطه با دلیل آمادگی‌اش برای تماس با ما، به‌خاطر نمی‌آورم که در این باره با هم بحثی کرده باشیم. در پرونده اشارهٔ خاصی به انتظارات قطعی او از تماسش با من و دیگر مأمـوران سیا، که قبل از من کار می‌کردند نرفته است.
سئوال: به‌نظر شما انگیزهٔ او از تماس با سیا چه بود؟
آهرن: فکر می‌کنم او به برقراری تماس مخفی با دولت امریکـا علاقمند بود، و این تماسش نیز شامل نوعی ارتباط با سیا می‌شد، نمی‌دانم انگیزه‌اش چه بود. دارم حدس می‌زنم، زیرا هرگز در این باره با هـم بحث نکردیم. به‌هرحال، رهبران قبایل بیش از دیگران دوست دارند از طریق یك چنین تماسهایی به آنان اطمینان داده شود.

سئوال: خوب، حالا بیاییم برسر این روزنامه. آیا «روتور٤» می‌دانست هدف روزنامه‌ای که شما قصد به راه انداختنش را داشتید چیست، و منافع امریکا در این روزنامه کدام است؟

آهرن: نه، مگر شما هنوز... (در اینجا متن سند قابل خواندن نیست ــ مؤلف) با روتور صحبت نکرده‌اید؟ این مسئله را برای او مطرح نکردیم، او در مورد علاقهٔ من و واشنگتن به کاری که می‌خواست انجام دهد، با خبر بود، اما، به‌دلیل تأخیرهای مکرر او، بحث در این مورد را عمداً به تعویق می‌انداختم. تا اینکه به ذهنم آمد که در حقیقت می‌توان در مورد روزنامه صحبت کرد.

سئوال: او با چه کسی می‌خواست این روزنامه را منتشر کند؟

آهرن: با چه کسی؟

آهرن: می‌دانم که این مسئله را با «دریادار مدنی» مطرح کرده بود، اما نمی‌دانم آیا تصمیم داشت مدنی شریك و همکار ما شود و یا اینکه مدنی قرار بود نقشی به‌عهده داشته باشد یا نه، یادم می‌آید که روتور یکبار در این رابطه به «دریادار مدنی» اشاره کرد، حداقل، آنها دربارهٔ این مسئله، با هم بحث کرده بودند.

سئوال: آیا در این راه، «مدنی» سد و مانع شما بود؟

آهرن: چه، او چه بود؟

سئوال: مانع، مشکل.

آهرن: نه، تا آنجا که می‌دانم نبود، برعکس، تا آنجا که از روتور شنیدم، مدنی، حداقل او را برای انتشار این روزنامه تشویق می‌کرد، حالا، اینکه او حاضر بود فعالانه درگیر ماجرا شود یا نه، مطمئن نبودم، اما هرگز مدنی را به‌عنوان مانع، سرراه این طرح به‌حساب نیاوردم.

سئوال: بگذارید برویم سر اسمها.

آهرن: یعنی نام منابع و افرادی که با آنها تماس داشتند؟

سئوال: «SD پروب» کیست؟

آهرن: «SD پروب»، امیرانتظام است.

سئوال: «SD روتور» کیست؟

آهرن: خسرو قشقایی.

سئوال: خوب، این(۱)...

هنگام تسخیرسفارت آمریکا درتهران، دانشجویان ایرانی اسناد ساختگی هویت آهرن را به‌دست آوردند. ایــن اسناد درمطبوعات منتشرشد وشامل یك گذرنامه بلژیکی دربردارنده عکس «آهرن» با نام «پل‌تی‌مرمنز» به‌عنوان حامل

۱ـ سؤال‌کننده (روزنامه‌آزادگان) ظاهراً می‌خواهد نام یکی دیگرازمنابع را بپرسد که سؤالش درکتاب نیمه تمام‌مانده است. وشاید هم سند به‌دست آمده همین مقدارازمصاحبه را دربردارد ــ م.

گذرنامه می‌شد.

سند بعدی دستورات سیا به «آهرن» است. در مورد چگونگی استفاده از جعل وتحریف اسناد نام آهرن را روی گذرنامه نمی‌بینند، اما اگـــر گزارشهایی را که درست بعد از تصرف سفارت آمریکا در تهران در ۱۹۷۹ تهیه شد، بررسی کنید، خواهید دید که ایرانی‌ها عکسی را در گذرنامهٔ بلژیك منتشر کردند که عکس آهرن بود.

صفحاتی که به او در مورد چگونگی استفاده از گذرنامهٔ جعلی دستور می‌دهد ، طرز استفاده از مهرهای کوچك برای چاپ تاریخهای ورود و خروج جعلی از فرودگاه تهران در گذرنامه را نیز به او می‌آموزد. گذرنامه جعلی ، سفرهای او را در ۱۹۷۷ و ۱۹۷۸ به مادرید ، دهلی‌نو ، هلسینکی ، لیسبون و آتن برای افزایش اعتبارش نشان می‌دهد. به گواهی واکسیناسیون بین‌المللی جعلی ، در این گذرنامه جعلی نیز توجه کنید.

SECRET

PAGE 1

COVER CONSIDERATIONS

ACCORDING TO PERSONAL DATA IN YOUR PASSPORT, YOU ARE SINGLE, WERE BORN IN ANTWERP, BELGIUM 08JUL34, HAVE BLUE EYES, HAVE NO DISTINGUSHING CHARACTERISTICS, AND ARE APPROXIMATELY 1.88 METERS TALL. YOUR COVER OCCUPATION IS THAT OF A COMMERCIAL BUSINESS REPRESENTATIVE.

IT IS NOT UNCOMMON TO FIND A BELGIAN WHOSE NATIVE LANGUAGE IS FLEMISH LIVING IN A NOMINALLY FRENCH-SPEAKING SECTION OF BELGIUM, SUCH AS JETTE. YOU CAN SAY THAT YOU WERE BORN IN ANTWERP, BEGAN WORK WITH A COMPANY WITH A REGIONAL OFFICE IN ANTWERP, THEN WAS TRANSFERRED TO THE MAIN OFFICES IN BRUSSELS. DESPITE THE FACT IT IS ONLY ABOUT 90 MINUTES DRIVING TIME BETWEEN BRUSSELS AND ANTWERP, YOU DECIDED TO LIVE IN ONE OF THE SUBURBS OF BRUSSELS, JETTE. THIS WOULD EXPLAIN THE ISSUANCE LOCALE OF YOUR DOCUMENTATION. WORKING FROM YOUR BRUSSELS BASE, YOU HAVE TRAVELLED IN EUROPE ON BUSINESS IN THE PAST (AS REFLECTED IN YOUR PASSPORT) AND ARE NOW ASSIGNED TO THE MIDDLE EAST SECTION OF YOUR COMPANY. YOUR NON-BACKSTOPPED ADDRESS IN JETTE IS 174 AVENUE DE JETTE, JETTE, BELGIUM.

NITS-8792

SECRET

SECRET

PAGE 2

INSTRUCTIONS FOR ACTIVATING PASSPORT

YOUR BELGIAN PASSPORT $N745653 WAS OSTENSIBLY ISSUED IN JETTE, BELGIUM (A SUBURB OF BRUSSELS) ON 16 MARCH 1977, WAS REVALIDATED IN JETTE ON 15 MARCH 1978, AND IS SET TO EXPIRE ON 14 MARCH 1982.

TO ENHANCE ITS VALIDITY, THE FOLLOWING BACK TRAVEL WAS ADDED: A TRIP TO MADRID, SPAIN IN APRIL 1977; A TRIP TO LISBON, PORTUGAL IN AUGUST 1977; A TRIP TO DELHI, INDIA IN JANUARY 1978; A TRIP TO MADRID, SPAIN IN MARCH 1978; A TRIP TO HELSINKI, FINLAND IN JUNE 1978; AND A TRIP TO ATHENS, GREECE IN NOVEMBER 1978.

UNDER CURRENT (AUGUST 1979) REGULATIONS, A BELGIAN DOES NOT NEED A VISA TO ENTER IRAN; INSTEAD, HE WOULD BE LIMITED TO A STAY OF NINETY (90) DAYS. TO ACTIVATE THIS PASSPORT YOU WILL HAVE TO ENTER OSTENSIBLE ENTRY AND EXIT CACHET IMPRESSIONS INTO THE PASSPORT. FIRST YOU MUST ASCERTAIN WHICH CALENDAR SYSTEM WAS IN USE FOR YOUR OSTENSIBLE ENTRY AND/OR EXIT DATES. WOLOCK HAS SEEN THREE VERSIONS: 1) USING THE PERSIAN CALENDAR; 2) USING THE MOSLEM CALENDAR BUT WITH THE LAST TWO DIGITS OF THE YEAR ONLY; AND 3) USING THE MOSLEM CALENDAR AND USING THE FULL FOUR DIGITS OF THE YEAR.

N/TS-8792

SECRET

Facsimile

SECRET

PAGE 3

IF THE PERSIAN CALENDAR IS IN USE, USE THE ENTRY/EXIT CACHET MOUNTED ON WOODEN BLOCKS IN CONJUNCTION WITH THE "PERSIAN CALENDAR" DATE CHIPS. SELECT A CORRECT DATE AND SET THE CHIPS INTO THE CUT-OUT PORTION OF THE CACHET(S). USING THE #280 INK PAD FOR AND ENTRIES OR THE #295 INK PAD FOR ANY EXITS, INK THE CACHET(S) WITH THE DATE CHIPS SET IN, THEN MAKE AN IMPRESSION INTO THE PASSPORT.

FOR THE MOSLEM CALENDAR SYSTEMS, YOU WILL FIRST IMPRESS THE DATE USING THE BANDED DATERS, THEN USE THE ENTRY/EXIT CACHET MOUNTED ON THE CLEAR PLASTIC. FIRST, SELECT THE CORRECT BANDED DATED (EITHER TWO-DIGIT YEAR OR FOUR-DIGIT YEAR) AND THE CORRECT INK PAD (#280 FOR ENTRIES, #295 FOR EXITS), THEN ENTER THE DATE INTO THE PASSPORT. THEN, INK THE CORRECT CACHET (EITHER ENTRY OR EXIT) IN THE CORRECT PAD, AND ENTER THIS IMPRESSION

SO THAT THE DATE APPEARS MORE OR LESS CENTERED IN THE IMPRESSION. PEER THROUGH THE PLASTIC TO ASSURE THE DATE IS CORRECTLY PLACED. PLEASE SEE PAGE 4 FOR MOCK-UPS AND EXEMPLARS.

SHOULD YOU NOTICE ANY CHANGES, EITHER IN THE CACHET STYLES OR INK COLORS, SEND COLOR EXPOSURES TO EZNOVA, WITH SCALE AND COLOR PATCH INCLUDED IN EACH PHOTO: EZNOVA WILL THEN REPRODUCE THE NEEDED MATERIAL AND FORWARD IT/THEN TO YOU.

NITS8792

SECRET

PAGE 3A

YOUR CACHET IMPRESSIONS SHOULD BE fairly LEGIBLE—~~[illegible] SHARP [illegible]~~. PRACTICE ON THE ENCLOSED PAPER UNTIL YOU FEEL ABLE TO ADD THE CACHETS INTO THE PASSPORT.

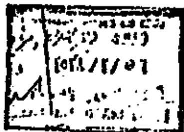
N.B.: SINCE MEHRABAD ENTRY AND EXIT CACHETS EACH HAVE A DIFFERENT INSPECTOR NUMBER AND IS WOULD BE MOST UNLIKELY THAT A TRAVELER WOULD HAVE THE SAME CACHET NUMBERS FOR CONSECUTIVE TRIPS, THE ATTACHED CACHETS SHOULD ONLY BE USED ONCE IN THE PASSPORT. CACHETS NEEDED FOR ADDITONAL IRANIAN ENTRY/EXITS SHOULD BE REQUESTED FROM EZNOVA OR THE DOCUMENT SHOULD BE FORWARDED THERE FOR UPDATING.

SECRET

PAGE 4

— 22 —

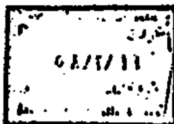
VISAS — VISA — SICHTVERMERKE — VISAS



EXEMPLAR
ENTRY CACHET WITH PERSIAN YEAR

— 23 —

VISAS — VISA — SICHTVERMERKE — VISAS



EXEMPLAR
EXIT CACHET WITH MOSLEM YEAR AND USING ONLY LAST TWO DIGITS

SECRET PAGE 5

— 10 —
VISAS — VISA — SICHTVERMERKE — VISAS

— 10 —
VISAS — VISA — SICHTVERMERKE — VISAS

NATIONAL POLICE OF IRAN
ENTRY
۱ ۲ /۱۱/ ۱۳۱۲
فرودگاه مهرآباد - ۴۷
MEHRABAD AIR PORT

ΑΕΡΟΛΙΜΗΝ
ΑΘΗΝΩΝ
24 NOV 1978
ΕΞΟΔΟΣ

NATIONAL POLICE OF IRAN
DEPARTURE خروج
۱ ۲ /۱۱/ ۱۳۱۲
فرودگاه مهرآباد - ۴۲
MEHRABAD AIR PORT

MOCK-UP
ENTRY AND EXIT CACHETS WITH FOUR
DIGIT MOSLEM YEAR

[Nachgemachte Einreise- und Ausreise-Siegel mit vierstelliger islamischer Jahresangabe]

SECRET

NITS-8792

SECRET

PAGE 6

— 18 —

VISAS — VISA — SICHTVERMERKE — VISAS

— 19 —

VISAS — VISA — SICHTVERMERKE — VISAS

MOCK-UP
ENTRY AND EXIT CACHETS WITH TWO
DIGIT MOSLEM YEAR

NITS-8792

SECRET

SECRET

PAGE 7

INSTRUCTIONS FOR THE INTERNATIONAL CERTIFICATE OF VACCINATION

CACHETS FOR OSTENSIBLE SMALLPOX, YELLOW FEVER, AND CHOLERA VACCINATIONS HAVE ALREADY BEEN ENTERED INTO THE SHOT RECORD. PLEASE SIGN IN ALIAS UNDERNEATH YOUR NAME FOR EACH SHOT.

THE SMALLPOX VACCINATION IS VALID FOR THREE YEARS: IT WILL BE RENEWED IN JULY 1982. PLEASE CONTACT EZNOVA OR WOLOCK IF YOU WILL NEED THE SHOT RECORD BEYOND THIS DATE.

THE YELLOW FEVER VACCINATION IS GOOD FOR TEN YEARS: NOTHING FURTHER HAS TO BE DONE FOR THIS VACCINATION.

THE CHOLERA VACCINATION IS VALID FOR ONLY SIX MONTHS. NEW CACHET ENTRIES WILL HAVE TO BE MADE, BEGINNING IN JANUARY 1980. CONSULTING THE MOCK-UP (OVERLEAF) USE THE "DR R. COOSEMANS" AND "OSSOM-FI" CACHETS AND REFLEX BLUE INK PAD. USING ANY BALL POINT OR WET INK PEN, ENTER A SUITABLE DATE USING A DAY-MONTH-YEAR ORDE (WITH THE MONTH IN ROMAN NUMERALS) AND SIGN ABOVE THE DOCTOR'S NAME CACHET. UPDATE THE CHOLERA VACCINATION AS NEEDED EVERY SIX MONTHS, USING THE SAME CACHETS AND INK PAD. REMEMBER, YOU WILL OSTENSIBLY GET THESE SHOTS IN BELGIUM, AND YOUR PASSPORT SHOULD NOT SHOW YOU IN IRAN WHEN YOU UPDATE YOUR CHOLERA SHOT.

SECRET

NITS-8792

SECRET

PAGE 8

INTERNATIONAL CERTIFICATE OF VACCINATION OR REVACCINATION AGAINST CHOLERA

CERTIFICAT INTERNATIONAL DE VACCINATION OU DE REVACCINATION CONTRE LE CHOLÉRA

This is to certify that / Je soussigné(e) certifie que PAUL TIMMERMANS date of birth / né(e) le 8-7-1934 sex / sexe M
whose signature follows / dont la signature suit Paul Timmermans
has on the date indicated been vaccinated or revaccinated against cholera.
a été vacciné(e) ou revacciné(e) contre le choléra à la date indiquée.

Date	Signature and professional status of vaccinator / Signature et qualité professionnelle du vaccinateur	Approved stamp / Cachet d'authentification	
1 02-VII-79	Dr. DE WIELE M.D. ANVERS	1 [stamp]	2 [stamp]
2 20-VII-79	Dr R. ... 31, ...		
3		3	4
4			
5		5	6
6			
7		7	8
8			

Continued overleaf / Suite au verso

SECRET NITS-8792

اسنادی که در صفحات بعد بررسی می‌شود ، نسخه‌های فتوکپی شده‌ای از جعل اسناد است که برای فرد دومی درایستگاه سیا درتهران به‌نام «جرج اوکیفه»[1] فرستاده شده است. اولین صفحه ، پاکت اسناد جعلی ارسال شده را نشان می‌دهد و همانطور که می‌بینید قسمت عمدهٔ آن سوخته شده است. احتمالا هنگام اشغال سفارت ، این پاکت به داخل کوره کوچك کاغذسوزی انداخته شده است. پاکت فوق از دفتر سیا در فرانکفورت فرستاده شده و این را شما می‌توانید از روی کلمهٔ « OTS/Frankfust » بفهمید. کلمهٔ OTS احتمالا از اول حروف جملهٔ «اداره خدمات تکنیکی»[2] گرفته شده‌است.

صفحهٔ دوم پیام سیا را نشان می‌دهد که به شرح ارسال اسناد جعلی به ایستگاه تهران پرداخته‌است. یکی از اسناد، گذرنامهٔ کشور جمهوری فدرال آلمان است که به فلان شماره ، در «هانور» صادر شده ، سند دیگر گواهینامهٔ یك رانندهٔ آلمان غربی و سند بعدی یك گواهینامهٔ رانندگی بین‌المللی آلمان‌غربی را نشان می‌دهد. این اسناد به‌نام «ژوزف اشنایدر»[3] صادرشده است. اسم واقعی این مرد «جرج اوکیفه» است. اما، دراسناد «اشنایدر» نوشته شده است.

متاسفم ، مثل اینکه قاطی‌شد. اولین سند بعد از متن پیام ، گواهینامهٔ رانندگی آلمان‌غربی است که به‌نام واقعی «جرج‌اوکیفه» صادر شده است. این سند نباید در داخل پاکت حاوی اسناد جعلی بوده باشد، اما احتمالا دانشجویان مبارز ایرانی آنرا یافته و داخل اسناد جعلی گذاشته‌اند تا نشان دهند که عکسهای روی اسناد جعلی مربوط به «جرج‌اوکیفه» است. دقت کنید و ببینید که آدرس سال ۱۹۷۶ اوکیفه «هامبورگ اوریکلشیتگ‌یك»[4] است. چکی که به این آدرس فرستاده شده فاش می‌کند که اوکیفه تا حدود ژوئن سال ۱۹۷۸ در آنجا زندگی می‌کرده و قرارداد آپارتمان او به‌نام سرکنسول ایالات متحده در هامبورگ نوشته شده است.

این مسئله به سادگی تاییدمی‌کند که سیا ، دارای دفتری درکنسولگری فوق بوده‌است. اسناد بعدی (بعد از سند رانندگی با اسم حقیقی او) اسناد ساختگی است که به‌نام «ژوزف‌اشنایدر» صادر شده، که اوکیفه در آنها سال تولد حقیقی خود را نوشته ، با این تفاوت که ترکیب روز و ماه را برعکس کرده است.

1 — Georje O'keefe
2 — Office of Technical Service
3 — Josef Schneider
4 — Aurikelestieg 1. Hamburg

بدین‌ترتیب شما دومین مورد جعل اسناد را که اخیرا صورت گرفته ، در رابطه با یك گذرنامهٔ آلمان‌غربی مشاهده می‌کنید. برای این، اسناد مذکور را نشانتان دادم، تا تاییدی باشد براینکه هنوز سیا به جعل اسناد مشغول است با ماموریت ایگل‌برگر به آلمان‌غربی و سپس رفتن او به بلژیك، برای متقاعدکردن این دولت به تبعیت از سیاست آمریکا و با جعل گذرنامه‌های افراد، تعجبی ندارد‌که سیا جان همه اتباع بلژیکی وآلمان غربی را درایران به‌خطراندازد. اما سیا نتوانست از این اسناد نگهداری کند. اسناد ، به دست دانشجویان افتاد و منتشر شد، و حالا ممکن است هرفرد بلژیکی و آلمان‌غربی در ایران به‌عنوان جاسوس پوششی «سیا» مورد سوء‌ظن قرار بگیرد. به‌نظر من ، این نوعی گستاخی است که بعد از اینکه اتباع کشوری را به این طریق به خطر بیندازند، تقاضای کمك کنند.

SECRET

6 AUGUST 1979

COS/TEHRAN

OTS/FRANKFURT

SECRET

DISPATCH | SECRET

Chief of Station, Tehran

C/NE; C/EZVIVID; COS, Germany; C/WOGAME; D/WOLOCX/GAD

Chief, EZNOVA

TECHS LPGAMIN - Transmittal of Alias Documentation for JAUMOTTE

REF: DIRECTOR 461951

WARNING NOTICE - SENSITIVE INTELLIGENCE SOURCES & METHODS INVOLVED

1. Forwarded USC/TNP and preceding this dispatch are the following backstopped FRG documents for JAUMOTTE in alias number 203472:

A. FRG passport number D1797931 issued in Hannover on 21 March 1973 and revalidated on 13 July 1979. Document is valid until 21 March 1983. Prior travel per ref request has been entered.

B. FRG internal driver's license number 9941/79 issued in Hannover on 16 July 1979 and valid indefinitely.

C. FRG International Driving Permit issued Hannover on 24 July 1979 and valid for one year.

2. A non-backstopped Hannover address is shown on the driver's license.

3. Forwarded as attachment number two, herewith is cachet kit containing inks, cachets, date chips and instructions. Please monitor Tehran entry and exit cachets and advise EZNOVA if ink color and/or dating system changes. (Germans may remain up to 3 months without visa, so JAUMOTTE must be stamped out within 3 months of his ostensible entry.)

4. These documents should be returned to EZNOVA when no longer needed. EZNOVA should be notified if for any reason they cannot be returned. Per DOI-F 240-10, any loss, theft or compromise (actual or presumed) should be reported to EZNOVA.

Attachments:
#1 - One Envelope, USC/TNP & Preceding
#2 - One Envelope, H/W

Alan J. WAGLUND

RVW6AUG99,
DRV D9c.2.

Distribution:
2 - COS, Tehran, w/att a/s
2 - C/NE, w/o att
2 - C/EZVIVID, w/o att
2 - COS, Germany, w/o att
2 - C/WOGAME, w/o att
2 - D/WOLOCX/GAD, w/o att

EGTT-22411 | 6 AUGUST 1979

SECRET

(Raum für weitere amtliche Eintragungen, insbesondere über Bedingungen der Erlaubnis oder die Ausdehnung der Erlaubnis nach Ergänzungsprüfungen)

Führerschein

für

Herrn Frau Fräulein Georg O'Keefe

geboren am 7. August 1942

in Boston/Massachusetts

wohnhaft in HAMBURG 60

Aurikelstieg 1

Straße, Nr.

134.81/10 Formularverlag W. Kohlhammer
122/008 Deutscher Gemeindeverlag GmbH
PV 812-83-11.74

Herr Frau Fräulein O'Keefe

erhält die Erlaubnis, ~~nach Ablegung der Prüfung~~*) ein Kraftfahrzeug mit Antrieb durch Verbrennungsmaschine der Klasse ~~eins~~ ~~zwei~~ drei ~~vier~~*) zu führen.

Hamburg, den 5. Juli 197[illegible]

Freie und Hansestadt Hamburg
Behörde für Inneres
Polizei

(Stempel)

(Unterschrift)

Liste Nr. 60041/76

*) Nichtzutreffendes ist zu streichen

Vermerk des amtlich anerkannten Sachverständigen oder Prüfers für den Kraftfahrzeugverkehr*)**)

Nach bestandener Prüfung ausgehändigt

Hamburg, den

Der amtlich anerkannte Sachverständige/Prüfer*) für den Kraftfahrzeugverkehr

(Unterschrift)

Liste Nr.

*) Nichtzutreffendes ist zu streichen.
**) Bei Führerscheinen der Klasse 4, bei erneuter Erteilung nach Entziehung der Fahrerlaubnis und in den Fällen des § 10 Abs. 3 und § 14 Abs. 3 StVZO ist dieser Vermerk gegebenenfalls zu streichen.

Stempel

Eigenhändige Unterschrift des Inhabers:

Georg O'Keefe

BUNDESREPUBLIK DEUTSCHLAND
FEDERAL REPUBLIC OF GERMANY
REPUBLIQUE FEDERALE D'ALLEMAGNE

REISEPASS
PASSPORT
PASSEPORT
Nr. D 1797931

SCHNEIDER
Name des Paßinhabers / Name of bearer / Nom du titulaire

JOSEF MARKUS
Vornamen / Christian names / Prénoms

Der Inhaber dieses Passes ist Deutscher
The holder of this passport is a German

10702

Dieser Paß enthält 32 Seiten / This passport contains 32 pages / Ce passeport contient 32 pages

PERSONENBESCHREIBUNG
DESCRIPTION
SIGNALEMENT

Geburtsort / Place of birth / Lieu de naissance: FREIBURG I. BR.
Geburtstag / Date of birth / Date de naissance: 08. JULI 1942
Wohnort / Residence / Domicile: HANNOVER
Gesichtsform / Shape of face / Visage: OVAL
Farbe der Augen / Colour of eyes / Couleur des yeux: GRÜN
Größe / Height / Taille: 175
Besondere Kennzeichen / Distinguishing marks / Signes particuliers: KEINE

Nr. D 1797931

2

Josef M Schneider
Unterschrift des Paßinhabers / Signature of bearer / Signature du titulaire

Hannover 21. März 1973

Nr. D 1797931

3

(Raum für weitere amtliche Eintragungen, insbesondere über Bedingungen der Erlaubnis oder die Ausdehnung der Erlaubnis nach Ergänzungsprüfungen)
Dieser Führerschein wurde ausgestellt an Stelle einer verlorenen ... Urschrift, die am 8.3.72 Kl. 3
von Hannover
ausgefertigt war.

Ersatz
Führerschein

Herrn Josef ... Schneider
geboren am ... Juli 1950
in ... Freiburg

wohnhaft in 3000 HANNOVER
Straße Schwalenberger Str. 5

Herr Josef Markus Schneider
erhält die Erlaubnis, nach Ablegung der Prüfung *) ein Kraftfahrzeug mit Antrieb durch
Verbrennungsmaschine
der Klasse eins – zwei – drei – vier *)
zu führen.
16. JULI 1979
3000 Hannover, den ... 19...
Landeshauptstadt Hannover
Ordnungsamt
Der Oberstadtdirektor
Liste Nr. 2941/79
Unterschrift

Vermerk des amtlich anerkannten Sachverständigen oder Prüfers für den Kraftfahrzeugverkehr. *) **)
Nach bestandener Prüfung ausgehändigt
3000 Hannover, den ... 19...
(Der amtlich anerkannte Sachverständige oder Prüfer *) für den Kraftfahrzeugverkehr)
Unterschrift

Eigenhändige Unterschrift des Inhabers:
Josef M Schneider

DEUTSCHLAND
Internationaler Kraftfahrzeugverkehr

Internationaler Führerschein

Internationales Abkommen vom April 1926

Ausstellung des Scheins

Ort: Hannover,

Tag

Landeshauptstadt Hannover
Der Oberstadtdirektor

A	B	C

Schneider
Josef Markus
Freiburg i.Br.

Angaben über den Inhaber

Schneider
Josef Markus
Freiburg i.Br.

سند بعدی نسخهٔ یادداشت سفارت آمریکا (در تهران ــ م) به وزارت خارجه ایران است که ضمن اعلام ورود «اوکیفه» در ژوئن ۱۹۷۹ تقاضای صدوریك معرفی دیپلماتیك به‌نام او شده است. (در سطر پنجم یادداشت مذکور که قابل خواندن نیست، نوشته شده : «آقای اوکیفه دبیر دوم این سفارت متاهل‌است»).

No. P-148

The Embassy of the United States of America presents its compliments to the Islamic Republic's Ministry of Foreign Affairs and has the honor to inform the Ministry that Mr. George E. O'Keefe arrived Tehran on June 23, 1979 and assumed his duties [illegible]

Mr. O'Keefe's name should be added to the Diplomatic list taking precedence among officers of the Embassy immediately following Mr. Michael J. Metrinko, Second Secretary.

The Embassy has the honor to request the Ministry to register and authorize the issuance of a diplomatic identity card for Mr. O'Keefe, holder of Diplomatic Passport No. X140786.

The Embassy avails itself of this opportunity to renew to the Ministry the assurances of its highest consideration.



Enclosures: Passport and photographs.

Embassy of the United States of America

Tehran, July 2, 1979

مسئله شگفت ، در رابطه با «اوکیفه» در اینجاست که او علاوه‌بر نام حقیقی‌اش یعنی «جرج‌اوکیفه» ، و نام ساختگی‌اش «ژوزف‌اشنایدر» ، نام سوم دیگری نیز دارد که نام مخفی او در داخل «سیا» است. زیرا هر افسر عملیاتی «سیا» دارای یك نام رمزی برای استفادهٔ داخلی سازمان است. در این مورد، نام رمزی اوکیفه ، «جاموت»[1] است. اگر به پیام سیا نگاه کنید زیر عنوان subjcet (موضوع پیام) به این‌جمله برمی‌خورید :

«ارسال سند ، آلیاس برای جاموت»[2]. جاموت، نام مستعار مورد استفادهٔ او در داخل «سیا» است و به اهمیت این مسئله ، در سند بعدی ، پی برده خواهدشد. این سند، حاوی پیام سیا ازمراکزسازمان درلانگلی ویرجینیا به‌دفتــر

1 — Jaumotte
2 — Transmittal of Alias Ducumentation for Jaumotte

300CT79 04 30z

SECRET 292327Z OCT 79 STAFF

CITE DIRECTOR 541893.

TO: PRIORITY FR/NEW YORK, INFO TEHRAN, FR/LOS ANGELES.

WNINTEL AJAJA FORRES SDPLATER

REF: DIRECTOR 540716

1. JAUMOTTE WILL ARRIVE NEW YORK MORNING 31 OCTOBER FOR INTRODUCTION SDPLATER/1.

2. PLEASE ADVISE CONTACT INSTRUCTIONS.

3. FILE 201-953302. RVW 290CT99 DRV DOC.1 ALL SECRET.

SECRET

BT

1304

SD = Iran
ON = France
Go = Kabul
CA = Comm

The next cable shows that the Iranian was not able to attend the meeting with O'Keefe because of a family problem.

1Nov79 04 43z

SECRET 312321Z OCT 79 STAFF

CITE FR/NEW YORK 57304

TO: IMMEDIATE DIRECTOR INFO TEHRAN, FR/LOS ANGELES.

WNINTEL AJAJA FORRES SDPLATER

REF DIRECTOR 541895

1. REF INTRODUCTION OF JAUMOTTE TO SDPLATER/1 (P/1) DID NOT TAKE PLACE DUE TO MEDICAL EMERGENCY ON PART OF P/1'S SISTER-IN-LAW'S DAUGHTER. P/1 AVAILABLE 1 NOV 79 UP TILL 1330 HOURS AFT 1330 HOURS. PER DISCUSSION WITH BASE, JAUMOTTE PREPARED RETURN NEW YORK 1 NOV 79. SUGGEST JAUMOTTE PLAN ARRIVE NEW YORK AT 1000 HOURS.

2. FILE: 201-963302. RVW 31OCT99 DRV DSC1

SECRET

BT

#7083

سازمان سیا در نیویورك به همراه نسخه‌هایی برای اطلاع ایستگاه «سیا» در تهران و دفتر سیا در لوس‌آنجلس است. در این سند، گفته شده که جاموت، یعنی همان اوکیفه، روز ۳۱ اکتبر ۱۹۷۹ برای ملاقات با مامور ایرانی که نام رمزش در داخل سیا « Soplayer/1 »است، وارد نیویورك می‌شود.

سند بعدی نشان می‌دهد که مامور ایرانی به‌دلیل مشکل خانوادگی نتوانست در سرقرار حاضر شود.

سند بعدی گزارش مخابره شده در مورد آموزشهایی است که اوکیفه به

(Copy---Ed. Note)

3 Nov 79

1. RE PARA FIVE REF B, SOPLAYER/1 (P/1) GIVEN TOTAL OF TEN HOURS OF TRADECRAFT TRAINING IN NEW YORK BY QUARANTA. INITIAL TWO HOUR BLOCK OF INSTRUCTION COVERED OPERATIONAL SECURITY (PERSONAL, PHYSICAL, WORK ENVIRONMENT) WITH PARTICULAR EMPHASIS ON TELEPHONE SECURITY AND METHODS OF AGENT COMMUNICATION. P/1 WAS GIVEN BRIEF INTRODUCTION ON THEORY OF LIVE DROPS, DEAD DROPS, BRUSH PASSES, CAR TOSSES, SW AND CAR PICKUPS. IT WAS NOTED TO S/1 THAT A SEPARATE BLOCK OF INSTRUCTION WOULD BE DEVOTED TO CAR PICKUPS AND CAR MEETINGS.

2. THREE HOUR BLOCK OF INSTRUCTION WAS DEVOTED TO OBSERVATION, ELICITATION AND REPORTS WRITING. TWO HOUR BLOCK WAS DEVOTED TO COMMUNICATION SYSTEMS (REGULAR, WARNING AND RESERVE) AND SAFETY/WARNING SIGNALS. AN HOUR AND ONE HALF BLOCK ON SURVEILLANCE (VEHICULAR, FOOT AND FIXED) AND COUNTERSURVEILLANCE. FINAL HOUR AND A HALF WAS DEVOTED TO CAR PICKUPS (FIXED POINT, FLOATING CONTACT, HEAD-ON APPROACH AND FOLLOW ME METHOD). GRAPHIC ILLUSTRATIONS WERE USED FOR AGENT COMMO AND TRADCRAFT SUBJECTS. AFTER BRIEFING PORTION OF CAR PICKUPS COMPLETED, RENTAL VEHICLE WAS USED FOR LIVE EXERCISE.

3. IN ALL ASPECTS OF TRAINING, P/1 EXHIBITED ABILITY TO GRASP QUICKLY AND RETAIN TEACHING POINTS. HE ALSO WAS NOT BASHFUL ABOUT ASKING FOR ADDITIONAL EXPLANATION OR CLARIFICATION. P/1 HAS GOOD MEMORY AND FULLY UNDERSTANDS AND ACCEPTS REASONING BEHIND CLANDESTINITY OF RELATIONSHI?. P/1 SHOWED KEEN INTEREST IN TRADECRAFT SUBJECTS AND WAS MOST RECEPTIVE TO OVERALL SCOPE OF TRAINING.

این جاسوس ایرانی و به یك افسر دیگر سیا داده است که احتمالا از دفتر آموزشی است. اسم رمز داخلی این افسر «کوارانتا»[۳] است. با خواندن این گزارش متوجه می‌شوید که آنها در این آموزشهای ده‌ساعته ، روی ارتباطات پنهانی و استفاده از ماشین سواری برای قرارهایشان تمرکز می‌کرده‌اند.

3Nov 75

S E C R E T 0219[illegible] NOV 75 STAFF

CITE [illegible]/NEW YORK 07577

TO: DIRECTOR INFO TEHRAN.

WNINTEL AJAJA [illegible] SDPIA[illegible]

REF A [illegible]/NEW YORK 07[illegible]
B [illegible]/NEW YORK 07[illegible]

1. [illegible] PARA FIVE REF B, [illegible] (P/1) GIVEN TOTAL OF TEN HOURS OF TRADECRAFT TRAINING IN NEW YORK BY QUARANTA. INITIAL TWO HOUR BLOCK OF INSTRUCTION COVERED OPERATIONAL SECURITY (PERSONAL, TELEPHONE, HOME ENVIRONMENT, WITH PARTICULAR EMPHASIS ON TELEPHONE SECURITY AND METHODS OF AGENT COMMUNICATION. P/1 WAS GIVEN BRIEF INTRODUCTION ON THEORY OF DEAD DROPS, LIVE DROPS, BRUSH PASSES, CAR TOSSES, SW AND CAR PICKUPS. IT WAS NOTED TO P/1 THAT A SEPARATE BLOCK OF INSTRUCTION WOULD BE DEVOTED TO CAR PICKUPS AND CAR MEETINGS.

2. [illegible] HOUR BLOCK OF INSTRUCTION WAS DEVOTED TO OBSERVATION, [illegible] AND [illegible]. [illegible] HOUR BLOCK WAS DEVOTED TO COMMUNICATION SYSTEMS (REGULAR, WARNING AND EMERGENCY AND SAFETY [illegible] SIGNALS. AN HOUR AND [illegible] BLOCK ON SURVEILLANCE (VEHICULAR, FOOT AND FIXED) AND COUNTERSURVEILLANCE. FINAL HOUR AND A HALF WAS DEVOTED TO CAR PICKUPS (FIXED POINT, [illegible] CONTACT, HEAD-ON APPROACH AND FOLLOW ME METHOD). GRAPHIC ILLUSTRATIONS WERE USED FOR AGENT COMMO AND TRADECRAFT SUBJECTS. AFTER BRIEFING PORTION OF CAR PICKUPS COMPLETED, RENTAL VEHICLE WAS USED FOR LIVE EXERCISE.

3. IN ALL ASPECTS OF TRAINING, P/1 EXHIBITED ABILITY TO GRASP QUICKLY AND RETAIN TEACHING POINTS. HE ALSO WAS NOT BASHFUL ABOUT ASKING FOR ADDITIONAL EXPLANATION OR CLARIFICATION. P/1 HAS GOOD MEMORY AND FULLY UNDERSTANDS AND ACCEPTS REASONING BEHIND CLANDESTINITY OF RELATIONSHIP. P/1 SEEMED [illegible] INTERESTED IN TRADECRAFT [illegible] AND [illegible] [illegible] TO OVERALL SCOPE OF TRAINING.

FILE: 201-[illegible]. [illegible] [illegible]

S [illegible] E T

2

---

3 — Quaranta

حالا سند دیگری از دفتر سیا در نیویورك داریم که فاش می‌کند مامور ایرانی در اوایل نوامبر به تهران بازگشته و در ۱۷ نوامبر برای اولین‌بار (در ایران—م) با اوکیفه ، که در ماشین پارك شده‌اش در خیابان نیکو منتظر است ، ملاقات می‌کند به سند توجه کنید که نشان می‌دهد مامور ایرانی يك حساب بانکی در هوستون تگزاس دارد و حقوق پرداختی سیا به او باید به این حساب واریز شود.

در پایان اشاره به این اسناد ساختگی اوکیفه ، این مسئله را بازگو می‌کنم. نام اوکیفه هرگز ، در میان نامهای گروگانهای آمریکایی در تهران برده‌نشد، زیرا همانطور که در این اسناد مشاهده می‌کنیداو از تهران به نیویورك بازگشته بود و به هنگام اشغال سفارت ، در آنجا وجود نداشت.

2 Nov 79 09 10Z

ECRET 0123C1Z NOV 79 STAFF

ITE FR/NEW YORK 57843

O: PRIORITY DIRECTOR, INFO TEHRAN.

WINTEL AJAJA FORRES SDPLAYER

EF A TEHRAN 54593
B FR/NEW YORK 57804

1. QUARANTA AND JAUMOTTE MET SDPLAYER/1 (S/1) IN OPS HOTEL ROOM N 1 NOV TO REVIEW CONTACT ARRANGEMENTS IN TEHRAN. FIRST MEETING LANNED FOR SATURDAY, 17 NOV, IN TEHRAN, ACCORDING TO REF A PLAN XCEPT THAT C/O WILL BE PARKED AT NIKU STREET.

2. S/1 REGRETTED THAT REF B MEDICAL PROBLEM WITH ACCOMPANYING ELATIVE HAD KEPT HIM FROM MEETING SCHEDULED FOR 31 OCTOBER.

3. S/1 ASKED WHAT ASSISTANCE WOULD BE GIVEN TO HIS WIFE ND CHILDREN IN EMERGENCY. C/O'S TOLD HIM WE WOULD TRY TO SSIST [illegible] MADE NO SPECIFIC COMMITMENTS.

4. S/1 HAS CHECKING ACCOUNT AT: CULLEN CENTER BANK AND RUST, BOX 1315, HOUSTON, TEXAS 77001. BANK NUMBER 11 300 9 40; ACCOUNT NUMBER 02 3042 1. HE ASKED THAT HIS SALARY AYMENTS BE SENT TO THIS ACCOUNT.

5. S/1 PLANS DEPART NEW YORK EVENING 2 NOV 79.

6. FILE: 201-963308. RVW 01 NOV99 DRV D9C1
ECRET

بخش ٤

مواردی از جعل اسناد و گزارش‌های جعلی مطبوعاتی توسط سیا

حالا مواردی ازجعل اسناد واطلاعات توسط سیا به‌منظور مرتبط ساختن شورویها یاکوباییها یا دیگرکشورهای سوسیالیست با جنبشهای چپ وسوسیالیست بومی را، برایتان ارائه می‌دهم. شما باید این موارد رانمونـه‌ای از صدهانمونهٔ دیگر درنظر بگیرید که بدون شك در سالهای گذشته توسط سیا انجام گـرفته است. این موارد را «کهنه» قلمداد نکنید، زیرا همانطورکه خواهید دید تمامـی آنها در زمان خود تأثیراتی به‌جا گذاشتند که اثرهایی کـه اکنون واشنگتن امیدوار است ازاسناد جاری دربارهٔ السالوادوربه‌جاگذاشته شود، قابل‌مقایسه‌است.

الف: حمله به‌سفارت کوبا در لیما پایتخت پرو در ۱۹٦۰

اولین مورد، به‌سال ۱۹٦۰ در بارهٔ به‌هم‌خوردن روابط دیپلماتیك میان‌پرو وکوبا باز می‌گردد، نقش سیا در این مورد ازمتن اولین کتابم به‌نام«در داخل کمپانی: مسائل روزانهٔ سیا»[1] نقل شده است.

کویتو، ـ ۳۰ دسامبر ۱۹٦۰

به‌نظر می‌رسد که در مورد تعویق کنفرانس کشورهـای امریکایـی کوچکترین شکی وجود نداشته باشد. پرومصراً می‌گوید به خاطر اینکـه اکوادور قصد طرح مسئلهٔ پروتکل را دارد، در کنفرانس حضور پیـدا نمی‌کند. ونزوئلا و جمهوری دومینیکن، هنوز برسر تلاش «تروخیلو[2]» برای ترور «بتانکورت[3]» در وضع بحرانی به‌سر می‌برند، و روابط امریکا و کوبا

---
1 — Inside The Company : CIA Diary
2 -- Trujillo 3 — Betancourt

روزبه‌روز بدتر می‌شود. همه ما می‌دانیم که تهاجم به کوبا صورت خواهد گرفت، اما مطمئناً نه قبل از روی کار آمدن کندی.

قطع رابطه پرو با کوبا تا به امروز به برپایی کنفرانس کمکی نکرده است. این قطع رابطه، در اصل نشانه‌ای از عرض ارادت پرو به امریکا به‌خاطر تصمیم ماه اکتبر از سوی تضمین‌کنندگان پروتکل بوده است، اما تا اندازه‌ای نیز می‌تواند نتیجهٔ عملیات ایستگاه سیا در لیما در ماه نوامبر باشد. عملیات مذکور، حملهٔ کماندویی تبعیدیان کوبایی به سفارت کوبا در لیما بود که منجر به تصرف اسناد نیز شد. ایستگاه سیا در لیما، در میان اسناد معتبر چندین سند جعلی که توسط Tsd ساخته شده بود، جای داد. از جملهٔ این اسناد جعلی لیست اشخاصی بود که از سفارت کوبا ماهانه جمعاً ۱۵۰۰۰ دلار دریافت می‌کردند.

یکی دیگر از این اسناد جعلی، به تلاش غیرواقعی سفارت کوبا در لیما برای بالابردن موقعیت اکوادور در «پروتکل ریو[4]» اشاره می‌کرد. از آنجا که تعداد اندکی از اهالی پرو به حقیقی بودن اسناد معتقد بودند، ایستگاه سیا در لیما برسر انتشار اسناد، دچار مشکل شد. به‌هرحال، چند روز قبل، یك نمایندهٔ محافظه‌کار کنگره پرو آنها را برای ثبت، ارائه داد و سرانجام دیروز در مطبوعات لیما منعکس شد. گرچه کوباییها اعتراض کرده‌اند که اسناد مشکوك و ساختگی هستند، اما یك مدافع سفارت کوبا در لیما ــ که طی حمله به سفارت در آنجا حضور داشت ولی حالا برای سیا کار می‌کند ــ تایید کرده است که اسناد Tsd حقیقی هستند. دولت محافظه‌کار پرو، بعد از این جریان از اسناد به عنوان بهانه‌ای برای قطع روابط با کوبا استفاده کرد.

ب: قضیه فلورس، کویتو ــ اکوادور، ۱۹٦۳

خلاصهٔ جریانات زیر که ازکتاب «در داخل کمپانی» گرفته شده مورد مهمی را شرح می‌دهدکه من خود یك سند درآن جعل‌کردم. این عملیات تاثیر عظیمی به‌جا گذاشت وبه‌انجام یك کودتای نظامی دراکوادور کمك کرد.

کویتو ــ ١٤ آوریل ۱۹٦۳

به‌نظر می‌رسد که هر روزه موج جدیدی از شایعات دربارهٔ وقوع جنگ چریکی و تروریسم وسیع، در سراسر کشور، گسترش پیدا می‌کند. این شایعات، تا حدی انعکاس مبارزهٔ تبلیغاتی مداوم ما برای متوجه کردن اذهان به کمونیسم به منظور تحریك دولت به دست‌زدن به یك سری سختگیریهای جدی است.

4 — Rio Protocol

کویتو ــ ۱۹ آوریل ۱۹۶۳

یك سفر مهم تعجب‌آور دیگر. این‌بار «آنتونیو فلورس‌بینتز[5]» یکی از گروهبانان «اشه‌ویریا[6]»، امروز عازم کوبا شد. ما نتوانستیم بفهمیم چرا در حالی که «آرائوخو[7]» در کوبا و «روزا[8]» در چین به‌سر می‌برنـد، اشه‌ویریا، فلورس را به کوبا فرستاده است.

«جان‌بیکن» افسر گزارشگر سیا، و من به رئیس پیشنهاد کردیم یك سند مجرمیت برای استفاده علیه «آنتونیو فلورس‌بینتز» هنگام ورود او به فرودگاه تهیه شود. البته، شانس این هست که او از طریق زمین از کلمبیا بیاید و یا وارد «گویاکوئیل[9]» شود. اما رئیس از طرح خوشش آمد و از ما خواست دنبالش را بگیریم. سند به‌صورت گزارش فـلورس «واشه‌ویریا» به کوبائیها در مورد وضع سازمان خودشان و طرحهایشان برای اقـدام مسلحانه، خواهد بود. اکنون داریم آنچه را که دربارهٔ سازمان می‌دانیم همراه تصورات ضروری پیرامون سازمان، براساس اطلاعات به دست آمده از مکالمه تلفنی Ehcweat و گزارشهای «کاردناس[10]» و «وارگاس[11]» یعنی دوتا ازبهترین عملیات نفوذی ما درگروه «اشه‌ویریا» تشریح می‌کنیم. تأکید ما بررخنهٔ مأموران فلورس در وزارت دفاع، ارتباطات ارتش، گارد شخصی رئیس جمهوری و آرشیوهای ریاست جمهوری متمرکز است. قصد داریم در این سند، روابط میان گروه «آرائوفلو» و «گونزالوسونوموگرو[12]» را که به‌نظر می‌رسد به آموزش سازمان جداگانه‌ای در امور مواد منفجره و تسلیحات مشغولند، متذکر شویم.

کویتو ــ ۲۶ مه ۱۹۶۳

تعطیلات آخر هفته پرمشغله‌ای بود. بیکن و من، دیروز گـزارش فلورس را تمام کردیم، و بیکن آنرا پیش «مایك‌بوربانو[13]» برد تا به آن شکل نهایی داده، متن اسپانیایی را تصحیح کرده و اصطلاحات و عبارات کمونیستی را در سند جای بدهد. او بهترین کسی است که می‌تواند این کار را انجام دهد، زیرا مسئول عملیات کاردناس و وارگاس بود. واقعاً که سند حساس و مخربی تهیه کرده بودیم، مو، لای درزش نمی‌رفت.

بیکن در گزارش مذکور، یك تحلیل کلی از اوضاع سیاسی اکوادور گنجاند و ضمن آن رهبری حزب کمونیست اکوادور را به‌خاطر داشتـن تمایلات «اصلاح‌طلبانه» مورد تحقیر قرار داد. در این سند اشاره کرده بود که گروه «اشه‌ویریا» قبلا از کوبا پول دریافت کرده و این گزارش نشانگر و تاییدکنندهٔ وجوه تازه‌ای است. تاریخ شروع یك مبارزه همه‌جانبهٔ

---

5 — Antonio Flores Benitez   6 — Echeveia   7 — Araujo
8 — Roura   9 — Guayaquil   10 — Carras
11 — Vargas   12 — Gonzalo Sono Morgo   13 — Mike Burbano

تروریستی اواخر ژوئیه خواهد بود. (زیرا قبلا گزارشی دریافت کرده بودیم حاکی از اینکه قرار است در این تاریخ یك اعتصاب عمومی آغاز شود). خانه‌های افسران پلیس و ارتش نیز تاسیسات عمده مثل مخازن و کارخانه‌های آب و کمپانیهای تلفن و برق می‌باید مورد هدف عملیات بمب‌گذاری و حملات چریکی قرار گیرد.

«بوربانو» سند را به ما باز گرداند و امروز صبح، من آنرا ماشین کردم که پنج ورق کاغذ نازك را در برگرفت. سپس رئیس به دفتر آمد و ما توافق کردیم که بهتر است سند را «خوان‌سویلا[14]» وزیر خزانه‌داری فاش کند تا «جیم‌دل‌هیرو[15]» وزیر کشور. به دیدن سویلا رفتم و او فوراً موافقت کرد و گفت از «کارلوس رندون[16]» یعنی همان منشی و بازرس گمرکات که «رورا» را به‌دام انداخت، استفاده می‌کند. وقتی به سفارت برگشتم، رئیس به‌دقت مشغول ترتیب دادن امور بود. او به «فاوریتا[17]» رفته بود، تا یك لوله خمیردندان بخرد و ۳ ساعت را وقت بیرون آوردن خمیرها و تمیز کردن لوله کرده بود. کاغذها را مچاله کرد، و مقداری آنها را با کفشش لگدمال نمود، و سپس تایشان کرد تا بشود آنها را داخل لوله جا داد، لوله را که اکنون گزارش بخوبی داخلش جاسازی شده بود، گرفتم و به سویلا تحویل دادم، و او فردا آنرا به رندون خواهد داد تا در صورت امکان، نقشه را اجرا کند. «رندون» تا زمانی که «فلورس» وارد شود، از فرودگاه خارج نخواهد شد و اگر او از طریق کلمبیا یا «گویاکوئیل» بیاید، برای استفاده از سند راه دیگری در پیش خواهیم گرفت. به‌هرحال هرطور که باشد، این عملیات باید باعث یك عکس‌العمل واقعی شود.

کویتو ــ ۲ ژوئن ۱۹۶۳

فلورس به‌دام افتاده و ما کار بزرگ دیگری انجام داده‌ایم. امروز صبح خوان‌سویلا و من با هم مشغول بازی گلف بودیم که پسربچه‌ای دوان دوان آمد و او را برای تلفن صدا زد. به‌طرف باشگاه دویدیم، و مطمئن بودیم که کارلوس رندون، منشی شخصی اوست و می‌خواهد بگوید که فلورس وارد شده و طرح، دقیقاً به مرحله اجرا درآمده است. سویلا مستقیم به فرودگاه رفت و من به خانه رفتم و منتظر ماندم. عصر همان روز تلفن زد و هنگامی که به خانه‌اش رفتم، شرح‌داد که «رندون» با مشاهدهٔ ورود «سویلا»، لولهٔ خمیردندان را داخل آستین خود گذاشته است. هنگام بازرسی چمدان فلورس، لوله را بدقت داخل آن انداخت و هنگامی که خمیردندان را یافت شروع به بررسی آن نمود و سرانجام لوله

14 - Juan Sevilla
15 - Jaime Del Hierro
16 - Carbs Rendon
17 - Favorita

را باز نمود و گزارش مخفی را کشف کرد.

همراه فلورس، یك کمونیست مشهور دیگر نیز به‌نام «هوگونوبوا[۱۸]» وارد فرودگاه شده بود، که در یك پاکت مخفی ۱۴۰۰ دلار پول نقد بـا خودش حمل می‌کرد. این پول، همراه وسایل تبلیغاتی و نوارهای سرودهای انقلابی و گزارش فلورس مصادره شد و هردوی آنها دستگیر شده و برای بازجویی به اداره امنیت سیاسی برده شدند.

الان هم دارند جریان را در سطح عمومی مطرح می‌کنند.

کویتو ـ ۸ ژوئن ۱۹۶۳

ظاهراً باید برسر این یك مورد، به جنگ و مرافعه بپردازیم. امروز تنها یك خبر کوچك در مطبوعات راجع به دستگیری فلورس و نوبـوا به چاپ رسید، و تنها اشاره‌ای که به «گزارش فلورس» شده بود این بود که گویا یك میکروفیلم در چمدان او پیدا شده است. طبق این خبر کوچك، فلورس اعتراض کرده و گفته است اگر پیدا شدن میکروفیلم راست باشد، باید آن را هنگام توقف هواپیما در «سان‌خوان» در پروتوریکو داخـل چمدانش گذاشته باشند و یا هنگام ورودش به اینجا (کویتو).

با خوان‌سویلا تماس گرفتم و او به من گفت فکر می‌کند «آروزمنا[۱۹]» در صدد است کل موضوع و از جمله، سند ساختگی را نادیده بگیرد، بـه گفتهٔ او به همین دلیل، فلورس هنوز در بازداشت اداره امنیت سیاسی است تا اداره بازجویی پلیس که ریاست آن را «پاسیفیکو دولوریز[۲۰]» به‌عهده دارد. او افزود که مهرهٔ اصلی «جیم‌دل‌هیرو» وزیر کشور است، و سپس گفت چنانچه دل‌هیرو را می‌شناسم، باید فوراً اهمیت فلورس و سند مذکور را به او گوشزد کنم (در اینجا نه سویلا و نه «دل‌هیرو» هیچکـدام نمی‌دانست که من در رابطه با یك نفر دیگر کار می‌کنم.)

سراسر بعدازظهر را صرف کوشش برای تماس تلفنی با «دل‌هیرو» و یا «مانوئل کوردوا[۲۱]» معاون وزیر کشور کردم. به آنها نمی‌آید کـه اینچنین مرا دست‌به‌سر کنند، رئیس از اینکه گزارش، در سطح وسیـع مطرح نشده، نزدیك است منفجر شود.

کویتو ـ ٤ ژئن ۱۹۶۳

حالا شکی نیست که «آروزمنا» سعی کرده موضوع را نادیده بگیرد و از فلورس محافظت کند، اما ما، مرتب در صددیم مانع این کار شویم. سویلا تهدید کرد که در صورت نادیده گرفتن موضوع استعفا می‌کند، و دیروز و امروز شایعات مربوط به وجود یك بحران جدید، در کابینه آنقدر

18 - Hugo Noboa
19 - Arosemena
20 - Pacifico de los Reyes
21 - Manuel Cordova

قوی بود که رئیس دولت، وجود یك چنین بحرانی را علناً تکذیب کرد.

سرانجام «دل‌هیرو» امروز مرا به‌حضور طلبید و هنگامی که با او سر خانهٔ «کوردوا» ملاقات کردم گزارش فلورس را به من داد و خواست نظر به پراهمیت بودن مسئله، صحت و درستی گزارش را بررسی کنم. چون نمی‌توانستم به سادگی یك نگاه فوری رویش انداخته و صحتش را اعلام کنم آن را با خود به ایستگاه (مرکز ــ سیا ــ م) بردم. وقتی موضوع را به رئیس گفتم از کوره دررفت و فریادکنان به من گفت بهتر است گزارش را هرطور شده در سطح عموم علنی کنم. واقعاً از دل‌هیرو متنفر شده است، زیرا فکر می‌کند که او سعی دارد علنی شدن گزارش را به منظور جلوگیری از به‌هم‌ریختگی و سردرگمی حزب لیبرال، به تعویق اندازد. گذشته از همه، سند بیش از همه به دولت ضربه می‌زند، هرچند که در اصل به‌منظور افشای گروه «اشه‌ویریا» ساخته شده است.

نشانهٔ مثبتی که به‌چشم می‌خورد این است که فلورس را از ادارهٔ امنیت سیاسی به پلیس منتقل کرده‌اند، و این فلورس را تحت نظر مستقیم «دل‌هیرو» قرار می‌دهد. فلورس طی سخنانش تنها گفته است که به عنوان یك روزنامه‌نگار یك سفر چهل و پنج روزه به اروپا کرده است (و برای هفته‌نامهٔ چپگرای «لامانانا[22]» مطلب می‌نویسد) اما اشاره‌ای به سفرش به کوبا نکرد.

کویتو ــ ۵ ژوئن ۱۹۶۳

خشم وغضب وعصبانیت رئیس، فروکش نکرده است. امروز صبح شمارهٔ تلفن خصوصی دل‌هیرو را در وزارتخانه از من خواست، و من هم آنرا به او دادم. با «دل‌هیرو» تماس گرفت و با عصبانیت به او گفت البته که سند درست است و هر فرد اکوادوری باید آنرا بخواند. رئیس این مکالمه تلفنی را ضبط کرد تا در صورت شکایت دل‌هیرو به سفیر، آنرا پیش خود داشته باشد.

سپس به رئیس پیشنهاد کردم که یك نسخه از سند را به «خورگه ریوادنیراآراخو[23]»، برادر «رودریخوریوادنیزا[24]» کنترل‌کنندهٔ مکالمات تلفنی فلورس بدهیم. خورگه به همراه برادرش مدتها در عملیات چاپ مخفیانه شرکت کرده، و نویسنده «ال‌کومرسیو[25]» روزنامهٔ معروف کویتو است. ما معمولا از طریق خورگه تبلیغات نمی‌کنیم اما رئیس با این کار موافقت کرد، زیرا معتقد بود که این سریع‌ترین شیوهٔ تحت فشار گذاردن «دل‌هیرو» برای انتشار سند اصلی است. بعداً، یك نسخه از سند را برای «رودریخو» بردم، و او آنرا به خورگه می‌دهد تا به سردبیران

22 - La Manana
23 - Jorge Rivadeneira Araujo
24 - Rodrigo Rivadeneira
25 - EL Comercio

روزنامه‌اش نشان بدهد، ممکن است این عمل، رابطه من و «دل‌هیرو» و «کوردوا» را به‌هم بزند، اما رئیس به این مسئله اهمیتی نمی‌دهد. به‌هرحال او فکر نمی‌کند که «آروزمنا» و لیبرالها بتوانند مدت زیادی دوام بیاورند.

کویتو — ٦ ژوئن ۱۹٦۳

اقدام ما علیه «دل‌هیرو» بطورحیرت‌انگیزی کارخود راکرد. امروز صبح حوالی ساعت ۱۰ کوردوا از اتاق پذیرش سفارت تلفن زد و هنگامی که به آنجا رفتم مرا نزد دل‌هیرو که در اتوموبیلش منتظر بود، بـرد. دل‌هیرو گفت فوراً باید سند فلورس را به او برگردانم زیرا مطبوعات به طریقی یك نسخه از آن را گیرآورده‌اند و او مجبور است در اواخر همین امروز، اصل سند را علنی کند. فوراً بازگشتم و سند را به «دل‌هیـرو» پس‌دادم و سپس به رئیس جریان را گفتم، و او از شادی نزدیك بود فریاد بزند. سپس به «رودریخوریوادنیرا» تلفن زدم تا به برادرش «خورگـه» اطلاع دهد که وزیر کشور می‌خواهد اواخر همین امروز سند را علناً مطرح نماید. ممکن است روزنامه‌های عصر، خبر را درج نکنند اما شایعهٔ آن همه‌جای شهر را فراگرفته است...

ماریو کاردناس‌ولوئی و ارگاس هر دو گزارش می‌دهند که اشه‌ویریا نزدیك است در اثر این ضربه، روانی شود. او می‌ترسد به‌خاطر دستگیری «رورا» و حالا هم به‌خاطر دستگیری فلورس، توسط رهبری «ساد» توبیخ شده و حتی احتمالا از حزب کمونیست اکوادور اخراج شود. او اکنـون مخفی شده و ماموران در جستجوی محل اختفایش هستند.

کویتو — ۷ ژوئن ۱۹٦۳

گزارش سرانجام به چاپ رسید و احساسات شدیداً برانگیخته شده است. حرفهای زیادی زده می‌شود از رهبری ساد و شاخه حزب کمونیست اکوادور در «گویاکوئیل» به عنوان «بوروکراتهـای قدیمـی سرشار از گرایشهای بورژوازی و سرسپرده به خط مسکو و کسانی که ترمز انقـلاب هستند نام به میان می‌آید.» از طرف دیگر گروه «اشه‌ویریا» اعلام کرده که: «ما به تجربیات انقلاب کوبا و ضرورت آمادگی برای قیام مسلحانه ایمان داریم.» از آرائوخو به‌عنوان کسی که تعدادی از افراد آموزش‌دیده خوب و تیم‌های مسلح در اختیار دارد، نام به‌میان می‌آید، و گفته شده است که گروه «ریوادنیرا» احتمالا برای «اهداف ما» مفید هستند. نام تمام ادارات مهم دولتی — و از جمله کاخ ریاست جمهوری — که فلورس با آنها تماس داشته فاش شده است، و تاریخ شروع عملیات (تروریسم شهری و جنگهای چریکی روستایی) اواخر ژوئیه ذکر شده تا منظور ما برای تحریك درخواست یك اعتصاب عمومی از سوی «کنفدراسیون کارگـران

اکوادور» (CTE) * برآورده شود.

گویا این سند به تنهایی کافی نبوده است، چرا که صرفاً از روی تصادف، دیروز «کنفدراسیون کارگران اکوادور» (CTE) برای اواخر ژوئیه اعلام اعتصاب عمومی کرده است. مأموران ما گزارش داده بودند که این اعلام اعتصاب بالاخره رخ می‌داد و ما در سند فلورس آنرا منظور داشته‌ایم. اعلام اعتصاب به‌همراه سند فلورس در مطبوعات امروز چاپ شده و چنین نتیجه گرفته شده که سند از صحت و درستی برخوردار است...

کویتو ـ ٥ ژوئیه ۱۹٦۳

این سلسله عملیات اخیر، بخصوص موارد دستگیری رورا و فلورس همان نتیجه‌ای را که ما می‌خواستیم به‌بار آورده است. طی اجلاس ویژه کمیته مرکزی حزب کمونیست اکوادور، کمیتهٔ استانی «پی‌چینچا» که تحت نظر «اشه‌ویریا» فعالیت می‌کرد، منحل شد. رورا از حزب اخراج شد و عضویت اشه‌ویریا معلق گذاشته شد.

«جیم‌گالارزا[26]» یکی از معاونان اشه‌ویریا ضمن نوشتن مقاله‌ای گفته است که «پدروساد»، دبیرکل حزب کمونیست اکوادور مسئول افشای سند فلورس و دستگیری «رورا»ست، زیرا یك چنین اطلاعاتی تنها می‌تواند از اعضای بلندپایهٔ حزب گرفته شده باشد.

ثمرهٔ عملیات سه ماههٔ گذشته، تأثیرات دیگری نیز به‌جا گذاشته است. بسیاری از مأموران سیاسی گارما، بویژه راستگرایان درگیر در «پروژه اکاکتور[27]» گزارش می‌دهند که اوضاع برای دست‌زدن به یك اقدام نظامی به‌جای یك اقدام کنگره‌ای علیه «آروزمنا» مناسبتر است. این مسئله وخامت و خطرناك بودن اوضاع فعلی را می‌رساند. علاوه براین، دیروز در دفتر پذیرش سفیر، سیاستمداران از اینکه آمادگی کمونیستها تا این حد، پیش رفته است، اظهار تعجب کردند. گذشته از این، همه از شبح بازگشت «ولاسکو[28]» و احتمال برنده شدن مجدد او در سال آینده، بیمناك هستند. بعضی از اعضای کنگره، نگران دست‌زدن به اقدام علیه آروزمنا هستند اما بسیاری به این مسئله واقفند که در یك کنگرهٔ ضعیف و از هم پاشیده اوضاع به ضرر «آروزمنا» است.

کویتو ـ ۱۱ ژوئیه ۱۹٦۳

برکناری آروزمنا و روی کار آمدن خونتای نظامی چهار نفره

ماجرا، شب گذشته در ضیافتی آغاز شد که آروزمنا به‌خاطر رئیس Gracelines که سرمایه‌گذاری زیادی در اکوادور دارد، برپا کرده

---

* Confedevation de Trabajadore del Fcuador (CTE)
26 — Jaime Galarza 27 — Ecactor Praject 28 — Vdlasco

و نظامیان بلندپایهٔ اکوادور نیز به‌دلیل مقام رئیس Graceline[s] به عنوان یك دریادار بازنشستهٔ نیروی دریایی امریکا، به آن دعوت شده بودند. آروزمنا هنگام نوشیدن مشروب به سلامتی میهمانان، تفسیر مساعدی از بازرگانی امریکا در امریکای لاتین کرد، اما با اشاره تمسخرآمیز به نمایندگان دیپلماتیك امریکا به سفیرمان توهین نمود. آروزمنا در حال مستی نیز پستی غیرقابل قبولی از خود نشان داد و سرانجام نیز میهمانی را ترك کرد و رفت.

رؤسای سرویسهای نظامی، امروز صبح در وزارت دفاع تصمیم گرفتند به جای آروزمنا یك خونتای نظامی سر کار بیاورند، و حوالی ظهر، کاخ ریاست جمهوری به وسیلهٔ تانکها و سربازان به محاصره درآمد. من به هتل ماژستیك در روبه‌روی کاخ ریاست جمهوری رفتم، در آنجا «خورگه اندینو[۲۹]» عامل حامی ما و مالك هتل، برایم اتاقی آماده کرد تا بتوانم اقدامات درون کاخ ریاست جمهوری را از داخل آن تماشا کنم. من همچنین رادیو اطلاعات ارتش را ردیابی می‌کردم و به‌وسیلهٔ تلفن و دستگاه ترانزیستوری کوچك به ایستگاه گزارش می‌دادم و از آنجا گزارشهای مکرری در رابطه با پیشرفت اوضاع کودتا به مراکز سیا و پاناما (برای فرماندهان نظامی که تمام گزارشهای آژانس اطلاعاتی در امریکای لاتین را دریافت می‌کنند) مخابره می‌شد.

خودداری آروزمنا، که ظاهراً مسلح است، از پذیرفتن هیأت خونتای نظامی جدید، باعث بروز چند ساعت تشنج شد. در حالی‌که اعضای خونتا برای کار وارد دفاتر ریاست جمهوری شدند، آروزمنا هنوز در اقامتگاه مسکونی کاخ ریاست جمهوری باقی ماند. سرانجام آروزمنا را بوسیلهٔ یکی از دستیارانش خلع‌سلاح کرده و به فرودگاه برده، سپس با یك هواپیمای جنگی نظامی او را به پاناما فرستادند، همانجایی که ولاسکو کمتر از دو سال قبل در آنجا به‌سر می‌برد.

افسران فرمانده ارتش، نیروی هوایی و دریایی، به‌علاوه سرهنگی که ریاست شورای دفاع ملی را به‌عهده داشت، اعضای خونتای نظامی کنونی هستند. کاپیتان نیروی دریایی ریاست خونتا را به‌عهده دارد، اما گفته می‌شود که سرهنگ «مارکوس گاندارا[۳۰]» عضو شورای دفاعی مغز متفکر خونتاست و از نفوذ عمده‌ای برخوردار است. شکی نیست که این مردان، ضد کمونیست هستند، وسرانجام دست به‌همان اقدامی خواهند زد که ما برای از میان بردن چپ افراطی، قبل از شروع عملیات مسلحانهٔ مورد نظرشان، خواهان انجامش هستیم.

سند جعلی «فلورس» تنها یکی از چند مورد مشابهی است که طی دوره ژانویه تا ژوئن ۱۹۸۳ اتفاق افتاد. آنچه ما می‌خواستیم فراهم کردن زمینه،

29— Jorge Andino 30— Marcos Gondara

برای یك کودتای نظامی بود و در حقیقت کودتا درست یك ماه، پس از علنی شدن سند فلورس به‌وقوع پیوست. رئیس جمهور، سرنگون شد، یك خونتای نظامی روی کار آمد و ما با دولت نظامی جدید، آغاز به همکاری کردیم. نظامیان فوراً دست به سرکوب حزب کمونیست و تمام گروههای چپ زدند. صدها نفر دستگیر شدند و این دقیقاً همان چیزی بود که ما خواهانش بودیم. بازهم تذکر می‌دهم که سند فلورس تنها مورد اتفاق افتاده در این دوره نبود. من نمی‌توانم به بررسی یك یك آنها بپردازم ــ زیرا کتاب ۶۴۰ صفحه‌ای من به بررسی این موارد پرداخت ــ اما ذکر این سند بسیار حیاتی و حساس است.

ج: نامهٔ جعلی واکسمان،[۳۱] مونته ویدئو، اروگوئه ۱۹۶۵

چیکدهٔ مطالب بعدی، که‌ازکتاب«در داخل‌کمپانی» اقتباس شده، دربارهٔ یك نامهٔ جعلی است. در اوایل ۱۹۶۴ من از اکوادور به‌اروگوئه انتقال یافتم، و درمونته ویدئو در دفترسیا در سفارت امریکا مستقرشدم. قرار بود یك‌اجلاس وسیع درسطح قارهٔ امریکای لاتین، در مونته ویدئو برگزار شود وافرادی رااز تمام نقاط امریکای لاتین برای حضور در «سمینار همگونی اقتصادی واجتماعی امریکای لاتین[۳۲]»، که قطعاً جو ضد امریکایی داشت، گردهم آورد.

یکی از ایستگاههای سیا، نامه‌ای از «دانیل‌واکسمان» سازمان دهنـــده کنفرانس در مونته‌ویدئو بدست آورد که برای سازمانی که قرار بود بـــرای حضور در سمینار دعوت شود، نوشته شده‌بود. «بخش سرویسهای تکنیکی[۳۳]»در واشنگتن، از سرنامه ونشان آن نسخه‌برداری کرد ودر جاهای مختلف چند ورق کاغذ امضای واکسمان را گذاشت، بدین‌ترتیب، مامی‌توانستیم روی آن ورقها (که سرنامه وامضای واکسمان بالا وپایین آن کپی شده بود) مطالبی تایپ‌کنیم وچنین وانمودکنیم‌که توسط واکسمان امضا شده است.

یکی ازافسران سیا، در ایستگاه سیا، در مونته‌ویدئو نامه‌ای بـــه‌آدرس وابستهٔ فرهنگی سفارت شوروی در مونته‌ویدئو نوشت. در این نامه‌که امضای واکسمان راهمراه داشت،ازشورویها به‌خاطرتمام‌حمایتها، کمکها وراهنماییهایشان درامر فراهم ساختن برگزاری این‌کنفرانس بزرگ تشکر شده‌بود. سپس، از طریق روزنامه‌نگارانی‌که از ما مواجب می‌گرفتند، نامه را در روزنامهٔ معروف عصراروگوئه، یعنی روزنامهٔ «ال‌پلاتا[۳۴]» منتشرکردیم. در۱۳ دسامبر۱۹۶۵،

31— The Forged waxman Letter
32— Seminar on Latin—american Social and Economic Integration
33— Technical Services Division 34— Elplata

تیتر درشت روزنامه‌ها این بود: «اسنادی که باعث قطع رابطه باروسیه‌می‌شود». یکی ازهدفهای ماهم مبارزه برای واداشتن اوروگوئه به‌قطع ورابطه با اتحاد شوروی بود.

یك سال قبل، در نتیجهٔ عملیات سیا، اروگوئه مجبور به‌قطع رابطه باکوبا شد. حالا هم‌تلاش می‌کردیم تاآنها را به‌قطع روابط با شورویها وادار کنیم، ومن موارد متعدد دیگری دراین باره به‌دست آورده‌ام، اما وقتی این نامه منتشر شد، حساسیت برانگیز بود.

اما ضربهٔ مورد نظر وارد شده‌بود، زیرا انکار یك مسئله، بعداز وقوع آن هرگز آن تاثیر اتهامات دقیقاً وارد شدهٔ نخستین را ندارد.

مونته‌ویدئو ــ ۱۱ دسامبر ۱۹۶۵

عجب خبرهای جالبی؛ آلبرتوهبر[35]، عضو شورای NCG بلانکو که در ماه مارس به‌عنوان رئیس روی کار خواهد آمد، امروز پیشنهاد کرد به‌دلیل مداخلهٔ شوروی در مسائل کارگری اروگوئه، باید روابط میان دو کشور قطع شود. ما دسترسی مستقیم به «هبر» نداریم، ولی می‌توانیم از طریق کلنل «رودریخوئز[36]» با او تماس بگیریم. من نمی‌توانم تا هفته آینده شوفر روسی را ببینم که بتوانم از عکس‌العمل شورویها مطلع شوم، اما «کولونی[37]» فعالیت خود را برروی نوارهای Avegeful متمرکز کرده است. مرکز سیا خوشحال و معتقد است که ما باید به‌هر طریقی که می‌توانیم از قطع روابط حمایت کنیم. اکنون، «لی‌اسمیت[38]» افسر جدید عملیات پوششی که اخیراً جانشین «الکل‌زفر[39]» شده ،مشغول تهیهٔ نامهٔ سیاهی است که ارتباط وابستهٔ فرهنگی شوروی را با دانشجویان مبارز چپگرا نشان می‌دهد. لی‌اسمیت، از آرم «سمینار همگونی اقتصادی و اجتماعی امریکای لاتین»، که توسط بخش سرویسهای تکنیکی (TSD) ماه گذشته برایمان تهیه شد، جهت جعل این نامه استفاده می‌کند.

مونته‌ویدئو ــ ۱۱ دسامبر ۱۹۶۵

نامهٔ سیاهی که ارتباط وابستهٔ فرهنگی شوروی به «سمینار همگونی اقتصادی و اجتماعی امریکای لاتین» را نشان میدهد، در روزنامهٔ «ال‌پلاتا»، متعلق به جناح بلانکو به رهبری رئیس NCG منتشر خواهد شد. نامهٔ مذکور حاوی قدردانی از راهنمایی تکنیکی است که به تعالیم مربوط به سمینار، اشاره می‌کند، و بوسیله همکاری که اخیراً به مونته‌ویدئو باز گشته

35 — Alberto Heber 36 — Colonel Rodriguez 37— Conolly
38— Lee Smith 39 — Alex Zeffer

آورده شده است. در این نامه، از کمکهای دیگر نیز تشکر شده است. نامه گرچه مبهم است، اما در آن به کمك مالی شوروی و کنترل سمینار از سوی این کشور اشاره رفته است. امضای جعلی پای نامه، متعلق به «دانیل واکسمان» رئیس روابط خارجی سمینار است.

مونته‌ویدئو ــ ۱۲ دسامبر ۱۹۶۵

عملیات «نامهٔ سیا»ی ما علیه Feuu و وابستهٔ فرهنگی شوروی، هنگام انتشار متن نامه به توسط روزنامهٔ «ال‌پلاتا» باعث برانگیختن احساسات شد. تیتر اصلی روزنامه، اعلام کرده بود: «اسنادی که باعث قطع رابطه با روسیه می‌شود». قرار است روزنامه‌های صبح فردا نیز یك چنین عنوانهایی داشته باشند. «دانیل واکسمان» رهبر Feuu که نامه به او منسوب شده بود، فوراً چنین چیزی را تکذیب کرد، اما رسانه‌های خبری به‌جز مطبوعات چپ افراطی، اهمیت چندانی بــه آن ندادنــد، «آوبوزــیك[۴۰]»، «آلبرتوروکا[۴۱]» ناشر روزنامهٔ دانشجویی «کمباته[۴۲]» را که توسط سیا تأمین مالی می‌شود، راضی کرده است تا برای موثق نشــان دادن گزارش روزنامهٔ «ال‌پلاتا» در مورد نامهٔ سیا، به انتشار آن بپردازد.

ما از طریق «آوبوز ــ یك» تبلیغــات جدیدی بــه شکل سرمقالــهٔ روزنامه‌ها، برای نشان دادن تلاش اتحادیه‌ها به‌منظور جلوگیری از قطع روابط با شوروی، آغاز خواهیم کرد. با این کار می‌خواهیم نشان دهیم که شوروی براتحادیه‌ها کنترل دارد.

د: اسناد جعلی در بارهٔ رابطهٔ اتحادیه‌های کارگری اروگوئه با سفارت شوروی

مونته‌ویدئو ۱۹۶۶ ــ ۱۹۶۵

چکیدهٔ مطالب زیرکه ازکتاب «در داخل کمپانی» برگرفته شده است، توصیف کنندهٔ عملیاتی در اروگوئه است که‌طی آن مابرای اثبات هدایت یك‌سری اعتصابات مداوم جنبش کارگری اروگوئه از سوی سفارت شوروی در ۱۹۶۵ به‌جعل اسناد دست‌زدیم. این اسناد را برای توجیه قطع روابط شوروی جعل کردیم.

سند مذکور، یك‌گزارش ۱۹ صفحه‌ای بود که ثابت می‌کرد شوروی ودر

۴۰ــ«AvBuzz—1»: ظاهراً نام مستعار شخص یاسازمانی وابسته به‌سیا می‌باشد. ــم.
41— Alberto Roca 42— Combate

حقیقت سفارت شوروی، سازمان دهنده ودستور دهندهٔ یك‌سری اعتصابات‌طولانی ومخرب دراروگوئه است. اما درحقیقت، اعتصابات مذکور دراثـر اوضـاع اقتصادی مثل تورم وغیره صورت می‌گرفت. مامی‌خواستیم همراه رئیس‌جمهوری ووزیر کشور اروگوئه که بامن کار می‌کردند، با استفاده از اسناد جعلی‌خودمان دست شوروی را در پشت همهٔ اعتصابات نشان بدهیم.

در واقع اعتصابات قبل ازقطع روابط شوروی، شروع شده بود، اما دولت، ازاین اسناد وسایراسناد جعل شده توسط ما، درعرض ماههای بعدی، بـرای توجیه اخراج دیپلماتهای شوروی استفاده کرد. از دسامبر ۱۹٦۵ تا دسامبر ۱۹٦٦ شش تبعهٔ شوروی، ۳ تبعهٔ کرهٔ شمالی، ۲۰ تبعهٔ آلمان شرقی و یك تبعهٔ چکسلواکی اخراج شدند، اخراج همگی آنها براساس اسناد جعلی ما صورت پذیرفت. در حقیقت، من بریدهٔ روزنامه‌های آن زمان اروگوئه را کـه تمامی مسائل مربوط بهسندسازی واخراج شورویها ودیگران را ازاروگوئـه نشان می‌دهد، در اختیار دارم.

مونته‌ویدئو ــ ۱۱ دسامبر ۱۹٦۵

سراسر روز را صرف تهیهٔ گزارشی برای «آلبرتوهبر» عضو شـورای NCG کردیم، که هم قطع روابط دیپلماتیك با شورویها را تایید می‌کرد و هم غیرقانونی کردن حزب کمونیست اروگوئه را. دیشب هنگامی پروژه را آغاز کردیم که «جان کاسیدی» جانشین «اوگرادی» و نایب رئیـس ایستگاه «سیا» یك پیام فوری از یکی از مأموران ارتباطی‌اش در سرویس اطلاعات نظامی اروگوئه دریافت کرد. اوایل صبح دیروز «هبر» از آنها خواسته بود یك گزارش در مورد شورویها تهیه کنند، اما از آنجا که آنها هیچ چیز در دست نداشتند، از دفتر «سیا» کمك خواستند.

امروز صبح، تمام افسران ایستگاه سیا تشکیل جلسه دادند، تـا پیرامون مشکلات نوشتن گزارش «هبر» به بحث بپردازند. بعد از اینکه تصمیم گرفتیم گزارش جنجال‌برانگیزی بنویسیم، کونولی نام چپهای روسی را که قرار بود مسئول عملیات کارگری باشند انتخاب کرد، سپس به سراغ آرشیوهایش رفت تا با یافتن اطلاعات واقعی، به این گزارش جعلی مضحك مقداری سندیت داده و آنرا پربار کند. «ریف» هم به همین ترتیب بعضی از رهبران عمده «فدراسیون ملی کارگران» (CNT) و اتحادیهٔ دولتی را به‌عنوان همدستان اروگوئه‌ای شورویها انتخاب کرد و برای مستند کردن گزارش، بعضی اطلاعات واقعی نظیر سفرهای رهبران حزب کمونیـست اروگوئه به پراگ و مسکو در ماههای اخیر را به آن اضافه کرد. سپس کاسیدی، کونولی، ریف و من متن نهایی را نوشتیم و کاسیدی و من آن را به اسپانیایی ترجمه کردیم. کونولی، امشب گزارش را برای تصحیح و

اصلاح متن اسپانیایی نزد «آوبوز-یك» برد، و فردا آن را تحویل سرویس اطلاعات نظامی می‌دهد. تهیهٔ یك گزارش ۲۰ صفحه‌ای در یك روز، زیاد کار بدی نبود. البته برای اینکه کل گزارش باورکردنی باشد، اطلاعات واقعی کافی در آن‌جا داده شده بود.

به این خاطر، گزارش را تهیه کردیم تا علاوه‌بر توجیه قطع روابط با شورویها و غیرقانونی شدن حزب کمونیست اروگوئه یك جاروجنجال مطبوعاتی نیز راه بیندازیم. «هبر» قبلا علناً گفته بود که شواهد نیرومندی برای حمایت از قطع روابط در اختیار دارد، اما اگر قطع رابطه صورت نگیرد می‌توانیم گزارش را منتشر کرده و آنرا به «هبر» نسبت دهیم و او احتمالا آنرا تکذیب نخواهد کرد. در این صورت، گزارش ما احساسات را برخواهد انگیخت و زمینه را برای تصمیمات بعدی مورد نظرمان فراهم خواهد کرد. به‌علاوه زمینه برای دادن گزارش به ایستگاههای دیگر سیا مثل «بوئنس‌آیرس»، و «ریودوژانیرو» آماده می‌شود. به گفتهٔ هبر، اعضای شورای بلانکو، فردا (یکشنبه) تشکیل جلسه می‌دهند تا برسر قطع روابط تصمیمات لازم را اتخاذ کنند، و اقدام رسمی دوشنبه یا سه‌شنبه صورت می‌گیرد. در ضمن وزیر دفاع پیشنهاد غیرقانونی کردن حزب کمونیست اروگوئه را داد و کانالهای تبلیغی، نظیر «ال‌پاپولار» را بست.

مونته‌ویدئو ـ ۱۲ دسامبر ۱۹٦۵

امروز صبح، قبل از اینکه «کاسیدی» گزارش «هبر» را به اطلاعات نظامی تحویل دهد، «هورتون» تصمیم گرفت ابتدا آنرا به کلنل «ونتورا رودریگوئه» رئیس پلیس و افسر بلندپایهٔ اداره امنیت عمومی نشان دهد. گزارش را به دفتر «رودریگو» بردیم و با او و کلنل «روبرتو رامیرز» رئیس گارد پایتخت که از طریق رادیو ترانزیستوری‌اش به بازی فوتبال گوش می‌داد، دور میز کنفرانس جمع شدیم.

همانطور که «رودریگو» گزارش را می‌خواند، صدای بم عجیبی به گوشم رسید که بتدریج بلندتر می‌شد، و به‌نظرم به صدای نالهٔ یك انسان می‌مانست. فکر کردم شاید صدای فروشنده‌ای باشد که در خیابان مشغول فروش اجناس خود است، تا اینکه «رودریگو» به رامیز گفت، رادیو را خاموش کند. در همان حالی که «رودریگو» چندبار به رامیرز دستور داد رادیو را خاموش کند، نالهٔ مزبور شدت گرفت و به فریاد تبدیل شد. آن موقع بود که پی بردم شخصی را در یکی از اتاقهای بالای دفتر «رودریگو» شکنجه می‌کنند. سرانجام رودریگو گزارش را تمام کرد و گفت جالب است، سپس من و هورتون به سفارت برگشتیم.

هنگام بازگشت به سفارت، سفیر به «هورتون» گفت امروز صبح رئیس NCG از او خواسته است هرگونه اطلاعاتی را که می‌تواند توجیه‌کنندهٔ قطع روابط با شوروی باشد، در اختیارش قرار دهد. هورتون گزارش هبر

را به سفیر نشان داد و سفیر گفت باید آن را به «واشینگتن بلتران» رئیس NCG نشان دهد. سفیر نسخهٔ اصلی گزارش را به خانهٔ «بلتران» برد و یك نسخه از آن نیز به سرویس اطلاعات نظامی فرستاده شد، همراه این نسخهٔ اخیر اخطار داده شده بود در صورتی که گزارش به دست هبر برسد، باید به او یادآوری کرد که نسخهٔ اصلی آن قبلا به دست بلتران رسیده است.

گرچه فرستادن یك نسخه از گزارش، از طریق سفیر برای بلتران فواید چندی هم دارد اما این‌کار می‌تواند هم‌اکنون باعث اکراه هبر از استفاده از گزارش مذکور شود. بدتر از آن اینکه، همین هبر بود که دیگران را متقاعد به برقراری مجدد وضع اضطراری کرد و پیشنهاد قطع روابط با شوروی را ارائه داد. علاوه براین، او قرار است کمتر از ۳ ماه دیگر رئیس NCG شود.

مونته‌ویدئو ــ ۱۳ دسامبر ۱۹۶۵

بن‌بست، شکسته شده و موضوع قطع روابط با شورویها، فعلا منتفی شده است. شب گذشته دولت و اتحادیه‌های بانکی توافق کردند که تخاصمات ماههای گذشته پایان یابد، و قوانین ضد اعتصاب تاحد ممکن برای چندین ماه ادامه پیدا کند. به‌دنبال این توافق، تمام کارگران بانك که هفته گذشته دستگیر شده بودند، شب گذشته آزاد شدند. امروز صبح نیز بین دولت و اتحادیه‌های اداری مرکزی توافقهای مشابهی صورت گرفت. کمونیستها و دیگر رهبران مبارز «فدراسیون ملی کارگران» بعد از پذیرش این راه‌حلها از سوی اتحادیه‌های دولتی، چاره‌ای نداشتند جز اینکه اعتصاب عمومی فردا را لغو کنند.

با لغو اعتصاب عمومی و توافق با اتحادیه‌های گوناگون، دولت، مسئلهٔ قطع رابطه با شوروی را کنار گذاشت. گزارش «هبر» نیز نمی‌تواند اکنون توسط دولت مطرح شود. ما نیز می‌توانیم بعداً دست به این کار بزنیم. وضع اضطراری تا عقد توافقهای قطعی با تمام اتحادیه‌های دولتی ادامه خواهد یافت. روزنامهٔ چپگرای «اپوکا[43]» به‌خاطر تبلیغات فتنه‌انگیزانه هنوز بسته است و تقریباً ۳۰ نفر هنوز تحت بازداشت به‌سر می‌برند.

مونته‌ویدیو ــ ۲۰ ژانویه ۱۹۶۶

وارگاس، رئیس ادارهٔ مهاجرت، از گسترش اقدامات ضد هیأتهای دیپلماتیك و تجاری بلوك کمونیست در مونته‌ویدیو فوق‌العاده هیجان‌زده شده است. او گزارش هبر را که ماه گذشته تهیه شده بود به من نشان داد و بدون اینکه بگوید از کجا آن را آورده (احتمالا از خود هبر

43— Epoca

گرفته بود)، پرسید میتوانم از آن و سایر اطلاعات در دسترس خودمان، برای توجیه اخراج مقامات بلندپایهٔ شوروی از اروگوئه به‌جای قطع رابطه با شورویها استفاده کنم. او و «استوراس» (و شاید هم هبر) اکنون از ما می‌خواهند ضمن تهیهٔ یك گـزارش، چند مقـام روسی را بـرای مسئول جلوه دادن دخالت در امور سازمانهای کارگری و دانشجویی اروگوئـه تعیین کنیم. گزارش فوق، در لحظه‌ای خاص مورد استفاده قرار گرفته و مقامات مشخص شدهٔ روسی، به‌عنوان اشخاص نامطلوب معرفی خواهند شد. کونولی، ریف، کاسیدی و من قبلا روی این گزارش جدید کـار کرده بودیم. ناچار بودیم سریع کار کنیم تا از نارضایی ایجاد شده در اثر سخنرانی «رشیدوف» به این منظور استفاده کنیم و هدف «هبر» را برای بهره‌برداری از مسئله اخراج و تهدید به اخراج به عنوان وسیله‌ای علیه اتحادیه‌ها به‌مورد اجرا بگذاریم. «وارگاس» هم، قصد دارد علیـه پرسنل غیردیپلماتیك هیأتهای کمونیستی بخصوص مقامات هیأتهای تجاری، از جمله شورویها، چکها، آلمان شرقیها و کره‌شمالیها، دست به اقـدام بزند. برای این کار، از کره‌شمالیهـا شروع خواهد کرد. او راههـای متعددی برای اخراج مقامات دیپلماتیك و تجاری بلوك شوروی با استفاده از قانون مهاجرت مصوب سال ۱۹۴۷ پیدا کرده است. طبق قانون مذکور، افرادی که طرفدار سرنگونی خشونت‌بار دولت هستند، یا برای تهیـهٔ ویزا به امور غیرقانونی متوسل می‌شدند، حق ورود به کشور را ندارند. براساس همین قانون، در رابطه با مقامات تجاری بلوك شوروی، می‌توان تعابیر مشابهی برداشت کرد که از ورود آنها به اروگوئه ممانعت به‌عمل می‌آورد. «وارگاس» امیدوار است با اخراج مقامات کره‌ای، آلمان شرقی، چکسلواکی و روسی، که هیچکدام موقعیت دیپلماتیك ندارند، و با اعلام مقامات دیپلماتیك به عنوان اشخاص نامطلوب، به‌تدریج حضور نمایندگان رسمی کمونیستی را در اروگوئه از میان بردارد.

مونته‌ویدیو ــ ۳ فوریه ۱۹۶۶

اخراج مقامات کره شمالی دیروز مورد موافقت «استوراس» قـرار گرفت و در عرض چند ساعت «وارگاس» دستـور آن را صادر خواهد کرد.

مونته‌ویدیو ــ ٤ فوریه ۱۹۶۶

رئیس NCG بار دیگر بطور ناگهانی مسئله دست‌زدن بـه اقـدام ضد هیأت شوروی را مطرح کرده است. امروز او به خبرنگاران گفت که «استوراس» وزیر کشور مشغول تهیهٔ گـزارش جدیدی پیرامون رخنـهٔ دیپلماتهای کمونیستی به داخل سازمانهای کارگری و دانشجویی اروگوئه است. او همچنین از قول منابع خودش و نیز از گفته‌های شفاهی وزیـر

کشور گفت که پیرامون مداخلهٔ غیرقانونی دیپلماتهای کمونیست جای هیچ شك و شبهه‌ای باقی نیست. او افزود که گزارش «استوراس» هفتهٔ آینده به NCG داده شده، و در یك لحظه مناسب و پـراهمیت اعـلام خواهد شد.

«گزارش استوراس» همان گزارشی است که ما، دو هفته پیش، بـه منظور توجیه اخراج ۸ مقام شوروی و دو دیپلمات چك برای استوراس و «وارگاس» تهیه کرده بودیم. این گزارش، اکنون در اختیار استوارس است و اگر اوضاع به خوبی پیش برود، هفته آینده با اخراج‌های حساسی مواجه خواهیم شد. برای اینکه نتیجهٔ مطلوب حاصل شود، شورویها را بدقت انتخاب کردیم. نام «خولتورین» رئیس کا.گ.ب و نام «بوریسوف» کنسول شوروی و افسر کا.گ.ب در لیست نیامد، تا بدین‌وسیله بتوانیم روابط میان «خولترین» و «بورریسف» را ردیابی کنیم. اما، نام مؤثرتریـن و پرکارترین زیردستان «خولترین» از جمله نام وابستهٔ فرهنگی سفـارت شوروی که سال گذشته در جریان تهیهٔ نامهٔ جعلی واکسمان برایش مشکل ایجاد کردیم، در لیست، آورده شده بود. هدف ما این بود تا بدین‌وسیله «خولترین» را وادار کنیم بار بیشتری بردوش بگیرد. گزارش رسیده از «سالجیورس» و پست دیده‌بانی «اوبلمیپ» نشان می‌دهد که «خولترین» ساعتها به کار سخت مشغول است، و زیاد روی خود فشار مـی‌آورد. بدین‌ترتیب می‌توانیم با محول کردن کارهای بیشتر او را درهم بشکنیم. نام «زاوهوز» سفارت (مأمور مسئول امور اجرایی) را نیز در لیست آوردیم، زیرا عزیمت او از اروگوئه مشکلات وخیمی در وظایف جـاری هیأت شوروی ایجاد خواهد کرد. نام دو مقام چك را نیز وارد لیست کردم تا بدین‌وسیله هم استفاده «کا.گ.ب» از دیپلماتهای کشورهای اقمار شوروی در عملیات خودشان را نشان دهم و هم از دست دو تن از فعالترین مأموران اطلاعاتی چك خلاص شوم.

مونته‌ویدیو ــ ۱۱ فوریه ۱۹۶۶

مقامات کرهٔ شمالی اخراج شدند، ولی اخراج شورویها به تعـویق افتاد. «وارگاس» نتوانست کره‌ایها را وادار کند تا برای استماع توضیح او به دفترش بروند، و به همین خاطر، پلیس را مأمور کرد تا به زور این کار را انجام دهد. سه مقام کره‌ای به همراه خانواده‌هایشان، امروز اروگوئه را ترك کردند. اخراج شورویها اینك به تعویق افتاد، چون «واشینگتن بلتران»، رئیس فعلی NCG می‌خواهد آلبرتو هبر رئیس آینده NCG که اول ماه مارس پست خود را بعهده می‌گیرد، دست به اخراج شورویها بزند. ارائه گزارش به NCG بوسیلهٔ استوراس نیز به تعویق افتاد. اما «وارگاس» به من اطمینان داد که این کار بزودی انجام می‌گیرد. او اکنون، قصد دارد به اذیت و آزار و اخراج هیأت تجاری آلمان شرقی،

دفتر تجاری چکسلواکی و دفتر تجاری شوروی دست بزند. از آنجا که مقامات این دفاتر موقعیت دیپلماتیك ندارند وارگاس می‌تواند بدون مداخله وزارت خارجه از عهده کار برآید. او همچنین مشغول کار برروی بخشنامهٔ جدیدی است که طبق آن برای تصویب تمامی ویزاها، از جمله ویزاهای دیپلماتیك برای کشورهای کمونیستی به وزارت کشور و ادارهٔ مهاجرت اختیاراتی برابر با اختیارات وزارت خارجه اعطا می‌کند.

واشینگتن‌دی‌سی ـ ۷ اکتبر ۱۹٦٦

امروز صبح در بخش اروگوئه (وزارت خارجه‌ـم) جشنی برپا شد. دولت، حداقل چند تن از مقامات شوروی را اخراج کرد ـ چهار نفرشان دیروز رفتند ـ و مطبوعات مونته‌ویدیو اکنون روی این مسئله بحث می‌کنند که NCG دعوت اخیر از آندره گرومیکو وزیر خارجه شوروی به اروگوئه را لغو خواهد کرد یا نه. اخراج شورویها در اثر اصرار «لوئی وارگاس» صورت گرفت. وقتی با او خداحافظی می‌کردم به من گفت هنگامی که اتحادیه‌های دولتی ناآرامی را قبل از انتخابات آغاز کردند. شورویها ضربه خوردند (قبل از ترك مونته‌ویدیو، طی نوشتن یادداشتی توصیه کردم وارگاس را به یك سفر توریستی به آمریکا بفرستند، و این از نظر من یك پاداش کوچك برای جبران زحمات و همکاریهای او بود، زیرا هرگز به او حقوق نپرداخته بودم.)

دستور اخراج شورویها، براساس همان گزارش جعلی که ماه ژانویه برای استوراس تهیه کردیم صورت گرفت و تنها تغییرات کوچکی در آن به‌عمل آمد. براین اساس، شورویها به دخالت در امور کارگری، فرهنگی و دانشجویی اروگوئه متهم شده بودند. تا این لحظه تنها چهار مقام شوروی اخراج شده‌اند، زیرا وابسته فرهنگی شوروی و یکی دیگر از افراد لیست تهیه شده در مسکو به‌سر می‌برند و «وارگاس» می‌تواند تجدید صدور ویزای آنها را متوقف کند. دو نفر دیگری که در لیست اخراج قرار ندارند، مأموریان تجاری هستند و به گفتهٔ وارگاس به محض اینکه چهار مقام دیپلماتیك اخیر، کشور را ترك کنند، این دو نفر اخراج خواهند شد.

ایستگاه سیا در مونته‌ویدئو و جاهای دیگر با استفاده از این اخراجها مبارزهٔ تبلیغاتی جدیدی علیه شورویها به‌راه انداخته‌اند. گزارشی که برای استوراس تهیه کردیم، موج اعتصابات اخیر را به کنگرهٔ حزب کمونیست اروگوئه در ماه اوت، و شرکت شورویها در این کنگره و نیز عملیات براندازی «کا.گ.ب» و GRU و احزاب کمونیست محلی نسبت می‌دهد. از نظر استوراس نشانهٔ صحت طرح خرابکاری مندرج در گزارش، به‌راه افتادن یازده رشته اعتصاب گوناگون است که اکنون در اروگوئه جریان دارد. به شورویها، ٤۸ ساعت مهلت داده شد تا اروگوئه را ترك کنند. اخیراً نیز با دستور اخراج دو مقام باقی‌ماندهٔ آلمان غربی، یعنی وگلر و کوهن

موافقت شد. سی روز به آنها مهلت داده شد تا جل‌وپلاس خود را جمع کنند. مسئلهٔ اخراج شورویها گرچه سال گذشته به‌ضرر اتحادیه‌ها تمام شد، اما این‌بار اینطور نبود.

واشینگتن دی.سی ــ اول دسامبر ۱۹۶۶

در انتخابات روز یکشنبه در اروگوئه، میثاق‌بلانکو ــ کلورادو، برای اصلاح قانون اساسی مورد قبول واقع شد، و جناح کلورادو، ریاست جمهوری را برد و قرار است «ژنرال گستیدو» که آوریل گذشته ازNCG استعفا کرد، برای اصلاح قانون اساسی دست به مبارزه بزند... دیروز، «هبر» تصمیم گرفت به یك تعطیلات دوماهه برود ــ در حالی‌که از مدت ریاست او بر NCG تنها سه ماه مانده و «لوئی وارگاس» از ریاست اداره مهاجرت استعفا کرده است.

گمان نمی‌رود که اقدام دیگری علیه شورویها، آلمان‌شرقیها و یا دیگران صورت بگیرد، اما تعداد اخراجیها طی یازده ماهی که ما همکاری با استوارس و «وارگاس» را شروع کردیم، چشمگیر بود. از آن جمله، ٦ روسی، ۳ مقام کرهٔ‌شمالی، ۲ مقام آلمان‌شرقی و یك چك اخراج شدند.

ه : شبکه فیلم خبری «سیا» درآرژانتین

مطلب خلاصهٔ بعدی، ازمتن فیلم «درباره کارهای کمپانی» گرفته شده است. «ژوزف بورخولدراسمیت» افسرسابق سیا، توضیح می‌دهدکه چگونه سیا در آرژانتین دارای یك شبکهٔ فیلم خبری بود، واخبارواطلاعات جعلی ازآن پخش می‌کرد. اسمیت از۱۹۵۱ تا ۱۹۷۳ درسیاکارمی‌کرد وخاطرات خود را درکتابی تحت عنوان «چهرهٔ یك جنگجوی سرد[44]» به‌چاپ رسانید.

«ژوزف بورخولدراسمیت»: خوب، کار ما در این مورد، این بود که ماجراهای خبری، حوادث جهان و فعالیتهای شوروی با امریکا را در رابطه با کوبا و فعالیت کوبا در امریکای لاتین را می‌گرفتیم، و از آن، ماجراهای خبری، حوادث جهان و فعالیتهای شوروی با امریکا در را داشت، اما موضع ما را تقویت می‌کرد. خبرها به این شیوه ارائه می‌شد. برروی مسئله‌ای کار می‌کردیم که تحریف مورد نظر ما را نتیجه می‌داد.»

و : گزارش جعلی درمورد تجاوزسربازان کوبایی درآنگولا به‌زنان ۱۹۷۶ـ۱۹۷۵

مطلب بعدی، خلاصهٔ مصاحبه‌ای است با جان استکول‌که ازفیلم «دربارهٔ

44— Joseph Burkholder Smith : «Portrait of a Cold Warrior, G. P. Putnam's Son, New york, 1976.

کارهای کمپانی» گرفته شده است. استکول رئیس عملیات ۱۹۷۵ و ۱۹۷۶ سیا در آنگولا بهحمایت از«هولدن روبرتو» ونیروهای ساویمبی (رئیس سازمان یونیتا علیه مپلا بـود. استکول در۱۹۷٦ ازسیا استعفا داد وکتاب «درجستجـوی دشمنان»[45] را نوشت. دراین کتاب، جزئیات عملیات سیا درآنگولا افشا شده است. دراین مصاحبه، اوداستان جعلی ساختهٔ دست ایستگاه سیا درلوزاکا را علیه سربازان کوبایی درآنگولا تشریح می کند.

جان‌استکول: «رئیس ایستگاه سیا در لوزاکا داستانی سرهم کرد و گزارشی دربارهٔ یك صحنهٔ تخیلی و جعلی از تجاوز سربازان کوبایی به چند دوشیزهٔ ۱۵ ساله تهیه کرد. در حالی که کل ماجرا، بی‌اساس بود. یك گزارش صرفاً پوچ و مزخرف! که با وظایف کوباییها و شیوهٔ عمل آنها در آنگولا در تناقض بود. سه ماه در این باره تبلیغ کرد. او طی جنگی، این سربازان کوبایی را دستگیر نمود و آنها را قبل از محاکمه دخترانی که مورد تجاوز قرار گرفته بودند به محاکمه کشید، و سرانجام اعـدام کرد و همانطور که می‌دانید عکسهای محاکمه و نیز جریـان اعـدام کوباییها توسط دختران مورد تجاوز قرار گرفته را پخش کرد.

ز : جعل اسناد درکاخ سفید

مبادا کسی فکر کندکه تنها سیا، انحصارجعل اسناد را دراختیاردارد. ما نباید کار«ای. هوارد هانت» کارمندکاخ سفید دردوران دولت نیکسون را فراموش کنیم. او درکتاب زیرچاپ خود تحت عنوان «خاطرات یك‌مامورمخفی[46] امریکا» شرح می‌دهدکه چگونه سندهایی جعل می کردکـه ظاهراً ازوزارت‌خارجه در واشینگتن بهسفارت امریکا درسایگون نوشته شده‌بود. دراین اسناد، نشان داده شده که دولت کندی درترور«نگودین‌دیم» رئیس جمهوری ویتنام در۱۹٦۳ دست‌داشته است. هدف ازجعل این اسناد، بی‌اعتبارکردن سناتورادوارد کندی وخطرعمده درمقابل انتخاب مجدد نیکسون، بود. هانت سرانجام اطلاعات جعلی فوق را در برنامه‌ای دربارهٔ جنگ‌ویتنام ازطریق یکی ازشبکه‌های تلویزیون امریکابرملاکرد.

ح : مخفیگاه انباراسلحه درونزوئلا، ۱۹٦٤ ــ ۱۹٦۳

مورد جالب دیگری هست‌که فکرمی‌کنیم برای شما هم جالب باشد. ممکن است بعضی ازشما بهخاطرداشته باشیدکه در۱۹٦۳ یك مخفیگاه ذخیره سلاحهای

45– J· Stocwell : «In Search of Enemies», M· w. New york, 1978
46– E. H. Hunt : «The Memoirs of an American Secret Agent.» Berkely Publishing CorporaTion, New york, 1974

چریکی درساحل ونزوئلا کشف شد وظاهراً رد پایش به‌کوبا رسید. البته من به‌طور قطع مطمئن نیستم. اما همیشه مشکوك بوده‌ام که ممکن است سیا این سلاحها را در آنجا کارگذاشته باشد. زیرا دراکوادور، ما در حال بررسی انجام یك‌چنین کاری بودیم. نقشه این بودکه با خرید یك‌سری سلاح ازچکسلواکی یا بلژیك آنها را درکشورمخفی‌کنیم وسپس اعلام داریم‌که این سلاحهاکشف شده وسرنخش به‌کوبا رسیده است. اما جریان مذکور، درپاییز۱۹۶۳ درونزوئلا اتفاق افتاد. دولت ونزوئلا این ماجرا را دراجلاس OAS (سازمان‌کشورهای امریکایی)[47] مطرح کرده وسازمان در۱۹۶٤ رأی دادکه تمام‌کشورهای عضو، باید روابط دیپلماتیك خود را باکوبا قطع‌کنند. تا این زمان وماجرای این سلاحها، دولت امریکا و بویژه سیا نتوانسته بود بطور مؤثرکوبا را منزوی‌کند. درپایان، و بعدازطرح جریان‌کشف این مخفیگاه، تنهاکشوری‌که درامریکای لاتین حاضرنشد روابطش را باکوبا قطع‌کند، مکزیك بود. درسالهای اولیهٔ دههٔ ۱۹۶۰ موفقیتهای قابل ملاحظه‌ای درمبارزه علیه‌کوبا به‌دست آوردیم، وجریان مخفیگاه سلاحها درونزوئلا را ازآن نظرمطرح‌کردم‌که‌گرچه به‌جعل اسناد، ربط ندارد، اما نوعی ازجعل ماجراها وحوادث به‌شمارمی‌آید.

تنها من نیستم‌که معتقد است مخفی‌کردن انبارسلاحهاکار «سیا» است. در اینجا، خلاصهٔ اظهارات «ژوزف اسمیت» افسرسابق بخش ونزوئلا درسیا،که همین عقیده را دارد ازفیلم «دربارهٔ‌کارهای‌کمپانی» برایتان نقل می‌شود. در دنبالهٔ اظهارات اسمیت، سخنان دین‌راسك وزیرخارجهٔ امریکا درمقابل دوربین‌های خبری را می‌آوریم تا خوشحالی او را ازصدور قطعنامهٔ ضدکوبایی «سازمان کشورهای امریکا»یی نشان دهیم.

ژوزف بورخولدراسمیت: «هنگام مأموریتم در آرژانتین جالب‌ترین مسئله، برای ما، در رابطه با کاسترو، جلب حمایت دولت آرژانتین از اتهام ونزوئلا مبنی‌بر ارسال سلاح از سوی کوبا برای چریکها بود. مخفیگاه سلاحها در نوامبر ۱۹۶۳ کشف شد. من قبل از رفتن به آرژانتین افسر بخش ونزوئلا در سیا بودم. هنگام کشف این مخفیگاه پی بردم که یکی از مدارك موجود، برای اثبات این جریان، اظهارات پی‌درپی مردی است که مدتها قبل، یعنی زمانی که من افسر بخش ونزوئلا بودم دستگیر شده بود. و این سلاحهایی که ظاهراً بنابه اعتراف او در ارتباط با یك توطئهٔ چریکی شهری بدست آمده، همان سلاحهایی است که دو سال قبل تحویل داده شده است. بدین‌ترتیب پی بردم ماهیت دستوراتی که به ما داده‌اند چیست و چرا مجبوریم آرژانتین را به پذیرفتن این اتهام متقاعد کنیم.

47— Organization of American States

من شك دارم که مخفی کردن سلاحها به عنوان یك عملیات کوبایی، حقیقت داشته باشد. فکر می‌کنم خودمان (سیا) سلاحها را آنجا مخفی کرده باشیم.»

دین‌راسك، وزیر خارجهٔ امریکا ۱۹٦٤: «به برادرانمان در ونزوئلا چه بگوییم؟ ما همبستگی کامل خود را باشما اعلام می‌کنیم و پابه‌پای شما برای تأمین ادامهٔ دمکراسی کشورتان خواهیم آمد.»

اسمیت: «ونزوئلا موفق شد قطعنامهٔ خود را مبنی‌بر محکوم کردن کاسترو به تصویب سازمان کشورهای امریکایی برساند و کاسترو نیز از نظر اقتصادی و سیاسی در بقیهٔ نیم‌کرهٔ جهان تحریم شد. مسلماً هدف اصلی سیاست کندی در قبال کوبا نیز همین بود.»

دین‌راسك: «نیم‌کرهٔ امریکای لاتین، اکنون در رابطه با کوبا موضع قاطعی اتخاذ کرده است. نوزده کشور از ۲۰ کشور امریکای لاتین روابط دیپلماتیك خود را با کوبا قطع کرده‌اند. وزرای خارجهٔ نیمکرهٔ امریکای لاتین اینك راه‌حلهای صلح‌آمیز مندرج در «پیمان ریـو» را به مـورد اجرا گذارده‌اند. راه آینده، راه کاسترو نیست.»

اینها مدارکی بود که امروز من در رابطه با جعل اسناد و موارد جعل مطرح کردم. به‌هرحال ، این موارد نشان می‌دهد که ساختن اسناد جعلی شیوهٔ معمولی سیا در عرض ۲۵ سال گذشته بوده‌است و اسناد به‌دست آمده در ایران نیز ثابت می‌کند که سیا هنوز به این کار ادامه می‌دهد. من به شخصه نسبت به‌اسناد و کمك‌ظاهری ویتنام، اتیوپی، شوروی و کوبا به چریکهای السالوادور بسیار مشکوك هستم، مگر اینکه صحت این اسناد به اثبات برسد.

با توجه به تاریخ گذشته سیا ، من فکر می‌کنم خود دولت مسئول این‌کار باشد. در مقالهٔ «دواونی» در روزنامهٔ نیویورك‌تایمز خواهید خواند که سند اصلی در این رابطه ، گزارش «هندل» دبیرکل حزب کمونیست السالوادور ، دربارهٔ سفر او به تمام کشورهای گوناگون نام برده است.

گرچه «هندل» یك رهبر چریکی السالوادوری است و مخفیانه زندگی می‌کند، اما فوراً طی صدور اعلامیه‌ای موضوع را تکذیب کرد. اصلا شما می‌توانید یك دبیرکل حزب سیاسی را تصور کنید که بنابه ادعای آنها به یك چنین ماموریتی برود، و سپس هرچه را که طی این سفر انجام داده همراه با چگونگی دریافت هزاران قطار فشنگ و مهمات و مقادیر متعددی تفنگ وغیره در کاغذی یادداشت کند و سپس آن‌را همراه خود به السالوادور برگرداند؟ آن‌هم جایی که هرلحظه ، امکان دستگیری او و یافتن این یادداشتها توسط نیروهای امنیتی السالوادور می‌رود؟ به‌نظر من، یك چنین چیزی امکان‌ندارد،

و این اتهام بی‌اعتبار است. طی خدمت دوازده سالهٔ خودم در سیا ، هرگز به چنین موردی برنخورده‌ام. در حقیقت فقدان یك چنین سندهایی بود که ما را وامی‌داشت به جعل مدرك دست بزنیم.

ط : نقش سیا در قتل‌عام دست‌جمعی اندونزی در سالهای ۱۹٦٦ ــ ۱۹٦٥

ماجرای بعدی (اندونزی) در مورد نقش سیا در قتل‌عام یك‌ونیم میلیون نفرــ ویا بیشترــ ازمردم اندونزی هنگامی برملا شدکه «رالف مك‌گی» مامور سابق سیا در مارس ۱۹۸۱ در دادگاه بخش فدرال در واشینگتن (دی‌سی) علیه سیا به‌خاطــرسانسورمقاله‌ای که او برای مجلهٔ «نیشن» (ملــت) نوشته بــود، اقامهٔ‌دعوی کرد. «مك‌گی» در این مقاله گفته بود که اسناد به‌دست آمده از السالوادور ، توسط سیا جعل شده است. او در مقالهٔ خود به مسئله جعل اسناد، در اندونزی در ۱۹٦٥ ، به‌عنوان نمونه‌ای از شیوه سیا اشاره کرد. در اینجا متن مقالهٔ «مك‌گی» نیز آورده شده تا شرکت سیا را در بزرگترین قتل‌عام انسانها بعد از کشتار یهودیان توسط نازیها نشان بدهد.

«مك‌گی» بعدازشرح چگونگی شکست عملیات شبه‌نظامی سیا برای‌سرنگونی و خلع سوکارنو رئیس جمهوری اندونزی در ۱۹۵۸ می‌نویسد : «آنچه را که آن حرکت عظیم نظامی نتوانست به‌بار آورد ، سیا در سالهای بعد ، طی یك عملیات .... ساده به‌دست آورد» (توضیح در اینجا بعد ازکلمهٔ «عملیات» ، یك کلمه ۹ حرفی که به احتمال زیاد Deception ــ به معنی جعلی است سانسور شده است) مك‌گی در دنبالهٔ مقالهٔ خود به شرح جریان شکست کودتای طرفدار سوکارنو در شب ۳۰ اکتبر اول سپتامبر ۱۹٦٥ که طی آن ٦ افسر بلندپایهٔ نظامی ترور شدند می‌پردازد و می‌نویسد : «به‌دنبال شکست کودتا ، سیا فرصت را با توجه به این حوادث برای درهم کوبیدن حزب کمونیست اندونزی مناسب دید»

«مك‌گی» در صفحهٔ بعدی دست نوشتهٔ مقاله‌اش می‌گوید : «ارتش اندونزی بعد از به قدرت رسیدن و تشکیل حکومت ، علیه حزب کمونیست کشوردست به‌اقدام نزد، زیرا حزب درکودتای نافرجام شرکت نداشت. «بقیهٔ این صفحه ازنامهٔ «مك‌گی» کاملا سانسورشده است. وی در صفحهٔ سوم مقالهٔ خود می‌گوید: «رهبران نظامی اندونزی.... قلع وقمع وتصفیه خونین را آغازکردند (توضیح: دراینجا نیز بعدازجمله رهبران نظامی اندونزی، چندین کلمه‌که احتمالا به‌نقش سیا اشاره دارد، سانسورشده است)... ژنرال سوهارتو(رئیس جمهــور

کنونی اندونزی) دراواسط ماه نوامبر۱۹٦٥ رسماً فرمان قلع وقمع حـزب کمونیست اندونزی را صادر کرد و تیمهای ویژه‌ای برای نظارت بر عملیات قلع و قمع دسته‌جمعی تشکیل داد. سهم عمده ، برانگیختن این روحیهٔ قصابی و قتل‌عام، به‌عهدهٔ رسانه‌های گـروهی بودکـه به‌جعل اسناد وگزارشات دست می‌زدند. عکس اجساد ژنرالهای کشته شده که مثله شده بود در تمام روزنامه‌ها و صفحات تلویزیونی پخش شد. همراه اینها یك سری اسناد جعلی ارائه شد که ادعا داشت ژنرالها به‌وسیلهٔ زنان کمونیست اخته شده و چشمهایشان از کاسه درآورده شده‌است. هدف از این جعلیات برانگیختن وحشت مردم از جنون کمونیسم و بدین‌ترتیب آماده‌کـردن زمینه برای به‌راه انـداختن دومین‌کشتارعظیم قـرن بیستم بود.

کشتار دستجمعی در اواخر سال ۱۹٦٥ با ورود چتربازان به جاوهٔ‌مرکزی آغازشد. ارتش، لیست هدفها (افـراد) را به‌گروههای دست راستی مسلمان داد و آنها با قمه‌های تیز ، به‌وسیلهٔ کامیونهای ارتش به دهات برده شدند و به کشتارهای خونین دست زدند. ارتش از بچه‌مدرسه‌ایها خواست تا کمونیست‌ها را به آنها نشان دهند و سپس به‌دنبال شناسایی ارتش کمونیست‌ها را همراه تمامی خانواده‌هایشان نابود کرد. مردم ، در اختلافات شخصی خود مخالفان را متهم به کمونیست بودن می‌کردند، وگفتن یك‌کلمه یا اشارهٔ انگشتی کافی بود که افراد را به کشتن دهد.

میزان کشتار، به حدی بالا بود که در جادهٔ شرقی و سوماترای شمالی مشکلات بهداشتی ایجادکرد. بوی گند گوشتهای فاسد شدهٔ انسانها همه جا را فراگرفته بود آب رودخانه‌ها در اثر انباشته شدن اجساد انسانها بند آمده‌بود.

«مك‌گی» در مقالهٔ خود می‌نویسد که ارقام کشته‌های رسمی اعلام شده از سوی ارتش اندونزی «به بیش از ۵۰۰۰۰ نفر می‌رسید» ، اما دیگران تخمین می‌زنند که بیش از یك میلیون تن قتل‌عام شده‌اند. وی در ادامهٔ مقالهٔ خود چنین می‌گوید: «سیا برای پوشاندن نقش خود در قتل‌عام این انسانهای بی‌گناه شرح تحریف شده‌ای ازماجرا نوشت وکتابی تحت عنوان «اندونـزی ۱۹٦٥ : کودتایی‌که نتیجهٔ معکوس به‌بارآورد»[48] منتشرکـرد. این‌کتاب تنها مطالعه‌ای است که تاکنون از سیاست‌های اندونزی به‌عمل آمده و به توسط خود سازمان سیا در اختیار مردم قرار گرفته است. در ضمن در همان زمانی که این کتاب را نوشت مقالهٔ مخفی دیگری از آنچه واقعاً رخ داده به‌عمل آورد (توضیح:

48– Indonesia 1965: «The Coup That Backfired».

در اینجا نیز سه‌سطرونیم سانسور شده‌است). سیا از این عملیات خود بی‌نهایت مغرور شده بود (توضیح: اینجا نیز یك کلمهٔ ۹حرفی ــ احتمالا Deception بمعنی جعلی سانسورشده است) وتوصیه‌کرد تا درعملیات آینده، نیزازایــن شیوه ، استفاده شود»

خواندن مقالهٔ مك‌گی ، کاملا آشکار می‌سازد کــه محتوی صفحه‌ای (صفحه دوم) که جز یك جمله ، بقیهٔ آن کاملا به‌وسیله سیا، سانسور شده‌است به‌تلاش سیا برای نسبت‌دادن حزب‌کمونیست به کودتای نافرجام مربوط می‌شود که به منظور به‌راه انداختن قتل‌عام بعدی صورت گرفته است. اگر مك‌گی در ادعای خود علیه سانسور سیا پیروز شود، حقیقت بخوبی معلوم خواهد شد. در ضمن شاید هم سیا آن قسمت از مقاله را که به شرح جریان جعل اسناد بیشتر از سوی سیا می‌پردازد سانسور کرده‌است. از آن جمله است «اعتراف» معروف «د.ان.ایدیث» دبیرکل حزب‌کمونیست اندونزی‌که ظاهراً دخالت حزب را در کودتای نافرجام می‌پذیرد. گفته می‌شود این «اعتراف» درست اندکی قبل از اعدام او در نوامبر ۱۹٦٥ ، گرفته شده‌است.

بخش ۵

«مؤسسه امریکائی توسعه کار آزاد» ارگان جدید سیا ...

اکنون می‌خواهم دربارهٔ «موسسه امریکایی برای توسعهٔ کار آزاد» (AIFLD) ۱ سخن بگویم. این سازمان فوق‌العاده مهم ، اکنون برنامهٔ اصلاحات ارضی السالوادور را اجرا می‌کند. اما در ابتدا خوب است اندکی از سوابق ماجرا صحبت کنیم.

در سال ۱۹۶۰ قبل از اینکه برای اولین ماموریت خود در «سیا» به اکوادور بروم ، دوره آموزشی ویژه‌ای دیدم که به افسرانی که به قول سیا در عملیات کارگری درگیر بودند، داده‌می‌شد. این عملیات ، بسیار وسیع و پیچیده‌است و جنبه بین‌المللی دارد. سیا، بارخنه به درون سازمانهای اتحادیه‌های کارگری تلاش می‌کند از اتحادیه‌ها در راه اهداف سیاسی خود استفاده‌کند. در این جلسه برایتان تنها از «موسسهٔ امریکایی توسعهٔ کار آزاد» سخن می‌گویم.

«موسسه امریکایی توسعهٔ کار آزاد» در سال ۱۹۶۱ ظاهراً به‌عنوان یك موسسهٔ آموزشی تاسیس شد. موسسه ، همزمان با آغاز فعالیت‌هایش در واشنگتن دست به تاسیس دفاتر وابسته زد و سرانجام در تمامی پایتخت‌های کشورهای امریکای لاتین شعبه‌هایی بازکرد وآموزش اعضای خود را درامریکای لاتین از طریق دفاتر محلی و در واشنگتن (و بعداً در فرونت‌رویال و ویرجینیا) برای آنهایی که مخصوص این آموزش در ایالات متحده برگزیده شده بودند آغاز شد. در عرض چند سال ، موسسه صدها هزار کارگر امریکای لاتین را چه در امریکای‌لاتین و چه امریکا آموزش داد.

اما هدف واقعی این موسسه : آمــوزش تربیت کادرهایی بود که به سازماندهی اتحادیه‌های تجاری ویاکنترل اتحادیه‌های موجود دست می‌زدند بطوریکه اتحادیه‌ها چه بطور مستقیم یا غیرمستقیم به‌کنترل سیا درمی‌آید. یك‌بار

1– American Institute For Free Labor Develepment

من خود در عملیات کارگری در اکوادور کار می‌کردم و با یك مامور سیا که رئیس دفتر «مؤسسه» دربوگـوتا پایتخت کلمبیا بـود، ارتباط داشتم. ترتیبی دادیم که او به کویتو بیاید و در حل مشکلاتی که در رابطه با عملیات کارگری خودمان داشتیم به ما کمك کند.

آنچه در زیر از کتاب «در داخل کمپانی» نقل می‌شود چگونگی شرکت سیا را در تاسیس «موسسهٔ امریکایی توسعهٔ کار آزاد» نشان می‌دهد. چند فقره از تجربیات خودم در عملیات سیا از طریق «مـوسسه» نیز از همان کتاب آورده می‌شود.

کویتو ــ ۱۵ ژوئن ۱۹۶۲

برنامهٔ جدید بعدی بیشتر به عملیات منظم ایستگاه (سیا) و پـاسخ واشنگتن به محدودیتهای برنامه‌های جاری کارگری تحت نظـر AD (آژانس بین‌المللی توسعه) و ORIT (سازمان منطقه‌ای کارگری قاره آمریکا) و ایستگاههای سیا، مربوط می‌شود. مسئله چنین مربوط می‌شود به اختلاف برسر سودمند نبودن کارهای ORIT اما در واقع از این فراتر می‌رود و در اصل، مشکل این است که فعالیتهای سازماندهی مؤسسـات کارگری در امریکای لاتین را چگونه می‌توان افزایش داد تـا بدین‌وسیله از پیوستن کارگران به اتحادیه‌های کارگری تحت تسلط جنبشهای چپ افراطی جلوگیری کرده و جلوی رخنهٔ کمونیسم و کاستـروئیسم بـه اتحادیه‌های کارگری را بگیریم. برنامهٔ جدید، نتیجهٔ چندین سال مطالعه و طرح و برنامه‌ریزی است که می‌بایست از کانال «موسسه» امریکایی برای توسعهٔ کار «آزاد» که سال گذشته برای آموزش سازماندهی اتحادیه‌هـای کارگری تاسیس شد به مرحله اجرا درآید. دلیل تاسیس نهاد جدیـد مذکور این بود که برنامه‌های کارگری «آژانس بین‌المللی توسعه» به‌خاطر وابستگی مستقیمشان به دولت امریکا محدود بود، برنامه‌های «آژانس بین‌المللی توسعه» صرفاً به مبارزان پیش‌پا افتاده‌ای محدود می‌شد کـه خاص سازماندهی کارگری و دعواهای حقوقی است. برنامه‌های «سازمان منطقه‌ای کارگری قارهٔ امریکا» نیز به دلیل ضعیف بودن و یا موجـود نبودن شعبه‌های آن در بعضی کشورها محدود است، هرچند که سعی می‌شود با تاسیس یك مدرسهٔ جدید «سازمان منطقه‌ای کارگری قارهٔ امریکا» در مکزیك به برنامه‌هایش توسعه داده شود، برقراری کنترل مشکل و نتیجـهٔ کار آنها ناچیز است. برنامه‌های ایستگاه سیا نیز به‌دلیل وجود مشکلات پرسنلی محدود است. اما کمی مقدار پولی که سیا می‌تواند مخفیانه از طریق ایستگاهها و سازمانهای بین‌المللی نظیر «سازمان منطقه‌ای کارگری قارهٔ امریکا» و CFTU به‌دست آورد باعث ایجاد محدودیتهای بیشتری

در برنامه‌های آن می‌شود.

از آنجا که بازرگانان بزرگ، نقش عمده‌ای در هیأت‌رئیسه‌ها دارند مقدار زیادی از پول «آژانس بین‌المللی توسعه» به «مؤسسهٔ آمریکایی توسعهٔ کار آزاد» منتقل می‌شود و موسسه، از همکاری بازرگانان امریکایی فعال در امریکای لاتین برخوردار خواهد شد. با وجود این «موسسه» از نظر قانونی یك تعاونی غیرانتفاعی وخصوصی است که هزینه‌های مالی آن را بازرگانان و نهادهایی چون «فدراسیون امریکای کار و کنگرهٔ سازمان صنعتی AFL-CIO تامین می‌کنند.

ریاست «موسسه» به‌عهده «سرافینوروموالدی» مأمور قدیمی و باسابقهٔ بخش IO است که از نمایندگی AFL-CIO امریکا استعفا کرده است. از دیگر مدیران «موسسه» می‌توان به افرادی نظیر «جرج‌مینی»، «پیترگریس» و «ژوزف بیرنه» رئیس سازمان «کارگران ارتباطات امریکا» CWA (۲) بزرگترین شعبهٔ غربی «سازمان بین‌المللی کارگران پست و تلگراف و تلفن»: PTTI (۳) نام برد. در حقیقت «موسسهٔ امریکایی توسعهٔ کار آزاد» نمونهٔ مدرسهٔ آموزشی «سازمان کارگران ارتباطات امریکا در «فورت‌رویال» و «ویرجینیاست» که رهبران شعبه‌های «سازمان بین‌المللی کارگران پست و تلراف و تلفن» در امریکای لاتین در آنجا آموزش داده می‌شوند. به‌هرحال، کنترل روزانهٔ «موسسه» توسط بخش O از طریق رومواالدی و «ویلیام دوهرتی» نمایندهٔ سابق «سازمان بین‌المللی کارگران پست، تلگراف و تلفن» و رئیس کنونی پروفروماهای اجتماعی «مؤسسه» صورت می‌گیرد. لیبرالهای برجستهٔ امریکای لاتین از جمله «خوزه فیگوئرت» رئیس جمهوری سابق کاستاریکا و همکار قدیمی و باسابقهٔ سازمان (سیا) گاه‌به‌گاه در هیأت‌رئیسهٔ «مؤسسه» عضویت خواهند داشت.

هدف اصلی «مؤسسه» سازماندهی اتحادیه‌های کارگری ضدکمونیستی در امریکای لاتین است. اما از آنجاکه سازماندهی اتحادیه‌ها ازنظر «آژانس بین‌المللی توسعه» برای دادن کمك مالی به‌مؤسسه مهمتر است هدف مؤسسه درظاهرباید «آموزش بزرگسالان» و تهیهٔ پروژه‌های اجتماعی ازجمله، خانه‌سازی برای‌کارگران وتشکیل اتحادیه‌های اعتباری وشرکتهای تعاونی باشد. تأسیس نهادهای آموزش درتمام‌کشورهای امریکای لاتین نخستین اولویت مؤسسه است. این نهادهای آموزشی برنامه‌های سابق «آژانس بین‌المللی توسعه» درکشورهای امریکای لاتین را به‌اجرا درمی‌آورند. گرچه‌کنترل این نهادهای آموزشی ازنظرظاهری واجرایی به عهده مؤسسه درواشنگتن است، اما تا حد ممکن، ریاست آنها دردست مأموران حقوق‌بگیر سیا وکنترل عملیات آنها نیز به عهدهٔ ایستگاههای سیا درامریکای لاتین

2— Communications Workers of America

3— Post, Telegraph and Telephone Workers International

خواهد بود. امید می‌رودکه دربیشترموارد، مأموران «مؤسسه» ازشهروندان امریکایی‌که درتشکیل اتحادیه‌های کارگری سابقه دارند انتخاب شوند، اما گاهی اوقات نیز می‌توان از ملیتهای خارجی استفاده‌کرد، چنانکه این امر درمورد «سازمان منطقه‌ای‌کارگری قارهٔ امریکا» (ORIT) رعایت می‌شد. طی برنامه‌های آموزش نهادهای محلی درامریکای لاتین سازمان‌دهندگانی تربیت خواهند شدکه بعد ازگذراندن دوره‌های لازم نه‌ماه بعدی را صرفاً وقف سازماندهی اتحادیه‌های جدید خواهندکرد. حقوق وتمام هزینه‌های لازم این افراد نیزبه‌توسط نهاد محلی پرداخته خواهد شد. این افراد که درظاهر و اسماً به «مؤسسه» وابسته هستند در رابطه با مؤسسه در امورپروژه‌های اجتماعی و«آموزش بزرگسالان» تبلیغ می‌کنند ومسئلهٔ سازماندهی اتحادیه‌ها را مخفی نگاه می‌دارند.

مؤسسه دراین ماه، علاوه بردادن آموزش درکشورهای امریکای لاتین یك‌دوره برنامهٔ آموزش پیشرفته را در واشنگتن آغازمی‌کند. وظیفه دایمی اعضای تحت‌کنترل سیا در«مؤسسه»هم دردوره‌های آموزش درامریکای لاتین وهم دوره‌های آموزش درواشنگتن یافتن ماموران بالقوه برای عملیات کارگری خواهد بود. مأمورانی‌که قبلا درعملیات‌کارگری شرکت داشته‌اند می‌توانند برای بالا بردن تواناییهای فنی وپرستیژ خودشان دردوره‌های آموزش ثبت‌نام‌کنند.

نمایندهٔ «مؤسسه» دراکوادورکه اکنون، مشغول تأسیس نهاد آموزش است واولین دورهٔ آن درعرض سه هفته شروع خواهد شد، جزو مأموران سیا نیست وبرای اینکه تأخیری در برنامه‌ها حاصل نشود به این مأموریت فرستاده شد. اما «جیل‌سوداد» ترتیبی اتخاذکردکه «ریکاردو وازکوئزدیاز» مدیرآمـوزشی «کنفدراسیون سازمانهای آزاد اکوادور» CEOSL * مسئولیت برنامه‌های آموزش محلی «مؤسسه» را در اکوادور به‌عهده بگیرد. «کارلوس والخوبنر» نیزکه با «حزب لیبرال انقلاب مردمی» ارتباط دارد جزوکارمندان آموزش «مؤسسه» است. به هرحال درنهایت «یاسوداد» این اولین نمایندهٔ «مؤسسه» را استخدام می‌کند ویا درغیراینصورت مرکزترتیبی خواهد داد تا یك مأمور معروف به آنجا فرستاده شود.

کویتو ـ ۳ سپتامبر۱۹٦۲

ضمناً دربرنامهٔ «مؤسسهٔ امریکایی توسعهٔ‌کارآزاد» گسترش هماهنگی نزدیك با «کنفدراسیون سازمانهای سندیکایی آزاد اکوادور» ازطریـق «ریکاردو وازکوئز دیاز»گنجانده شده است. ماه آینده وازکوئز، سمیناری برای رهبران کارگری برپا می‌کندکه طی آن چهارنفر برای دورهٔ سه‌ماههٔ آموزش «مؤسسه» که ماه اکتبر در واشنگتن آغاز می‌شود. انتخاب می‌شوند.

---

* Confedracion Ecuatoriana de Organizaciones Sindicales Libres (CEOSL)

دو هفتهٔ گذشته یک هیأت «سازمان بین‌المللی پست وتلگراف وتلفن» برای بحث با شعبهٔ اکوادوری خود درمورد سازمان وبرنامهٔ خانه‌سازی ارزان‌قیمت دراینجا به‌سرمی‌برد. شعبهٔ سازمان بین‌المللی پست وتلگراف وتلفن دراکوادور ازمهم‌ترین اتحادیه‌های عضو «کنفدراسیون سازمانهای سندیکای آزاداکوادور» است سازمان ...... رهبران شعبه خود دراکوادور را در مدرسهٔ «فورت رویا» ویرجینیا آموزش می‌دهد و دیدار هیأتش از اکوادور به‌منظور تبلیغ برای برنامهٔ سمینار «مؤسسهٔ امریکایی توسعهٔ کارآزاد» صورت‌گرفت. درمیان اعضای هیأت «سازمان بین‌المللی پست وتلگراف و تلفن» نمایندهٔ جدیـد سازمان در امریکای‌لاتین، یك شخص کوبایی که رهبر اتحادیه کارگران تلفن کوبا درتبعید، نیزهستند دیده می‌شوند. شعبهٔ «سازمان» بدون شك، مؤثرترین دبیرخانهٔ تجارتی بین‌المللی است‌که فعلا تحت نظربخش IO دراکوادور فعالیت می‌کند .

کویتو ۳۰ اوت ۱۹۶۳

عملیات کارگری ظاهراً همیشه با هرج و مرج و درهم‌ریختگی همراه است، اماگاه به‌گاه‌کارهای چشمگیری نیزدراین میان بروزمی‌کند. «ریکاردو وازکوئزدیاز» یکی ازمأموران کارگری‌که توسط «جیل‌سوداد» در اختیار من قرارداده شده روز بعد به من‌گفت‌که معشوقه‌اش رئیس صورت جلسه نویس تمام جلسات مهم‌کابینه و «خونتا» است و نسخهٔ تمام صورت جلسات را به‌او داده واو بدین ترتیب، اطلاعات‌کافی دررابطه باکارش در«کنفدراسیون سازمانهای سندیکای آزاد اکوادور» دارد. وی نمونه‌هایی ازصورت جلسات را به‌من داد، ورئیس، پس ازدیدن آنها دستورداد تا به‌معشوق وازگوئز حقوق پرداخت شود. ازحالا بدبعد، ما حتی زودتر از شرکت‌کننده‌گان، نسخهٔ صورت جلسات این جلسه‌ها را دراختیارخواهیم داشت. این نسخه‌ها را در سفارت دراختیارسفیرقرارمی‌دهیم ودرواشنگتن خلاصه‌های‌کوتاه با متن‌کامل اسپانیایی آن به‌مقدارمحدود وبراساس یك درخواست ویژه توزیع می‌شود. بنا به‌گفتهٔ رئیس، سفیربیشترازهمه علاقه‌مند است ببیند عکس‌العمل خونتای نظامی واعضای‌کابینه، ازملاقات با او چیست وباتوجه به‌گزارشها، ملاقاتهایش با آنها را طرح‌ریزی‌کند. ما درنهایت سعی می‌کنیم معشوقهٔ «وازگوئز» را مستقیماً به‌استخدام درآوریم اما اکنون،کوشش می‌کنیم با دقت تمام به‌ارتباط با او ادامه دهیم تا بدین‌وسیله عملیات «کنفدراسیون سازمانهای سندیکای آزاد اکوادور» CEOSL را به‌خطرنیندازیم. «وازکوئز» ادعا می‌کند که درمورد‌گزارشات، باهیچکس صحبت نکرده ومن نیزحرفش را باور می‌کنم. زیرا درغیراینصورت شخص مقابل‌که به‌احتمال زیاد ازماموران «کنفدراسیون سازمانهای سندیکای آزاد اکوادور» بود آن را به‌من تذکر می‌داد. این‌گزارشات، نقش عمده‌ای دراطلاعات سیاسی دارد و از همان نوع اطلاعاتی به‌حساب می‌آید‌که درتمام عملیات مخفی باید وجود داشته باشد.

کویتو ۸ سپتامبر ۱۹۶۳

عملیات کارگری آنقدرآشفته وشلوغ است که مرا مجبورمی کند تمام عملیات دیگرخودم را به‌دلیل فقدان وقت کناربگذارم. عجیب نیست که مأموران «سوداد» این همه کم بودند: آنها آنقدرحرف می‌زدندکه یك جلسهٔ آنها تمام وقت بعدازظهریا صبح را پرمی کرد.

تقاضای کمك ما از «مك کله‌لان» نتیجهٔ عکس به‌بارآورد. اوتلگرامی برای خونتای نظامی فرستاد وتهدیدکرد چنانکه خونتا، سرکوب اتحادیه‌های تجاری را متوقف نکند، وی کمکهای طرح «اتحاد برای ترقی» را قطع کرده و به‌سازمان ملل وسازمان کشورهای امریکایی متوسل خواهد شد. سه روز قبل، دبیرکل «فدراسیون امریکایی کار وکنگره سازمان صنعتی» (AFL — CIO) تلگراف مك کله‌لان را تقبیح کرد واسنادی درباره حمایت CROCLE و «کنفدراسیون کارگری گویاس» COG * از خونتای نظامی وسرهنگ مسئول اموره‌آهن دراختیارخبرنگاران قرارداد. هم‌اکنون خونتای نظامی قصد داردکارگران راه‌آهن را ازحق سازماندهی محروم کند. هرطورکه شده ما باید این تمایل را ازبین ببریم و تقاضا کرده‌ایم یك مقام بلندپایهٔ واشنگتن که امیدواریم «ویلیام» دوهرتی «نمایندهٔ سابق» سازمان بین‌المللی پست وتلگراف وتلفن وعضوکنونی «مؤسسهٔ آمریکایی توسعهٔ کارآزاد» باشد، ازکویتو دیدار کند. «دوهرتی» یکی از موثرترین مأموران کارگری ما است ورئیس، فکرمی کند او بتواند نظرخونتای نظامی را نسبت به‌سازمانهای ما تغییردهد.

کویتو — ۱۵ اکتبر۱۹۶۳

عملیات «مؤسسهٔ آمریکایی توسعهٔ کارآزاد» دررابطه با حل مشکلات ازهمه مؤثرتراست. رئیس برنامه‌ریزی کشور درکویتو مأمور ما نیست‌وبدین‌ترتیب نمی‌توانیم جزازطریق واشنگتن به‌راهنمایی اوبپردازیم تا برنامهٔ خوت را با برنامه‌های ما هماهنگ کند. سرانجام دوهرتی برای کمك به‌تقویت وگسترش «برنامهٔ مؤسسه امریکایی توسعهٔ کارآزاد» به‌اینجا آمده، اما این پایان کا، نبود. وی می‌خواهد ترتیبی دهد که «امیلیوکارزا» مأمور مؤسسه دربوگوتا که دراستخدام «سیا» است برای مدت لازم به‌اینجا آمده واطمینان دهدکه برنامهٔ «مؤسسه... طبق نظررئیس پیش میرود. بزودی تمام برنامه‌های «مؤسسه» توسط ایستگاههای سیا اجرا خواهد شد وتاکنون توسعه این‌جریان به‌قدری سریع بوده‌که دربسیاری موارد، افراد غیرمأمور، به‌عنوان روسای «مؤسسه» انتخاب شده و با ترتیبات سفت وسخت ازنوع ترتیباتی که در اینجا اعمال می‌شود تحت‌کنترل قرارمی گیرند.

* Confederacion Obrera del Guayas

کویتو ــ ۱۰ نوامبر ۱۹٦۳

بیل دوهرتی ترتیبی دادکه «امیلیوگارزا» مأمور«مؤسسهٔ امریکایی توسعهٔ‌کارآزاد» برای‌کمك به‌حل مشکلات میان مأموران ما در «کنفدراسیون سازمانهای سندیکای آزاد اکوادور» OEOSL وعملیات مؤسسه به‌اینجا بیاید. مأمور مذکور، شخص بسیار لایقی بود ومن توصیه‌کرده‌ام‌که بعداز اتمام مأموریتش دربوگوتا به‌اکوادورفرستاده شود. او یکی ازمؤثرترین و فعالترین مأموران‌کارگری است‌که تاکنون، باوی‌کارکرده‌ام.

مونته ویدئو ــ ۲۳ مارس ۱۹٦٤

مهمترین فعالیت جدید، درعرصهٔ عملیات‌کارگری، تأسیس دفتر «مؤسسهٔ امریکایی توسعهٔ‌کارآزاد» درمونته ویدیو درماه نوامبرگذشته بود. این‌دفتر «مؤسسهٔ آموزشی اتحادیهٔ تجاری اروگوئه» نام دارد و رئیس آن «ژاك گودوین»، یکی از مأموران قراردادی تبعهٔ امریکا است ونمایندگی «مؤسسهٔ امریکایی توسعهٔ‌کار آزاد» در مونته‌ویدیو را نیز به‌عهده دارد. «الکساندر زفر»، افسرمسئول عملیات‌کارگری ایستگاه سیا، با احتیاط تمام باگودوین ملاقات‌کرد ودربارهٔ امور طرح‌ریزی و تهیهٔ‌گزارش وسایرامور با اومذاکره کرد. اتباع اروگوئه علاوه برکسب آموزش محلی دفتر در «مؤسسهٔامریکایی توسعهٔ‌کار آزاد» برای دیدن آموزشهای بیشتر به‌مدرسه «سازمان منطقه‌ای کارگری قارهٔ امریکا» (ORIT) درمکزیك و مدرسهٔ «مؤسسه» در واشنگتن فرستاده می‌شوند.

مونته ویدئو ــ ۲ مه ۱۹٦٤

من به «الکس زفر» به‌خاطر عملیات کارگرانش غبطه نمی‌خورم. او ناچاراست‌کارها را باردیگر بویژه ازابتدا آغازکند، زیرا سرانجام تصمیم براین شدکه از «کنفدراسیون‌کارگری اروگوئه (CSU) حمایت به‌عمل نیاید. کنفدراسیون، ماه‌گذشته‌کنگره‌ای برپاکرد ورهبری آن‌نتوانست برتضادهای شخصی‌که منجر به کناره‌گیری اتحادیه‌های عضو وخودداری دیگر اتحادیه‌ها ازپرداخت حق عضویت شده است غلبه‌کند. مشکل واقعی، مشکل رهبری است وهنگامی‌که آندره ملك کله‌لان نمایندهٔ «فدراسیون‌کارگری امریکا و کنگرهٔ سازمان صنعتی» درکشورهای امریکای لاتین وبیل دوهرتی رئیس پروژه‌های اجتماعی «مؤسسهٔ امریکایی توسعهٔ‌کارآزاد» هفتهٔ‌گذشته وارد مونته ویدئو شد، به رهبران «کنفدراسیون کارگری اروگوئه» توصیه کردند کمکها را از طریق ICFTU دریافت کنند. ادامهٔ فعالیت «سازمان منطقه‌ای‌کارگری قارهٔ امریکا» (ORIT) و ITS متوقف شد.

وخامت اوضاع بیشترشده است، زیرا «کنفدراسیون‌کارگری اروگوئه»

به‌تازگی یك شرکت تعاونی مسکن‌کارگران تأسیس‌کرده وانتظارمی‌رود برای ساختن خانه‌ها از «مؤسسهٔ امریکایی توسعهٔ‌کارآزاد»کمك دریافت کند. این کمکها به‌کنفدراسیون داده نخواهد شد وممکن است ازطریق یك سازمان اتحادیه غیرکمونیستی دیگراعطا شود. هفتهٔ آینده «سرافینو ژمووالدی» رئیس اجرایی «مؤسسهٔ امریکایی توسعهٔ‌کارآزاد» برای انجام‌گفتگوهای بیشتربه‌اینجا خواهد آمد تا ضمن مشاهدهٔ نابودی «کنفدراسیون‌کارگران اروگوئه» پیرامون چگونگی‌گسترش برنامهٔ «مؤسسه» مذاکره‌کند. یك‌چیز، مسلم است و آن اینکه چندین سال طول می‌کشد تاگروهی ازرهبران‌کارگری ازطریق برنامهٔ «مؤسسه» تربیت شده وازمیان آنان مأمورانی استخدام شود که بتوانند فدراسیون ملی دیگری به‌عنوان شعبه «سازمان منطقه‌ای‌کارگری قارهٔ امریکا» و ICFTU تشکیل بدهند.

مونته ویدئو ــ ۱۷ فوریه ۱۹٦٦

عملیات‌کارگری ایستگاه سیا هنوزروی «مؤسسهٔ آموزشی اتحادیهٔ تجاری اروگوئه» (UITUE) یعنی دفتر «مؤسسهٔ امریکایی توسعهٔ‌کارآزاد» درمونته ویدیو متمرکزاست. «جك‌گودوین»، رئیس مؤسسه با «لی‌اسمیت» مأمور عملیات‌مخفی ایستگاه سیا به‌منظور تشکیل‌گروهی‌از رهبران‌کارگری‌ضد «فدراسیون ملی‌کارگران» ازطریق برنامه‌های آموزشی مؤسسه، روابط نزدیك برقرارکرده است. البته مؤثرترین برنامهٔ مؤسسه، برنامه‌ای است‌که طی آن آموزش دیدگان، بعدازتکمیل دورهٔ آموزشی، برای ۹ ماه، حقوق‌کلانی از مؤسسه می‌گیرند ودراین مدت، منحصراً تحت نظارت‌گودوین روی‌سازماندهی اتحادیه هم‌کارمی‌کنند. همین کارسازمانی است‌که هدف واقعی «مؤسسهٔ آمریکایی توسعهٔ‌کارآزاد» را برآورده می‌کند وبدین‌ترتیب اتحادیه‌های تجاری ما می‌توانند درنهایت رهبری ملی را ازدست «فدراسیون ملی کارگران» درآورند. شغل‌گودوین علاوه‌بر برنامهٔ آموزشی، جستجوی دقیق برای یافتن مأموران بالقوه است، مأمورانی‌که می‌توان ازطریق اسمیت به‌استخدام آنها دست‌زد، وبدین‌ترتیب باکشاندن پای‌گودوین به‌وسط ، موقعیت او را حفظ‌کرد.

رسیدن به‌این اهداف، مدتها طول می‌کشد وپیشرفت دراین جهت نیز سیار کند، صورت می‌گیرد. با وجود این، گودوین قبلا به چندین موفقیت قابل توجه در زمینهٔ پروژه‌های اجتماعی دست‌یافته است. ازآن جمله است پروژه‌های روابط عمومی، نظیرخانه‌سازی وتعاونیهای مصرف. گودوین با استفاده ازوام مسکن چهارمیلیون دلاری تقدیمی «آژانس بین‌المللی توسعه» (AID) توسط «فدراسیون امریکایی کــار وکنگره سازمان صنعتــی» (AFL — CIO) تضمین‌شده، توانسته است تعدادکوچکتری‌از اتحادیه‌ها را گردهم آورده و«کمیتهٔ وحدت‌کارگری برای خانه‌سازی» را تشکیل بدهد. بعضی از همین اتحادیه‌ها فدراسیون دایمی را ایجادکرده‌اند که هستهٔ

اولیهٔ «مرکزی‌کارگری» شد و بعداً با «سازمان منطقه‌ای‌کارگری قارهٔ امریکا» (ORIT) و(ICFTU) ارتباط برقرارکرد. برای آغاز یك پروژهٔ خانه‌سازی دیگر، به‌میزان چهارمیلیون دلار، مذاکراتی با «جامعهٔ ملی‌کارهای عمومی» درجریان است. جامعه، یکی ازدو اتحادیهٔ بزرگ «کارمندان دولت مرکزی» است. «گودوین» یك «تعاونی مصرف برای کارگران شکر اتحادیهٔ بلا» نیز ایجادکرده است. این تعاونی در ناحیه‌ای ایجاد شده‌که درآن «رائول سندیك» رهبر سوسیالیست انقلابی مشهور، حمایت زیادی به‌دست آورده است.

مونته ویدئو ـ ۹ ژوئن ۱۹٦٦

«جك‌گودوین» ترتیبی داده است تا یکی از مأمورانش در «مؤسسهٔ امریکایی توسعهٔ‌کارآزاد» نمایندگی اروگوئه را درکنفرانس «سازمان بین‌المللی‌کار» درماه جاری درژنو به‌عهده بگیرد. دولت این انتصاب راپذیرفت ومأمور گودوین به‌عنوان نمایندهٔ «کنفدراسیون‌کاراروگوئه» (CSU) عازم ژنو می‌شود. حزب‌کمونیست اروگوئه وچپ‌گرایان دیگر، صدای اعتراضشان بلند شده است‌که «کنفدراسیون‌کاراروگوئه» دورانش کاملا بسرآمده و«فدراسیون ملی‌کارگران» (CNT) اکنون نمایندگی ۹۰ تا ۹۵ درصدکارگران سازمان یافته را به‌عهده دارد. انتصاب مأمورگودوین حاکی از این است که دولت، شدیداً همکاری با «مؤسسهٔ آمریکایی توسعهٔ‌کارآزاد» و حتی مستحکم‌کردن موقعیت این مؤسسه را بدنفع خود می‌داند.

مرکزسازمان (سیا) درواشنگتن به «سازمان‌کارگران ارتباطات‌امریکا» (CWA) * اختیارداده است تا مدرسهٔ آموزشی سازمان مذکور در «فرونت رویال» در «ویرجینیا» را به «مؤسسهٔ آمریکایی توسعهٔ‌کارآزاد» تحویل دهد. این مدرسه سالها برای آموزش رهبران‌کارگری سایرکشورها دراختیار «سازمان بین‌المللی‌کارگران پست، تلگراف وتلفن» بوده است. ازحالا به‌بعد، این مدرسه، مرکزدوره‌های آموزشی «مؤسسهٔ آمریکایی توسعهٔ‌کارآزاد» خواهد بود. مرکز آموزشی سابق این مؤسسه درواشینگتن قرارداشت. به‌هرحال کاربدی نبود. مدرسهٔ ۷٦ جریبی‌کنارساحل رودخانهٔ «شناندو» محل دنج و قابل‌کنترلی است وامکان می‌دهد تا درآینده ازدانشجویان تحت تعلیم آن درعملیات‌کارگری سازمان (سیا) استفاده شود. «مؤسسهٔ امریکایی توسعهٔ کارآزاد» (AIFLO) اینك نیزیك دورهٔ یکسالهٔ آموزشی دانشگاهی در زمینهٔ «اقتصاد کارگری» در دانشگاه «لویولا»[4] در نیوارلئان دایرکرده است مؤسسهٔ مذکور، چندان هم کم خرج نیست. زیرا هزینه نهایی امسال آن به ۱۵ میلیون دلاررسیده است‌که ۹۰ درصد این مقداررا دولت امریکا ازطریق «آژانس بین‌المللی توسعه» (AID) و بقیه را ازطریق سازمانهای‌کارگری

* Communications Workers of America
4— Loyola University

ایالات متحده وبازرگانی امریکا می‌پردازد. از۱۹۶۲ بودجهٔ سالانهٔ «مؤسسه» از۶۴۰۰۰۰ دلاربه‌حدود ۵ میلیون دلاررسیده است، درحالی‌که بودجهٔ سالانهٔ «سازمان منطقه‌ای‌کارگری قارهٔ امریکا» (ORIT) حدود ۳۲۵۰۰۰ دلار ثابت مانده است. علاوه براین میلیونها دلارنیز به‌شکل وامهای مسکن ودیگر طرحهای اجتماعی دراختیار «مؤسسه» قرارداده شده است.

مکزیکوسیتی ــ ۱۵ ژوئیه ۱۹۶۷

بخش عملیات مخفی ایستگاه سیا، از«استانلی واشن» معاون اول ایستگاه و دوافسرتحت پوشش سفارت امریکا ویك افسر تحت پوشش مقامات غیررسمی تشکیل شده است. عملیات دانشجویی بیشتردردانشگاه‌ملی مکزیکو(UNAM)[5]- متمرکزشده است وعملیات‌کارگری درجهت تقویت وراهنمایی مراکز «سازمان منطقه‌ای قارهٔ امریکا»، درمکزیکوسیتی صورت می‌گیرد. مأموران سیا درعملیات‌کارگری ایستگاه سیا در مدرسهٔ جدید «سازمان منطقه‌ای قارهٔ امریکا» درکوئرناواکا (که به‌خرج سیا ساخته شده) درزمینهٔ ترتیب‌کارآموزان مشغول به‌کارهستند. این‌کارآموزان بعد ازبازگشت به‌کشورهای اصلی خود، درعملیات‌کارگری مورد استفاده واقع می‌شوند. برنامه‌های «مؤسسهٔ امریکایی توسعهٔ‌کارآزاد» درمکزیکو زیرنظرایستگاه سیا اجرا می‌شود.

نقش سیا درکودتای ۱۹۶۴ دربرزیل

برای اطلاع بیشترازچگونگی فعالیت سیا ازطریق «مؤسسهٔ امریکایی توسعهٔ کارآزاد» مطالب خلاصهٔ زیر را ازفیلم مستند «دربارهٔ‌کارهای‌کمپانی» در اختیارتان می‌گذارم. دراینجا عملیات سیا برای به‌راه‌انداختن‌کودتای نظامی ۱۹۶۴ برزیل وسرنگونی دولت قانونی «گولارت» تشریح شده است.

اظهاراتی‌که دراینجا نقل می‌شود ازسوی اشخاص زیر، طی مصاحبه‌های آنان درفیلم مذکور، ایراد شده است:

ریچارد مارتینز: مأمورسابق سیاکه درعملیات مخفی اتحادیه‌کارگری دربرزیل شرکت داشت.

جرج مینی: رئیس «فدراسیون امریکای‌کار-کنگرهٔ سازمانهای صنعتی» (ALF — CIO) ونیزرئیس «مؤسسهٔ امریکایی توسعهٔ‌کارآزاد».

فیلیپ اگی:

آندره مك‌کله‌لان: رئیس AFL — CIO درکشورهای امریکایی ومأمور باسابقهٔ عملیات‌کارگری سیا.

ویلیام بیل دوهرتی: رئیس اجرایی «مؤسسهٔ امریکایی توسعهٔ‌کارآزاد» و مأمور باسابقهٔ عملیات‌کارگری سیا.

5— National University of Mexico

ویکتورروتر: نمایندهٔ اروپای سابق «کنگرهٔ امریکایی کاروسازمانهای صنعتی) ورهبرجنبش اتحادیه‌های تجاری امریکا.

ج . ویلیام فولبرایت: رئیس سابق کمیتهٔ روابط خارجی سنای امریکا.

پدرو پائولو بارونا: سرهنگ سابق ارتش برزیل که درزمان دیکتاتور نظامی برزیل تبعید شد.

آلن فرانکویچ وارتور وساندووال.

ریچارد مارتینز: مرا ازواشینگتن احضارکردند وگفتند اگرعلاقه‌داری درامریکای لاتین به‌تو یك پست خوب می‌دهیم. این پیشنهاد، برای من به‌عنوان یك جوان بزرگ شده در«گتو» فرصت‌گرانبهایی به‌شمارمی‌رفت. حتی واقعاً نمی‌دانستم امریکای لاتین درکجا واقع شده است.

آلن فرانکو ویچ: چه‌کسی تورا به واشینگتن احضارکرد ؟

ریچارد مارتینز: سام روبلز، بله، من وسام روبلزدراینجا باهم دوست بودیم. سام روبلزیك‌رهبرکارگری بسیار قدرتمند بود ونقش عمده‌ای در احضارمن به واشینگتن برای مصاحبه به‌منظوربه‌عهده‌گرفتن این پست خاص در برزیل داشت. من مدیروسازماندهندهٔ «سازمان بین‌المللی پست وتلگراف وتلفن» شدم، اما بعدها پی‌بردم‌که این یکی ازسازمانهای پوششی «سیا» است. رئیسم «والاس لگن» یکی ازدستیاران بلند پایهٔ «جان مك‌کون» بود. درآن موقع «جان مك‌کون» ریاست سازمان سیا را به‌عهده داشت.

جرج مینی: دراوت ۱۹۶۰که مصمم به‌مشاهدهٔکامل سرنوشت کارگران کوبایی ووضع تمام مردم‌کوبا دررژیم‌کاسترو شدیم،AFL-CIOبیست هزار دلاربودجه دراختیارمان‌گذاشت تاشیوهٔکمك وتقویت اتحادیه‌های آزادکارگری امریکای لاتین وتربیت رهبران اتحادیه‌های تجاری را پیداکنیم.

فیلیپ اگی: عملیات سیا دررابطه با اتحادیه‌های تجاری توسط افراد متعددی صورت می‌گیرد. افسران ومأموران اتحادیه‌های تجاری بین‌المللی واتحادیه‌های ملی، بویژه امریکا جزو این افراد به‌شمارمی‌روند وسیا قادر است ازطریق این مأموران به‌درون اتحادیه‌های بین‌المللی رخنه‌کرده و یا دست به‌تشکیل آنها بزند. بله، البته آقای مینی درگذشته یکی ازمأموران اصلی امریکایی ــ البته نمی‌گویم اصلی‌ترین آنها ــ درعملیات اتحادیه‌های تجاری بوده است.

آندره مك‌کله‌لان: من آندره مك‌کله‌لان هستم. ازسال ۱۹٦٤ به‌بعد، نمایندهٔ AFL-CIO درکشورهای امریکایی بوده‌ام. قبل ازاین تاریخ، نمایندگی «اتحادیهٔ بین‌المللی‌کارگران خواروبار» را درکشورهای امریکایی به‌عهده داشتم. مقراتحادیه درژنو بود ودرامریکای لاتین فعالیت می‌کرد.

بیل دوهرتی: من مدیراجرایی «مؤسسهٔ امریکایی توسعهٔ‌کارآزاد» هستم. مدت ده سال است‌که این وظیفه را به‌عهده دارم، وقبل ازآن ازسال ۱۹٦۲ یعنی زمان تأسیس مؤسسه با آن همکاری می‌کرده‌ام. اندکی قبل ازاین نمایندهٔ «سازمان بین‌المللی پست، تلگراف وتلفن» درکشورهای امریکایی بودم. مقر اصلی این سازمان درسوئیس قرارداشت. اما من نمایندهٔ آنها در نیمکره

غربی بودم.

آلن فرانکوویچ: آیا به‌شما نگفتندکه درجنبش کارگری دربرزیل چه‌کارهایی باید انجام دهید؟

ریچارد مارتینز: نه‌آنها دربارهٔ هیچ مسأله‌ای توضیح نمی‌دادند، شما به‌این خیال به‌آنجا می‌رفتی‌که یك شغل کارگری به‌عهده بگیری ونمایندهٔ جنبش باشی. برداشت من‌هم، همین بود. غیرازاین چیزی به‌من نمی‌گفتند. بدین‌خاطربرای رفع مشکلات‌کوشیدم. وبا مدیریت برای دست یافتن به‌شرایط بهتر کاری، حقوق بیشتروقوانین ملایمتر، مبارزه‌کردم. یعنی همان کارهایی که می‌بایست دریك جنبش کار گری انجام داد.

ظاهراًکارهای درستی نمی‌کردم. سه‌ماه بعد، قاصدی به‌برزیل فرستاده شد، وبه‌من دستوررسیدکه باید مدت چهاریا پنج ساعت همه‌جای شهررا بگردم. تا به‌این شخص‌که درخیابان محل دفترم وجود داشت برسم. اما آنها ازمن خواستند مطمئن شوم‌که هیچ دشمنی مرا تعقیب نکند. بعداًگفتندکه باید به‌واشینگتن برگردم. این ماجرا در ماه نوامبر، درست اندکی قبل ازعید شکرگزاری اتفاق افتاد.

آلن فرانکوویچ: چه سالی بود؟

ریچارد مارتینز: ۱۹٦۲ بود، همان سالی‌که‌کارم را درآنجا آغازکردم ووارد فعالیتهای مخفی شدم. مك‌گی به‌من‌گفت: برای سال ۱۹٦٤ سازماندهی می‌کنیم. او نیروهایش را درواشینگتن دی ــ سی سازماندهی مجدد می‌کرد ورئیس تمام عملیات «سازمان بین‌المللی پست وتلگراف وتلفن» بود. یك‌بار به‌من‌گفت، ریچارد ما برای سال ۱۹٦٤ علیه‌کمونیستها سازماندهی می‌کنیم. بنابراین وظیفه تو به‌عنوان یك‌کارمند ارتباطات، دست‌زدن به‌سازماندهی علیه‌کمونیستهاست. بعداً وقتی درنیویورك آموزش دیدم، پی‌بردم‌که مرا شستشوی مغزی می‌دهند. تبدیل به‌یك انسان بسیارمتعصب وکوته فکر و احساساتی شده بودم. آن زمان واقعاً تعصب داشتم.

آلن فرانکوویچ: بعضی‌ها «فدراسیون امریکایی‌کار ــ کنگرهٔ سازمانهای صنعتی» را به‌همکاری با سیا متهم می‌کنند. نظرت راجع به‌این اتهام چیست؟

اندره مك‌کنه‌لان: من فکرمی‌کنم این اتهام بی‌اساس، ابتدایی وبچگانه است.

آلن فرانکوویچ: خوب، آقا دوهرتی، شما چه فکرمی‌کنید؟

بیل دوهرتی: خوب، من موافقم، من شخصی را سراغ ندارم‌که این اتهام را کلا رد نکند. این حقیقت ندارد.

فیلیپ اگی: یکی ازافراد امریکایی فعال دراتحادیه‌های تجاری در امریکای لاتین ــ یکی ازاصلی‌ترین ومؤثرترین فعالان اتحادیه‌های تجاری که با ما همکاری می‌کرد، همین «بیل دوهرتی» بود. او در اصل،کارش را درسازمان بین‌المللی‌کارگران پست وتلگراف وتلفن آغازکرد. سپس به «مؤسسهٔ امریکایی توسعهٔ‌کارآزاد» منتقل شد. مؤسسهٔ مذکوردردوران کندی تأسیس شد و محصول تلاش مشترك فعالان اتحادیه‌های تجاری امریکا، یعنی

جرج مینی و رؤسای تعاونیهای چندملیتی مستقر درامریکا و فعال درامریکای لاتین بود. این نوع فعالیتها تحت پوشش طرحهای آموزشی واجتماعی مثل توسعهٔ تعاونیها وخانه‌سازی صورت می‌گیرد، اما هدف واقعی تربیت‌کادرهای سازمانده‌نده‌ای است که‌پس ازپایان دوران آموزشی‌شان «در مؤسسهٔامریکایی توسعهٔ‌کارآزاد» می‌توانند به‌مراکزصنعتی خود رفته ومدت یك‌سال ویا دوسال را تنها به‌کارسازماندهی بپردازند.

آندره ملك‌کله‌لان: این هفتاد وپنجمین‌کلاسی است‌که ازسال ۱۹۶۱، که ما برنامه‌ها را آغازکردیم از«فرونت رویال» فارغ‌التحصیل شده است. این‌گروه ویژه، بیشترروی اتحادیه‌های تجاری دمکراتیك مطالعه می‌کرده است. امیدواریم هرچه زودتربه‌کشورهای خود برگردند وآنچه راکه در اینجا درفرونت رویال فراگرفته‌اند به‌مرحلهٔ عمل درآورند.

ویکتورروتر: مؤسسه‌هایی‌که توسط «فـدراسیون امریکای‌کار وکنگرهٔ سازمانهای صنعتی) به‌عنوان ابزاراصلی آن ایجاد شده، درحال‌حاضر درسطح بین‌المللی فعالیت می‌کنند وکارفرمایان برجستهٔ امریکایی در هیئت‌رئیسهٔ آنها دیده می‌شوند. مثلا «پیترگریس» سالها رئیس هیئت رئیسهٔ «مؤسسهٔ امریکایی توسعهٔ‌کارآزاد» بوده است. اگربه‌لیست طولانی شرکتهایی‌که در ابتدا به تأسیس «مؤسسه‌کمك‌کردند، نگاه‌کنیم، نام شرکتهایی چون «یونایتد فرویت»، «اناکونداکوپر» و دیگرشرکتهای معروف امریکایی را خواهیم دیدکه هرگرداوطلبانه حاضرنشدند تعهدات خود را رعایت‌کرده ودستمزدهای عادلانه به‌کارگران بدهند ویا بدایجاد شرایط‌کاری مساعد درامریکاکمك‌کنند. این شرکتها همیشه مجبور شده‌اند دراثر فشارسازمان اتحادیه‌ها و اعتصاب و غیره بدین‌کارتن بدهند. حالا چگونه است‌که این شرکتها ناگهان متحد کارگران شده‌اند وخود را به‌کارگران امریکای لاتین یا دیگرگروههای کارگری امریکا وامریکای لاتین قالب‌کرده‌اند وبه‌آموزش وتربیت رهبران اتحادیه‌های تجاری دست می‌زنند؟ من‌که عقلم به‌جایی نمی‌رسد.

ریچارد مارتینز: درمه ۱۹٦٤ به‌رهبران خودگفتم نگاه‌کنید این است کاری‌که مجبوریم انجامش دهیم. ما مجبوریم افراد بیشتری را به‌طرف خود بکشانیم، زیرا تعدادکمونیستها بیشترازماست. بنابراین باید به‌آنجا بروید وجلوی پیوستن اعضای بیشتررا به‌آنها بگیرید. دراینجا بودکه اندیشهٔ آموزش دادن رهبران اتحادیه‌ها وفرستادنشان به‌فرونت رویال شکل‌گرفت.

آلن فرانکوویچ: این‌هم آقای «پیترگریس». او می‌گویدکه اعضای «مؤسسه امریکایی توسعهٔ‌کارآزاد» به‌کنارزدن کمونیستها ازدستگاه قدرت‌گویان انگلستان‌کمك‌کردند. آنها مانع شدندکه کمونیستها اتحادیه‌های قدرتمند هندوراس را به‌دست بگیرنـد ودربیرون‌کردن‌کمونیستها ازاتحادیه‌هـای قدرتمند برزیل نقش داشتند. آیا می‌توانی به‌آن زمانها بازگردی وبگویی‌که برامریکای لاتین آن زمان چه جوی حاکم بود وبطورکلی چه‌می‌گذشت؟

بیل دوهرتی: خوب، آن زمانها سالهای اولیهٔ دههٔ ۱۹٦۰ بود وشما خوب می‌دانیدکه درآن دوره ما بهوسط خیابانها می‌آمدیم وبرای ایجاد

اتحادیه‌های تجاری آزاد ضد جنبش اتحادیهٔ تجاری قدرتمندکمونیست آن زمان، مبارزه می‌کردیم، اما به‌نظرمن «مؤسسه» ازآن زمان به‌بعد جاذبه و توانایی مانورخود را به‌میزان زیادی ازدست داده است.

ریچارد مارتینز: من عیناً همان‌کاری را می‌کردم‌که بیل دوهرتی برای سالهای مدید دربرزیل انجام می‌داد. آن‌هم نه‌تنها دربرزیل بلکه درهمه‌جای کشور وسراسرکشورهای امریکای لاتین. بیل دوهرتی‌که حالا رئیس «مؤسسهٔ امریکایی توسعهٔ کارآزاد» شده به‌اطراف می‌رفت وافراد را برای عملیات مورد نظرجذب می‌کرد ومی‌خرید. یك‌باردرست یادم نیست‌که ٦ و٧ ویا ٩ نفر را به‌عنوان سازمان‌دهندگان لایق وبالقوه سوارهواپیماکرده وبه‌فرونت رویال فرستادیم. به‌آنها حقوق، مسکن وغذا ودرضمن آموزش‌کامل می‌دادند. من نیزدربرزیل به‌خانواده‌های آنان‌کمك می‌کردم.

آلن فرانکوویچ: آیا این بخشی ازآمادگی شما برای حادثهٔ سال ۱۹٦٤ (کودتای دست‌راستی علیه رژیم گولارت‌ـم) بود ؟

ریچارد مارتینز: هدف عمده همان بود.

سربازان را به‌حومهٔ ریودوژانیرو فراخوانده‌اند تا شورشی راکه برسر تلاش‌گولارت رئیس جمهوری برزیل برای تشکیل یك‌کابینهٔ جدید، پس‌از استعفای «تانکردوپویس» نخست‌وزیرسابق در گرفته است بخوابانند. مغازه‌های خواروبارفروشی به‌غارت رفت واین هنگامی بودکه خریداران نخود، برنج ودیگر کالاها را پس‌آوردند. زیرا به‌نظرآنها دولت، قیمت بسیارارزانتری برایشان تعیین‌کرده است. دستوربه‌مرحلهٔ اجرا درآمد، اما یازده نفردراثر این‌کارکشته شدند ویك اعتصاب عمومی فلج‌کننده درنتیجهٔ مبارزهٔ قدرت میان رئیس جمهوری پارلمان برزیل آغازشده است.

ویکتورروتر: آقای دوهرتی می‌گوید: آنچه دراول آوریل دربرزیل رخ داد یك اتفاق نبود، بلکه طرحی بودکه مدتها قبل ریخته شده بود. بسیاری از رهبران اتحادیه‌های تجاری‌که بعضی ازآنها درحقیقت درمؤسسه ما آموزش دیده بودند، درانقلاب وسرنگونی رژیم «گولارت» دست داشتند.

بیل دوهرتی: اندکی قبل ازکودتای نظامی ۱۹٦٤ دربرزیل، گروهی ازدانشجویان برزیل درمدرسهٔ آموزش فرونت رویال تحت آموزش قــرار داشتند. این اولین‌گروه برزیل نبود که دراینجا آموزش می‌دیدند وآخرین آنها هم به‌شمارنمی‌رفت. ما دایماً یك‌چنین‌گروههایی را آموزش می‌دادیم، اما هیچیك ازاین آموزشها به‌منظوردست زدن به‌فعالیت انقلابی یا فعالیتهای مخفیانه یا نظایرآن صورت نمی‌گرفت. هنگامی‌که بسیاری ازاینان بــه کشورهایشان بازگشتند اتحادیه‌هایشان باکمونیستها برسر کنترل اتحادیه‌هــا وارد مبارزه شدند

جرج مینی: قاطعانه می‌گویم‌که این مسئله، حقیقت ندارد. ما تحت هیچ شرایطی ازسیا پول دریافت نکردیم وتقاضای‌گرفتن‌کمك نیزنکردیم.

ج . ویلیام فولبرایت: نمی‌گوییم‌که پول را «فدراسیون امریکایی‌کار وکنگرهٔ سازمان صنعتی» (AFL - CIO) دریافت‌کرد. سی‌وسه میلیون‌دلار،

به‌این فدراسیون داده نشد، بلکه به «مؤسسهٔ امریکایی توسعهٔ کارآزاد» تعلق گرفت.

جرج مینی: خیلی خوب، همین اتحادیه‌هایی‌که شما نام بردید، قاطعانه اعلام‌کرده‌اندکه ازسیا پول دریافت نکرده وتقاضای آن را نیزنکرده‌اند.

اندره مك‌کله‌لان: کمونیستها هرسازمان یا ارگان مؤثررا به‌سیا وابسته می‌دانند، زیرا به‌نظرمن، سیا، کمونیستها و «کا،گ،ب» مدتهاست‌که درمبارزهٔ بین‌المللی درگیرهستند. حقیقت این است‌که کتابهای ما چه حال وچه همیشه دراختیارهمه قرارمی‌گیرد. کنگره بودجهٔ ما و بودجهٔ دولت، را به‌خود اختصاص می‌دهد. کمیته‌های کنگره‌ای کاملا به‌آنها دسترسی دارند.

اندره مك‌کله‌لان: زنها بودندکه برای خداوند وبرای صلح گام‌برداشتند. منظورم تظاهرات به‌اصطلاح «بهم‌زدن ظروف»...[6] است. آنها ازطرف صدها هزار تظاهرکننده در «ریودوژانیرو» و «سائوپولو» سخن می‌گفتند. به‌نظر من زنها بودندکه نظامیان را به‌حرکت وبه‌دست‌گرفتن قدرت وادارکردند. یك سال بعد (در۱۹۷۳ ـ م) همین ماجرا در شیلی اتفاق افتاد. دو جریان کاملا بهم شبیه بودند واین باعث می‌شود فکرکنیم‌که در۱۹۷۳ بعضی از مستشاران درشیلی به‌سرمی‌بردند وانقلاب علیه آلنده را پی‌ریزی می‌کردند.

پدروپائولو دوبارونا: یك روز قبل ازکودتا «کاستلو برانکو» رئیس ستادکل ارتش نمی‌توانست قاطعانه تصمیم بگیرد وعزمش را جزم‌کند. اودر مورد موفق بودن کودتا تردید داشت. ژنرال «ورنون والترز» شخصاً به‌دیدنش رفت وگفت باید، به‌کودتاچیان بپیوندد، زیرا یك نیروی ضربتی دریایی امریکا درساحل «اسپیریتو سانتو» لنگرانداخته ودرصورت لزوم می‌تواند به‌حمایت ازنیروهای‌کودتا گردست به‌مداخله بزند. بعد ازاین جریان بودکه «کاستلوبرانکو» تصمیم‌گرفت ازکودتا حمایت‌کند.

تظاهرات «ضدگولارت»که به‌حمایت ازرئیس جمهوری مخلوع‌کنونی برزیل در۱۹۶۱ درفرودگاه میامی صورت‌گرفت نشان‌دهندهٔ عدم اعتماد عمیقی است‌که سرانجام به‌سقوط درتبعید او به‌اروگوئه منجرشد. رئیس جمهوری درآن زمان (۱۹۶۱) عازم‌کشورش بود تا رسماً قدرت را به‌دست بگیرد. سربازان به‌برازیلیا فراخوانده شدند تا با تظاهرات شدید چند هزارنفری علیه به‌قدرت رسیدن‌گولارت چپگرا مقابله‌کنند. یك میهمانی تجاری روسی درریودوژانیرو به‌گولارت ـ که خود یك گله‌دارمیلیونراست ـ فرصت داد تا با صحبت دوستانه‌ای به‌قهرمانان روسی‌اش داشته باشد. اما دوستی نزدیك او با فیدل‌کاسترو وطرفداری زیاد ازاو، برزیلی‌ها را به وحشت انداخت. علیه‌گولارت مکررا شورشهایی درمی‌گرفت. چگونگی مقابلهٔ جانشینان‌گولارت با اقتصادکاملا فرو پاشیده‌ای‌که وی ازخود به‌جای‌گذاشت، نگرانی جهان غرب را برانگیخته است.

آرتورساندووال: آیا شما دردفترکارتان اسلحه پنهان‌کرده بودید؟

6— Pots and Pans Demonstrations

ریچارد مارتینز: بله آنها را درگنجه‌ام مخفی‌کرده بودم.
آرتورساندووال: چه نوع سلاحهایی بودند؟
ریچارد مارتینز: آه، گفتیدکه، مسلسل همه نوع سلاح !
آرتورساندووال: آیاکارگران زیردست شما درکودتا شرکت داشتند؟
ریچاردمارتینز: بله.
آرتورساندووال: چکار کردند؟
ریچارد مارتینز: دفاترکمونیستها را به‌آتش‌کشیدند وتمام ساختمان را آتش زدند. کمونیستها را اززندان بیرون آوردند. ارتش، کشتیها را آماده کرد وبه‌ساحل آورد، کمونیستها را داخل آنهاگذاشت، درها را قفل‌کرد و کلیدها را بیرون انداخت.
آلن فرانکوویچ: بنابراین تاآنجاکه‌می‌دانید تعدادزیادی ازکمونیستهای جنبش کارگری را به‌زندان انداختند؟
ریچارد مارتینز: بله آن موقع تعدادشان ازما بیشتربود. خیلی بیشتر.
هواردد‌رش: همه‌شان زندانی شدند؟
ریچارد مارتینز: بله همهٔ آنها زندانی شدند.

سرانجام توجه شما را به‌گفته‌های دین‌راسك وزیر خارجهٔ وقت امریکا در رابطه با کودتای برزیل جلب می‌کنیم (این سخنان ازکتاب «دربارهٔ‌کارهای کمپانی» گرفته شده است). دین‌راسك چنین می‌گوید:

«راه‌کاسترو، راه آینده نیست، راه‌کاسترو وبرزیل یك سراب بود، آنهایی‌که به‌دمکراسی معتقدند، یعنی‌کنگره، فرمانداران ونیروهای مسلح باسرعت زیاد جلوی تمایلات طرفدارکاستروراگرفتند.»

دمکراسی؟ همه می‌دانندکـــه اززمانی‌که دین‌راسك این سخنان را ایرادکرد، هیچ‌کسی حتی یك‌روزطعم دمکراسی را دربرزیل نچشید. درحقیقت دمکراسی برزیل را دولت امریکا ازطریق سازمان سیا ازمیان برداشت این بود تاریخ کوتاهی ازفعالیتهای «مؤسسهٔ امریکایی توسعهٔ‌کارآزاد». این مؤسسه اکنون به‌دلایل زیاد، مسئولیت اجرای برنامهٔ اصلاحات ارضی خونتای نظامی السالوادور را به‌عهده دارد. کارهای قبلی مؤسسه درالسالوادورازجمله نقش آن درتأسیس «اتحادیهٔ عمومی السالوادور»[7] در۱۹٦٦ که یك سازمان روستایی‌کشاورزی است باعث شد دراجرای برنامه اصلاحات ارضی دخالت‌کند. هنگامی‌که خونتای‌نظامی کنونی اصلاحات ارضی را به‌عنوان یکی ازاهدافش برای درهم شکستن قدرت الیگارشی سنتی اعلام‌کرد، «مؤسسهٔ امریکایی توسعهٔ‌کارآزاد» اجرای آن را به‌عهده‌گرفت.

7— Salvadoran Communal Union

خوزه ویریا «دبیرکل اتحادیهٔ عمومی السالوادور» رئیس «مؤسسهٔ دولتی السالوادوربرای دگرگونی ارضی»[8] شد و«مؤسسهٔ امریکایی توسعهٔکارآزاد» که ازطریق قراردادهای «آژانس بین‌المللی توسعه» (AID) پول دریافت می‌کند از«روی پروسترمان» خواست تا اجرای طرح اصلاحات ارضی را به‌عهده بگیرد. ازدیگر مقامات «مؤسسهٔ امریکایی توسعهٔکارآزاد» که دربرنامهٔ اصلاحات ارضی دخالت دارند، می‌توان به «میخائیل هامر» که ۱۷ سال سابقه‌کاربرای مؤسسه درامریکای لاتین دارد، و«مارك پرامان» نام بردکه در۱۹۸۰ به‌مؤسسه پیوست.

«پروسترمان» یك استاد حقوق است‌که نقش عمده‌ای دراجرای برنامهٔ اصلاحات ارضی درویتنام به‌منظورآرام‌کردن قیامهای روستایی طی جنگ به‌عهده داشت. تجربه او درویتنام باعث شد تا تلاشهایی راکه قبلا به‌شکست انجامیده بود دوباره تکرارکند. مطمئنم‌که همگی متوجه شده‌ایدکه وزارت خارجهٔ امریکا همواره اعلام می‌کند یکی ازدیلایل حمایتش ازخونتای نظامی السالوادوربرنامهٔ اصلاحات ارضی جاری دراین‌کشوراست.

تاکنون مسائل زیادی دربارهٔ شکست این برنامه‌گفته شده است‌که می‌توان بخصوص به‌محدودیت میزان آن، فقدان زمین موجود برای توزیع حدود بعضی توطئه‌های‌کوچك غیراقتصادی اشاره‌کرد. بحث دراین‌باره ادامه‌دارد. «فدراسیون امریکایی‌کاروکنگرهٔ سازمان صنعتی» که ادعای حمایت از«مؤسسهٔ امریکایی توسعهٔکارآزاد» را دارد، فکرمی‌کندکه برنامهٔ اصلاحات ارضی با موفقیت اجرا شد، وحتی تا جایی پیش رفته‌که می‌گوید، یك طبقهٔ متوسط جدید السالوادوری ازمیان روستائیان بدون زمین سابق به‌وجود آمده است. باوجود این «فدراسیون امریکایی‌کاروکنگرهٔ سازمان صنعتی» درنشریه‌اش درژانویه ۱۹۸۱ اعلام‌کرد که یك جو نا امیدی وسرخوردگی دررابطه با برنامهٔ اصلاحات ارضی به‌چشم می‌خورد. ممکن است تعجب‌کنیدکه چرا آژانس جاسوسی وخرابکاری آمریکا (سیا) درگیربرنامهٔ اصلاحات ارضی شده است. جوابش این‌است‌که سیا بدین‌وسیله راههایی را برای اجرای عملیات آرام‌سازی دراطراف شهرها ودهکده‌ها باز می‌بیند. زیرا دراین مناطق جنبشهای چریکی توانسته‌اند موفقیت زیادی در جذب داوطلبان جدید به‌دست آورند. مفهوم این مسئله این است‌که سیا درالسالوادور ازطریق دخالت «مؤسسهٔ امریکایی توسعهٔکارآزاد» دربرنامهٔ اصلاحات ارضی می‌تواند دربارهٔ شیوه‌های استخدام چریکهای‌جدید ازمیان روستائیان شرکت‌کننده درفعالیتهای چریکی ودیگربرنامه‌ها نیروهای چریکی، اطلاعات جمع‌کند. سیا، این اطلاعات را دراختیارنیروهای امنیتی السالوادورمی‌گذارد ونیروهای امنیتی

8— Salvadoran Government s Institute For Agrarian Transformation

نیزتمام روستائیان راکه‌گمان می‌رود چه‌راست وچه غلط به‌چریکها وفادارند، ازبین می‌برند.

این برنامه اصلاحات ارضی «مؤسسهٔ امریکایی توسعهٔ‌کارآزاد» یکی از وسایلی است‌که خونتای السالوادور وجوخه‌های شبه نظامی آن را قادرساخته است دریك یا دو سال‌گذشته هزاران نفرازروستائیان السالوادوررا اعدام‌کنند. دراین رابطه باید اضافه‌کردکه به‌دنبال موفقیت «مؤسسهٔ امریکایی توسعهٔ‌کارآزاد» در دههٔ ۱۹٦۰ درامریکای لاتین مؤسسات مشابهی به‌وسیله سیا درآفریقا وآسیا ایجاد شد. «مؤسسهٔ آسیایی» درویتنام درطرح آرام‌سازی روستاها شرکت‌کرد وبدین وسیله دهها هزارروستایی ویتنامی را درعملیات نفرت‌انگیزسیا یعنی «عملیات فونیکس» قتل‌عام‌کرد.

اولین بار ازروی نسخهٔ نامه «کنستانتین منگز» از دفتر مؤسسهٔ هودسن درواشنگتن دی سی به ویلیام بودولتر معاون وزارت خارجه درامورامریکای لاتین به‌دخالت ودرگیری «مؤسسهٔ امریکایی توسعهٔ‌کارآزاد» دربرنامهٔ اصلاحات ارضی السالوادورپی‌بردم. نمی‌دانم نامه چگونه به‌بیرون درزکرد، اما مطبوعات اروپا درسطح وسیعی آن‌را منتشرکردند وازآن به‌عنوان وسیله‌ای برای محکوم کردن مداخلهٔ آمریکا وحمایت احزاب سوسیال دمکرات ازجنبش انقلابی السالوادور استفاده‌کردند. به‌هرحال مؤسسه هودسون مرکــزتحقیقاتی وگروه مشاورتی بسیارمعروفی است‌که مرکزش درنیویورك است. حدود ٤۰ درصد اعضای این مؤسسه درتهیه پروژه‌ها وطرحهای پنتاگون ودیگرطرحهای دولت امریکا شرکت می‌کنند.

منگزدرنامه ۱٤ اکتبر۱۹۸۰ خود، وزارت خارجه را تشویق‌کرد تا افرادی را به‌اروپا اعزام‌کند واحزاب سوسیال دمکراتها را متقاعدکندکه دست ازحمایت «جبههٔ دمکراتیك انقلابی» بکشند وازتلاشهای امریکا برای تقویت خونتای نظامی پشتیبانی‌کنند. نامهٔ منگزاندکی قبل ازاجلاس بین‌الملل سوسیالیست در مادریدکه قراربود مسئله حمایت ازجبهه را به‌بحث بگذارد نوشته شد. اوبویژه به‌ضرورت مطلع‌کردن سوسیال دمکراتهای اروپایی ازبرنامهٔ اصلاحات ارضی السالوادوراشاره‌کرده بود.

مسئلهٔ جالب دراینجاست‌که دونفرازچهارنفری‌که به‌توصیه منگز برای بحث با اروپائیان انتخاب شده بودند با «مؤسسهٔ امریکایی توسعهٔ‌کارآزاد» همکاری داشتند. این دونفرعبارت بودند از پروستومان ومیخائیل هامر. به‌گفتهٔ او«هامر» ازچهارسال تجربه درالسالوادوربرخورداربود و«نقش‌عمده‌ای دربرنامهٔ اصلاحات ارضی سال جاری به‌عهده دارد.»

هنگامی‌که برای اولین‌بار، درماه نوامبر گذشته نامهٔ «منگز» را دیدم و پی‌بردم‌که «مؤسسهٔ امریکایی توسعهٔ‌کارآزاد» ازطریق دادن‌کمك فنی به‌طرح اصلاحات ارضی درالسالوادورشرکت دارد، طبیعتاً با خود فکرکردم‌که: «خوب، پس دوباره‌کارخودشان راکردند.» دومین خبری‌که شنیدم خبرترور «هامر» و «مارك پوامان» مقام عضو«مؤسسهٔ امریکایی توسعهٔ‌کارآزاد» و«خوزه ویریا» رئیس مؤسسهٔ دگرگونی ارضی انسالوادور» دراوایل ژانویه بود. «هامر» در همان روزی‌که وارد السالوادورگردیدکشته شد.

ظاهراً سه‌نفرمذکوردررستوران هتل شرایتون درسان‌سالوادورجلسه داشتند وآنطورکه السالوادوریها به‌من‌گفتند نیروهای امنیتی نظامی‌که ازهتل محافظت می‌کردند شب‌هنگام بطورناگهانی اطراف هتل را تخلیه می‌کنند. درهمین حال دوسوء قصدکننده به‌سادگی وارد هتل شده و به‌رستوران رفته وسه‌نفررا به‌گلوله می‌بندند وبه‌راحتی ازهتل خارج می‌شوند. بسیارروشن بودکه قتل آنها باهماهنگی میان نیروهای امنیتی وتروركنندگان صورت‌گرفت.

درگزارشهایی‌که درمطبوعات امریکائی خواندم، بویژه تایم ونیوزویك به‌این حقیقت هیچ اشاره‌ای نشده است‌که «مؤسسهٔ امریکایی توسعهٔ‌کارآزاد» یعنی استخدام‌کنندهٔ دو مرد مذکوربارها به‌عنوان جبههٔ سیا مورد اتهام قرار گرفته است. تنها من نیستم‌که چنین برداشتی دارم. همانطورکه درفیلم دیدید این مسئله درمباحثات اجلاس سنای ایالات متحده دردهه ۱۹۶۰ مطرح شد. باوجود این، چنین به‌نظرمی‌رسدکه مطبوعات امریکاکه ازنظربعضیها می‌توانستند درمورد روابطمیان «مؤسسهٔ امریکایی توسعهٔ‌کارآزاد» نظربدهند. دراین‌مورد باخودداری ازهرگونه اشاره‌ای به‌موضوع مذکوردرگزارشهایشان در مخفی نگاه داشتن حقایق ازعموم شرکت‌کردند. خیلی دوست دارم میان منافع دولت امریکا درقتل سه راهبه و یك کارگرزن ونظردولت دربارهٔ قتل اخیر مأموران «مؤسسهٔ امریکایی توسعهٔ‌کارآزاد» مقایسه‌ای انجام دهم. درمورد قتل راهبه‌ها، فشاربسیار شدیدی روی دولت السالوادوروارد آمد تا دراین مورد تحقیق‌کرده ومسئولان آن را مجازات‌کند، اما نشنیده و ندیده‌ام‌که دولت امریکا برای یافتن قاتلان «هامر» و«پرلمان» به‌دولت السالوادورفشار واردکند. به‌دلایلی‌که شرح خواهم داد امریکا ترجیح می‌دهد قضیهٔ قتل «هامر» و«پرلمان» ووابستگی‌شان به «مؤسسهٔ امریکایی توسعهٔ‌کارآزاد» را مسکوت بگذارد.

در۱۴ ژانویه یعنی درست چند روز بعد ازترور هامروپرلمان ماجرای عجیبی درواشنگتن اتفاق افتاد. همانطورکه می‌دانید پاسپورت من دردسامبر ۱۹۷۹ بی‌اعتبارشد وازآن‌زمان تلاش می‌کردم ازطریق دادگاههای امریکا

باردیگرپاسپورت را به‌دست آورم. یکسال پیش دردادگاه بخش فدرال موفق ازکاردرآمدم، ولی ازدادن آن به‌من طی دوران استیناف خودداری کردند. در ماه ژوئن دردادگاه استیناف نیزبرنده شدم اما هنوزدادگاه عالی را درپیش دارم. نوشته‌هایی که به‌شما نشان می‌دهم دربرگیرندهٔ مباحثات دولت ووکلاست که نوامبر ودسامبر گذشته به‌دادگاه عالی تسلیم شد. مباحثات شفاهی درحضورقضات دادگاه عالی در۱٤ ژانویه صورت گرفت.

در جریان جلسات دادگاه عالی یکی ازقضات، ازمشاورحقوقی دولت امریکاکه دعوی دولت را علیه من اقامه می‌کرد پرسیدکه وزیرخارجه چه‌حقی دارد جلوی سفریك شهروند امریکایی را به‌السالوادوربرای تقبیح سیاست امریکا بگیرد. مشاورحقوقی دولت درپاسخ اظهارداشت که: «من صلاحیت پاسخ دادن به‌این سئوال‌را ندارم. اما اخیراً دوشهروند امریکایی درالسالوادور کشته شده‌اند. آنها ظاهراً اشخاص ناشناخته‌ای بودندکـــه تحت پوشش یك سازمان‌کارگری فعالیت می‌کردند.» با شنیدن این خبرزمزمه دردادگاه شروع شد وخبرنگاران بیرون رفتند تا به‌گزارش خبرمذکوربپردازند.

باید ذکرکنم‌که من هامر یا پرلمان را به‌عنوان افراد رابط با سیا تقبیح نکردم، ودرحقیقت مشاورحقوقی دولت نیزمرا به‌این مسئله متهم نکرد. باوجود این، برای اینکه جرم را سنگین‌ترکند یکباردیگر تاییدکردکه «مؤسسهٔ امریکایی توسعهٔ‌کارآزاد» یك ارگان پوششی «سیا»ست. به‌طورقطع وبدون شك، قتل دو نفرمذکورتوسط جوخه‌های شبه‌نظامی راستگراکه با سیا نیزارتباط دارند صورت گرفته است. همانطورکه درصفحات بعد درمصاحبه «رابرت وایت» سفیرامریکا درالسالوادورخواهید خواند وی تایید می‌کندکه راهبه‌ها وهامر ونیز پرلمان همگی توسط جوخه‌های شبه نظامی راستگرا به‌قتل رسیده‌اند.

بخش ۶

سیا و سرکوب سیاسی درامریکای لاتین

اکنون به‌روابط سیا باسرویسهای امنیتی محلی درامریکای لاتین بطورکلی، وجوخه‌های تروریستی شبه نظامی می‌پردازیم: رابطه‌ای‌که از دههٔ ۱۹۵۰ بخشی از ماجرای امریکای لاتین بوده است. من خود، مدت چند سال با نیروهای امنیتی دراکوادوروارو گوئه‌کارکردم وبدین خاطرتجربیات واطلاعاتی ازاین به‌اصطلاح عملیات ارتباطی دارم‌که به‌وسیلهٔ سیا درسراسرامریکای لاتین به‌اجرا درمی‌آمد. نتیجهٔ این رابطه، همانطورکه همهٔ شما می‌دانید، تماس مستقیم سیا وبعضی از بدترین شیوه‌های تروریستی درجهان ازجمله آدم‌ربایی، شکنجه وترورغیرقانونی بودکه توسط این سرویسهای امنیتی وجوخه‌های شبه نظامی انجام می‌شد.

الف: لیست‌کنترل خرابکاران

قبلا خلاصهٔ مطالب‌کتاب «درداخل‌کمپانی» را دررابطه با عملیات ما، در اکوادوردراوایل دههٔ ۱۹۶۰ به‌منظورتهیه لیست «لینکس» (۱) که به‌لیست کنترل خرابکاران نیزمعروف بود، خواندید. دراین لیست، نام ۵ تا ۵۰۰ نفر به‌چشم می‌خورد، وافرادی‌که نامشان درلیست نوشته شده بود، درزمرهٔ مهمترین فعالان چپگرا به‌حساب می‌آمدندکه به‌هنگام وجود یك بحران، دستگیری آنها بسرعت، توسط یك دولت محلی به‌مورد اجرا درمی‌آمد. همراه نام شخص، مشخصات دیگراومثل محل تاریخ تولد، نام همسر، محل‌کاروبیوگرافی تمام اعضای خانوادهٔ او ازجمله محل مدارس بچه‌ها ومحل بیکاری آنها وتمام اطلاعات لازم برای دستگیری فوری او، ازقبیل محل احتمال مخفی‌شدنش نوشته می‌شد.

دراکوادور، تیمهایی داشتیم‌که به‌دریافت دستمزد وجمع‌آوری این‌نوع اطلاعات مشغول بودند.

1— Lynx List

درژوئیه ۱۹٦۳ به‌هنگام وقوع کودتای نظامی دراکوادورکه بیشتردراثر عملیات ما به‌وقوع پیوست، نام افراد موجود در لیست را به‌دولت دادیم ودولت ازآن برای دستگیری صدها اکوادوری دراولین هفته‌های بعدازکودتا استفاده کرد. سیا، همین عملیات را احتمالا در۱۹۷۳ درشیلی به‌مورد اجراگذاشت.

اطلاعات موجود، درلیست‌کنترل خرابکاران ازطریق «منابع گردآوری اطلاعات» وابسته به‌ایستگاههای سیا به‌دست می‌آمد، وازاطلاعات سرویسهای‌امنیتی محلی‌که برای خودشان جمع‌آوری می‌شد بسیارباارزش‌تر بود. گاهی نیزمقداری ازاطلاعات لیست مذکوررا به‌نیروهای اطلاعاتی می‌دادیم اما اطلاعات مذکور معمولا تا هنگام استفاده ازآنها موقع بحران درایستگاههای سیا مخفی نگاهداشته می‌شد.

کویتو ۱۹٦۰

عملیات Ecjack : حدود دو سال قبل، ارتش سرویس اطلاعاتی نظامی اکوادور Sime را تحت نظر سرهنگ دوم راجر پاردس Ecjack که آن موقع با «نولاند» تماس داشت، تاسیس کرد. پاردس، چند سال پیش تحت نظر ارتش آمریکا در «فورت‌لیون‌ورث» آموزش دیده بود، اما، در ۱۹۵۹ به علت فقدان حمایت دولت از «سرویس اطلاعات نظامی اکوادور» به نولاند پیشنهاد کرد بهتر است از ارتش استعفا کرده و بطور تمام وقت به استخدام ایستگاه سیا درآید.

در این مرحله «سرویس اطلاعات نظامی اکوادور» تنها روی کاغذ وجود داشت و حتی امروزه نیز یك سازمان بدون فایده است.

پیشنهاد پاردس به نولاند هنگامی مطرح شد که معلوم شد تیم بازجویی و نظارت ایستگاه سیا به جعل گزارشات مشغول است. تیم قدیمی Ecserum منحل شد و پاردس برای تشکیل یك تیم جدید از ارتش استعفا کرد. او اکنون، یك تیم پنج نفره تمام وقت در امور نظارت و بازجوییهای عمومی در کویتو اداره می‌کند و علاوه‌بر آن دو مأمور گزارشگر در لوجار شهر کوهستانی مهم جنوب کشور دارد. دو مأمور فوق، در فعالیتهای کمونیستی آنجا درگیر هستند.

ایستگاه سیا این عملیات را کاملا از طریق سرهنگ دوم پاردس رهبری می‌کند. پاردس سازمان «سرویس اطلاعات نظامی اکوادور» را به عنوان پوشش و حامی علنی مأموران دیگر در عملیات مورد استفاده قرار می‌دهد. رئیس بخش اوراق هویت وزارت کشور نیز یکی از مأموران فرعی عملیات است. از آنجا که همهٔ شهروندان اکوادوری ناچارند برای گرفتن کارت هویت رسمی صادره از طرف دولت ثبت‌نام کنند، این مأمور می‌تواند نام کامل، محل و تاریخ تولد، نام والدین، شغل، آدرس

و عکس هر اکوادوری را در صورت درخواست ایستگاه سیا در اختیـار آنها بگذارد. ارزش اصلی او این است که اطلاعات مذکور را برای لیست لینکس Lynx تهیه می‌کند. در این لیست، نام حدود صد کمونیست و دیگر عناصر فعال چپ افراطی نوشته شده و ایستگاه سیـا، آنهـا را خطرناکترین عناصر می‌داند. لیست لینکس برای تمام ایستگاههای نیمکرهٔ غربی ضروری است و دولتهای محلی (یا دولت امریکا) می‌توانند در موقع بحران برای بازداشت اضطراری اشخاص خطرناك، از آن استفاده کنند. تیم Ecjack بخشی از وقت خود را صرف یافتن آدرسها و محل کار جدید اشخاص لیست و یا ثبت مشخصات افرادی می‌کند که تازه نامشان در لیست آمده است.

کویتو ــ ۱۳ مه ۱۹۶۳

از آنجاکه «اروزمنا» در برابر اخراج چپگرایان، از دولتش مقاومت می‌کند ــ و این نشانهٔ رشد رخنهٔ چپ است ــ نولاند با موافقت مرکـز توصیه کـرد کـه عملیات سیاسی کمك مالی پروژه اکاکتور Ecoctor گسترش پیدا کند. اعمال فشار، نه‌تنها از طریق مأموران معمولی ما در کویتو، کوئنسا، ریوبامبا، امباتو و تولکان ادامه دارد و در حال گسترش است، بلکه برای این منظور دو رهبر مهم سوسیال مسیحی در کویتو را نیز با خودمان همراه کرده‌ایم. مسئول هردوی اینها خودم هستم.

اولین عملیات جدید، به رهبری «کارلوس روخیـرو» کاپیتـان بازنشستهٔ ارتش و یکی از نمایندگان اصلی سوسیال مسیحی در «جبههٔ دفاع ملی»[۲] صورت خواهـد گرفت. روخیرو رئیس «جوخه‌های عمل نظامی» حزب سوسیال مسیحی و جوخهٔ بمب‌گذاری مخفی آن است و من او را تحت آموزش قرار داده‌ام تا شیوهٔ استفاده از وسایل فتنه‌انگیزیهای مختلف پراکنده‌سازی جمعیت و وسایل ایجاد رعب و وحشت را که از بخـش خدمات تکنیکی TSD مرکز درخواست کرده‌ام به او بیاموزم. از طریق او احتمالا ده جوخه، هر یك شامل ۵ تا ۱۰ عضو برای بهمزدن جلسات و تظاهرات کوچك، کنترل خیابانها و تهدید «سازمان جوانان کمونیست»، Urje، و گروههای مشابه آن تشکیل خواهیم داد.

رهبری عملیات دیگر به عهدهٔ «خوزه ماریااگاس» وکیل جوان و نمایندهٔ مشهور سوسیال مسیحی در جبههٔ دفاع ملی خواهد بود. اگاس، یك چهرهٔ سیاسی بسیار مشهور و سخنرانی فصیح و تواناست. از طریق او پنج جوخه، هر یك شامل ٤ یا ٥ عضو برای کارهای بازپرسی در رابطه بـا «لیست کنترل خرابکاران» (لیست Lynx) تشکیل می‌دهم. تیم نظارت «سرهنگ دوم پاردس» وقت کافی برای به عهده گرفتن همهٔ این کارها

2— National Defence Front

را ندارد و لازم است تیمهای دیگری تشکیل شود. گروه تحت رهبری «اگاس» محل اقامت و محل کار افراد لیست را دایماً چك می‌کند، تا اگر اوضاع وخیم شود و لحظه حقیقت فرارسد، بتوانیم اطلاعات جدیدی برای دستگیری فوری افراد موجود در لیست داشته باشیم. اگر اگاس در کارش موفق شود، ممکن است او را در مرکز آموزش دهیم و حتی عملیات را به نظارت و کنترل خود اشخاص نیز گسترش دهیم.

کویتو ــ ۱۵ ژوئن ۱۹٦۲

اخیراً گزارشی از یك تیم ویژهٔ متخصصین از واشنگتن به نام «تیم مسئول تهیهٔ تحلیل استراتژیك»(۳) Satt خواندم که ماه گذشته محرمانه از تمام کشورهای امریکای لاتین دیدن کرده است. هدف این تیم، بررسی تمام برنامه‌های دولت امریکا در هر کشور و برآورد جدیت و وخامت تهدید تروریسم شهری و جنگ چریکی بوده است. ما نیز یك ضمیمهٔ محرمانه، برای گزارش تیم مذکور، تهیه کردیم. یکی از توصیه‌های تیم، توسعهٔ برنامهٔ «لیست کنترل خرابکاران» و «تهیهٔ یك طرح اضطراری» بود تا در صورت از دست دادن دفاتر سفارت خودمان در اینجا، از یك کشور ثالث به عملیات خود ادامه دهیم. از نظر گزارش تیم مسئول تهیهٔ تحلیل استراتژیك، سه کشور اکوادور، بولیوی و گواتمالا مناسب‌ترین مکانها برای قیام مسلحانه بود. تأکید برتوسعهٔ فوری عملیات شهری و برنامه‌های کارگری احتمالا یکی از نتایج گزارش همان تیم است.

کویتو ــ ۱۱ ژوئیه ۱۹٦۳

آروزمنا برکنار شد و یك خونتای نظامی چهار نفره قدرت را به‌دست گرفت...

خونتای نظامی در برگیرندهٔ افسرانی است که فرماندهی ارتش، نیروی هوایی و دریایی را به‌عهده داشتند. علاوه براین سرهنگی که منشی «شورای دفاع ملی» را به‌عهده داشت، نیز عضو خونتای نظامی است. فرماندهٔ نیروی دریایی، ریاست خونتا را به‌عهده دارد اما اتفاق آراء براین است که سرهنگ «مارکوس گاندارا» از شورای دفاع ملی مغز متفکر «خونتا» است و بیشترین نفوذ را داراست. تردیدی نیست که این افراد همگی ضد کمونیست بوده و سرانجام دست به همان عملی خواهند زد که ما در صدد بودیم برای درهم کوبیدن جنبش چپ افراطی قبل از آغاز عملیات مسلحانه مهم آنها، انجام دهیم.

کویتو ــ ۱۳ ژوئیه ۱۹٦۳

«خونتای» نظامی برای تحکیم قدرت خود با هیچ مشکلی مواجه

3— Strategic Analysis Targeting Team

نیست. واحدهای مسلح سراسر کشور برای «خونتا» پیامهای وفاداری فرستاده‌اند. آزادیهای مدنی متوقف شده و کمونیستها و دیگر چپهای افراطی دستگیر شده و به زندان می‌روند، بطوری که تنها در «گویاکوئیل» بیش از صد نفر زندانی شده‌اند. اولین اقدام خونتا، غیرقانونی کردن کمونیسم بود. سانسور نیز برقرار شد و از ساعت ۹ شب تا ٦ صبح منع رفت و آمد اعلام و انتخابات سال آینده نیز لغو شد.

چند روز طول می‌کشد تا امریکا، حکومت خونتا را به‌رسمیت بشناسد. اما ما قبلا «اطلاعات» لیست کنترل خرابکاران را در اختیار سرگرد «دلوس‌ریس» در کویتو و «سرهنگ لوگو» در گویاکوئیل قرار داده‌ایم. آنها نیز با استفاده از همکاران ارتشی خود به دستگیری افراد موجود در نیست پرداخته‌اند و اینك به همکاری با این مأموران پلیس ادامه می‌دهیم و بعد از شناسایی خونتا از سوی دولت امریکا و بازگشت رئیس، تصمیماتی برای برقراری تماسهای بیشتر با دولت اتخاذ خواهد شد. سرهنگ «آئورلیو نارانخو» رئیس سابق پادگان «کوئسا» و رهبر جنبشی که آروزمنا را به قطع روابط با کوبا واداشت، و سرهنگ «لوئیس مورابوون» وزیر کشور، و سرهنگ مارکوس گاندارا، رئیس خونتای نظامی، عمده‌ترین افرادی هستند که با ما در تماس خواهند بود.

کویتو ــ ۳۱ ژوئیه ۱۹۶۳

سه هفتهٔ نخست حکومت خونتا برخلاف روشی که دیکتاتوریهای نظامی در پیش می‌گیرند، آرام بوده است. در حقیقت بعد از همهٔ بحرانها و تشنجات ماههای اخیر، انسان حتی احساس نوعی رضایت و شادی می‌کند. امروز ایالات متحدهٔ امریکا خونتاً را به‌رسمیت شناخت، اما، ما شدیداً سرگرم رساندن اطلاعات به سرگرد «دولوس‌ریس» و سرهنگ «لوگو» بوده‌ایم. عملیات ایستگاه سیا به هنگام قطع تمام تماسهای دیپلماتیك عربی بسیار اهمیت دارد، حتی مهم‌ترین رهبران کمونیستی از نظر ما، مثل «اشه‌ویریا»، همه تلاشها را برای دستگیری خودشان خنثی کرده‌اند. احتمالا حتی بعضی از آنها کشور را ترك کرده‌اند.

اکنون حدود ۱۲۵ زندانی سیاسی در کویتو وجود دارد. این عده نه تنها شامل کمونیستها می‌شود بلکه «ولاسکوئیستاز»ها و اعضای «تجمع نیروهای خلقی»(٤) را نیز در برمی‌گیرند. سیاست خونتا این است که اینها را تبعید کند، گرچه بعضی از آنها براساس سوابق سیاسی‌شان می‌توانند در اکوادور بمانند. قضاوت در این مورد در بیشتر موارد براساس اطلاعاتی است که ما به سرهنگ «لوئیس مورابوون» وزیر کشور داده‌ایم. رسیدگی به پروندهٔ این زندانیها و دیگر زندانیان گویاکوئیل و مناطق

4—Concentration of Popular Forces

دیگر به‌دلیل بازجوییها و مراحل بعدی مدت زیادی به‌طول می‌انجامد. گرچه رئیس در رسیدگی به وضع زندانیان با وزیر کشور همکاری نزدیك دارد، اما امیدوار است از این موارد برای ایجاد یك واحد جدید در وزارت دفاع استفاده کند. این امر نشانگر این مسئله است که وی صرفاً خود را وقف جمع‌آوری اطلاعات ضدکمونیستی می‌کند. یعنی همان کاری که ما در ادارهٔ پلیس انجام دادیم. در حقیقت این به نفع وزارت دفــاع خواهد بود، زیرا سیاست، دیر یا زود به‌دست وزارت کشور می‌افتد، در حالی‌که واحد ارتش باید بتواند از سیاستهای عادی کنار بایستد، و توجه خود را به چپ افراطی معطوف دارد.

ب: عملیات ارتباطی با سرویسهای محلی

سیا درسراسرسالهای دههٔ ۱۹٦۰ درامریکای لاتین، کاررا با ارتباط برقرار کردن با سرویسهای امنیتی ارتش پلیس محلی آغازمی‌کرد، وفکرمی‌کنم اکنون نیزشیوهٔ عمل اوبا سابق فرقی نداشته باشد. این کارشامل انواع حمایت سیا ازاین سرویس می‌شدکه می‌توان حداقل به‌اعطای پول، آموزش افراد، دادن تجهیزات، اطلاعات، راهنمایی، وتشویق آنها اشاره‌کرد. درعوض، سیا خدمات ارزشمندی مثل عکسهای هویت افراد خاص، کنترل مسافرت افراد مورد نظر، کنترل تلفنها، ونصب میکروفن وغیره دریافت می‌کرد. درسالهای دههٔ ۱۹٦۰ درامریکای مرکزی درمقابل این نوع روابط با سرویسهای امنیتی محلی استثنایی به‌چشم نمی‌خورد.

مطالب زیرکه ازکتاب، «درداخل کمپانی» گرفته شده است، اطلاعات لازم درمورد عملیات ارتباطی پلیس با دیگرسرویسهای امنیتی محلی وجزئیات کار خودم با این سرویسهارا دردههٔ ۱۹٦۰ درامریکای لاتین به‌دست می‌دهد. خواهید دیدکه همان مأمورسیاکه در۱۹٦٦ جانشین من درمونته‌ویدئو شد. اخیراً گاردهای شخصی خانوادهٔ سوموزا رئیس جمهوری سابق نیکاراگوا را آمو ِش داده است. همچنین متوجه خواهید شدکــه پس ازدههٔ ۱۹۵۰ تا دههٔ ۱۹۷۰ از «آژانس بین‌الملل توسعه» (AID) برای آموزش پلیس درسراسر جهان ونیزازبرنامه‌های آموزشی «هیأت‌های بهداشت عمومی» به‌عنوان پوشش مأموران سیا استفاده می‌کرده است.

عملیات ارتباطی

از نقطه‌نظر تئوریك، تمام عملیات ارتباطی نوعی مخاطره قلمـداد می‌شود، زیرا وجود یك چنین ارتباطی به این مفهوم است که سازمان «سیا» باید چیزی ــ بطور مثال، حداقل هویت یك مأمور «سیا» را ــ (به طرف مقابل) بدهد. همیشه این امیدواری هست که فواید عملیات ارتباطی بـــا

سرویسهای اطلاعاتی دیگر بیشتر از نواقص آن باشد، اما گاهی قضاوت در این باره مشکل است. مهم‌ترین اصول عملیات ارتباطی از دیدگاه ضداطلاعاتی دو اصل است: نخست اینکه چیزی بنام سرویس اطلاعاتی دولت وجـود ندارد، و دوم اینکه، شورویها یا گروههای انقلابی محلی در سرویسهای ارتباطی به دلیل سودمند بودنشان به مرحلهٔ اجرا درمی‌آیند. آنها نیـروی سرویس ارتباطی از همان آغاز به معنی باخت و سازش خواهد بود. به‌این دلیل روی بعضی گزارشات اطلاعاتی سیا علامتهـایـی چـون Noforn یا No foreign Dissem قرار داده شده که نشان می‌دهد گزارش تنها باید به مقامات امریکایی داده شود. از این علامتها بدین‌منظور استفـاده می‌شود که سرویسهای ارتباطی خارجی در جریان مبادلات معمولـی بـه اطلاعات مهم از منابع حساس دسترسی پیدا نکنند.

فلسفهٔ همکاری با دیگر سرویسهای اطلاعاتی چیست؟ اساساً، عملیات ارتباطی به‌دلیل سودمند بودنشان به مرحله اجرا درمی‌آیند، آنها نیـروی انسانی محدود یك ایستگاه سیا را هرچند که ممکن است لرزان باشد، توسعه می‌دهند. طی این عملیات، سیا در سرویس ارتباطی رخنه می‌کند، و ممکن است یك سرویس محلی به تقاضای ایستگاه سیا دست به اقداماتی چـون دستگیری و حمله بزند.

در کشورهای غیرکمونیستی سیاست سیا، براساس کمك به سرویسهای امنیتی محلی برای بهبود تواناییهایشان استوار است. البته این در صورتی است که این سرویسها خواهان کمك مزبور باشند و دولتهای آنها با امریکا آشکارا دشمنی نورزند. سیا از طریق اعطای کمك مالـی، آمـوزش و تجهیزات به سرویسهای محلی، از جمله پلیس، قادر می‌شود اطلاعاتـی دریافت کند، که در غیراینصورت، مثلا به‌دلیل کمبود مأموران ایستگـاه خود در آن کشور، قادر به‌دست آوردن آنها نیست. بطور مثال، بـرای کنترل مسافرت، به گرفتن لیست مسافران هواپیما یا کشتی از کمپانیها یا سرویسهای مهاجرت محلی نیاز می‌رود. گرفتن این لیست از یك سرویس ارتباطی آسان‌تر است تا از پنج یا ده کمپانی مختلف. کنترل مکالمات تلفنی نیز اغلب تنها از طریق یك سرویس مخفی بویژه هنگامی که باید خطوط زیادی را ردیابی کرد، امکان‌پذیر است. نامه‌ها را نیز می‌توان از طریق یك سرویس محلی آسان‌تر، بازکرد تا اجرای پروسهٔ طولانـی استخـدام یك‌جانبهٔ مأموران در دفاتر و ادارات پست. برتر از همه هنگام بـروز رسواییها سرویس محلی مورد سرزنش قرار می‌گیرد، نه سازمان سیا.

معمولا، رئیس ایستگاه سیا با رئیس سرویس محلی تماس برقـرار می‌کند. بعضی ایستگاهها بخشهای کاملی از افسران ارتباطی مشغول به‌کار در سطح طرح عملیات و مبادله اطلاعات دارند. البته، روال کلی براین قرار است که حداقل افسران ایستگاه و تاحد ممکن افسران درگیـر در عملیات ارتباطی را به سرویسهای اطلاعاتی شناساند. افسران درگیر در

عملیات یکجانبه را که بدون اطلاع دولت محلی صورت می‌گیرد، باید در مقابل خط سازش با سرویس محلی مورد محافظت قرار داد.

بعضی سرویسهای محلی آنقدر ضعیف و کودن هستند که به کمك آشکار دولت امریکا نیازمندند. بدین‌خاطر هیأتهای کمك فنی «ادارهٔ تعاون بین‌الملل»[5] در بسیاری از کشورها دست به تشکیل هیأتهای امنیت عمومی متشکل از تکنیسینهای امریکایی می‌زنند که با ادارات پلیس همکاری می‌کند. این هیأتها در پی بهبود قابلیت سرویسهای محلی در زمینهٔ ارتباطات، بازرسیها، ادارهٔ امور و حفظ اسناد، روابط عمومی و جلوگیری از جرایم می‌باشند. هیأتهای امنیت عمومی برای سیا ارزش زیادی دارند، زیرا پوشش خوبی برای مأموران اعزامی سیا برای‌کار دائم با سرویس‌های اطلاعاتی پلیس و دیگر سرویس‌های غیرنظامی هستند. مأموران ایستگاه ممکن است تحت پوششهای دیگر باسرویسهای اطلاعاتی نظامی وگاهی تحت پوشش بازرگانان، توریست یا افراد بازنشسته باسرویسهای محلی کار کنند.

کمك سیا به سرویسهای محلی از طریق هیأتهای امنیت عمومی یا پوششهای دیگر، تنها به منظور کمك به بهبود توانایی حرفه‌ای سرویس محلی طرحریزی نشده است. هدف‌گیری عملیاتی سرویس محلی زیر نظر و هدایت مأموران ارتباطی «سیا» قرار گرفته می‌شد تا سرویسهای محلی وظایفی را که برنامهٔ عملیاتی ایستگاه سیا فاقد آن است، به مرحله اجرا درآورند. به عبارت دیگر سرویسهای محلی به نفع سیا مورد بهره‌برداری قرار می‌گرفتند، و از جمله در عملیات یکجانبه ایستگاه سیا شرکت داده نمی‌شدند.

رابطهٔ شخصی میان مأموران ارتباطی سیا و همکاران آنها در سرویسهای محلی بسیار مهم است، زیرا مأموران ارتباطی می‌بایست به مأموران سرویسهای محلی دسترسی پیدا کرده و آنها را به‌عنوان عوامل نفوذی به‌کار بگیرند. مأموران ارتباطی، پول در اختیار مأموران سرویسهای محلی قرار می‌دهند و انتظار می‌رود که همکار محلی مقداری از این پولها را حتی اگر قرار باشد برای عملیات مورد استفاده قرار گیرد، به جیب بزنند. هدف، این است که مأمور پلیس یا سرویس اطلاعات محلی به‌کسب مقداری پول اضافی عادت کند تا نه‌تنها از نظر تجهیزات و راهنمایی حرفه‌ای بلکه از نظر مالی نیز به ایستگاه سیا وابسته شود.

مأموران امنیتی، مثل پلیس اغلب جزو کم‌حقوق‌ترین کارمندان عمومی هستند و بندرت هدیه‌ای را رد می‌کنند. بتدریج از یك مأمور سرویس محلی خواسته می‌شود وظایفی را انجام دهد، که همهٔ افراد دیگر در سرویس او و بخصوص مأموران ارشدش از آن بی‌اطلاع هستند. او بتدریج شروع به دادن گزارش در مورد سرویس خود و سیاستهای دولت

5— Internaional Cpooteration Administration (ICA)

خود می‌کند. سرانجام نیز تنها به «سیا» وفادار می‌ماند. در نهایت، از اینجاست که پول در اختیارش گذاشته می‌شود. عملیات نفوذی در سرویسهای محلی اغلب به‌دلیل نقش سرویسهای امنیتی در ثبات سیاسی محلی از اهمیت قابل‌ملاحظه‌ای برخوردار است. گزارش این مأموران گاهی اوقات هنگام کودتای احتمالی بی‌ارزش است.

سرانجام ایستگاههای سیا، ممکن است عملیات یکجانبه را از طریق مأموران سرویسهای ارتباطی که به‌عنوان عوامل نفوذی استخدام شده‌اند، به اجرا درآورند. هدف نهایی همین است. مأموران استخدام شدهٔ ارتباطی ممکن است همچنین دربارهٔ تلاشهای سرویسهای خودشان برای پرده‌برداری از عملیات یکجانبه ایستگاه سیا گزارش بدهند. این مسئله، نیز بسیار خوشحال کننده است.

کویتو ــ ۱۹٦۰

اکامورس[6]: فعالیت عمدهٔ ایستگاه سیا در عملیات امنیتی برای کنفرانس میان کشورهای امریکایی، آموزش و تجهیز ادارهٔ اطلاعاتی پلیس ملی اکوادور است. ادارهٔ اطلاعاتی، ادارهٔ سرویسهای ویژه مراکز پلیس ملی خوانده می‌شود، و رئیس آن کاپیتان پلیس، خوزه‌وارگاس، اکامورس است که در اینجا و در مرکز سیا آموزش ویژه دیده است. «ویتروا کس» مأمور پوششی ما در «هیأت امنیت عمومی» تقریباً منحصراً با وارگاس کار می‌کند. زیرا وی اخیراً به‌خاطر رسیدن به مقام رهبری جامعهٔ مخفی افسران جوان پلیس طرفدار «ولاسکو»، دچار مشکل شده است. تشکیل جوامع مخفی در پلیس مثل ارتش ممنوع است.

علیرغم تمام تلاشهای ما، ظاهراً «وارگاس» نمی‌تواند کمك زیادی بکند، اما توانسته است برای گزارش فعالیتهای چپگرانه در زادگاهش «ریوبامبا» مرکز یك استان کوهستانی و در «اسمرالداس» مرکز یك استان ساحلی، سه یا چهار نفر را مأمور کند. گزارشهای این منابع، مستقیماً به «وارگاس» و از او به ایستگاه سیا می‌رسد. جمع‌آوری اطلاعات به توسط یك افسر پلیس در جایی که شخصی مانند «اراجو» ریاست پلیس را به‌عهده دارد، فعالیت خطرناکی است.

نیازهای اطلاعاتی طی کنفرانس کشورهای امریکایی می‌باید از طریق عملیات یکجانبه و با اطلاع و رضایت مستقیم ایستگاه سیا برآورده شود، اما قبل از اینکه این اطلاعات به وارگاس داده شود، باید پوشش مناسبی برای آن فراهم شود تا منبع خبر در امنیت بسر ببرد. گرچه «عملیات اکاموروس» یك نوع عملیات ارتباطی است، واحد اطلاعاتی پلیس کاملا توسط ایستگاه سیا اداره می‌شود. «نولاند» به وارگاس حقوق می‌دهد و

6— Ecamerous

مقداری پول اضافی نیز برای مأموران خود او و سایر هزینه‌ها در اختیارش گذاشته می‌شود. بعضی تجهیزات تکنیکی مثل وسایل عکاسی و تجهیزات غیرحساس صوتی توسط ایستگاه به وارگاس داده شده و ما گروهبان «لوئیس ساندال» سرتکنیسین او را آموزش داده‌ایم.

وارگاس، آدم جوان و بی‌پروا، ولی بسیار دوست داشتنی، با استعداد و هوشمندی است. گرچه به‌عنوان یك مأمور نفوذی بسیار عالی و قدیمی در پلیس ملی قلمداد می‌شود، اما می‌تواند در آینده، در عملیات نفوذی دیگر هم کار کند. بدون‌شك او بیش از هر چیزی به ایستگاه سیا وفادار است، و اگر از او بخواهند باکمال میل از پست پلیسی خود به‌عنوان پوششی برای اقدام مورد درخواست ایستگاه استفاده می‌کند.

«عملیات اکول»[7] : این مهم‌ترین عملیات نفوذی ایستگاه سیا علیه پلیس ملی اکوادور است، و اطلاعاتی نیز در رابطه با «کنفدراسیون کارگران اکوادور» CTE به‌دست می‌دهد.

سرهنگ «ویلفردواوسوالدولوگو»، که نام رمزش «اکول» است، از دوران مبارزه نازیها با «اف‌بی‌ای» طی جنگ جهانی دوم، با دولت امریکا همکاری می‌کرده است. لوگو از سال ۱۹٤۷ با ایستگاه سیا در «کویتو» کار می‌کرده و هنگام تصفیهٔ پلیس در نخستین هفته‌های حکومت «ولاسکو»، به ریاست ادارهٔ پرسنل مرکز پلیس ملی منصوب شد.

برخلاف تماس آشکار و خوب «نولاندو» و «پترواکس» و کاپیتان وارگاس، رئیس اطلاعات، تماس میان نولاندو لوگو بسیار احتیاط‌آمیز است. چنین احتمال می‌رود که این مأمور، عامل نفوذی سرویس امنیتی باشد و در مواقع بحرانی گزارش او بی‌ارزش است، زیرا وی در مقام و موقعیتی است که می‌تواند دربارهٔ طرحهای دولت و واکنشهای آن در قبال حوادث مثل صدور دستور به پلیس و واحدهای ارتش، گزارش دهد.

در عرض این چند سال، سرهنگ لوگو چندین مأمور تربیت کرده که در مورد فعالیتهای کمونیستی و امثال آن گزارش تهیه می‌کنند. دوتا از این مأموران اینك فعالند و علیه کنفدراسیون کارگران اکوادورCTE مشغول کارند. البته گزارش آنها در مقایسه با گزارش مأموران نفوذی «در حزب کمونیست اکوادور» CPE مثل کاردناس، لوئیس وارگاس و «بسانته» از ارزش کمتری برخوردار است، اما به‌هرحال به آنها حقوق پرداخته می‌شود تا در مواقع بروز مشکل برای مأموران بهتر، بشود از آنها استفاده کرد. نولاند نیز یك حقوق ماهانه منظم به سرهنگ لوگو می‌دهد.

مونته‌ویدئو ــ ۱۹٦٤

اوبالسا[8] : مسئولیت ارتباط با سرویس اطلاعات نظامی اروگوئه

7 —Fcole 8— Avbalsa

به‌عهدهٔ «جری‌اوگرادی» معاون رئیس ایستگاه «سیا» است، که بطور منظم با گروهبان «زیپیتریا»، معاون رئیس سرویس اطلاعات نظامی ملاقـات می‌کند. «هولمن» نیز گاهی با زیپیتریا و هنگام ضرورت با سرهنـگ «کارواخال» رئیس سرویس اطلاعات نظامی ملاقات می‌کند. ایستگاه سیا در مونته‌ویدئو سالها تلاش کرده است تا تواناییهای سرویس ارتباطی او را از طریق آموزش تجهیزات و کمك مالی توسعه دهد، اما کمتر در این کار موفق شده است. حتی هم‌اکنون، فعالیت مشترك عمدهٔ آنها جمع‌آوری اخبار و اطلاعات از مطبوعات چپگرای محلی است. مشکل عمده در رابطه با این سرویس این است که به‌سبك سنت نظامی اروگوئه از سیاست دوری می‌جوید، درست همانطور که کارواخال از درگیر کـردن سرویس در عملیات علیه حزب کمونیست اروگوئه و دیگر گروههای سیاسی چپگرای افراطی خودداری ورزید. از سوی دیگر، «زیپیتریا» معاون رئیس، یك متعصب شدید ضدکمونیستی است که اندیشه‌هایش بریك اساس فاشیستـی استوار است و دایماً از سوی کارواخال تحت‌نظر قرار دارد. اکنون ایستگاه سیا از معاون رئیس، به‌عنوان یك منبع اطلاعاتی در مورد سیاست دولت در قبال چپهای افراطی و نارضایی‌های درون ارتش علیه حکومت غیرنظامی استفاده می‌کند. امید این است که «زیپیتریا» روزی رئیس سرویس شود.

آولانشه: نیروی امنیتی عمومی عمده در اروگـوئه ادارهٔ پلیـس مونته‌ویدئو تحت نـام مستعار آوالانشه است که ارتباط با آن بـه قبل از جنگ جهانی دوم، یعنی به زمانی باز می‌گردد که «افــبی‌ـای» بـه پیگیری و ردیابی تمایلات نئونازیستی در اروگوئه و آرژانتین مشغول بود. در اواخر دههٔ ۱۹۴۰ ،هنگامی که سیا تأسیس شد، بعضی از عملیات مشترك از جمله طرح کنترل ارتباطات تلفنی به سیا واگذار شد. گرچه ادارات پلیس در ادارات داخلی اروگوئه وجود دارد، برتری تکنیکی و دیگر تواناییهای پلیس مونته‌ویدئو باعث می‌شود که وزرای کشور دستور دهند تا موارد مهم، حتی در خارج مونته‌ویدئو به‌عهد آوالانشه گذاشته شود.

در اروگوئه نیز همانند اکوادور، وزیر کشور، مسئول پلیس است و ارتباط ایستگاه سیا با نیروهای امنیتی غیرنظامی از وزیر کشور شروع می‌شود. هم‌اکنون یکی از سیاستمداران بلانکویی به‌نام فیلیپ‌جیل، وزارت کشور را به‌عهده دارد که «هولمن» بطور منظم با او ملاقات می‌کند. هولمن همچنیـن بطـور منظـم و یـا درصورت لـزوم بـا سرهنگ «ونتورارودریگوئه» رئیس پلیل مونته‌ویدئو، کارلـوس مارتین معـاون رئیس، بازرس «گیلرموکوپلو» رئیس بازرسی، بازرس «خوان‌خوزه‌براگا» نایب رئیس بازرسی است. کمیسر «الخاندرواوترو» رئیس ادارهٔ اطلاعات ارتباطات سرهنگ «روبرتورامیرز» رئیس نیروی ضربتـی ضد شورشی، سرهنگ «ماریوباربه» رئیس نیروی شبه‌نظامی پلیس و دیگران، ملاقـات

می‌کند. مهم‌ترین این افراد، وزیر کشور، رئیس پلیس، رئیس اطلاعات و ارتباطات و رئیس نیروی ضدشورشی هستند که برعملیات کنترل مکالمات تلفنی نظارت دارند.

همانند آرژانتین، حساسیت سیاسی نسبت به هیأت امنیت عمومی AID برای تقویت تواناییهای پلیس مانع فعالیت این هیأت در اروگوئه شده و کمك پلیس به ایستگاه سیا از نظر نیروی انسانی را محدود کرده است، اما در حالی‌که در آرژانتین یك افسر عملیاتی پوششی غیررسمی با عقد قرارداد مخفیانه با پلیس فدرال برای سالها کنترل ارتباطات تلفنی و دیگر عملیات مشترك را به‌عهده دارد.

در اروگوئه این وظایف، توسط مأموران ایستگاه تحت پوشش در سفارت انجام می‌گیرد. تا ژانویه تمام وظایف مربوط به آوالانشه به توسط معاون ایستگاه انجام شد، اما هولمن هنگامی این وظایف را به‌عهده گرفت که «ویلی‌گیلستراپ» معاون ایستگاه به السالوادور منتقل شد و رئیس ایستگاه در سان‌سالوادور شد، و بدین‌ترتیب جای اگرادی را که اسپانیایی‌اش بسیار ضعیف بود، گرفت. طرحهای درازمدت ایستگاه سیا ایجاد یك هیأت امنیت عمومی وابسته به AID است که یك مأمور سیا نیز در میان آن وجود دارد. هدف مأمور مذکور این است که مأموران ایستگاه سیا در سفارت را به کارهای دیگر بگمارد. اما یك چنین امری باید با روی کار آمدن یك وزیر کشور نیرومند تحقق یابد، وزیری که برای روی صحنه آوردن یك هیأت امنیت عمومی دست به تلاش و مبارزه بزند. از سوی دیگر، افسران پلیس اروگوئه توسط ایستگاه سیا به آکادمی آموزش پلیس فرستاده می‌شوند. آکادمی نام خود را به «آکادمی پلیس بین‌المللی»[9] تغییر داده و از پاناما به واشنگتن انتقال می‌یابد.

از جمله مهم‌ترین فعالیتهایی که پلیس از طرف ایستگاه سیا انجام داده، عملیات کنترل ارتباطات تلفنی موسوم به «اونج‌فول»[10] است. فعالیتهای دیگر پلیس به منظور تکمیل برنامه جمع‌آوری یکجانبه اطلاعات ایستگاه و بازداشتن پلیس از کشف این عملیات طرحریزی شده است. این فعالیتهای دیگر بجز کنترل ارتباطات تلفنی، از طریق ادارهٔ اطلاعات و ارتباطات انجام می‌گیرد.

کنترل مسافرت : ایستگاه سیا ، لیست تمام مسافرانی را که هر روزه وارد فرودگاه مونته‌ویدیو شده و یا از آن خارج می‌شوند ، و نیز لیست مسافران کشتیهایی را که شبانه از بندر عازم بوئنوس‌آیرس می‌شوند ، از پلیس دریافت می‌کند. همراه این اسامی ، لیست ویژهٔ روزانه‌ای از اشخاص مهم ، از جمله مسافران دارای پاسپورتهای دیپلماتیك ، چهره‌های مهم سیاسی ، کمونیست‌ها و چپ‌گرایان و رهبران جنبش پرونیست نیز

9— International Police Academy
10— Avengeful

در اختیار ایستگاه سیا قرار می‌گیرد. همچنین در صورت تقاضا می‌توانیم لیست مسافران ورودی و خروجی به «کولونیا» محل ترانزیت عمدهٔ دیگر میان مونته‌ویدئو و بوئنوس‌آیرس را در اختیار داشته باشیم. لیست میهمانان روزانه در هتلها و مسافرخانه‌ها در مونته‌ویدئو نیز در دسترس ما قرار دارد. نقطهٔ ضعف اصلی طرح کنترل مسافرت در فرودگاه کاراسکو است که فرودگاه اصلی موجود به مقصد مونته‌ویدئو به شمار می‌آید، اما در بخش (دپارتمان) کانه‌لوس درست در خارج بخش مونته‌ویدئو واقع شده، و رقابت قابل‌ملاحظه‌ای نیـز میان پلیس مونته‌ویدئو و کانه‌لونس وجود دارد اما مهمتر از این وجود معاملهٔ سودمند قـاچاق کالاها در فرودگاه است، زیرا که مقامات حسود گمرکی از هرگونـه بهبود کنتـرل پلیس در فرودگاه جلوگیری به‌عمل می‌آورند ، بدین خاطر است کـه تلاشهای ایستگاه سیا برای تهیه یك لیست کنترلی و عملیات عکسبرداری (از مسافران) درفرودگاه تاکنون با شکست مواجه شده است.

کنترل اسامی : برای تسهیل کار دفتر ویزای سفارت، (ایستگـاه سیا) دایماً از ادارهٔ پلیس تقاضا می‌کند نام آن دسته از اتباع اروگوئه را که خواهان ویزا برای سفر به امریکا هستند ، در اختیارش بگذارد.

سپس ایستگاه سیا اطلاعات به‌دست آمده از پرونده‌های اطلاعاتی و تحقیقات جزایی را به دفتر ویزای سفارت می‌دهد ، تا آنها تصمیم بگیرند که به شخص مذکور ویزا بدهند یا نه.

جمع‌آوری اطلاعـات پیرامون زندگی‌نامهٔ اشخاص و عکسهای آنهـا: اروگوئه یك «مرکز ثبت‌نام رای‌گیری ملی» دارد که به نحو مؤثری یك نوع سیستم کارت هویت به‌حساب می‌آید. ما نام کامل ، تاریخ و محل تولد ، نامِ والدین ، آدرس محل کار و غیره و نیز عکسهای شناسایی هر اروگوئه‌ای یا بیگانگانی را کـه بطور دایم در اروگوئه اقـامت دارند از سرویس «آولانشه»[11] دریافت می‌کنیم. این اطلاعات برای عملیات حفاظتی تیمهای «آونین» و «آوبندی» ، و نیز برای لیست کنترل خرابکاران و دیگر شیوه‌های گوناگون ، با ارزش می‌باشند .

ثبت شمارهٔ پلاك اتومبیل‌ها : یك نوع کمك مفید دیگر به ایستگاه سیا در مورد بازدیدکنندگان سفارت‌های کوبا و شوروی نام و آدرس دارندگان اتومبیلهایی است که شمارهٔ پلاك اتومبیل آنها در پست‌های نظارتی عکسبرداری یا نسخه‌برداری شده‌است . پلیس این اطلاعات را بدون اینکه از علت آن باخبر باشد ، جمع‌آوری می‌کند. این اطلاعات همچنین برای تکمیل گزارشهای دوتیم حفاظتی مذکور در بالا ، در اختیارشان قرار می‌گیرد .

تهیهٔ گزارش : بخش اطلاعاتی و ارتباطی اداره پلیس مونته‌ویدئو منبع اصلی دولت (و ایستگاه سیا) بـرای جمع‌آوری اطلاعـات در مـورد

11— Avalanche Service

اعتصابات و تظاهرات خیابانی است. این نوع اطلاعات ، طی چند سال گذشته که اتحادیه‌های کارگری تحت سلطهٔ حزب کمونیست اروگوئه مبارزات اعتصابی و تظاهراتی خود علیه سیاستهای اقتصادی دولت را افزایش داده‌اند ، اهمیت زیادی پیدا کرده است. هنگامی که اعتصابات و تظاهرات به‌وقوع می‌پیوندند ، اطلاعات پیوسته از(I)و(E)به وسیله تلفن به ایستگاه داده می‌شود. این اطلاعات، شامل تعدادی افراد اعتصاب‌کننده، درجهٔ خشونت، محل وقوع آنها، فرامین دولت برای سرکوب اعتصابات یا تظاهرات و تخمین میزان سودمندی این فرامین می‌شود. تمامی این اطلاعات در تهیهٔ گزارش ایستگاه سیا و ارسال آن برای مراکز سیا، فرماندهان نظامی آتلانتیك شمالی و جنوبی مورد استفاده قرار می‌گیرد. در پایان هر ماه ،(I) و(E)یك گزارش کلی و همه‌جانبه در مورد اعتصابات و ناآرامیهای غیرنظامی تهیه می‌کنند و یك نسخه از آن نیز در اختیار ایستگاه سیا قرار می‌گیرد. تماس میان مأموران مختلف در ادارهٔ پلیس وایستگاه سیا ازنظررئیس پلیس پوشیده نیست ـ وبه‌آنها ارتباط «رسمی» می‌گویند. ایستگاه ،همچنین با رئیس سابق (I) و (E) که ترفیع مقام یافته و اکنون شخص چهارم یا پنجم در بخش بازپرسی است، تماس ضمنی دارد. این مأمور ، که بازرس «آنتونیوپرزکاستاگنت» نام دارد یك حقوق مشخص از ایستگاه می‌گیرد و مأمور نفوذی سیا در ادارهٔ پلیس به‌حساب می‌آید. او در انجام وظایفی که از نظر مقام بالادستش پوشیده است، همکاری بسیار خوبی با ایستگاه سیا می‌کند. در موارد حساس هنگامی‌که رئیس پلیس و دیگران منافع ایستگاه را درك نمی‌کنند، ایستگاه از مأمور می‌خواهد وظایف مهمی را به‌عهده بگیرد. «پرز» اطلاعات با ارزشی نیز در مورد طرحهای دولت در رابطه با اعتصابات و بی‌نظمیهای غیرنظامی، استخدامها و نقل و انتقالات پرسنل در پلیس و تغییرات احتمالی در سیاست کشور ، در اختیار سیا می‌گذارد.

هزینه کلی پروژهٔ آولانشه سوای طرح کنترل تلفنها (طرح آونجفول)، سالانه به حدود ۲۵۰۰۰ دلار می‌رسد.

طرح آونجفول[۱۲]: عملیات کنترل مکالمات تلفنی ایستگاه سیا از طریق سرویس ارتباطی اولانشه (اداره پلیس مونته‌ویدئو) انجام می‌شودکه تاریخ آن به جنگ جهانی دوم برمی‌گردد. یعنی زمانی که اف‌ـبی‌ـآی در امریکای جنوبی مسئول ضداطلاعات بود. این عملیات اکنون مهم‌ترین عملیات مشترك میان ایستگاه سیا و سرویس اروگوئه است. ارتباطات ، بنابه تقاضای اداره پلیس ، از طریق مهندسان شرکت تلفن در این شرکت انجام‌می‌گیرد. حدود سی‌جفت کابل از محلهای اصلی مکالمات تلفنی شهر به مرکز پلیس وصل شده و در طبقهٔ آخر مرکز پلیس ، پست استراق سمع تلفنی مستقر شده است.

12 —Avengeful

ژاکوب‌دوآندا، سرتکنیسین و خوان‌تورس معـاون تکنیسین، و قاصد ریاست LP را به‌عهده دارند. «تورس» ترتیبی فراهم می‌کند تا خطوط تلفنی به‌وسیله مهندسان شرکت تلفن بهم وصل شود و سپس نوارهای مکالمات را هر روزه به «اویدانس» قاصد دیگر تحویل می‌دهد. و او نیز آنها را به کسانی می‌دهد که مکالمات نوارهای قدیمی را از پیاده‌کنندگان تحویل می‌گیرد و آنها را به «تورس» می‌دهد. او نیز هرروزه این متنها را از طریق قاصد دیگری که در بخش‌اطلاعات اداره پلیس کار می‌کند، بـه ایستگاه سیا تحویل می‌دهد. بدین‌ترتیب اداره پلیس ترتیب ارتباطها و تماسها را می‌دهد و LP را رهبری می‌کند.

قاصد «اویدانس» مأمور ایستگاه «سیا» است و از میان پرسنل اداره پلیس تنها تورس او را می‌شناسد.

پیاده‌کنندگان نوارها برای ادارهٔ پلیس ناشناخته هستند ، امـا ایستگاه ، نسخه‌هایی از متنهای پیاده شده را مگر در موارد ویژه به بخش اطلاعات ادارهٔ پلیس می‌دهد. هریك از افسران عملیاتی ایستگاه سیا که مأمور کنترل تلفنهای هدفهای مورد نظر می‌باشند، مسئولیت پیاده‌کنندگان رشته خود را نیز به‌عهده دارند. مثلا «راسل‌فیپس» افسر عملیات مربوط به شوروی ، مسئول دو مهاجر سابق روسی است که خطوط تلفنی مربوط شوروی را به‌زبان انگلیسی پیاده می‌کند. «پل‌بورن» افسر عملیات مربوط به حزب‌کمونیست، مسئولیت پیاده‌کنندهٔ مکالمات تلفنی حزب کمونیست اروگوئه را به‌عهده دارد، و افسر عملیاتی مربوط به‌کوبا مسئول پیاده‌کنندگان مکالمات تلفنی کوبا است. اغلب‌پیاده‌کنندگان از یکدیگر و نیز ادارهٔ پلیس دورنگاهداشته شده و برای هم ناشناسند.

ایستگاه سیا که تجهیزات و بودجهٔ مالی عملیات را تهیه می‌کند، مستقیماً با رئیس گارد مونته‌ویدئو که مقام مسئول ادارهٔ پلیس برای تمامی عملیات کنتـرل مکالمات تلفنـی است، ارتباط دارد. رئیس گـارد مونته‌ویدئو که معمولا سرهنگ یا سرهنگ‌دوم ارتش است، بـرای اداره گارد «متروپولیتانا» یعنی نیروی ضربتی شبه‌نظامی پلیس گمارده شده‌است. هم‌اکنون سرهنگ «روبرتورامیرز» این مقام‌را به‌عهده دارد. او معمولا خطوطی را که باید مکالمات آنها ثبت شود، معین می‌کند. این عمل ، بخشی از عملیات او برضد عملیات معاملات قاچاق‌است که آن هم پوشش خطوط سیاسی ایستگاه سیا، به‌حساب می‌آید.

تورس‌وآندا تحت سرپرستی رئیس گارد متروپولیتانا فعالیت‌می‌کنند، گرچه توافق نهایی با عملیات در اصل از جانب وزیر کشور (امنیت داخلی) و رئیس اداره پلیس مونته‌ویدئو صورت می‌گیرد. ایستگاه سیا استفاده از کنترل مکالمات تلفنی را علیه فعالیت‌های معاملات قاچاق تشویق می‌کند، زیرا نه‌تنها این عمل پـوشش خوبی برای فعالیتهای آن به حساب می‌آید، بلکه از این جهت صورت می‌گیرد که عملیات معاملات قاچاق پلیس برای آنها بسیار سودمند است و یك چنین عملیاتی ترس و هراسهای

موجود در مورد رسواییهای سیاسی در رابطه با وزیر کشور در موارد خاص را از بین می‌برد.

اینك تنها هفت خط تلفنی تحت کنترل قرار دارد. این خطوط ، شامل سه خط در رابطه با شوروی (یکی در سفارت شوروی، دیگری در کنسولگری شوروی و سوم خط بین تلفن دوم سفارت و دفتر بازرگانی شوروی) دو خط در مورد کوبا (یکی در سفارت کوبا و دیگری در دفتر بازرگانی کوبا) ، و یك خط‌تلفن مربوط به یك انقلابی اهل آرژانتین که روابط و همکاری نزدیکی با کوباییها دارد، و خط دیگری می‌شود که متعلق به مرکز حزب کمونیست اروگوئه است.

امنیت ، مسئله عمده و مهمی در عملیات «آونج‌فول» به‌حساب می‌آید، زیرا افراد بسیاری از آن مطلع هستند. مثلا وزرای سابق و زیردستان آنها، رؤسای سابق پلیس و زیردستان آنها، افسران فعلی گارد «متروپولیتانا» و ادارات تحقیقات جنایی و اطلاعاتی جزو این افراد هستند. نسخه‌هایی از متنهای پیاده شده که برای ادارهٔ اطلاعات پلیس فراهم شد ، بسیار ناامن تشخیص داده می‌شود، زیرا امنیت ادارهٔ پلیس علیرغم تلاشهای مداوم ایستگاه سیا برای تشویق محکم‌کاری ، ضعیف است، روزنامهٔ «ال‌پاپولار» (خلق) ارگان حزب کمونیست اروگوئه بطور منظم کنترل مکالمات تلفنی به‌وسیلهٔ پلیس را مورد سرزنش قرار می‌دهد ، اما از جزئیات این عملیات که می‌تواند به لغو آن منجر شود ، چیزی به‌دست نمی‌دهد.

بنابراین، کنترل مکالمات تلفنی در مونته‌ویدئو بسیار لرزان است و ممکن است در بسیاری موارد ، به رسوایی وخیمی منجر شود.

مونته‌ویدئو ــ ۱۵ اوت ۱۹٦۵

هورتون در این فکر است‌که توانایی ادارهٔ اطلاعاتی پلیس را افزایش دهد، و آن‌را مثل شیوهٔ پلیس انگلستان به‌نوعی شاخهٔ ویژه در امورسیاسی تبدیل کند. او از من می‌خواهد تا وقت بیشتری صرف آموزش «اوترو» رئیس اطلاعات و ارتباطات کنم و به او پول بیشتری بدهم تا مبل و اثاثیه و وسایل بایگانی و تدارکات دفتری تهیه کند.. هورتون مایل است تا جایی که امکان دارد «اوترو» وارد آکادمی پلیس بین‌المللی شود و در پایان دوران آکادمی ، توسط مراکز سیا تحت آموزش بیشتر قرار گیرد. هورتون قبل از ترك واشنگتن توافق AID برای تحت پوشش قراردادن یکی مأمور سیا به عنوان مأمور بهداشت عمومی را به دست آورد، و مانیز پس از کسب توافق رئیس پلیس و آوردن مأمور سیا به اینجا از او خواهیم‌خواست بطور تمام‌وقت بااداره اطلاعات وارتباطات همکاری‌کند.

عملیاتی از نوع حفاظت بدنی و کنترل مسافرت از همان آغاز مورد تأکید ما قرار خواهد گرفت. توسعه طرح «آونج‌فول» بعداً ، شاید همراه

عملیات استخدام نیروهای جدید، علیه هدفهای چپ افـراطی ، انجام گیرد، اما به‌هرحال این تحولات بعد از آموزش «اوترو» در واشنگتن صورت خواهد گرفت. در طرح کنترل مسافرت کوشش خواهیم کرد کار را در ابتدا با عملیات کنترل عکس پاسپورتها و لیست اسامی مسافـران آغاز کنیم .

برنامهٔ بهداشت عمومی AID به‌خوبی پیش میرود. تأکید اصلی بر روی وسایل نقلیه ، ارتباطات ، تجهیزات کنترل اغتشاشات و آموزش گذاشته شده است. به‌هرحال تا ورود مأمور (سیا) تحت پوشش بهداشت عمومی، قصد داریم از اطلاعات پلیس بخواهیم بطور شدید و فشرده در دفترمان کار کند. این مأمـوریت، شغل طولانی و مشکلی خواهد بـود و به دلیل کارها و فعالیتهای دیگر ، وقت کافی برای انجام آن به نحو احسن را ندارم. به‌هرحال ناچاریم از آنها بخواهیم عمیقاً برای مسائل اساسی مثل امنیت و سیستمهای پیشرفته بایگانی پرونده، فکر کنند.

مونته‌ویدئو ــ ۳ ژانویه ۱۹٦٦

شب بعد ، یك حادثهٔ مهم دیگر دزدی اسلحه صورت گرفت و احتمال میرود که این دزدی کار «توپاماروس» باشد. آنها تمامی این سلاحها را که شامل ٦٦ هفت‌تیر، چهل و هفت تفنگ ساچمه‌ای، پنج تفنگ همـراه مهمات می‌شد از یك فروشگاه اسلحه‌فروشی به‌سرقت بردند. «اوترو» کمیسر پلیس ، ظرف سه هفته عازم واشنگتن خواهد شد. مرکز سیا تصمیم گرفته است او را به‌جای آموزش در آکادمی پلیس بین‌المللی تحت ادارهٔID در «مدرسهٔ سرویس‌های بین‌المللی پلیس» که یك مرکز آموزش تحت پوشش تجاری است مورد آموزش قرار دهد. اما به‌هر حال قرار است پوشش آموزش او به توسطAID تأمین شود.

مونته‌ویدئو ــ ۱۳ ژانویه ۱۹٦٦

اوترو، امروز برای دیدن دورهٔ آموزش در «مدرسهٔ سرویس‌هـای پلیس بین‌المللی» عازم واشنگتن شد. من و هورتون به مرکز پلیس رفتیم تا با «اوترو» خداحافظی کنیم و ضمن آن از فرصت استفاده کرده و با سرهنگ «اوباخ» رئیس پلیس ملاقات کردیم تا پیشنهـاد کنیم یکی از مأموران ما با استفاده از پوشش هیأت بهداشت عمومیAID بطور تمام وقت با اطلاعات پلیس کار کند. اوباخ ، ذهن سریع و خوبی ندارد. امامثل سایر اموری که به او پیشنهاد می‌کنیم ، با این امر نیز موافقت کرد. اکنون باید توافق «استوارسد» ، وزیر کشور را به‌دست آوریم و از مرکز بخواهیم یکنفر را برای این کار انتخاب کند. هنگامی که این کارهـا انجام شود، با وزیر کشور ، رئیس پلیس و دیگران تماس خواهیم گرفت تا ادارهٔ اطلاعات را به خارج بخش تحقیقات منتقل کنیم و بویژه از نظر

اداری آنرا هم‌سطح بخش‌تحقیقات یا حداقل به‌داشتن مقداری خودمختاری رسانیم. اگر با این مسئله موافت شود کوشش خواهیم کرد ، بازرس پرز را به ریاست اطلاعات منصوب کنیم زیرا دارای تجربهٔ بیشتری است و از «اوترو» که از بیماری رنج می‌برد و مورد تنفر همکارانش است ، توانایی بیشتری دارد. علاوه‌براین «پرز» از چند سال قبل در لیست حقوق‌بگیران سیا بوده و وفاداری و روحیهٔ همکاری‌اش بسیار عالی است. هنگامی که اوترو در واشنگتن به آموزش مشغول است ، با معاون او پابلوفونتانا تماس خواهیم داشت .

مونته‌ویدئو ــ ۳۰ مارس ۱۹٦٦

فرانك شونو ، افسر مهندسی منطقه‌ای در بوئنس‌آیرس یك ماشین قابل حمل فتوکپی نسخه‌گیری از اسناد برایمان فرستاد که امیدوارم آنرا به‌عنوان بخشی از برنامهٔ پیشرفت کنترل مسافرت در فرودگاه مونته‌ویدئو نصب کنم. به‌وسیلــه این ماشین می‌توانیــم از تمام پاسپورتهای کشورهای کمونیستی و آنهایی که نامشان در لیست قراردارد ، عکسبرداری کنم. اخیراً به همراه «خوارگیزا» کمیسر پلیس دیگری که مسئول کل کنتــرل مسافرت و جمعیت غیرساکن در مونته‌ویدئو است، این کار را آغاز کرده‌ام. خوارگیزا موافقت کرده‌است برای نصب ماشین یك اتاق مناسب درفرودگاه مونته‌ویدئو نزدیك پیشخوان مهاجرت فراهم کند. هنگامی که اتاق فوق تهیه شود ، «شونو» برای نصب ماشین و به‌کار انداختن آن خواهدآمد. امیدواریم بتوانیم قبل از برگشتن «اوترو» از واشنگتن این کار را شروع کنیم، زیرا وی‌خواهان کنترل این‌جریان خواهدشد و شخصیت‌نخراشیده‌اش باعث می‌شود شروع کار به تعویق افتد. تاکنــون دوره آمــوزش پلیسی او در مدرسه سرویس‌های بین‌الملل پلیس تمام شده و به وسیله مأموران و افسران OTRمرکز سیا تحت آموزش اطلاعاتی ویژه قرار گرفته است.

مونته‌ویدئو ــ ۱۰ اوت ۱۹٦٦

سرانجام انتقال من درست شد و تا پایان ماه اینجا را ترك خواهم کرد. خوارنوریگا ، خلبان سابق نیروی دریایی ، که اخیراً اولین دور مأموریت خود در ایستگاه سیا در ماناگوا را تمام کرده جای مرا خواهد گرفت. وی در ماناگوا مسئول آموزش بادیگاردهای رئیس‌جمهوری و خانوادهٔ سوموزا بود .

مونته‌ویدئو ــ ۲٤ اوت ۱۹٦٦

همهٔ عملیات خود را به نوریگا واگذار کرده‌ام و در عرض چند روز به وطن پرواز خواهم کرد. بودجهٔ ایستگاه سیا در مونته‌ویدئو در عرض دوسال‌ونیم به‌حدود یك‌ونیم میلیون‌دلار رسیده ودرهمین‌حال به تعداد

مأموران ایستگاه چند نفر اضافه شده است. در عرض دو هفته «بیل‌کانترل» وارد اینجا شده و با ادارهٔ اطلاعات پلیس اوترو بطور تمام‌وقت همکاری خواهد کرد.

مأموران سیا، چه ازطریق شرکت دربرنامه‌های کمکی ویا ازطریق‌نیروهای امنیتی دراطراف جهان، دررسمی‌کردن شکنجه به‌عنوان یك شیوهٔ بازجویی، بطورمستقیم وبویژه درامریکای لاتین دخالت داشته‌اند. جای هیچگونه شك‌و تردیدی نیست‌که مأموران سیا همراه نیروهای امنیتی السالوادورسرگرم یك تلاش مشترك برای سرکوب جنبش انقلابی هستند. دراواخرسال‌گذشته (۱۹۸۰) یك امریکایی به‌نام توماس براکن، درالسالوادور به‌قتل رسید وهنگامی‌که خبر مرگش اعلام شد مشخص شدکه اویك «مشاورخصوصی» پلیس ملی‌السالوادور بوده است. روزنامهٔ مکزیکی «ال‌دیا»[۱۳] در۲۸ نوامبر۱۹۸۰ به‌نقل ازوزیردفاع السالوادوراعلام‌کردکه دولت السالوادورقبل ازمطلع‌کردن وتماس‌گرفتن بااو با سفارت امریکا مشورت‌کرده است. به‌احتمال زیاد سازمان سیا ترتیب همکاری براکن را با پلیس ملی السالوادورداده است.

مطالب زیر، ازکتاب «دربارهٔ‌کارهای‌کمپانی» گرفته شده ودخالت مشاوران امنیتی امریکایی را دراعمال شکنجه به‌وسیلهٔ سرویسهای امنیتی دوست نشان می‌دهد. تفسیرونظراصلی پیرامون این مسئله به‌توسط آ. ج. لانگوث[۱۴] رئیس دفترسابق روزنامهٔ نیویورك تایمزدرسایگون به‌عمل آمدکه‌کتابی دراین مورد تحت عنوان «ترورهای پنهانی» نوشته است.

آنچه در زیر می‌آید گفته‌هایی است که از طریق مصاحبه و یا از طریق فیلم، به توسط اشخاص زیر اظهار شده است:

آ.ج.لانگوث: رئیس دفتر سابق روزنامهٔ نبویورك‌تایمز در سایگون و نویسندهٔ کتاب «ترورهای پنهانی» (مصاحبه)

آنجلا زیکزاز: سیاستمدار و مبارز فعال برزیل‌که به توسط نیروهای امنیتی برزیل شکنجه و سپس تبعید شد.

فیلیپ اگی: (مصاحبه)

آژانس توسعهٔ بین‌المللی (AID) : اظهارنظر در مورد مرگ دانیل میتریونی (فیلم خبری)

هوگوویلار: رهبر سیاسی اروگوئه‌ای که توسط دیکتاتوری نظامی کشور خود تبعید شد (مصاحبه)

مانوئل‌هیوا: تبعیدی کوبایی که توسط هیأت بهداشت عمومی امریکا

13— El Dia

14— A. J. Langguth, «Hidden Terrors», Pantheon Book, New York, 1978

در مونته‌ویدیو، استخدام شد و دانیل میتریونی رئیس او بود. (فیلم خبری)

خوان‌فریرا: اهل اروگوئه که به توسط دیکتاتوری نظامی حاکم بر کشور تبعید شد. او پسر ویلسون فریرا، کاندیدای سابق ریاست جمهوری اروگوئه است، که او نیز تبعید شده بود. (مصاحبه)

یك چریك عضو نهضت «توپامورو» در اروگوئه: (نوار ضبط صوت)

لانگوث: برنامهٔ پلیس به میزان وسیع در دوران «دویت روزولت» شروع شد. او احساس می‌کرد که باید پلیس را برای کمك به جنگ علیه کمونیسم بعد از جنگ جهانی دوم تحت آموزش قرار داد. وی مردی به نام بایرون انگل را به این منظور استخدام کرد که در آن زمان عضو سیا بود.

پس از جریان خلیج خوکها، برنامهٔ انگل توسعهٔ بیشتری پیدا کرد. پلیسهایی از اطراف جهان، تحت آموزش مشاوران امریکایی قرار گرفتند. هدف آموزش کارآزموده‌تر کردن آنها بود، اما یك نوع آموزش سوم نیز داده می‌شد تا آنها از تهدید کمونیسم مطلع شده و برای جنگ با کمونیسم به کشورهایشان باز گردند.

آنجلا زیکزاز : به‌محض اینکه دستگیر می‌شوید ناچارید آدرس خانه‌تان را به آنها بگویید. مجبورتان می‌کنند سعی می‌کنند وادارتان کنند به آنها بگویید کجا زندگی می‌کنید، چه آدرسهای دیگری می‌دانید، کجا ملاقات می‌کنید. اینها همه مهم است، زیرا از همین طریق اطلاعات خود را به‌دست می‌آورند. وضع، خیلی دشوار می‌شود، افراد نفوذی را به داخل گروهها نمی‌فرستند، نه شهامت این کار را دارند و نه توانایی واقعی برای رخنه در گروههای چپ را، زیرا خیلی خطرناك است. بنابراین تنها راه گرفتن اطلاعات از طریق شکنجه است.

لانگوث: هرگاه بخواهیم در مورد یك مقام بلندپایه مأمور شکنجه کسب اطلاع کنیم، پی می‌بریم که این افراد از مردم عادی نیستند بلکه افرادی هستند که عمر خود را صرف توانایی خود برای گرفتن اطلاعات از زندانیان سیاسی کرده‌اند در مواردی که من خود پیگیری کرده‌ام، پی بردم که این افراد در یك پایگاه امریکایی آموزش دیده‌اند.

آنجلا زیکزاز: خوب آنها شروع به پرسیدن یك سری سئوال کردند، اما من چیزی نگفتم، فوراً پس از رفتن دکتر، مرا شکنجه کردند. این مسئله برای خیلیها اتفاق می‌افتد. شکنجه، شوکهای الکتریکی، ضرب و شتم و استفاده از تلفن اینها همه مورد استفاده قرار می‌گیرد.

لانگوث: بسیاری از افراد که با آنها صحبت کردم، از جمله تبعیدیان سیاسی در اروپا وسیله تلفنهای صحرایی ارتش امریکا شکنجه شده‌اند. این نوع شکنجه ساده است و این دستگاه ساده را به تعداد زیاد و به عنوان بخشی از کمك نظامی امریکا برایشان می‌فرستادیم.

سیمهایی را به تلفن قلاب می‌کنند و سر یك سیم را به آلت تناسلی

و سر سیم دیگر را به دهان زندانی وصل می‌کنند. هنگامی که سیم به دهان وصل شد، شکنجه‌گر از دستکش لاستیکی استفاده می‌کند. این عمل با نوعی دقت در عمل جراحی صورت می‌گیرد. به من گفته شده که شکنجه‌گران از دست‌زدن به اعضای بدن هیچگونه احساس شرم و خجالت نمی‌کنند اگرچه هنگام شکنجهٔ زنان، مقام بلندپایه شکنجه‌گر از آمدن به اتاق شکنجه و تماشای شکنجه آنان به بهانه‌ای خودداری می‌کند.

آنجلا زیکزاز: تصمیم گرفتم هرچه می‌خواهند بگویم. من در یك چنین وضعی قرار داشتم و البته آنها کمتر از این نمی‌خواستند. من هم نمی‌خواستم بیشتر شکنجه شوم، آنها می‌دانستند که من از نظر ایدئولوژیك بسیار ضعیف هستم و حرف خواهم زد.

لانگوت: ما، امریکاییها، از طریق سیستم مؤثر خودمان این احساس را خلق کردیم که تنها باید تا آنجا که برای گرفتن اطلاعات لازم است از شکنجه استفاده کرد و نیز به پلیس بباورانیم که تئوری مؤثر نبودن شکنجه برای کسب اطلاعات، غلط است و شکنجه وسیلهٔ خوبی در رسیدن به این هدف است.

آنجلازیکزاز: شکنجه وسیلهٔ ضروری این سیستم است. نه تنها به‌این دلیل که انسانهای بی‌مغز و معیوب اینگونه می‌اندیشند، بلکه بدین‌خاطر که مقاومت، بطور مدام در حال رشد است. گرچه این مقاومت پراکنده و در سطح کوچك به چشم می‌خورد، اما همیشه وجود دارد. پس شکنجه تنها پاسخ موجود به این مقاومت است.

فیلیپ‌اگی: طی دوره‌ای که من از ۱۹٦٤ تا ۱۹٦۹ در اروگوئه بودم، تلاشهایمان برای تضعیف چپ در این کشور با موفقیت همراه نبود. طی این دوره، وظیفهٔ ما در قبال رشد قدرت چپ، افزایش سرکوب و فشار بود. تنها همین راه‌حل را در نظر داشتیم. در سال ۱۹٦٦ یك مأمور سیا را وارد اروگوئه کردیم که در ادارهٔ پلیس، تحت پوشش هیأت بهداشت عمومی آژانس توسعهٔ بین‌المللی مشغول به کار شد. این مأمور تنها با اطلاعات پلیس کار می‌کرد، و تلاشش این بود که تواناییهای این بخش را افزایش دهد. در ۱۹۷۰ که دان‌میتریونه رئیس هیأت بهداشت عمومی امریکا توسط جنبش «توپامورو» ربوده و اعدام شد، این مأمور در اروگوئه به‌کار مشغول بود.

لانگوت: میتریونه در شهر «ریچموند» در ایالت «ایندیانا» پاسبان بود، و سپس به ریاست پلیس رسید. از برنامهٔ «بایرون‌انگل» در واشنگتن مطلع شد، و تقاضای شرکت در آن را کرد. البته او به‌خاطر کوشایی و پرکاری‌اش، دقیقاً همان کسی بود که آنها در جستجویش بودند.

سخنگوی طرح بهداشت عمومی آژانس توسعهٔ بین‌المللی: «دان» عالی‌ترین اصول حرفهٔ پلیسی، یعنی خدمت اجتماعی را به انجام رسانید. هفت سال در برزیل، دو سال در آکادمی پلیس بین‌المللی در واشنگتن،

و یك سال در «مونته‌ویدئو» خدمت کرد. در امریکای لاتین ۲۰۰ میلیون نفر به‌سر می‌برند، در بسیاری از این کشورها تروریستهای کمونیست تلاش می‌کنند رشتهٔ دمکراسی را پاره کنند. بعضی از این کشورها، از جملـه اروگوئه، که می‌دانند بهترین راه مقابله در برابر این عمل، پرورش و تربیت یك پلیس دمکرات است، از امریکا تقاضای کمك کردند. این همان عملی است که «دان» در اروگوئه انجام می‌داد.

لانگوت: میتریونه تا سال ۱۹۶۹ یك حرفه‌ای قوی بود و ۹ سال در برنامهٔ «بایرون‌انگل» خدمت کرد. او مدتها در برزیل بود ،یعنی همان جایی که فشار و سرکوب زیاد و شکنجه به‌عنوان شیوهٔ بازجویی اعمـال می‌شد، سپس به اروگوئه رفت تا اطلاعاتی کسب کند.

هوگوویلار: مدت زمانی قبل، این تصویر که توسط کمیتهٔ نیروهای مسلح کشورمان پخش شد در سراسر جهان دیده شد. می‌توانید این زندانی تقریباً عریان را که صورت او پوشیده شده ببینید. صورت تمام زندانیان را به این صورت می‌پوشانند، تا نتوانند شکنجه‌کنندگان خود را بشناسند.

مانوئل‌هیوا: «دانیل میتریونه»، مردی خوش‌سیما و خوش‌مشرب بود. دلش می‌خواست کارها، بدون عیب و نقص صورت پذیرد. برهمه چیز نظارت داشت و همه چیز را کنترل می‌کرد. او خود، جلسات آموزشی را اداره می‌کرد و شخصاً در هر مرحله شرکت می‌نمود، اصرار داشت که باید در صرف کوشش و تلاش دقت و صرفه‌جویی به خرج داد. همیشه می‌گفت: «رنج خاصی در مکان و زمان خاص باید صورت بگیرد، باید دقیق باشید و از افراط‌کاری بپرهیزید». یکی از دیگر جملات او این بود: «به‌خاطر داشته باشید که مرگ یك زندانی نشانهٔ شکست تکنیسین است». و این بدان دلیل بود که وی خود را یك تکنیسین می‌دانست.

لانگوت: یکی دیگر از شیوه‌های مفید (در شکنجه) سیم بسیار باریکی بود که در دهان میان دندانها کار گذاشته می‌شد و هنگامی که روی لثه‌ها فشار می‌آورد، جریان برق به‌کار می‌افتاد. میتریونه از طریق فشارهای دیپلماتیك توانسته بود یك سری از تجهیزات مورد نیاز برای شکنجه، از جمله این سیمهای باریك را به‌دست آورد.

مانوئل‌هیوا: یك‌بار، چند گدای خیابانی جمع‌آوری شدند. ناپدید شدن آنها ،توجه کسی را جلب نکرد. این تکنیکی بود که «میتریونه» در برزیل اجرا کرده بود. با استفاده از این گدایان آزمایشاتی در مـورد اشکال بازجویی صورت می‌گرفت و دانشجویان مـی‌توانستند تأثیـرات ولتاژهای گوناگون برق را روی بخشهای مختلف بدن انسان ــ مرد و زن ــ مشاهــده کنند. تمام این گدایان بدبخت مردند، بدون اینکه بدانند چـرا باید چنین دردی را تحمل کنند. حتی نمی‌توانستند با پاسخ دادن بـه سئوالات جان خود را بدر ببرند، زیرا چیزی از آنها پرسیده نشد، تنها به خوکچه‌های هندی و حیوانات آزمایشی می‌ماندند.

لانگوث: «سیا» در «لوس‌فرسنوس» تکزاس، یك مدرسهٔ مخصوص ساختن بمب برای برنامهٔ پلیس تأسیس کرد. دانشجویانی از سراسر جهان، بویژه امریکای لاتین به آنجا می‌آمدند و طریقهٔ ساختن بمبهای دست‌ساز پلاستیکی را یاد می‌گرفتند. «دان‌میتریونه» تعدادی از دانشجویان اروگوئه را به این مدرسه فرستاد. می‌گفتند که باید عملا قابل اعتماد باشید و تعهد بدهید که دربارهٔ فعالیتها با کسی صحبت نکنید.

خوان‌فریرا: جوخه‌های مرگ، در سالهای ۱۹۷۲ و ۱۹۷۳ بسیار فعال بودند و کنگرهٔ اروگوئه قبل از انحلال، کار جوخه‌ها را تقبیح کرد. تقبیح اساسی هنگامی صورت گرفت که چریکهای توپامورو، فلسون‌باردسیو یکی از رهبران اصلی و یکی از رؤسای عمدهٔ جوخه‌های مرگ را ربودند. او یکی از عوامل سازمان سیا بود و به این مسئله، اعتراف کرد. در امریکا آموزش دید و سازمان سیا به او پول می‌داد. او تحت پوشش یك عکاس کار می‌کرد، یك لابراتوار عکاسی داشت، اما تمام این جوخه‌های مرگ را سازماندهی می‌کرد و در بسیاری از ترورها و بمب‌اندازیها شرکت داشت.

لانگوث: «فلسون‌باردسیو» برای آموزش با پلیس آرژانتین به بوئنس‌آیرس فرستاده شد. بعد از آن سر به «مونته‌ویدئو» آمد و مسئولیت مواد منفجرهٔ پلاستیکی را به‌عهده گرفت. از این نوع مواد، بمبی پلاستیکی علیه چهره‌های سیاسی به‌وسیلهٔ پلیس استفاده می‌شد. آنها هنگام شب در ماشین‌های پلیس اطراف مونته‌ویدئو می‌گشتند و (منازل) مخالفان سیاسی را به بمب می‌بستند.

فیلیپ‌اگی: به‌نظر من، هریك از ایستگاههای سیا در آن دوره می‌بایست یك لیست کنترل خرابکاران در اختیار داشته باشد. در این لیست، نام مهمترین فعالان سیاسی جناح چپ، در شهر یا کشور ثبت شده بود. نه تنها اسم آنان، بلکه نام پدر و مادر، نام بچه‌ها، نام همسر، آدرس محل زندگی و محل کار، محل رفت و آمد و ملاقات با دوستان، باشگاههای پاتوق آنها، محل فعالیت ایشان و هر چیزی که برای دست‌زدن به اقدام ناگهانی علیه آن شخص ضروری به نظر می‌رسید، در این لیست‌ها وجود داشت. این لیستها در دفاتر سیا نگاهداری می‌شد و همیشه اطلاعات جدید به آنها می‌افزودند. اما هر وقت لازم بود، آنها را به پلیس محل یا مقامات نظامی محل می‌دادند تا خودشان علیه افراد مذکور دست به اقدام بزنند.

خوان‌فریرا: جوخه‌های مرگ اروگوئه، اقدامات خود را در بوئنس‌آیرس آغاز کردند، برخی از بهترین دوستان و همکاران ما به وسیلهٔ آنها ربوده و ترور شدند. مهم‌ترین رهبرانی که ربوده شده و به قتل رسیدند عبارت بودند از سناتور «زلمارمیشینی»، رهبر معروف و محبوب اروگوئه و هکتورگیترز روئیز. آنها را در یك شب ربوده و به قتل رساندند. هنگامی که زندگی در آرژانتین را شروع کردیم مجبور بودیم

در مراکز پلیس اسم خودمان را به ثبت برسانیم. در سه یا چهار هفتهٔ او در خیابانی به نام «سوئیپاشا» زندگی می‌کردیم. سپس به آپارتمانی منتقل شدیم که والدینم به مدت دو سال در آن زندگی کردند و من هشت ماه آخر را در آن به‌سر بردم. و تنها محلی که در آن، آدرس قدیمی را ثبت کرده بودیم، مرکز پلیس بود، و آنها پس از ما به آدرس قدیمی رفتند.

هوگوویلار: قتل این رهبران سیاسی اروگوئه بخشی از یك مبارزهٔ بین‌المللی بود که قتل «اشنایدر» و «پارتز» ژنرالهای اهل شیلی تلاش برای ترور «برناردلیلین» در اروپا، قتل «اورلاندولیتلیر» سفیر سابق شیلی در واشنگتن، قتل «تورس» رئیس جمهوری سابق بولیوی و قتل دهها نفر از میهن‌پرستان اروگوئه، بولیوی، آرژانتین، شیلی و برزیلی در کشورهایشان یا در کشورهای دیگر امریکای لاتین یا جاهای دیگر را در برمی‌گرفت.

مانوئل‌هیوا: حضور میتریونه و اقدامات او در اروگوئه نشانگر افراط‌کاریهای یك فرد تنها نبود. او برای تکمیل یك مأموریت اجرایی و یك وظیفه و هماهنگ کردن بخشی از برنامه مشورتی سیا در مرکز پلیس مونته‌ویدئو، به اروگوئه رفت، همزمان با آغاز کار میتریونه، یك افزایش کیفی در شکنجه، ضرب و شتم و بیرحمیهای موجود به‌وجود آمد، او بود که پیشرفت تکنولوژی مدرن را نشان داد.

نماینده توپامورو: خوب، حالا کمی دربارهٔ سازمان سیا، به من بگویید.

دان‌میتریونه: خوب، می‌دانید که گفته‌های مرا باور نمی‌کنید، مهم نیست، ناچارم شما را متقاعد کنم که دربارهٔ سیا چیزی نمی‌دانم، هیچ چیز نمی‌دانم.

نمایندهٔ توپامورو: بله، ما هم امیدواریم، ما این را دوست نداریم.

دان‌میتریونه: تنها تأسفم در این مسئله، از آن است که خیلی از افراد بیگناه در این میان دچار رنج و زحمت می‌شوند، مثل همسر و بچه‌هایم، دلیلی ندارد آنها در این وسط رنج بکشند.

لانگوت: دولت اروگوئه با تکیه برسیاست جدید ریچارد نیکسون رئیس جمهوری آمریکا مبنی‌بر عدم مذاکره و معامله با انقلابیون، در مقابل هرگونه تلاش برای مبادلهٔ زندانیان سیاسی بجای نجات زندگی میتریونه مقاومت می‌کند. در نتیجه، حدود ده روز بعد از دستگیری او، مهلتی برای آزادی ۱۵۰ زندانی سیاسی و در غیراین‌صورت مرگ میتریونه، معین شد. دولت به این هشدار پاسخ نداد، روز بعد، جسد میتریونه در داخل یك اتوموبیل در یك خیابان فرعی مونته ویدئو پیدا شد.

رونزیلگر سخنگوی کاخ سفید: ربودن و قتل «دان‌میتریونه»، مقام آژانس بین‌المللی توسعهٔ وابسته به دولت امریکا، توسط تروریستهای جنایتکار در اروگوئه یك عمل پست و تحقیرآمیز بود. این قتل سنگدلانه

ماهیت ضدانسانی تروریستها را نشان می‌دهد. مردم امریکا همراه رئیس جمهوری خود این جنایات فجیع علیه یك انسان بی‌دفاع را محکـوم می‌کنند. خدمت صادقانهٔ آقای میتریونه به پیشرفت صلح‌آمیز در یك جهان منظم نمونه‌ای از یك انسان آزاده خواهد بود.

ج: ارتباط سیا با تروریسم وجوخه‌های شبه‌نظامی

درکتاب «درداخل‌کمپانی» فعالیتهای تروریستی سازمان شبه نظامی «جنبش سوسیال مسیحی» دراکوادور را تشریح کردم. هنگامی که من وارد این‌کشورشدم، رهبر این حزب، رئیس جمهوری اکوادوربود. من بعضی ازاین جوخه‌ها را برای استفاده ازوسایل آتش‌زا وتمام انواع عملیات‌کثیف برای درهم شکستن میتینگها وترورکلی سازمانهای چپ آموزش دادم. درآن زمان آنها درترورد‌ستچپیها دست نداشتند، اما من این امر را متذکرشدم تا نشان دهم‌که «سیا» درعمل، با سازمانهای شبه نظامی تماس دارد. درشیلی درطول اوایل سالهای دههٔ ۱۹۷۰، سیا همین عمل را ازطریق تماسهایش با سازمان تروریستی راستگرای موسوم به «حزب آزادی بخش»[۱۵] انجام داد.

درطول سالهای دههٔ ۱۹۶۰ تروریسم سلاح سیاسی مؤثری دراکوادور به‌حساب می‌آمد. جوخه‌های شبه نظامی سوسیال مسیحی‌کلیسا را منفجرمی‌کردند وبا بجاگذاشتن برگـه‌ها واعلامیه‌های تبلیغاتی جعلـی آنها را به‌چپها نسبت می‌دادند. به‌دنبال این انفجارها، دسته‌هایی از راه‌پیمایان وتظاهرکنندگان با پول سیا دست به‌راه‌پیمایی می‌زدند وبه‌نام وفاداری نسبت به‌یك‌کلیسا با دادن شعارهای ضدکوبایی وضدکمونیستی احساسات جمعیت را برمی‌انگیختند. این عملیات، زمینه را برای وقوع یك قیام نظامی برای وادارکردن رئیس جمهوری وقت «کارلوس ژولیو آروزمنا» به‌قطع رابطهٔ اکوادور وکوبا فراهم می‌کرد.

مطلب بعدی ازکتاب «دربارهٔ‌کارهای‌کمپانی» گرفته شده است. ریچارد هلمزرئیس سابق سیا، مبارزات تروریستی سیا علیه‌کوبا را درسالهای دههٔ ۱۹۶۰ شرح می‌دهد. به‌آنچه‌که اودراین فیلم درمورد اظهاراتش درکنگرهٔ امریکـا می‌گوید، توجه‌کنید. اوتهاجمات‌دائم‌سیابه‌کوباراتذکرمی‌دهدودرادامهٔ‌آن‌می‌گوید

> ما دارای نیروهایی بودیم که تحت حمایت دولت، همواره در کوبا دست به اعتصاب می‌زدند. تلاش می‌کردیم تا تأسیسات برق را منفجر کنیم. سعی می‌کردیم آسیابهای نیشکر را درهم بکوبیم. کوشش می‌کردیم در این دوره، دست به هرگونه عمل بزنیم. اینها نوعی از سیاست دولت امریکا به‌شمار می‌رفت.

15— Patria y Libertad

سپس بعضی ازتلاشهای سیا را برای ترورفیدل‌کاستورهبر کوبا تشریح می‌کند. اظهارات زیر ازمصاحبه‌ها یا فیلمهای خبری مربوط به‌اشخاص زیر گرفته شده است:

دیویداتلی‌فیلیپ: رئیس سابق بخش امریکای لاتین سیا (مصاحبه)
ریچارد هلمز: رئیس سابق سیا (فیلم خبری از سخنان او در مجلس نمایندگان امریکا)
داد: عضو مجلس نمایندگان امریکا (فیلم خبری)
مك‌جورج‌بوندی: مشاور امنیت ملی کندی رئیس جمهوری اسبق امریکا (فیلم خبری)
گزارشگر تلویزیون (فیلم خبری)
جان‌مك‌کن: رئیس سیا در دهۀ ۱۹۵۰ (فیلم خبری)
ویکتور مارچتی: مقام سابق سیا و یکی از نویسندگان کتاب «سیا و کیش اطلاعاتی»[16] (مصاحبه)
رابرت‌ماهیو: مأمور سابق اف‌بی‌ای و مأمور سابق سیا که در توطئه‌های ترور کاسترو شرکت داشت (فیلم خبری)
سخنگوی پلیس شیکاگو: (فیلم خبری)

دیوید فیلیپ: روزی که حادثۀ خلیج خوکها با شکست مواجه شد، من در ساختمان سیا نشسته بودم همه می‌دانستند که این طرح با شکست مواجه شده و رابرت‌کندی از طرف برادرش به آنجا فرستاده شد تا آثار سوء آن را از بین ببرد. او می‌خواست بداند چه اشتباهی رخ داده تا در این رابطه دست به اقدام بزند. نتیجه‌اش این شد که «باب‌کندی» به عملیات پنهانی علاقمند شد. اکنون می‌دانیم که یك سئوال در این میان مطرح بوده که به آن پاسخی داده نشده است: آیا پرزیدنت کندی و باب‌کندی از نقشه‌های ترور فیدل‌کاسترو مطلع بودند؟ بدین سئوال پاسخ داده نشده است. من به یك چیز اطمینان و ایمان دارم و آن اینکه نه‌تنها آنها از این نقشه مطلع بودند بلکه مدتها بعد از حادثۀ خلیج خوکها که اقدامات متعددی علیه کوبا صورت گرفت، آرزوی ادامۀ اجرای این طرح را داشتند. برای اثبات این مسئله باید یادآوری کنم که باب‌کندی، زمانی (خطاب به ما) گفت: «بچه‌ها شما کی نمی‌خواهید از جا تکان بخورید و با فیدل‌کاسترو کاری بکنید؟»

ریچاردهلمز: آنجا یك‌دست لباس، یك‌دست لباس مرطوب و پوکۀ فشنگ پیدا شد. چیزهای مختلفی در بایگانی آژانس (سیا) موجود بود که به‌عنوان ابزاری برای کشتن فیدل‌کاسترو یا استفاده علیه او قلمداد می‌شد. اینها هرگز از بایگانی سیا خارج نشد و مورد استفاده قرار نگرفت.

16— Victor Marchetti : «the CIA and the Cult of Intelligence», Alfred Aknopp, New york, 1974

اگر این توطئه است، اگر بخواهیم به این توطئه بگوییم ،خوب من برمی‌گردم و می‌گویم که باید هر موضوعی را که به تهاجم به کوبا مربوط می‌شود پشت‌سر هم ردیف کنیم. ما نیروهایی داشتیم که تحت حمایت دولت دایماً در کوبا دست به اعتصاب می‌زدند، ما تلاش می‌کردیم نیروگاههای برق را منفجر کنیم، سعی می‌کردیم آسیابهای نیشکر را خراب کنیم، کوشش داشتیم در این دوره، دست به هر تلاشی بزنیم. این مسئله، سیاست دولت امریکا بود، سیا در این کار، درگیر نبود. اگر این چیزها را بخواهیم توطئه ترور بنامیم، خوب بنامیم!

داد: چرا شما نمی‌خواستید چیزی به کمیسیون «وارن» دربارهٔ تلاشهای خود برای خلاص شدن از دست «فیدل‌کاسترو» و سرنگونی دولت کوبا بگویید؟

ریچارد هلمز: آقای داد، شما تنها به من می‌گویید چرا دست به‌کار نشدم و به کمیسیون وارن نگفتم در حالی‌که در همان زمان دادستان کل ایالات متحده، وزیر دفاع، وزیر خارجه، معاون رئیس جمهوری در امور امنیت ملی، رئیس جمهوری امریکا خودش ــ گرچه در آن زمان مرده بود ــ از این عملیات ضد کوبایی اطلاع داشتند. منظورم این است که همه افراد بلندپایهٔ حکومت امریکا دربارهٔ این عملیات می‌دانستند. حالا چرا من باید برخیزم و هویت یك عملیات دولتی برای خلاص شدن از دست کاسترو را فاش کنم؟ این یك عملیات وسیع بود که وزارت دفاع، شورای امنیت ملی و تقریباً تمام مقامات بلندپایهٔ حکومت از آن حمایت می‌کردند.

مك‌جرج‌باندی: تا جایی که من می‌دانستم و یا حالا می‌دانم، هیچکس در کاخ سفید و یا حتی در سطح کابینه وجود نداشت که با این تلاش سیا برای ترور یك نفر موافق باشد. من بخصوص به کمیته گفتم که اصلا فکر نمی‌کنم که پرزیدنت کندی و برادرش رابرت‌کندی یا یکی از آنها چنین دستوری به کسی از طریق کانالی داده باشند و یا با آن موافقت کنند.

گزارشگر: شما طی دورانی که اغلب توطئه‌های سیا برای ترور اشخاص به‌وقوع می‌پیوست در سیا کار می‌کردید. خوب آقا شما پیرامون آگاهی‌تان از ترور، به کمیسیون چه گفتید؟

جان‌مك‌کن: خوب، من اصلا هیچگونه اطلاعی از این مسئله نداشتم و همانطور که می‌دانید من گفتم که امکان عملی بودن این کار وجود نداشت. البته در آنجا دربارهٔ اینکه آیا چنین اموری طرح شده یا نه بحث شد، اما من ناچار بودم خودم را به بی‌اطلاعی بزنم، زیرا هیچکس توجه مرا به‌خود جلب نکرد، بنابراین چیزی از آنها نمی‌دانستم.

ویکتورمارچتی: رئیس عزیز، هیچ رئیس‌جمهوری آنقدر بی‌عقل نیست که به‌شما دستور دهد فیدل‌کاسترو را ترور کند. در حقیقت او

احتمالا خلاف این امر، عمل می‌کند. او دستوراتی صادر می‌کند که در عرصهٔ تجارت جنبهٔ غیرآمرانه یا غیردستوری دارد. او به ما می‌گوید که مشکلات سختی در کوبا داریم و سپس برای همهٔ ما آشکار می‌شود که تمام مشکل ما فیدل‌کاسترو است. حالا اگر می‌توانستیم از دست آن شخص خلاص شویم، قادر بودیم ترتیب امور را بدهیم. البته که نمی‌توانیم دست به چنین عملی بزنیم آن‌هم عملی که اشتباه از کار درخواهد آمد. من نمی‌دانم که می‌خواهیم در این رابطه چه نوع اقدامی بکنیم. تنها می‌خواهیم تا آنجا که می‌توانیم بیشترین تلاش خودمان را به‌عمل آوریم.

حالا فرض می‌کنیم که رئیس جمهوری در جلسه‌ای با «مك‌نامارا» و «دین‌راسك» و شاید «هلمز» یا «مك‌کن» ، یا هر که رئیس سیا باشد ، این مسئله را می‌گوید. این جریان از طریق «مك‌کن» به گوش هلمز رسید حالا این افراد بقدر کافی زیرك هستند که بدانند که آنچه واقعاً رئیس جمهوری به آنها می‌گوید خلاص شدن از دست فیدل کاسترو است. من کتباً ننوشته‌ام ، اما قبلا گفته‌ام که مخالف آن هستیم ، تا اگر زمانی اشتباهی رخ دهد، یادآوری کنم که گفته بودم اشتباه می‌کنید.

داد: می‌توانید بـه این کمیته بگویید چه افرادی در این جریـان درگیر بودند. رؤسای مافیا دست داشته‌اند یا اینکه مسئلهٔ جنایت سازمان داده شده مطرح بوده است ؟

ریچارد هلمز: تا آنجا که من دربارهٔ ایـن مـورد خاص می‌دانم، ویلیامك. هنری بود که با جان‌روزلی تماس داشت . ایـن «هنری» و «روزلی» بودند که تلاش می‌کردند کانالی از فلوریدا به هاوانا پیدا کنند. اوه ، حالا یادم می‌آید که مسئله‌ای نیز در رابطه با قرصهای سمی که قرار بود به هاوانا منتقل‌شود، مطرح بود. هیچ نشانه‌ای حاکی از انتقال آنها به هاوانا و یا حتی خارج کردن آنها از امریکا در میان بود. حالا اگر به راستی توطئهٔ تروریستی در میان بوده به مـن اطلاع نداده‌اند ، زیرا من فکر می‌کردم سعی می‌کنند ببینند آیا می‌شود بین مافیا در فلوریدا و مافیا در هاوانا راه ارتباط و تماس پیدا کرد و تا آنجا که می‌دانستم هیچگاه چنین تماسی برقرار نشد .

رابرت ماهیو : زمانی در سال ۱۹۶۰ همان موقعی که برای سیا کار می‌کردم افسر مسئول از من خواست در رابطه با یك طرح تهاجم به کوبا، با آقای جان‌روزلی تماس بگیرم . ما در میامی با یکدیگر قرار ملاقاتهایی گذاشتیم. طی یکی از این ملاقاتها با آقای «سام‌گوله» آشنا شدم که بعد معلوم شد آقای «جیان‌کانا» است.

ویکتورمارچتی : در هر کار کثیفی ، چون فعالیتهای شبه نظامی ، ترور ، خرابکاری و نظایر آن که به افسانه‌های ویژه معروفند ، یك‌مأمور سیا در مرحلهٔ طرحریزی دخالت دارد و گاهی اوقات نیز در طرح سیاست و تصمیم‌گیری نیز دست سیا آشکار است. این کار کثیف ، به توسط

مأموران قراردادی یا مأموران سابق ، گانگسترها ، مزدوران ، و یا هر کسی که بتوان در آن لحظه او را خرید ، انجام می‌گیرد.

رابرت‌ماهیو : در رابطه با تهاجم به کوبا برای ما بسیار مهم بود که کاسترو را برکنار کنیم حالا شما می‌توانید به کلمهٔ «برکناری» هرچه می‌خواهید بیفزایید.

داد : احتمالا در همان لحظه‌ای که کندی ترور شد ، یك مأمورسیا در پاریس با یك مأمور کوبایی تماس گرفته بود و به او وسیله‌ای داد تا با استفاده از آن کاستروا ترور کند. الان برایتان این موضوع رامی‌خوانم. از همان گزارشی که قبلا خواندیم ، آنها این وسیله را یك آلت ترور می‌نامند .

ریچارد هلمز : فکر می‌کنم به او یك سرنگ تزریق داده بودند به‌آن «ابزار شماره ٤٠» می‌گفتند و این وسیله، به درخواست املش (Amlash) تهیه شد، زیرا او می‌خواست نوعی وسیله برایش تهیه کنند که بتواند به توسط آن کاسترو را بکشد. او این وسیله را به مأمور بازرسی داد و مأمور فوق آن‌را به واشنگتن بازگرداند و این پایان توطئه بود.

داد : احسنت! ، مأمور سیا به این مأمور کوبایی در پاریس وسیله‌ای داد که همان ماده‌ای را که شما نام بردید دربر داشت و من فکر می‌کنم وقتی آن ماده را به‌بدن انسان تزریق می‌کردند کشته می‌شد ، درست است؟

ریچارد هلمز : بله ، من‌هم همینطور فکر می‌کنم.

داد : سپس مأمور سیا این‌وسیله را به مأمور کوبایی داد تا یك‌نفر را بکشد.

ریچارد هلمز : متأسفم که به او یك هفت‌تیر نداد. این مسئله ، کل جریان را ساده‌تر و کم سروصداتر می‌کرد.

داد : خوب چه هفت‌تیر می‌بود یا سوزن ، مسئله‌ای است. اگر طرح املش یك توطئهٔ سیاسی برای بی‌ثبات کردن دولت بود و توطئهٔ تروری در میان نبود شما چطور به یك مأمور سیا وسیله‌ای دادید که کاسترو را می‌کشت ؟

ریچارد هلمز : خوب ، اگر اینطور می‌خواهید فرض کنید، بکنید

داد : البته که نمی‌خواهم ، این آن چیزی نیست که می‌خواهم‌بگویم.

ریچارد هلمز : نه ، من فکر می‌کنم شما آقای «داد» همین را می‌خواهید بگویید !

داد : آقای هلمز ، من مطالب را از گزارشی می‌خوانم که به‌درخواست شما به توسط بازرس کل تهیه شده‌است، چیزی به‌آن نمی‌افزایم. درست همان چیزی را مطرح می‌کنم که...

ریچارد هلمز : اوه ، خیلی خوب فهمیدم.

داد : من تنها نقل قول می‌کنم.

ریچارد هلمز: فهمیدم ، فهمیدم.

داد : اما این مسئله‌ای نیست که من می‌خواهم ، مسئله‌ای است که این

کمیته می‌خواهد بداند و کمیته‌هم راضی نیست. در این رابطه نمی‌دانم که ماهیت طرح املش دقیقاً چه بود.

ریچارد هلمز : به شما گفتم که از نظر من ماهیت طرح چه بوده‌است.

داد : اما آن مزخرفات به این مسئله چه ربطی دارد ؟

ریچارد هلمز : حالا می‌خواهید می‌گویم چه ربطی دارد. مأمور سیا تفنگ یا سرنگ تزریق یا هر چه را که تقاضا کرده‌بود، به او داد. او می‌خواست کاری با کاسترو بکند، اگر این است تعریفی که از توطئه ترور می‌کنید ، خوب این نظر شماست ، بکنید ، من هم از این راضی هستم.

آلن فرانکوویچ : آیا شما باج‌سبیل می‌گیرید؟ به عبارت دیگر ، اگر شما در یك‌عملیات‌پنهانی درگیر شوید و از عناصری مثلا مافیا برای ترور کاسترو استفاده کنید ، این یك مسئلهٔ خطرناك نیست که درگیرش شده‌اید ؟

دیویداتلی‌فیلیپ : که اینطور ، خیلی فریبکارانه است. خوب.... پس مافیا. وقتی که شما از آنها طی جنگ جهانی دوم استفاده کردید دچـار مشکل نشدید.... تا آنجا که می‌دانیم اخیراً از آنها در نیویورك استفاده کرده‌ایم. من قبلا می‌دانستم که تنها از آنها درمارسی در باراندازهای آنجا استفاده کرده‌ایم. البته ، این یك عمل فریبکارانه است. این بخشی از یك ارزیابی است کـه یك مأمور خـوب اطلاعاتی و یك سیاستمدار ، در تصمیم‌گیری برای استفاده از هر شخصی یا ابزار یا هر سازمان سیاسی از آن به عمل می‌آورد. جای شك و تردید نیست ، اما این یك عمل فریبکارانه است .

ویکتور مارچتی : در آغاز کار سیا هرگاه یك عمل کثیف توسط افراد قراردادی یا مأموران سابق و یا غیره انجام می‌شد و اشتباهی در کار روی می‌داد ، سیا انجام‌این‌عمل را تکذیب می‌کرد. هرگاه مأمور بد از کار درمی‌آمد و یا ناخلف می‌شد، یا می‌خواست خود را از این کار خلاص کند یا اعتباری بهم‌رساند، علیه او اقدام قاطعی به‌عمل می‌آمد، و شمـا می‌توانستید شاهد پایان کار نهایی آن مأمور باشید.

سخنگوی پلیس شیکاگو: وقتی پلیس‌ها وارد شدند دیدند که آقای جیان‌کانا روی کف اتاق افتاده و مرده است. چندبار ، به قسمت بالایی بدن و گلویش شلیك کرده‌بودند. تقریباً ٦ گلوله که گمان می‌رود متعلّق به یك سلاح کالیبر بیست‌ودو باشد به او شلیك شده‌است.

گزارشگر : آیا می‌توان گفت که قتل «جیان‌کانا» احتمالا به‌طریقی با درگیری او در توطئهٔ سیا برای ترور فیدل کاسترو ارتباط داشته‌است؟

سخنگوی پلیس شیکاگو : در این باره چیزی نمی‌دانیم، مدرکی نداریم که ما را به این باور معتقد سازد .

خوب حالا بازمی‌گردیم به‌بحران جاری السالوادور. من یك نسخه از سندی راکه بطور وسیع، تحت عنوان «کانال مخالف» توزیع شده وبه‌توسط

مقامات ناشناختهٔ دولت امریکا درنوامبر۱۹۸۰ نوشته شده است بهشما دادم. این سندکه درحقیقت ادعانامه‌ای علیه سیاست کارترنسبت به‌السالوادوروهمچنین علیه سیاست ریگان است توسط مقاماتی ازوزارت خارجه، وزارت دفاع، شورای امنیت ملی، سیا ودیگرسازمانهای فعال درالسالوادوروامریکای مرکزی تنظیم شده است. این سند، دعاوی بسیارمنطقی با ارزشی را علیه افزایش‌برخوردنظامی دربردارد ویافتن شیوه‌های یك توافق متکی براساس مذاکره را پیشنهاد می‌کند.

مسئلهٔ بسیارقابل اهمیت برای من این است‌که هنگام خواندن سند «کانال مخالف» ازتماسهای دولت امریکا باجوخه‌های شبه‌نظامی درالسالوادور، گواتمالا، هندوراس مطلع‌شدم. سندمذکور، تحت عنوان «نقش فعلی امریکا درالسالوادور» (منظوراواخرسال ۱۹۸۰ است) ویك عنوان فرعی دیگربه‌نام «افزایش توان ضد شورشگری نیروهای مسلح» گزارش می‌دهدکه ایالات متحده امریکا سعی دارد واحدهای شبه نظامی فعال درکشور را تحت یك فرماندهی واحد درآورد ودرمیان نیروهای مسلح وسازمانهای شبه نظامی درگواتمالا والسالـــوادور و هندوراس ارتباط وهماهنگی ایجادکند.

کانالهای تماس دولت امریکا با این فعالیتها، گرچه در سند ذکرنشده، باید مطمئناً سیا وشاید ادارهٔ وابستهٔ دفاعی و یا هیأت‌کمکی نظامی باشد. به‌هرحال اگرشما به‌موثق بودن سند اعتقاد دارید، چنانکه خود من دارم، بنابراین دراینجا دلیلی برای وجود این تماسها وروابط، ارائه شده وماهیت این روابط بطورآشکار حمایت ازسرکوب واقعاً وحشت‌آوراست.

البته باید اضافه‌کنم‌که وزارت خارجهٔ امریکا به‌دنبال‌گزارش یك سرمقاله نویس معروف روزنامهٔ نیویورك تایمزکه سند را مهم وبسیارمعتبرخوانده بود، سند «کانال مخالف» را به‌عنوان یك سند غیررسمی وحتی جعلی محکوم‌کرد. وقتی برای اولین‌بار سند را خواندم، درصدد برآمدم هرگونه دلیل ونشانه‌ای دال برجعلی بودن سند را پیداکنم. من باشیوهٔ رسمی صدها وشاید هزاران سند وزارت‌خارجهٔ امریکا، که درگذشته آنها را خوانده‌ام، آشنا هستم. زبان به‌کار برده شده دراین سند برایم‌کاملا آشناست وباتوجه به جعلیاتی‌که ازسرویسهای شرقی دیده‌ام، نمی‌توانم متقاعد شوم‌که آنها (سرویسهای شرقی) بتوانند یك سند ۲۹ صفحه‌ای نظیراین را بدون حداقل چند اشتباه‌کوچك‌که اعتبارسند را مورد شك قرارمی‌دهد، این‌گونه درست تنظیم‌کنند.

به‌هرحال درپایان این نشست، خلاصه‌ای ازمصاحبه با «رابرت وایت»، سفیرامریکا درالسالوادورراکه در فوریهٔ ۱۹۸۱ ازسوی ریگان برکنارشده، برایتان نقل می‌کنم. «رابرت وایت» که بطورقطع، گزارشهای اطلاعاتی سیا را

خوانده، طی این مصاحبه می‌گوید که کمك کوبا به انقلابیون السالوادوربسیارکم بوده، وتایید می‌کندکه سرویسهای امنیتی وسازمانهای شبه نظامی بی‌رحمیهای زیادی مرتکب می‌شوند.

بطورقطع «رابرت وایت» ازاسناد به‌دست‌آمده، که درزمان مصاحبه او به‌توسط دولت ریگان درروزنامهٔ نیویورك تایمزمنتشرشد (منظور مقالهٔ دواونی در۶ فوریهٔ ۱۹۸۰ است) مطلع بوده است. اظهارات سفیر، مبنی براینکه «تاکنون حمایت‌کوبا اهمیتی دررابطه باتوانایی تهاجمی چریکها نداشته» تمامی مبارزهٔ ریگان والکساندرهیگ علیه السالوادوررا بی‌اعتبارمی‌کند. این مصاحبهٔ «رابرت وایت» ازمجلهٔ «اخبارامریکا وگزارش جهان» درژانویهٔ ۱۹۸۱ گرفته شده است.

سئوال: میزان حمایت کوباییها و روسها از چریکهای مارکسیست در السالوادور چقدر است ؟

وایت : چه کوبا می‌بود چه نمی‌بود، شما هنوز هم با یك وضع انقلابی در السالوادور روبه‌رو بودید. کوبا به جنبش چریکی السالوادور در زمینهٔ آموزش تبلیغاتی و اسلحه کمك کرده است. اما تابه‌حال، این حمایت کوبا اهمیت قابل ملاحظه‌ای در رابطه با توانایی تهاجمی چریکها نداشته است.

سئوال : بیایید نظر مختصری به جنبهٔ دیگر جنگ در السالوادور داشته باشیم. چه کسانی در جناح راست قراردارند و از قتل‌های دست‌راستی حمایت می‌کنند ؟

وایت : جناح راست ، مرکب از گروهی از افراد بسیار ثروتمند است که اغلب آنها در میامی و گواتمالاسیتی زندگی می‌کنند. آنها با اعطای پول مستقیم به جوخه‌های مرگ از این کشتارها حمایت می‌کنند. همیشه بین این گروه فوق‌العاده ثروتمند و نیروهای امنیتی رابطه برقرار بوده است. هم‌اکنون اکثریت افسران، رابطهٔ خود با راست افراطی را قطع کرده‌اند، اما هنوز گروه کوچکی هستند که این تماسها و روابط را حفظ کرده‌اند و با این اشخاص ثروتمند در «میامی» و گواتمالا رابطه دارند. رهبران این گروه فوق‌العاده ثروتمند ، مردی است به نام «ماژوررابرت دوآبیسون» که در گواتمالاسیتی زندگی می‌کند. او حق ورود به ایالات متحده امریکا را ندارد. جالب است اشاره کنم که اولین شمارهٔ روزنامهٔ دست‌راستی سان‌سالوادور تحت نام «ال‌دیاریودوهوی»[17] بعد از قتل دو مقام وابسته به مؤسسهٔ امریکایی توسعهٔ کار آزاد منتشر شد و یك تفسیر کاملا جعلی از این قتلها کرده و هدفش این بود که جناح راست را تبرئه کرده و چپ را مقصر قلمداد کند.

سئوال : در هفته‌های اخیر ، تعدادی امریکایی بین ۷ و شاید ۸ نفر

17— El Diario de Hoy

در السالوادور به‌قتل رسیده‌اند. مسئول این کشتار کیست ؟

وایت : غیرممکن است که بتوان دلیل مجرمیت هر شخص به‌قتل رسیده را ارائه داد. اما دراین میان، یك الگو دیده می‌شود. اجازه‌بدهید به چند ماه اخیر بپردازیم : اول ، اعدام شش رهبر چپگرا در روز روشن در یك خیابان شلوغ پایین شهر. گروه بزرگی از مردان وسایل نقلیهٔ خود را پارك کرده و داخل مدرسهٔ «ژوزئیت» شدند، مدتی به جستجو پرداختند و سپس خارج شدند. به چهرهٔ هیچکدام ماسك یا چیزی که قیافهٔ آنها را عوض کند زده نشده‌بود. آنها آن شش‌نفر را خارج کردند، و بعد از شکنجه اعدامشان کردند. سپس قضیهٔ چهار راهبهٔ امریکایی پیش‌آمد. راهبه‌ها با مردم فقیر به‌کار مشغول هستند. خوب معلوم است که مردم فقیر، بیشتر حامی انقلابیون هستند، زیرا بی‌نهایت فقیرند و بسیار مایل به وقوع یك تحول هستند و بدین‌خاطر، عده‌ای از نیروهای امنیتی فکر می‌کنند کار کردن با مردم فقیر، خود یك فعالیت انقلابی است. راهبه‌ها به قتل می‌رسند، و دلایل بعدی نشان می‌دهد که نیروهای امنیتی در این کار دست داشته‌اند. در یك مورد تازه‌تر ، شاهد بودیم که دو مرد ، اتومبیلهایشان را پارك کردند و در ساعت ۱۱ر۵ شب داخل سالن هتل شرایتون رفتند و دو نفر را که گفته‌می‌شد درطرح اصلاحات ارضی دست داشتند ، به قتل رساندند. دو نفر از آنها امریکایی هستند . قتلها بطور آشکار ، توسط مردان گروه ضربت حرفه‌ای صورت گرفته‌است. خوب، اگر شما همهٔ اینها را با هم در نظر بگیرید، فکر نمی‌کنم یك آدم منطقی بتواند به نتیجهٔ دیگری جز این برسد که جوخه‌های ضربت دست‌راستی نوعی رابطه با عده‌ای از نیروهای امنیتی دارند و این نیروها حداقل تا حال ، به آنها مصونیت اعطا کرده‌اند.

سئوال : یعنی شما می‌گویید که جناح راست مسئول قتل امریکاییهاست؟

وایت : کاملا ، این درست ، همان نظری است که من دارم.

به نقل از مجله اخبار امریکا و گزارش جهان ، ۱۹۸۱

***

خوب حالا به نکاتی رسیده‌ایدکه مایلم آنها را امروزروشن‌کنم:

اولا ــ طبق رویهٔ تاریخی، دولت امریکا ازطریق سیا باجعل اسنادمی‌خواهد ثابت‌کندکه شوروی یاکوبا دراوضاع انقلابی یك‌کشورمداخله می‌کنند، درحالی‌که دلیلی برای این امروجود ندارد.

ثانیاً ــ «مؤسسه امریکایی توسعهٔ‌کارآزاد» درسالهای اخیربه‌عنوان یك گروه وابسته به سیا تأسیس شده و چنانکه معاون دادستان امریکا نیز تصدیق‌کرده است، ازاین مؤسسه اکنون درطرح به‌اصطلاح اصلاحات اراضی درالسالوادور استفاده می‌شود.

ثالثاً ــ سیا دارای تماسهای تاریخی باسرویسهای امنیتی محلی وجوخه‌های

تروریستی شبه‌نظامی درامریکای لاتین است، وامروزه نیزدرالسالوادور باهمین گروهها درتماس است. به‌احتمال قریب به‌یقین اکنون می‌توان موضوعهای‌دیگری نظیراین مسائل را لابلای مطبوعات به‌دست آورد.

بخش ۷

نقدی بر کتاب سفید وزارت‌خارجه‌آمریکا در مورد السالوادور

تحلیل زیر، براساس سری مصاحبه‌ها ومباحثاتی‌که با فیلیپ‌اگی شده به‌عمل آمده است:

به‌دست‌آوردن یك نسخه ازکتاب سفید آسان نبود. به‌محض اینکه شنیدم وزارت خارجه، آن را توزیع‌کرده به دوستانم درنیویورك تلفن زدم وازآنها خواستم نسخه‌ای ازآن را برایم بفرستند. آنها با زحماتی توانستند یك نسخه به‌دست بیاورند ودر۲٦ فوریه آن‌را ازطریق پست هوایی اکسپرس برایم بفرستند. روزها به‌بیهودگی درانتظارورود آن به‌سربردم. در٦ مارس، بطوراتفاقی، یکی ازدوستانم ازین تلفن‌زد وگفت‌که یك نسخه ازکتاب سفید را دارد وپرسید می‌خواهی آنرا ببینی. سفارت امریکا بااکراه آن‌را برای آخرهفته به‌او گرو داده بود. پس ازاینکه ازآن نسخه‌برداری‌کردم، این تحلیل را شروع نمودم. دراین موقع، نسخهٔ نیویورك به‌دستم رسید، اما پاکت پاره شده وعلامت «اکسپرس» ازرویش محوشده‌بود. نسخهٔ درداخل یك‌کیف پلاستیکی مخصوص اشیاءضربه‌پذیر که به‌پست آلمان تعلق داشت‌گذاشته شده بود ودریك پاکت ضخیم، محکم وسنگین بدقت پست شده ویك نوارمحکم دورآن پیچیده بودند . دو هفته برای رسیدن یك پست اکسپرس هوایی ازنیویورك به‌هامبورگ؟ آیا در سیستم پستی یك‌چنین تأخیرمصلحتی ایجاد شده؟ چه‌کسی می‌داند.

کتاب سفید ۱۸۰ صفحه‌ای شامل ۱۹ سند است‌که‌گفته می‌شود توسط نیروهای امنیتی السالوادورازچریکها به‌دست‌آمده ووزارت خارجهٔ امریکا تحلیل دیگری براسنادکتاب سفید نوشته است‌که من آن‌را تحلیل بلند می‌نامم. (این تحلیل نیزدر۲٤ فوریه منتشرشد)

هریك از۱۹ سند دربرگیرندهٔ یك‌کپی ماشینی اصل اسپانیایی آن (که‌همه بجز

۶ تای آنها) با تایپ نوشته شده، یك ترجمهٔ انگلیسی، ویك راهنمای اصلاحات و اختصارات است که معانی احتمالی نامها و کلمات استفاده شده درسند را بهدست داده و مقدمهٔ کوتاهی درمورد تشریح سند نوشته است. اصل اسپانیایی اسناد رویهمرفته ٤٦ صفحه است وهر کدام ازآنها بین یك تا چهارصفحه است.

تلقی اصلی من از اوضاع وشرایط ونحوهٔ بهدستآمدن این اسناد باخواندن کتاب سفید، بهدست نیامد. درهیچجای این کتاب، شرح چگونگی بهدستآمدن این اسناد، داده نشده، جزاینکه (درتحلیل کوتاه) ادعاکرده بودندکه «بین نوامبر ۱۹۸۰ وژانویهٔ ۱۹۸۱» ازچریکها بهدست آمده یا اینکه (طبق تحلیل بلند) در نوامبر۱۹۸۰ ازحزب کمونیست السالوادورودرژانویه ۱۹۸۱ از ارتش انقلابی خلق گرفته شده است. درتفاسیر مقدماتی ضمیمهٔ هرسند، هیچ چیزی دربارهٔ اینکه آنها را ازحزب کمونیست السالوادوریا ارتش انقلابی خلق گرفتهاند، مشاهده نمیشود. خواننده، هنگام مرورهرسند، هیچ اطلاعی بهدست نمیآوردکه اسناد درچه زمان وچهمکان، درچه نبرد وازچهکسی بهدست آمده وهیچ مورد دیگری نیزدراین رابطه درتفسیرمقدماتی اسناد نمییابد.

گزارشهای ابتدایی مطبوعات درمورد چگونگی بهدست آمدن اسناد، گوناگون است. مجلهٔ نیوزویك برای مثال در ۲ مارس گزارش داد: «مقامات امریکا گفتندکه السالوادوریها بسیاری ازکاغذها را دردسامبر گذشته درحالیکه دردیوارهای یك «خانهٔ امن» چریکی درسانسالوادورپنهان شده بود بهدست آوردند». گویا آنها بعضی ازسندها را درتصرف اولیه جاگذاشته بودند وماه بعد برای یافتن آنها به آنجا مراجعهکردند. مجله در۲۳ مارس گزارش دادکه پلیس ملی السالوادور، آنها را هنگام حمله بهیك فروشگاه بقالی کوچك در سانسالوادوربهدست آورده است. آنها درپشت یك دیوارخالی یك بسته پلاستیکی ویك چمدان بزرگ که هردو ازاسناد پربود، پیداکردند.

وزارت خارجه، دراواسط مارس مردی را بهمطبوعات مکزیکوسیتی معرفی کردکه میگفت اسناد را ازنیروهای امنیتی السالوادورگرفته است. او «جان گلاسمن» یکی ازمقامات وزارتخارجه استکه دربخش سیاسی سفارت امریکا درمکزیکوسیتی کارمیکند. طبق نوشتهٔ روزنامه مکزیکی «اونوماساونو»[1] (۱۳ مارس ۱۹۸۱)، گلاسمن گفته استکه در۱۶ ژانویه بهتوسط «ویلیام بودلر» معاون وقت وزیرخارجهٔ امریکا درامورکشورهای امریکایی بهالسالوادورفرستاده شده تا درمورد مقداروبوع سلاحهای مورد استفاده چریکها درنبردیکه چند روز پیش ازآن شروع شده بود، اطلاعاتکسبکند.

1– Uno Mas Uno

گلاسمن درماه نوامبراظهارداشت که نیروهای امنیتی السالوادورحدود ۲۰ سند را ازیك گالری متعلق به‌برادر«شافیك هندل» دبیرکـل حزب کمونیست السالوادوربه‌دست آورده‌اند. السالوادوریها این اسناد را به‌وابستهٔ نظامی امریکا در«سان‌سالوادور» دادند واو نیزآنها را با تحلیل به‌پنتاگون فرستاد. (طبق کتاب سفید، اینها اسنادی هستند که ازحزب کمونیست السالوادوردرماه نوامبر به‌دست آمده است).

گلاسمن با وزیردفاع وستادکل ارتش ملاقات کرد وآنها نسخه‌های اسناد ماه نوامبررا به‌او دادند. او دراین باره می‌گوید:

> من توانستم در این اسناد وعده‌هایی برای دادن سلاح بیابـم و نه ارسال سلاحها به‌وسیلهٔ کشتی. توانستم سلاحهایی از نوع تفنگ در آن اسناد پیدا کنم، اما نه در سطح جهانی. فکر می‌کنم دیگر ارگانهـای امنیتی اسناد به‌دست آمدهٔ اخیر یا اسنادی را که احتمالا به ستاد کـل تحویل داده نشده، در اختیار دارند. به‌این‌خاطر به‌سراغ گارد ملی، پلیس خزانه‌داری و پلیس ملی رفتم.

طبق گزارش روزنامهٔ «اونوما اونو» گلاسمن دراداره‌ٔ پلیس ملی پی‌برد که در۹ یا ۱۰ ژانویه «خانه‌های امن» گوناگونی ازارتش انقلابی خلق کشف شده ودریکی ازآنها حدود ۸۰ سند ازداخل یك کیف پلاستیکی به‌دست آمده است.

گلاسمن با مطالعهٔ اسناد درسفارت به‌این نتیجه کـه کلمات رمزی چون «اسمرلادا» به‌معنی کوبا و«لاگوس» به‌معنی نیکاراگوا است وهردوی این کشورها به‌السالوادوراسلحه فرستاده‌اند. گلاسمن طی گزارشی به‌وزیردفاع، ضمن اشاره به‌کشف بزرگش ازوزیرخواست برای یافتن دیگـراسناد به‌دست‌آمده، پرونده‌هایش را بررسی کند. «سپس ستادکل به‌جستجو پرداخت وحدود سه‌سند دیگری راکه قبلا به‌من داده بودند پیداکرد». دراین اسناد بودکه گلاسمن به‌ادعای خودش به‌ارتباط مستقیم میان چریکها و«ادارهٔ عملیات ویژهٔ» کوبا پی‌برد. این داستان گلاسمن چندین عیب ونقص دارد. اول این‌که «سازمان سیا وادارات وابسته نظامی درسفارت امریکا در «سان‌سالوادور» بطورقطع با افراد امنیتی ونظامی که اسناد را به‌دست‌آورده‌اند وگلاسمن با آنها ملاقات کرده، تماس روزانه دارند. این مأموران نظامی باید خیلی احمق باشند که به‌اهمیت اسناد پی‌نبرده و ازآنهاهنگام به‌دست آوردنشان بهره‌برداری نکردند. این مورد، بخصوص دربارهٔ یکی ازاسناد به‌دست آمده درماه نوامبر، که به‌توسط وابستهٔ نظامی به‌واشینگتن فرستاده شده وازسفربسیارموفقیت‌آمیز دبیرکل حزب کمونیست السالوادوربه ویتنام، اتیوپی، کوبا وکشورهای سوسیالیست اروپا سخن می‌گوید، مصداق پیدا

می‌کند. همین یك سندتنها، اگر واقعیت می‌داشت. بدون‌شك به‌وسیلهٔ السالوادوریها ووسایل تبلیغاتی گسترده امریکا منتشرمی‌شد.

اگرداستان گلاسمن را باورکنید پس باید هیچکس درسان‌سالـوادوریا واشنگتن تا ماه فوریه، یعنی بعدازسفراتفاقی وتصادفی گلاسمن به‌السالوادوردر ژانویه ازاسناد حساس به‌دست‌آمده درماه نوامبر استفاده نکرده باشد. این عدم استفاده ودست‌نزدن به‌هرگونه اقدام با توجه به فرستادن گلاسمن به‌السالوادور برای انجام عملی‌که مأموران سیا، سالهای مدام آن را انجام می‌داده‌اند، وسپس «تحویل ستاد ارتش انقلابی خلق» درست در روزهای بعد از به‌دست آوردنشان وسپس به‌دست‌آوردن ده سند اضافی بعدی‌که ازتماس «کوبایی» سخن می گویند، تمامی‌کل جریان را خدشه‌دارمی‌کند.

البته ممکن است السالوادوریها اسنادی به‌دست‌آورده باشند، اما به‌نظرمن حساس‌ترین اسناد موجود درکتاب سفید، ازجمله گزارش مربوط به‌ارسال اسلحه وسند مربوط به‌ارتباط چریکها با «اداره عملیات ویژه» کوبا جعلی هستند. بـا توجه به‌توانایی‌کامل سیا درجعل اسناد، من فکرمی‌کنم‌که اسناد جعلی احتمالا با همکاری مقامات امنیتی السالوادور، داخل اسناد حقیقی شده است. سپس احتمالا گلاسمن را به‌سان‌سالوادور فرستاده‌اند تا گنجی راکه سیا تهیه‌کرده کشف کند.

یك‌چنین عملیاتی با توجه به نمونه‌هایی‌که ازتجربیات خودم درسالهای دهۀ ۱۹۶۰، نشان دادم، برای سیا تازگی ندارد. همانطورکه نشان خواهم داد، اغلب نامهای رهبران چریکی مشخص وعلنی بود وحوادث مهمی چون توافقهای وحدت میان سازمانهای چریکی درهمان زمان دربیانیه‌های صادره ازسوی چریکها منتشرمی‌شد. واین به‌عهدۀ سیا بودکه ازطریق جعل اسناد، ارتباط باکوبا، نیکاراگوا، اتحاد شوروی ودیگرکشورهای سوسیالیست را «اثبات» کند. تنها آن موقع بودکه واشنگتن می‌توانست با «اثبات مداخلۀ خارجی» حمایت فزاینده ازخونتای سرکوبگرالسالوادوررا توجیه‌کند، ومشاوران نظامی وسرانجام در صورت نیاز، سربازان رزمنده را به‌منظوردگرگون‌کردن نتیجه نبرد رهایی‌بخش درحال پیروزی چریکها با آن‌کشورها اعزام‌کند، درحالی‌که علیرغم مداخلۀ امریکا، چریکها احتمالا برنده نبرد خواهند بود.

فقدان مداوم اطلاعات خاص دررابطه با چگونگی به‌دست‌آمدن اسناد، از نقطه‌نظر یك تحلیلگر، صحت‌کل اسناد را مورد سوءظن قرارمی‌دهد.

واضح است اگرکسی بخواهد به‌بررسی اسناد بپردازد، همچنانکه دولت امریکا سعی دارد، چگونگی به‌دست آوردن اسناد را باید اولین‌گام صحت و

درستی آنها بحساب آورد. بدین‌ترتیب خواننده باید ادعای کتاب سفید را مبنی براینکه «تحلیلگران دولت امریکا صحت اسناد را کاملا درست ارزیابی کرده‌اند»، بطورمطلق باور کند. اما کدام تحلیگران؟ کتاب‌سفید دراین‌مورد چیزی نمی گوید.

عیب ونقصهای دیگری که کتاب سفید را بی‌اعتبارمی‌سازد به‌خطاهای موجود درترجمهٔ اسناد مربوط می‌شود. بعضی اسناد عنوان «خلاصه‌ای» بخودگرفته است واصل اسپانیایی آنها بدون نام نویسنده وتاریخ است. باوجود این دراشارات مقدماتی این اسناد، نام نویسندگان وتاریخ سندها قید شده است. عیب ونقص دیگر به‌حدس وگمانهای غیر موثق وبی‌دلیل مربوط می‌شود. مثلاً گفته شده که کلمهٔ «سیمون» که درچندین سند ذکرشده به‌نام رمز «شافیك هندل» دبیرکل حزب کمونیست السالوادوراشاره می کند. بدتروخراب‌ترازهمه، اظهارات موجـود در تحلیل وزارت‌خارجه است، درحالی‌که دراسناد، چیزی دال برصحت این‌اظهارات نمی‌توان پیدا کرد.

باید به‌خاطرآوریم که تحلیل کوتاه وزارت خارجه اصل ٤٦ صفحه‌ای اسناد را «تنها بخش کوچکی ازکل اسنادکشف شده» دانسته است. اما تحلیل بلند، یافته‌ها ونتایج کتاب سفید را، مرهون «این اسناد به‌دست‌آمده فراوان» می‌داند. مطبوعات امریکا از تأکید وزارت‌خارجه بر«فراوان بودن» اسناد، حمایت می‌کنند واسناد «به‌دست آمده را» تعدادی ازطرحهای جنگی، نامه‌ها واسناد دیگر (نیوزویك ۲ مارس) و یا «توده‌ای ازاسناد به‌ارتفاع ۱۸ اینچ» (تایم، ۹ مارس) توصیف می کنند. نیویورك تایمزنیز به‌سهم خود ازپاریس گزارش داد که هیأت دیپلماتیك تحت رهبری «لاورنس ایگل برگر»، معاون وزیرخارجه در اموراروپا ۱٦ پوند مدرك به مقامات پایتختهای مختلف اروپا ارائه دادند.

علیرغم تاریخ طولانی جعلی اسناد، برای اهداف مشابه ازسوی سیا، در هیچکدام ازمطبوعات امریکا کلمه‌ای دررابطه با تردیدآمیزبودن صحت این‌اسناد ندیده‌ام. من درکنفرانس مطبوعاتی ۲۰ فوریهٔ خود به مواردی ازاین جعل کاریها اشاره کرده‌ام، که تقریباً تا آنجاکه می‌دانم هیچیك ازآنها درروزنامه‌های اصلی امریکا منتشرنشد. مجلهٔ تایم در۹ مارس تا آنجا پیش رفت که نوشت «به‌ندرت کسی درجهان غیرکمونیست پیدا می‌شودکه گزارش مربوط به‌اسناد را مورد سؤال قراردهد». اگرسردبیران مجلهٔ تایم مطبوعات مکزیکوسیتی یا مطبوعات بسیاری ازکشورهای دیگـــررا خوانده باشند، وفکر می کنم که خوانده‌انـــد، درمی‌یافتندکه بسیاری ازروزنامه‌نگاران متعهد ومسؤل صحت اسنادرا مورد سؤال قرارداده‌اند. من نمی‌توانم دلیل دیگری برای مصاحبهٔ مطبوعاتی غیرعادی گلاسمن دردفاع ازکتاب سفید درمکزیکوسیتی، ارائه دهم.

عجیب است‌که یکی از«دو سند به‌دست آمده»ای‌که «خوان دواونی» در ۶ فوریه درنیویورك تایمزدرموردشان مقاله نوشته درکتاب سفید نیامده است. احتمالا سندگمشده دربارهٔ توافق «حزب نهاد انقلابی» (حزب حاکم) مکزیك برای حمایت قابل ملاحظهٔ سیاسی ازجنبش انقلابی السالوادور، بوده است. مکزیکیها چنانکه انتظارمی‌رفت ضمن تکذیب این ماجرای سیاسی خارجی امریکا را شدیداً مورد تقبیح قراردادند. احتمالا همین عکس‌العمل شدید باعث شد تا مقامات وزارت خارجهٔ امریکا سند مذکوررا پس ازافشای آن ازطریق دواونی ازکتاب سفید حذف‌کنند.

به‌نظرمن باتوجه به‌نقدی‌که ازکتاب سفید به‌عمل آوردم به‌آسانی می‌توان نتیجه‌گرفت‌که: (۱) ــ تحلیلهای وزارت خارجه دربسیاری ازموارد مهم بااصل سندها مطابقت ندارد. (۲) ــ تحلیلهای وزارت خارجه، نادرست، درهم وبرهم وبهم‌ریخته است. (۳) ــ اختراعات و جعلیات وزارت خارجه،کتاب سفید را به‌یك وسیلهٔ تبلیغاتی تبدیل‌کرده است تا وسیله‌ای نشانگربیان حقایق. و(٤) ــ حداقل بعضی ازاسناد ظاهراً جعلی هستند.

درتحلیل‌کتاب سفید، ضرورت داردکه اصل اسپانیایی اسناد را درابتدا با ترجمهٔ انگلیسی، وسپس با برداشتهای موجود در تحلیلهای کوتاه وبلند به‌عمل آمده ازآنها، مقایسه‌کنیم. قبل ازبحث درمورد اسناد وتاریخ حوادث موجود در تحلیلها می‌خواهم ازطریق مشاهدهٔ‌کلی، دومسئله را متذکرشوم. اول اینکه تحلیل بلند درچند جا اشاره می‌کندکه شوروی ازجنبش آزادی بخش السالوادورحمایت می‌کند. مثلا می‌گوید این‌گزارش ویژه، مدرك موثقی است حاکی ازحمایت نظامی پنهانی اتحاد جماهیرشوروی. ویا درمورد دیگرمی‌گوید: وضع السالوادور شباهت بسیارزیادی باموارد مداخلهٔ نظامی شوروی،کوبا (ودیگرکشورهـای کمونیست) دراوضاع پرآشوب سیاسی‌کشورهای جهـان سوم دارد. این موارد مشابهت، عبارت است ازتهیهٔ سلاح آموزش افراد، ودامن‌زدن به‌شورش داخلی...

درتمام این اسناد، اگر به‌آنها معتقد باشید، تنها یك مورد به‌حمایت‌شوروی اشاره می‌شود وآن تهیهٔ بلیط هواپیمای دبیرکل حزب‌کمونیست السالوادوراز مسکو به‌هانوی است. مورد خاص دیگری‌که به‌حمایت شوروی دلالت دارد، توافقی است پیرامون دادن آموزش نظامی به‌سی‌کمونیست السالوادوری‌که در ۱۹۸۰ درشوروی تحصیل می‌کردند، اما به‌هرحال هیچ نشانه‌ای دال براینکه آموزش مذکوربه‌آنها داده شده مشاهده نمی‌شود. هردو تحلیل بلند وکوتاه ذکر کرده‌اندکه شوروی دراصل توافق نموده‌که ۶۰ تن اسلحه ازویتنام برای آنها بفرستد واین مسئله درسند E مذکوراست. اما درتحلیلها موفق نشده‌اند ذکـر

کنندکه این موافقت اصولی باید به‌تصویب مقام بالاٌ برسد. علاوه‌براین، طبق سند، با حمل هوایی سلاحها توافق نهایی به‌عمل نیامده وکوباییها تصمیم گرفتند سلاحها را ازویتنام توسط کشتی حمل کنند. سند E نشان می‌دهدکه شورویها در ۲۲ ژوئیه تقاضای ماهمه رهبران چریك السالوادوررا برای تحویل اسلحه نادیده گرفتند، اما درتحلیلها به‌این رویه اشاره نمی‌شود. دراسناد مذکورقبلا به‌هیچگونه حمایت شوروی ازچریکها اشاره نمی‌شود، مگراینکه معتقد باشیدکه حمایت شوروی بطورغیرمستقیم آن هم ازطریق حمایت کوبا، نیکاراگوا وکشورهـای سوسیالیست ازالسالوادور، صورت گرفته است.

دومین برداشت من این است کـه از۸۰۰ تن سلاحهای وعده داده شدهٔ کشورهای سوسیالیست بهچریکهای السالوادورکه درتحلیل بلند به‌آن اشاره شده، تقریباً ۲۰۰ تن درحقیقت مخفیانه بهالسالوادورتحویل داده شد. درهیچ کجای اسناد ذکرنشده‌که درواقع ۲۰۰ تن اسلحه وارد السالوادورشده است.

نمونهٔ دیگرجعل کردن دربخش مقدماتی تحلیل بلند، به‌حزب کمونیست السالوادورمربوط می‌شود. درتحلیل مذکورآمده است که:

> چپ افراطی السالوادور، که دربرگیرندهٔ حزب کمونیست قدیمیِ‌السالوادور وچندین گروه مسلح جدید دیگرمی‌شود، ازسال ۱۹۷٦ به یك راه‌حل نظامی معتقد شده است. یك‌سری عملیات تروریستی بمب‌اندازی، سوء قصد، آدم‌ربایی وتصرف سفارتخانه، حیات ملی را به‌خطرانداخته وجان بسیاری ازافراد بیگناه راگرفته است.

درواقع، حزب کمونیست السالوادورتازمان برگزاری هفتمین کنگرهٔ خود، درآوریل ۱۹۷۹ مبارزهٔ مسلحانه را انتخاب نکرده بود.[۲] به‌علاوه اعضای حزب کمونیست السالوادوردردولت آن‌کشوراززمان سرنگونی رژیم «رومرو» در اکتبر۱۹۷۹ تا اوایل ژانویه ۱۹۸۰ مشاغل ومقامات مهمی را عهده‌داربوده‌اند. بدین‌ترتیب، بسیارخطا خواهد بود اگربگوییم‌که حزب کمونیست السالوادوراز سال ۱۹۷٦ به راه‌حل نظامی معتقد شده است.

دیگراشتباهات چشمگیردیگررا می‌توان در«تحلیل بلند» پیداکرد. مثلا به‌این مورد اشاره می‌کنیم:

> طی سال ۱۹۸۰ جناحهای سابق بهم پاشیدهٔ چپ افراطی توافق کردند اقدامات خود را درجهت یك طرح نبرد نظامی مشترك باکمك کوبا هماهنگ نمایند. رهبران چریکهای السالوادور، به‌عنوان پیش شرط کسب کمك وسیع

---

۲. مصاحبه با «شافیك هندل» دبیرکل حزب کمونیست السالوادور. روزنامهٔ گرانما (چاپ کوبا) اول ژوئن ۱۹۸۰

کوبا، درماه مه، درهاوانا اجتماع کردند ودرابتدا هیأت رهبری انقلابی واحد (DRU) را به‌عنوان بازوی اجرایی اصلی برای طرحریزی سیاسی و نظامی، وسپس دراواخر ۱۹۸۰ جبهه آزادی‌بخش خلق فاربانده‌وماراتی (FMLN)* رابه‌عنوان ارگان هماهنگ‌کنندهٔ سازمانهای چریکی بنیانگذاری کردند. یك‌سازمان وابسته نیزبه‌نام «جبههٔ دمکراتیك‌انقلابی» (FDR)** برای ادارهٔ تبلیغات خارجی به‌وجود آمد. درابتدا برای حفظ ظاهر، احزاب سیاسی غیرمارکیست ـ لنینیست‌کوچك را وارد جبهه‌کردند، اما آنها هیچگونه نماینده‌ای در «هیأت رهبری انقلابی واحد» نداشتند.

۲ـ مصاحبه بـا «شافیك هندل» دبیرکل حزب‌کمونیست السالوادور. روزنامهٔ گرانما (چاپ‌کوبا) اول ژوئن ۱۹۸۰.

دراسناد، هیچ اشاره‌ای به‌این مسئله نمی‌رودکه هماهنگی حاصله ازتوافق وحدت سازمانهای چریکی «پیش شرط کسب‌کمك وسیع‌کوبا» است.

تحلیل بلند دررابطه با «جبهه دمکراتیك انقلابی» می‌گوید:

> سه حزب سیاسی‌کوچك غیرمارکسیست ـ لنینیست ـ ازجمله حزب سوسیال دمکرات ـ با سازمانهای چریکی وجبهه‌های سیاسی آنها ازطریق جبهه دمکراتیك انقلابی، که اغلب فعالیتهای آن درخارج السالوادورجریان دارد، کارمی‌کنند.

حقیقت این‌است‌که به‌گفتهٔ نشریهٔ بسیاربا ارزش‌گزارش ماهانهٔ امریکای لاتین[3] دیگرگزارشات مطبوعاتی، جبههٔ دمکراتیك انقلابی درآوریل ۱۹۸۰ درجریان یك‌گردهمایی تقریبا ۱۰۰٫۰۰۰ نفره تاسیس شد. حدود ۵۰ سازمان مختلف، ازجمله دانشگاه السالوادورودانشگاه امریکای مرکزی، واتحادیه‌های تجاری وسازمانهای سیاسی مربوط به‌گروههای چریکی به‌این جبهه پیوستند. در مورد مشکل بودن فعالیت جبههٔ دمکراتیك انقلابی درداخل السالوادور، ویا سرکوب وحشیانه فعالیتهای سیاسی مخالفان به‌توسط نیروهای امنیتی السالوادور وجوخه‌های ترور شبه نظامی ـ که با قتل تمام رهبران جبهه دراواخرنوامبر ۱۹۸۰ درسان‌سالوادوربه‌اوج خود رسید ـ هیچ خبری به‌چشم نمی‌خورد. باتوجه به‌این سرکوب وبرقراری مؤثرحکومت نظامی اززمان تأسیس جبهه به‌آسانی می‌توان درك‌کردکه فعالیت درالسالوادورچقدرخطرناك بوده است. اما وزارت خارجه جعل وتحریف بزرگی می‌کندکه می‌گوید جبههٔ دمکراتیك انقلابی، که از «هیات رهبری انقلابی واحد» زودتربه‌وجود آمده، مخلوق سازمانهای چریکی

* Farabundo Marti People,s Liberation Front
** Revolutionary Oemocratic Front
3— «Latin America Weekly Report», April 25

بوده است. پیوستن سه حزب سیاسی کوچك مارکیست ــ لنینیستی به‌جبهٔ انقلابی نیزبه‌خاطرحفظ ظاهرنبوده است وشما می‌توانید با مشاهدهٔ تروراعضای آنها به‌خاطرعضویت در جبههٔ دمکراتیك انقلابی به‌این مسئله به‌خوبی پی‌ببرید.

سپس کتاب سفید به‌شرح «تاریخ حوادثی» می‌پردازدکه درسامبر۱۹۷۹ شروع می‌شود، اما با دقت می‌افزایدکه اطلاعات دیگری علاوه برای اسنادکتاب سفید ازسایرمنابع به‌دست آمده‌که به‌این تاریخ‌نگاری کمك کرده است. اما اینکه این «منابع دیگر» و«مدارك دیگر» چه هستند، به‌عهدهٔ خوانندهٔ کتاب سفید است که به‌دنبالش برود وتصورش را بکند. اما عیب ونقصهای موجود درتحلیل، وتنها همانهاکه مستقیماً به‌اسناد مربوط می‌شود، برای بی‌اعتبارکردن ودرهم ریختن کلی کتاب سفیدکافی است.

تاریخ حوادث با سند(A) آغاز می‌شودکه گفته می‌شود نسخه‌ای ازیك نامهٔ تایپ شدهٔ دستی در«هاوانا» به‌تاریخ ۱۶ دسامبر۱۹۷۶ است، که به‌امضای «شافیك هندل» دبیرکل حزب کمونیست السالوادور (PCS) «دفوئنتس» متصدی سیاسی نظامی اول «نیروهای مسلح مقاومت ملی»* (FARN)ومارسیل مسئول اول «نیروهای آزادیبخش خلق» (FPL) ** برای فیدل کاسترورهبر کوبا نوشته شده است. ازنظرتحلیل وزارت‌خارجه، اهمیت این نام دراینجاست،که رهبران چریکی مذکور، هم‌ازکاسترو وهم ازحزب کمونیست کوبا به‌خاطر کمك وبکارگیری نفوذشان دربه‌توافق رساندن سازمانهای چریکی وبدین‌وسیله‌هماهنگ کردن عملیاتشان تشکرکرده‌اند. (قبلااین‌سه‌گروه، بطورجداگانه اقدام می‌کردند واین عامل ضعف کلی آنها بود). نکتهٔ روشن درنامهٔ مذکوراین است که سه‌سازمان چریکی وحدت خود را مدیون روشنگری کوباییها دانسته‌اند وازنظرمفسران وزارت خارجهٔ امریکا همین مسئله آغاز«حمایت خارجی» است.

به‌نظرمن، این‌سند، جعلی است. توافق وحدت دسامبر۱۹۷۹ میان این سه سازمان چریکی هنگامی آشکارشدکه آنها درژانویه ۱۹۸۰ درالسالوادوردست به تأسیس «ارگان هماهنگ‌کنندهٔ سیاسی ــ نظامی» (CPM) زدند. راهنمای اصطلاحات واختصارات ضمیمهٔ این سند نمی‌تواند متذکرشودکه کلمهٔ «مارسیل» نام سازمانی معروف «سالوادور کایتانوکارپیو» رهبر«نیروهای آزادیبخش خلق» (FPL) است. نکتهٔ قابل توجه دراینجاست که، «هندل» با نام واقعی ونه‌نام سازمانی خود، ایــن سند را امضاکرده است. درترجمهٔ سند، درجلوی نــام «دفوئنتس» نیزکه احتمالا به‌نمایندگی ازجانب «نیروهای مسلح مقاومت ملی»

---

* Armed Forces of National Resistance

** People,s Liberation Forces

(FARN) (که به‌مقاومت ملی « RN » نیزمعروف است) سند را امضا کرد، علامت سئوال گذاشته شده تا بدین‌وسیله نشان‌دهند که مثلا وزارت خارجهٔ امریکا نمی‌داند او چه‌کسی است. من ازنمایندگان جبههٔ دمکراتیك انقلابی (FDR) درپاریس شنیدم که متصدی اول سیاسی نظامی «مقاومت ملی» دردسامبر۱۹۷۹ «ارنستو ژاول» نام داشته و همه، مقام او درا‌ین‌گروه را بطورآشکارا می‌دانستند ونام سازمانش نیز درماه دسامبر «نتو» بوده است. نمایندگان «مقاومت ملی» به‌من گفته که نامی تحت عنوان «دفوئننس» دررهبری مقاومت ملی چه واقعی و چه سازمانی وجود ندارد وبطورآشکار «ژاول» درصورت عدم استفاده ازنام واقعی خود، ازنام سازمانیش یعنی «نتو» برای امضای سند استفاده می‌کرده است.

من طی تحقیقات خود، هیچ نشانی ازحضور این سه‌رهبردردسامبر۱۹۷۹ درهاوانا و یا توافق میان سازمانهای آنها دراین شهرندیده‌ام.

احساس من درمورد جدی بودن سند، براین اساس استواراست که امضاکنندگان ونویسندگان این‌نامه، که هرسه مدتها سازمانهای خودرا درمبارزه علیه یکدیگرونیزعلیه دولت السالوادوررهبری می‌کرده‌اند ظاهراً بطورناگهانی ازروشنگری فیدل‌کاسترو وحزب‌کمونیست‌کوبا به‌خاطر کمك برای‌غلبه‌براختلافها وانشعابهای خود سخن می‌گویند. هندل، درمصاحبه با روزنامهٔ «گرانما» (چاپ کوبا ــ م) توافق وحدت دسامبر۱۹۷۹ میان خودشان را به‌تقلید ازنمونهٔ موفقیت‌آمیزساندینیستهای نیکاراگوا می‌داند، که براختلافات خود غلبه‌کرده و رژیم سوموزا را مغلوب‌کردند. به‌علاوه، پاراگرف دوم ازکاسترو به‌عنوان (Hermano, companero, yamigo) یاد می‌کند. درسخنان مرسوم میان انقلابیون امریکای لاتین استفاده از (Companero) عادی است، اما استفاده ازدوکلمهٔ (Hermano) و (yamigo) دریك‌چنین نامهٔ رسمی چندان‌مرسوم نیست. درنامه‌ای ازاین نوع(Hermano)یك اصطلاح بسیارآشنا وغیررسمی بشمار می‌رود. اصطلاح (amigo) بدتراست، زیراکلمهٔ amigo درمیان انقلابیون به اشخاص غیرانقلابی اشاره می‌کندکه ازجنبشهای انقلابی طرفداری‌کرده وگاهی نیزبه‌آنها کمك می‌کنند. انقلابیون امریکای لاتین به‌من گفتندکه ازفیدل‌کاسترو هرگز به‌عنوان amigo یاد نمی‌شود.

سؤال قابل طرح دررابطه با سند مذکوراین است‌که نویسندگان ادعا می‌کنند نسخه‌ای ازقرارداد میان خود را به‌آن ضمیمه‌کرده‌اند. تحلیلگروزارت خارجه، هیچ دلیلی ارائه نمی‌دهدکه چرا توافق ضمیمه، درکتاب سفید نیامده و یا نیزنمی‌گویدکه آیا هنگام به‌دست آمدن اسناد، نسخهٔ مذکورموجود بوده یانه. ممکن است، به‌نظربعضیها، توافق وحدت، حتی ازخودنامه، مهم‌ترباشد. سرانجام

اینکه، ممکن است کسی فکر کند که نسخهٔ به‌دست‌آمدهٔ نامهٔ مذکور، کپی کاربن موجود درنزد هریك ازسه رهبرامضاکنندهٔ نامه بوده است، ونیزمی‌توان انتظار داشت که فقط نسخهٔ اصلی فرستاده شده برای فیدل کاسترو، امضای هرسه‌نفر وکپی موجود نزد هریك ازآنها تنها امضای دونفردیگررا داشته است. مثلا اگر نسخهٔ به‌دست آمده، کپی موجود نزد هندل باشد، تنها امضای «فوئنتس» و «مارسیل» راداشته است. اگرچه من فکرمی کنم این‌نوع، استدلال کاملا ایده‌آلیستی است.

بخش مربوط به «تاریخ حوادث» کتاب سفید درسند (B) دریك یادداشت دو صفحه‌ای دست‌نویس آمده است. تحلیلگروزارت خارجه می‌گوید که این یادداشت، به‌سفریکی ازاعضای کمیسیون سیاسی حزب کمونیست السالوادوربه‌نام «لوگان» در۲٦ آوریل ۱۹۸۰ به مکزیکو مربوط می‌شود. اما، خود سند در هیچ‌جا اشاره‌ای به‌سفر «به‌مکزیکو» یا اینکه یادداشت مذکورتوسط «لاگو» نوشته شده، ویا اینکه او عضوکمیسیون سیاسی حزب کمونیست السالوادوراست، نمی‌کند. درسند تاریخی نیزدیده نمی‌شود.

اهمیت این سند، ازنظرمحتوی برای تحلیلگرکتاب سفید دراینجاست که گفته می‌شود «عریضه‌هایی» به‌نمایندگان آلمان شرقی، بلغارستان، لهستان، ویتنام، مجارستان وکوبا دراجلاسی درسفارت مجارستان داده شده است. درتحلیل کوتاه وزارت‌خارجه «عریضه‌ها» به «درخواستها» ترجمه واضافه شده که این‌درخواستها «احتمالا برای‌گرفتن اسلحه» بوده است. درهردو تحلیل، نیزگفته شده که شورویها دراجلاس مذکورحضورداشتند، اما سند، یك‌چنین چیزی را نشان نمی‌دهد. سند، می‌گوید که بعداً، جلسه‌ای نیزباحضوریك‌روسی برپا شد. اما هیچ اشاره‌ای درسند دال بربرپایی اجلاس درمکزیکوسیتی چنانکه درتحلیلها گفته شده وجود ندارد، به‌علاوه تلفنی به‌کنسول مکزیك درهامبورگ، گفته شده که ویتنام حتی دارای سفارت یا نمایندگی دیپلماتیك درمکزیکوسیتی نیست. این اجلاس اگرواقعی باشد باید درکشوری بجزمکزیك، برپا شده باشد.

اشتباههای دیگری نیزدرترجمهٔ این سند دیده می‌شود. درسند، جمله‌هایی وجود دارد که بدینگونه ترجمه شده: «آنها درمورد امتیازن‌کرکردن همه‌چیز برای دیوید، صحبت‌کردند.» درحالی‌که درحقیقت، ترجمهٔ اصل اسپانیایی سند چنین است: «آنها درمورد امتیازسخن‌گفتن درمورد همه‌چیزدردیوید صحبت کردند». این احتمال، نشان می‌دهد که دیوید، شهری است به‌همین نام درپاناما، ونه نام‌کسی که با او صحبت باید کرد. نمونهٔ دیگرازترجمه، دروسط صفحهٔ دوم سند دیده می‌شود که عبارتی تحت این عنوان دیده می‌شود: «آنها می‌خواهند

درمورد یك حزب «پرل» باهم توافق‌کنند». دربخش راهنمای اصطلاحات سند به «پرل» (Perl) به‌عنوان «پرلا ـ کوبا» (Perla - cuba) (کوبا به‌عنوان مروارید ـ (Perl) جزایر آنتیل معروف است) اشاره شده است، اما روشن است که اصل اسپانیایی سند می‌گوید: «آنها می‌خواهند بین یك حزب و حزب دیگرتوافق کنند». سرانجام، درتحلیلها، هیچ اظهارنشده است که سطرآخرصفحهٔ اول یادداشت وسرسطرآخرصفحهٔ دوم یادداشت به‌وسیلهٔ شخص دومی نوشته شده است. سند می‌تواند به‌وسیله هرکسی نوشته شده باشد، وتفسیرآن درکتاب سفید، نشانگرجعلیات، تحلیل و ترجمهٔ ضعیف است.

سپس کتاب سفید بسند(C) که یك یادداشت دستنویس دوصفحه‌ای است می‌پردازد. تحلیلهای کتاب می‌گویدکه این یادداشتها به‌وسیلهٔ «شافیك هندل» دبیرکل حزب‌کمونیست السالوادوردرجلسهٔ کمیسیون سیاسی حـزب‌کمونیست السالوادوردر۲۸ آوریل ۱۹۸۰ نوشته شد. یك‌باردیگرمتوجه می‌شویم‌که درهیچ جای سند، ذکری ازاجلاس کمیسیون سیاسی وتاریخ برپایی اجلاس مذکورنشده ونامی ازهندل ویا نام سازمانی‌اش «سیمون» نیزدیده نمی‌شود. درواقع، بانگاهی به‌یادداشتها به‌نظرمی‌آیدکه یك‌سوم یا نیمی ازصفحهٔ دوم توسط شخص دیگری بجزفردی نوشته شده‌که صفحهٔ اول وغیرازصفحهٔ دوم را نوشته است. دراین یادداشتها دونوع دستخط کاملا متفاوت به‌چشم می‌خورد.

اهمیت سند با نسبت دادن این یادداشتها به‌هندل، درتماس میان حزب کمونیست السالوادورباکوبا ودیگرکشورهای سوسیالیست نهفته است. درتحلیل بلند، براین جمله ازمیان یادداشتها تأکید شده است:

تجدید سازمان را تسریع بخشید و حزب را در وضع جنگی قراردهید.

اما دریادداشتهای اسپانیایی «وضع جنگی» نیامده بلکه(estado de pelea) آمده‌که معنی تحت‌اللفظی‌اش می‌شود «حالت مشاجرهٔ اختلاف یا مبارزه». اگر منظورنویسندهٔ این یادداشت «وضع جنگی» می‌بود، می‌نوشت (estado — de guerra تحلیل، بعدازکلمهٔ «وضع جنگی» چنین ادامه می‌دهد:

او افزود: من با استفاده از امکان کمك اردوگاه سوسیالیست موافقم.
فکر می‌کنم طرز فکر آنها بسیار مهم است. ما هنوز از آن استفاده‌نبرده‌ایم.

درحقیقت شخصی‌که یادداشتها را نوشته، این اظهارات‌را بعدازذکرقراردادن حزب دریك حالت مبارزه اضافه‌کرده است. زیرا اظهارات اخیردریادداشت، قبل ازذکرقردادن حزب دریك حالت مبارزه دیده می‌شود. به‌علاوه دریادداشتهای اصلی آمده است‌که: «ما ازآن استفاده نمی‌کنیم». کلمهٔ «هنوز» دراصل یادداشتها

دیده نمی‌شود اما تحلیل با اضافهٔ «هنوز» مسئلهٔ احتمال را به «امکان» ذکرشده توسط نویسنده می‌افزاید.

تحلیل، سپس درادامه می‌گوید که:

> او با اشاره به واحد کردن جنبش مسلحانه تاکید می‌کند که اندیشه درگیر نمودن همه در منطقه قبلا به خود فیدل پیشنهاد شده است.

اما درتحلیل کوتاه، عبارت «به‌فیدل پیشنهاد شده است» را به«وسیلهٔ فیدل پیشنهاد شده» تحریف می‌کند. علاوه براین، دریادداشتها نشانه‌ای دیده نمی‌شود که شخص نویسنده به«واحدکردن جنبش مسلحانه» اشاره‌ای کرده باشد.

در ادامهٔ تحلیل آمده است که:

> هندل با مفهوم واحد کردن اشاره کرده و می‌نویسد «فیدل دربارهٔ این ایده بخوبی فکر کرد.»
>
> در خود یادداشتها ، مسئله واحد کردن به جنبش اتحادیهٔ تجاری و اقدام سیاسی مشترك منطقه‌ای مربوط می‌شود نه به مبارزهٔ نظامی.

مسئلهٔ مبارزهٔ مسلحانه، درواقع درابتدای این یادداشتها بدینگونه آمده است: «ما نیروی مسلح آزادیبخش را، به‌عنوان جناح حزب کمونیست السالوادور به‌وجود آورده‌ایم.» طبق تحقیقاتی که انجام داده‌ام، حزب کمونیست السالوادور تا تابستان ۱۹۸۰ یعنی مدتها بعدازماه آوریل تاریخ فرضی نوشتن این‌یادداشتها نیروی مسلح آزادیبخش را ایجاد نکرد. همچنین دربخش راهنمای اصطلاحات گفته شده که مفهوم کلمات «Felipe»و« Rene » مذکوردریادداشت، «نیروهای آزادیبخش خلق» (FPL) ومقاومت ملی (RN) است. دریادداشتها هیچ راهنما وکلیدی نیست که نشان‌دهد چگونه یك‌نفر، این‌کلمات را «کلمات رمز دو سازمان چریکی» قلمدادکند. درسندهای بعدی نیزهردو نام، ذکرشده اما در راهنمای لغات گفته شده که اینها به‌معنی یکی ازدو سازمان مذکوراست. می‌توان انتظارداشت اگر«هندل» این یادداشت‌ها را نوشته واینگونه از«نیروهای مسلح آزادیبخش» (FAL) یادکرده پس باید کلمات FPL (نیروهای آزادیبخش‌خلق) و RN (مقاومت ملی) را به‌شکل درست آن بکاربرده باشد، تااسمهای رمزمذکور.

بخش بعدی شرح حوادث تاریخی، براساس سند (D)استواراست که پیرامون گزارشی ازیك شخص ناشناس به‌نام «ادواردو» درمورد سفری از۵ مه تا ۸ ژوئن ۱۹۸۰، دورمی‌زند، اوبه‌هندوراس، گواتمالا، کاستاریکا، کوبا ونیکاراگوا، سفرمی‌کند. سپس قبل ازبازگشت به‌السالوادور، به‌کاستاریکا وهندوراس بازمی‌گردد. تاریخ سفرها درسند موجود است، اماکتاب سفید «ادواردو» راعضو

«کمیسیون سیاسی» حزب کمونیست السالوادورمی‌داند. درهیچ‌جای سند، هویت او مشخص نشده، وتفسیرمقدماتی کتاب سفید، نام آخریا دیگراطلاعات مربوط به‌هویت او را نمی‌تواند به‌دست بدهد.

اهمیت این سند، برای کتاب سفید درآنجاست که ظاهراً نشان می‌دهد رهبران حزب کمونیست السالوادور، مقاومت ملی، نیروهای آزادیبخش خلق، و ارتش انقلابی خلق، با یکدیگر ملاقات کرده‌اند، تا یك رهبری واحد چریکی به‌نام «هیأت رهبری انقلابی واحد» به‌وجود آورند. سند، همچنین نشان می‌دهد که رهبران مذکور، سه‌باربافیدل کاسترو، دوباربا هیأت مدیرهٔ عملیات ویژهٔ وزارت کشورکوبا (DOE) یك‌باربا یکی ازاعضای ادارهٔ تحلیل کوبا، ویك‌بار با رئیس ارتباطات کوبا ملاقات داشته‌اند. به‌گفتهٔ سند، این ملاقاتها بین ۱۹ مه واول ژوئن ۱۹۸۰ درهاوانا صورت گرفت. تحلیل کتاب سفید علاوه‌برذکراهمیت وارد شدن ارتش انقلابی خلق (ERP) درائتلاف سه‌سازمان چریکی دیگر، برکمك کوبا درطرحریزی نقشه‌های نظامی چریکی ونیزحمایت مخابراتی ازآنها تأکید می‌ورزد.

من به‌چند دلیل معتقدم که این سند، جعلی است. باید اشاره کنیم که «ارتش انقلابی خلق» درواقع درمه ۱۹۸۰ به‌سه سازمان دیگرپیوست وباآنها یك «هیأت رهبری انقلابی واحد» تأسیس کرد. آنها بیانیه‌ای مبنی برتشکیل «هیأت رهبری انقلابی واحد» در ۱۷ ژوئن درسان‌سالوادورصادرکردند. دراین بیانیه، چریکها توافق وحدت دسامبر۱۹۷۹ خود را متذکرشدند و۲۲ مه را تاریخ تازه‌ترین توافق وحدت خود وتشکیل هیأت مدیرهٔ انقلابی واحد اعلام کردند. اما، سند (به‌دست آمده)، ۲۱ مه را تاریخ عقد توافق وحدت نشان می‌دهد.

درسند، گفته‌شده که اولین ملاقات با فیدل کاسترودر «کاخ» صورت گرفت، اما دفترکاسترو «کاخ» نامیده نمی‌شود. دفتراودرساختمان مسکونی کمیتهٔ مرکزی حزب کمونیست کوبا واقع شده وازآن به‌عنوان «کرسی» کمیته یا حزب نام می‌برند، نه‌کاخ. ممکن است، جلسه درکاخ انقلاب (که یك موزه است) وکاسترو گاهی درآن بادیدارکنندگان ملاقات می‌کند، صورت گرفته باشد، اما طبق سند مذکور، جلسهٔ فوق یك «مصاحبه» بوده ونه‌یك پذیرایی. سند می‌گوید که در این اجلاس، فیلم وعکس نشان داده شده است. همچنین یك هفته، بعد در۳۱ مه رهبران، یك کنفرانس مطبوعاتی تشکیل دادند. حالا اگراین کنفرانس، بی‌اندازه مهم درنظربگیرید، کنفرانس مطبوعاتی مذکور، می‌بایدگزارش شده باشد. من درهیچیك ازمطبوعات کوبایی ویا دیگرمطبوعات امریکای لاتین، ونیز «گزارش سیاسی آمریکای لاتین» (که درلندن چاپ می‌شود) ابداًگزارشی

درمورد اجلاس وحدت السالوادوریها درهاوانا یا یك کنفرانس به‌توسط رهبران السالوادوری در۳۱ مه ندیده‌ام. اولین گزارشهای مطبوعاتی درمورد اجلاس وحدت در اواسط ژوئن هنگام صدوراعلامیهٔ «هیأت رهبری انقلابی واحد» منتشرشد.

سند، همچنین به«دیدارمتواضعانه» کاسترو با رهبران چـریکها یك روز پس ازاولین مصاحبهٔ آنها با اواشاره می‌کند. سپس به‌دیداردیگری ازکاسترو با چریکها (درمحل اقامتشان) برای امضای اسناد وحدت اشاره می‌کند. اگر کسی بخواهد این اسناد را باور کند، این احساس به‌او دست‌خواهد داد که کاسترو، نقش چوپانی ونظارت برکل پروسه وحدت را به‌عهده داشته است. با این‌وجود، طبق سند، توافق میان چهارسازمان نتیجهٔ دو روزمذاکرات (در۲۰ و۲۱ مه) رهبران چریکی درهاوانا برای امضای سند وحدت بوده است. گرچه سند (D) درصورت باور به‌آن، درنشان دادن نقش سرپرستی وقیمومت کوبا در پروسهٔ وحدت مؤثراست، اما مشکوك به‌نظرمی‌رسدکه چهاررهبر چریکی برای عقد توافق میان خود به‌هاوانا مسافرت نمایند. مشخص است که آنها درخود السالوادور نیزمی‌توانند به‌توافق برسند. اگرهمه به‌مکان امن‌تری برای مذاکرات خــود احتیاج می‌داشتند، شکی نیست که نیکاراگوا، نزدیکترازهاوانا به‌کشورخودشان می‌بود.

مشکلات دیگری نیزدررابطه با این اسناد وجود دارد، مثلا ازکلمهٔ (Rene) باردیگردربخش راهنمای اصطلاحات به‌عنوان اسم رمزسازمان چریکی (RN) (مقاومت ملی) یاد شده است. قبل ازاینکه دربخش راهنمای اصطلاحات معنی Rene ذکرشود، معنی درکلمهٔ RN ذکرشده است. گرچه سند ممکن است نشان رسمی این ملاقاتها باشد، اما می‌توان فرض کردکه درصورت مهم‌بودن استفاده ازکلمهٔ رمزدریك بخش گزارش، نویسندهٔ دیگرازاسمهای واقعی استفاده نمی‌کرد. درراهنمای اصطلاحات وکلمات ازکلمهٔ «هرکولس» به‌عنوان اسم رمزسازمان چریکی «ارتش انقلابی خلق» (ERP) یاد شده و درآغاز بخش درزیرتاریخ ۲۱ مه به «الحاق هرکولس» اشاره شده است.

گزارش، همچنین ازدوجلسهٔ رهبران چریکها درهاوانا با شخصی به‌نام «هومبرتو» و سپس صرف شام در«خانه هومبرتو» درماناگوا بعدازاجلاس‌هاوانا، نام‌به‌میان می‌آورد. دربخش راهنمای اصطلاحات گفته شده‌است که کلمهٔ «هومبرتو» نام «هومبرتو اورتگا» رهبرساندنیستهاست، اما هیچ دلیلی برای این ادعای خود ارائه نمی‌دهد. گزارش، همچنین به‌سفر«سیمون» در۳۰ مه، بدون ذکرمقصد آن اشاره‌می‌کند. باردیگربخش راهنمای اصطلاحات بدون‌دلیل می‌گویدکه «سیمون»

نام رمز «شافیك هندل» دبیرکل حزب کمونیست السالوادوراست. گـزارش، همچنین به‌ملاقاتی با Felipe اشاره می‌کند، اما دربخش راهنمای اصطلاحات توضیحی دربارهٔ معنی این کلمه داده نشده، درحالی‌که سند Pelip'e راظاهراً به‌عنوان اسم رمز FPL (نیروهای آزادیبخش خلق) معرفی می‌کند. گرچه تحلیلگر بقدر کافی برای تفسیر کلمات Rene «هرکولس» و «سیمون» به‌عنوان اسم رمز هشیاراست، امـا چیزی دربارهٔ کلمات مشابهی چـون «ادواردو»، «اوویدیو»، «هوگو»، «لوئیس انریکو»، «ژوزه»، و«بنیتو»، نمی‌نویسد. تحلیلگـر«بازاراسباب بازی» Toy market را به‌عنوان «بازار اسلحـه» Weapons market تفسیر کرده است. آن‌هم بدون هیچگونه دلیلی. تناقض دیگرسند مذکور، درتوقف «ادواردو» درهفت محل طی سفریکماهه‌اش دیده می‌شود، درحالی‌که تنها برای زمان توقف درهاوانا تاریخ گذاشته شده است.

درتحلیلها نیزاختلافات وتفاوتهایی به‌چشم می‌خورد. مثلا تحلیلگر، در تحلیل کوتاه دراشاره به‌اجلاس السالوادوریها درهاوانا با «هومبرتو» می‌نویسد:

هومبرتو نیزحاضراست وبا اودرمورد ترتیبات وحدت مشورت شده است. درواقع، درسند هیچ اشاره‌ای نشده که اجلاس هاوانا با «هومبرتو» به‌مشورت پیرامون «ترتیبات وحدت» مربوط می‌شده است. درتحلیل بلند، دراشاره به‌این سند آمده است:

> رهبران چریکی السالوادور از ۵ مه تا ۸ ژوئن ۱۹۸۰ در مـورد جلساتی در هندوراس، گواتمالا ، کاستاریکا و نیکاراگوا گزارش می‌دهند.

درحقیقت، سند نمی‌گوید کـه آنها درمورد جلسات آن یکماه، گزارشـی داده‌اند. سند، بیشترگزارش ظاهراً یکی ازرهبران حزب کمونیست السالوادور است، که طی آن مدت به کشورهای مذکورمسافرت کرد.

سند، چند جا اشتباهات ترجمه‌ای دارد. مثلا «دیدارمتواضعانهٔ» کاسترو با چریکها (دراصل اسپانیایی) به‌دیدارمتواضعانهٔ «چریکها باکاسترو» ترجمه شده است. سرانجام همان‌طورکه انتظارمی‌رود نویسندهٔ سند برای اینکه به‌این خیمه شب‌بازی خود سروسامان بدهد، می‌گوید که چریکها ظاهراً درماناگوا بعدازسفر خود به‌هاوانا، با نماینده‌گان جمهوری دمکراتیك آلمان وشوروی، ملاقات کردند ودرهمان حال ترتیب فراهم کردن یك مرکزامن درماناگوا را می‌دادند ودرضمن دیگرانواع کمکها را ازدولت ساندنیستها می‌گرفتند. عزیمت فرض شدهٔ هندل (سیمون) ازهاوانا نیزدر۳۰ مه درادامهٔ بخش تاریخ حوادث کتاب سفید به‌سند بعدی مربوط می‌شود.

سند E اولین سندی است که ازطریق «خوان دواونی» درروزنامهٔ نیویورك تایمزدر۶ فوریهٔ ۱۹۸۱ منتشرشد. این احتمالا مهم‌ترین سندکتاب است. ودلایل خوبی درمیان است که نشان می‌دهد جعلی است. سند، ظاهراً یك گزارش چهار صفحه‌ای تایپی درموردگزارش سفریك رهبرچریك السالوادوری درماه ژوئن وژوئیه و اوت ۱۹۸۱ به‌شوروی، ویتنام، اتیوپی، آلمان‌شرقی، چکسلواکی، مجارستان، بلغارستان و کوباست. سند، تعداد ونوع سلاحها و دیگر کمکهای نظامی کشورهای مذکوربه‌این رهبرچریکی را نشان می‌دهد. کتاب سفید، بدون ذکر دلیل، می‌گوید که این رهبرچـریکی همان «شافیك هندل» دبیر کل حـزب کمونیست السالوادوراست. نام رمز«سیمون» ونیزنـام «هندل» دراین سند، دیده نمی‌شود.

تحلیلگر، درمقدمهٔ کتاب سفید راجع به‌سند (E) به‌اشتباه می‌نویسد که سفراز ۹ ژوئن تا ۳۰ ژوئیه صورت گرفته درحالی که خودگزارش نشان می‌دهد که اولین ملاقات شخص السالوادوری با یك مقام شوروی درمسکودوم ژوئن صورت گرفت. او ۲۳ ژوئیه ازمسکو به‌هاوانا پروازمی‌کند وتا ۵ اوت درآنجا می‌ماند. تنها درسوم ژوئیه که ازنظرتحلیلگر پایان سفرشخص السالوادوری است، اووارد اتیوپی می‌شود.

درتحلیل بلند، باردیگربه‌اشتباه آمده است که شخص السالوادوری دوباره در۲۲ ژوئیه درمسکو با «میخائیل کودا چکیم» عضوکمیتهٔ مرکزی حـزب کمونیست شوروی ملاقات می‌کند. طبق سند، شخص السالوادوری، ماه قبل با «کودا چکیم» ملاقات کرده بود، اما ملاقات ۲۲ ژوئیه با مقام دیگری ازکمیتهٔ مرکزی حزب کمونیست شوروی‌به‌نام «بروتنت» صورت گرفت ونه‌با «کوداچکیم».

دررابطه با سند (E) برای من مشکل است باورکنم که رهبرسیاسی مجربی که سالها تحت فشارزیاد در السالوادوربسربرده، گزارشی ازاین‌گونه همراه خود به‌السالوادوربیرد، آنهم جایی که خطرافتادن سند به‌دست دیگران بسیار محتمل است. به‌هرحال نظرمن درمورد جعلی بودن این سند، براساس نکته‌ای استوار است که تحلیلگروزارت خارجهٔ امریکا چه سهواً و چه عمداً به‌ذکرآن نپرداخته است.

این سند، ظاهراً یك گزارش داخلی دولت کوبا درمورد سفریك السالوادوری است، هرچند که تحلیلگر کتاب سفید، این‌را قبول ندارد. کل سند، درمورد شخص سومی است که مسافراست و ازاو به‌عنوان «رفیق» اشاره می‌شود که به‌اینجا وآنجا سفر کرده وبا این وآن گفتگو نموده است. اما نویسندهٔ گزارش ازکلمهٔ «ما» نیز استفاده می‌کند و کاملا روشن است که منظورش «کوبا» است. برای مثال، هنگام

بحث پیرامون نقل سلاحها ازویتنام، سند می‌گوید که «رفیق» خواستارانتقال هوایی سلاحها به‌وسیلهٔ حزب کمونیست شوروی شد. اما حزب، نتوانست پاسخی بجزآنچه «دراصل» موافقت کرده بود بدهد. سپس درادامهٔ گزارش چنین می‌آید:

در سفارت «شوروی» در اینجا «کوبا» در ۲۸ ژوئیه (رفیق) تقاضا کرد تلگرامی ارسال شود تا بدان‌وسیله گرفتن پاسخ (درمورد حمل هوایی سلاحها) را تسریع بخشد و در ۵ اوت قبل از ترك اینجا ، پاسخ نرسیده‌بود. زیرا همراه تصمیم ما مبتنی برحمل سلاحها به‌وسیلهٔ کشتی به سفیر و (ویتنام) مخابره شده بود.

دردنبالهٔ سند آمده است که اگرپاسخ مساعدی مبنی برحمل سلاحها ازطریق هوا برسد به‌نفع آنها خواهد بود. اما این کار «به‌هماهنگی ما با او» نیازمند است. کمی جلوتردرمورد بحث، پیرامون وعدهٔ اتیوپی برای دادن اسلحه، گزارش می‌گوید حمایت اتیوپی طی تلگرامی که ازسفارت ما درآنجا مخابره شد، تأیید شد، واضافه می‌کند: «درهمان تلگرام آمده است که محمولهٔ اسلحه در۵ اوت باکشتی ما اتیوپی را ترك می‌کند» روشن است که کلمهٔ «سفارت مـــا» تنها می‌تواند بسفارت کوبا درآدیس‌آبابا اشاره کند، زیرا حزب کمونیست السالوادور، سفارتی ندارد حتی اگر«سفارت ما» به‌علتی نمایندهٔ حزب کمونیست السالوادور دراتیوپی باشد، ازکلمهٔ «نماینده» استفاده می‌کردند ونه «سفارت». به‌علاوه حزب کمونیست السالوادورهیچگونه کشتی برای حمل دهها تن اسلحه دراقیانوسها ازاتیوپی وویتنام دراختیار ندارد.

نکتهٔ جالب توجه برای من این بودکه ازدوپاراگرافی که ازاین ۱۹ سند به انگلیسی ترجمه نشده یکی همان جملهٔ بالا: «درهمان تلگرام آمده است که‌محمولهٔ اسلحه در۵ اوت باکشتی ما اتیوپی را ترك می‌کند» می‌باشد. احتمال داردکه کلمهٔ «کشتی ما» تحلیلگرراگیج کرده، وتصمیم‌گرفته است این جمله‌ها را ازمتن ترجمه، حذف‌کند، زیرا فکرمی‌کرده که کسی به‌دقت متن سندهای اصلی رانخواهد خواند. اما با همهٔ اینها نمی‌توان این حقیقت را نادیده‌گرفت که سند برای این نوشته شده که‌گزارش داخلی دولت‌کوبا پیرامون سفریك السالوادوری براساس مصاحبه با او پس ازبازگشتن به‌هاوانا قلمداد شود، و ظاهراً این‌گزارش بـــرای استفادهٔ ادارهٔ عملیات ویژهٔ وزارت‌کشورکوبا تهیه شده است.

اکنون باید پرسیدکه چراکوباییها یك نسخه ازگزارش داخلی خودشان را به «هندل» داده‌اند. گزارشی که حاوی جزئیات سفراو ونوع ومقادیرسلاحهای کمری، خمپاره‌ها، مهمات، موشك‌اندازها ودیگر تجهیزات نظامی بوده است واین درحالی است‌که هندل قبلا این اطلاعات را می‌دانسته و آن را برای تهیهٔ ایـــن

گزارش دراختیارکوباییها گذاشته است. همچنین مشخص است که این گزارش، بعدازرفتن «رفیق» ازهاوانا واحتمالاً برگشتن او بهالسالوادورتهیه شده است. درجملات قبل بهجملهٔ «پنجم اوت، قبل از ترك اینجا» برخوردیم که بهروشنی نشان میدهد اطلاعات مذکورازمصاحبه ومذاکره با شخص السالوادوری که آنموقع «هاوانا» را ترك کرده بهدست آمده است. مقام کوبایی این گزارش را بعدازرفتن او با استفاده ازیادداشتها یا نوارمصاحبهها ومباحثات نوشته است. بنابراین شخص السالوادوری نمیتوانسته است گــزارش را هنگام عزیمت از هاوانا همراه خود ببرد. بنابراین تمامی این سند یك مضحکهٔ ضعیف است که برای اثبات حمایت نظامی بسیاری ازکشورها (ازحزب کمونیست السالوادور) تهیه شده است.

نمیتوانم درك کنم که چرا تحلیلگر کتاب سفید و «خوان دواونی» نتوانستند بفهمند که این سند، گزارش داخلی دولت کوبا بوده است. اگرهم بهاین مسئله پیبرده باشند، نتوانستهاند توضیح دهند که گزارش، چگونه توانسته است بهیك «انبار محمولهٔ سند» درالسالوادور راه پیدا کند.

با مشاهدهٔ سند مذکور، همچنین این سؤال مطرح میشود که آیا دولت امریکا نسخههای اصلی سندهای بهدست آمده را پیداکرده، یا اینکه کپیماشین آنها را مورد استفاده قرارداده است. کتاب سفید این مسئله را روشن نمیکند. بههرحال درترجمهٔ سند(E)برداشتهای مترجم نیزبعضی جاها درداخل پرانتزدر بخش بلغاری آمده است و مشخص شد که ازپایین صفحات تعدادی ازجملات، بریده شده است.

من ازاین مسئله نتیجه میگیرم که مترجم تنها روی یك کپی ماشینی کار میکرده، وکتاب سفید وتحلیلگران وزارت خارجه، نیزاحتمالاً همین کپیها را داشتهاند. اگرچنین باشد، پس برسرنسخههای اصلی چهبلایی آمد، واگراین نسخهها دردسترس بودند، پس چرا مترجم بهاصل این صفحه، برای تکمیل ترجمه، رجوع نکرده وازترجمهٔ سندی که آنطوربد ازآن کپی ماشینی تهیه شدهبوداستفاده کرده است؟ البته میتوان ادعاکرد که تحلیل کوتاه «موثق بودن کامل اسناد را از نظر تحلیلگران دولت امریکا» مورد تأیید قرارداده است. اگر، همچنانکه سند (E) نشان میدهد، تحلیلگران هرگزاسناد اصلی را ندیده باشند، ادعای فوق کاملا بیجا وبیاساس ازکاردرمیآید.

دلایل دیگری نیزمیتوان بیان داشت که غیرمحتمل بودن سفر «هندل» برای خرید اسلحه را ثابت میکند. درمرحلهٔ اول، هندل تنها درصدد بود برای حزب کمونیست السالوادور، یك بازوی نظامی تأسیس کند. اکراه حزب کمونیست

السالوادور، ازورود به‌مبارزهٔ مسلحانه تا سال ۱۹۷۹ تنها دلیلی بودکه براساس آن بسیاری ازاعضاء حزب را ترک‌کرده وبه‌گروههای فعال چریکی پیوستند. دیگررهبران چریکی‌که بعضی ازآنها حدود ده سال درعملیات نظامی تجربه داشتند، به‌توافق وحدت ماه مه پیوستند. هندل، مردی نظامی نیست، بدین‌خاطر مطمئناً دیگررهبران چریکی عضو پیمان وحدت ماه مه، اصرارمی‌کردندکه یکی ازآنها به‌سفرخرید اسلحه برود، ویا اینکه حداقل، هندل را همراهی‌کنند، نه‌اینکه خود هندل را درست تنها چند روزبعدازتوافق وحدت، به‌جستجوی خمپاره، موشك ودیگرسلاحهای پیچیده‌ای بفرستندکه چیزی ازآنها نمی‌داند. با توجه به‌دلخوری قبلی دیگرگروههای چریکی ازحزب‌کمونیست السالوادور، می‌توان بیشتربه‌غیرمحتمل بودن سفرهندل پی‌برد. اگرتوجه داشته باشید سازمان سیا، تعداد اعضای حزب‌کمونیست السالوادوردر۱۹۸۰ را بین ۲۲۰ تا ۲۲۵ نفر می‌داند[4] اما درمقایسه با آنان، سیا تعداد اعضای سایر سازمانها را «بیش از ۲۰۰۰ نفر» می‌داند. بطورقطع رهبران دیگرگروههای چریکی فعال و آشنا به‌ضروریات تجهیزات نظامی، دست به‌سفرخرید اسلحه می‌زدند، ونه رهبرگروهی که ۲۲۵ عضو داشته وبعداً داخل مبارزهٔ مسلحانه شده است. واگر سند (C) را به‌عنوان یادداشتهای هندل قبول‌کنید، می‌بینیدکه درست یك‌ماه قبل ازشروع سفرخرید اسلحه، گروه نظامی هندل (FAL یا نیروهای مسلح آزادیبخش) هنوز حتی وارد اقدام نشده بود.

پس اگرسند E یعنی سفرخرید اسلحهٔ هندل جعلی باشد، سند F نیزباید جعلی باشد. این سند نیزظاهراً گزارشی است درمورد لیست مقادیری ازمهمات وسلاحها ودیگرتجهیزات نظامی مربوط به‌ویتنام، اتیوپی ودیگرکشورهای سوسیالیست. این سند، توسط «آناماریا» که به‌گفتهٔ راهنمای اصلاحات این سند وچند سند دیگر، درواقع نام رمز«آناگوادلوپ مارتینز» رهبرمعروف سازمان چریکی «ارتش انقلابی خلق» ERP می‌باشد. در مقدمهٔ‌کتاب سفید‌گفته شده‌که این سند، گزارشی است دربارهٔ اجلاس هیأت رهبری انقلابی واحد DRU در۳۰ سپتامبر۱۹۸۰. اما تاریخ سند، اول سپتامبر۱۹۸۰ است ونه ۳۰ سپتامبر. در گزارش، اشاره‌ای به‌این مسئله نمی‌شودکه دربارهٔ اجلاس هیأت رهبری انقلابی واحد تهیه شده، ونیزنشانه‌ای هم‌وجود نداردکه نشان‌دهد «آناماریا» اسم سازمانی «آناگوادلوپ مارتینز» است. به‌علاوه درپایان‌سند، قبل‌ازاسم «آناماریا» گزارش با جملهٔ «کمیسیون سیاسی COCEN» پایان می‌یابد، ودرراهنمای اصطلاحات ازCOCENبه‌عنوان «کمیتهٔ مرکزی» نام برده است. تحلیلگر، جملهٔ

4– National Basic Intellgience Factbook

«کمیسیون سیاسی کمیتهٔ مرکزی» را به «هیأت رهبری انقلابی واحد» DRU تغییرداده است. تکیه‌کلام یا شعارهیأت رهبری انقلابی واحد یعنی «اتحاد، مبارزه تا پیروزی نهایی» درهیچ‌جای این سند، اشاره‌ای نشده است.

دلیل دیگری نیزبرای شك‌کردن پیرامون صحت این سند، وجود دارد. جعل این سند، آنقدربد صورت‌گرفته‌که شخص جعل‌کننده، درمورد شعارهای انقلابی چهارسازمان چریکی گیج وسردرگم شده است. درپایان این سند، نویسندهٔ شعار«انقلاب‌تامرگ! خلق مسلح، خواهد برد» را آورده وزیرآن نام «آناماریا» راگذاشته است. اگر«آناماریا» براستی رهبرسازمان «ارتش انقلابی خلق» ERP یعنی «آناگوادلوپ مارتینز» باشد، هرگزازشعار«انقلاب تا مرگ! خلق مسلح خواهد برد!» استفاده نمی‌کرد، زیرا این شعارمربوط به «ارتش انقلابی خلق» نیست. این شعار، شعار«نیروهای آزادیبخش خلق» FPL است، درحالی‌که شعارارتش انقلابی خلق این است: «مبارزه تا پیروزی یا تا مرگ». آیا قابل درك است‌که رهبرارتش انقلابی خلق، حتی درصورتیکه درچهارچوب «هیأت رهبری انقلابی واحد» فعالیت‌کند، درپایان‌گزارشهای خود ازشعاریك سازمان چریکی رقیب استفاده‌کند. هرکس می‌خواهد شعارهای چهارسازمان چریکی را بداند، می‌تواند آنها را درپایان اعلامیه مشترك ژوئن ۱۹۸۰ «هیأت رهبری انقلابی واحد» درهفته‌نامهٔ «گرانما» چاپ‌کوبا در۲۹ ژوئن ۱۹۸۰ وروزنامهٔ «الدیا» چاپ مکزیکوسیتی در۱۹ و۲۰ ژوئن ۱۹۸۰ پیداکند. شعار«هیأت رهبری انقلابی واحد» را نیزمی‌توانید درپایان همان اعلامیه پیداکنید.

دررابطه با سند F ، یك اشتباه تاریخی درانتقال اطلاعات از سند E صورت‌گرفته است. طبق سند E ، سلاحهای ویتنامی طی اولین ۵ روزماه سپتامبر برای حمل آماده خواهد شد، ودرحالی‌که درسند F گفته شده‌که این سلاحها در۵ سپتامبردر«اسمرالدا» (که‌به‌گفتهٔ تحلیلگرکتاب سفید همان‌کوبا است) خواهد بود. همچنین روشن است‌که به‌دنبال لیست‌بندی سلاحهای آمده ازویتنام، شخص تایپ‌کنندهٔ‌گزارش، دست به‌لیست بندی سلاحهای آمده ازاتیوپی می‌زند، وسپس برمی‌گردد ودرزیربخش ویتنام ــ اما درهمان سطرمثل اتیوپی ــ کلمهٔ «۶۰ تن»را می‌گذارد. اگرتایپ‌کننده «۶۰ تن» را قبلاازشروع بخش «اتیوپی» می‌گذاشت، دومورد دریك سطرواقع نمی‌شدند. به‌نظرمی‌رسدکه تایپ‌کننده، کلمهٔ «۶۰ تن» را برای تأکید، بعدازاتمام‌گزارش‌گذاشته است، یا اینکه به‌کارخود ادامه داده وبه‌بخش «اتیوپی» پرداخته است. همچنین، تایپ‌کنندهٔ سند F تاریخ عزیمت سلاحهای اتیوپی به‌کوبا را از۵ اوت به ۱۵ اوت تغییرداده است.

تحلیل بلندکتاب سفید به سند G می‌پردازد، که شرح سفررهبران چریکهای

السالوادوری به‌نیکاراگوا وظاهراً ملاقات یکی ازرهبران جبهه ساندنیست است. براساس اصل اسپانیای سند (ونیزترجمهٔ آن) السالوادوریهای بازدیدکنندهٔ ستاد کل مشترك عملیات نظامی EMGC[5] بودند. درتحلیل کوتاه مقام این بازدیدکنندگان توصیف شده است. اما تحلیل بلند می‌گوید که بازدیدکنندگان «نمایندگان هیأت رهبری انقلابی واحد بودند.» هرکس اصل اسپانیایی سند، یا ترجمهٔ آن را دراین مورد بخواند می‌بیندکه «ستادکل مشترك عملیات نظامی» EMGC باگروه هیأت رهبری انقلابی واحد DRU فرق دارد. شخصی که تحلیل بلند را نوشته، به‌سادگی دوسازمان را قاطی‌کرده است. اماگذشته از سردرگمی تحلیلگر، اهمیت این سند ازنظرکتاب سفید، این است که ظاهراً نشان می‌دهد ساندنیستها موافقت‌کرده‌اند سلاحهای ساخت امریکایی خود را به السالوادوریها بدهند ودرعوض سلاحهای ساخت‌کشورهای‌کمونیستی را پس‌از ورودشان برای السالوادوریها، برای خود بردارند. یکی ازضعفهای این سند در اینجاست‌که درهیچیك ازاسناد دیگر، تعهدی ازطرف یك‌کشورکمونیستی برای دادن اسلحهٔ ساخت‌کشور خود ـ به استثنای تعهد مبهم چکسلواکی در سند E ـ دیده نمی‌شود، اما درتحلیل بلند، بریك تلاش سنجیده برای صدورتنها سلاحهای ساخت امریکا، یعنی سلاحهای اتیوپی وویتنام تأکیدگذاشته شده است.

سند G اشکالات دیگری نیزدارد، مثلا به‌گفتهٔ تحلیل بلند، رهبرچریکهای السالوادور، «گله می‌کندکه ساندنیستها ظاهراً درسرراه تماس السالوادوریها با شخصیتهای مهم جهانی دیدارکننده (ازنیکاراگوا) محدودیتهایی ایجاد می‌کنند» (این ماجرا درجریان سفربه‌مناسبت جشنهای اولین سالگرد سرنگونی سوموزا صورت‌گرفت). آنچه درواقع دراصل سند ونیز درترجمهٔ آن، گفته شده این است‌که ستادکل مشترك عملیات نظامی EMGC بانمایندگان هیأت رهبری انقلابی واحد DRU که قبلا ازآنها وارد ماناگوا شده بودند، ملاقات‌کردند. طی این مباحثات، نمایندگان هیأت رهبری انقلابی واحدگفتندکه ساندنیستها به‌آنها اطلاع داده‌اندکه دیدارهای خود ازسفارتخانه‌ها وساندنیستهای مختلف را هماهنگ نمایند، واین مسئله کاملا با این امرکه «درسرراه تماس السالوادوریها با شخصیتهای جهانی دیدارکننده (ازنیکاراگوا) محدودیتهایی ایجاد می‌کنند»، متفاوت است. تحلیل بلند همچنین می‌گویدکه «بیاردوآرکه» رهبرساندنیست دیدارکننده با آنها، ترتیبی فراهم‌کرد تا باکمیسیون «نظامی ساندنیست» ملاقات کنند. درحقیقت درگزارش آمده است‌که «آرکه» تنها به «ستادکل مشترك عملیات نظامی» گفته است‌که مسئله ملاقات با «کمیسیون نظامی ساندنیست» قبلا

5— Estado Major General Conjonto

مورد توافق قرارگرفته است.

درتحلیل بلند، دراشاره بهسند G نیزیك جعل آشکاربهچشم میخورد، سند چنین میگوید:

> نمایندگان هیأت رهبری انقلابی واحد ، همچنین با یاسرعرفات رهبر سازمان آزادیبخش فلسطین در ۲۲ ژوئیهٔ ۱۹۸۰ در ماناگوا ملاقات کردند، یاسرعرفات قول میدهد که به آنها تجهیزات ، از جمله اسلحه و هواپیما بدهـد .

درسند G اشاره نشدهکه «ستادکل مشترك عملیات نظامی» با یاسرعرفات در۲۲ ژوئیه ملاقات داشته است. کلمهای هم نیزدربارهٔ وعدهٔ عرفات به دادن تجهیزات نظامی، چه اسلحه وچه هواپیما در سند دیده نمیشود.

اشکالات دیگردررابطه با صحت این سند، دراینجاستکه میگوید، ستاد کل مدت یك هفته تمام قبل ازملاقات با نمایندگان هیأت رهبری انقلابـی واحد، وقت صرفکرد، واین بهخاطرایجاد دفترهیأت درماناگوا بودکه (طبق سند D) قراربود بعدازتوافق وحدت مامه گشایش یابد. ظاهراً غیرقابل تصور استکه ستادکل چریکی برای یكهفته تمام، قبل ازملاقات با نمایندگان «هیأت رهبری انقلابی واحد» درماناگوا صبرکند. بهعلاوه درسند مشخص استکـه ستادکل، ده روزقبل ازدیدارآرکه با آنها منتظرماندند، وروشن استکه درضمن با هیچیك ازدیگررهبران ساندنیست ملاقات نکردند. حال، اگرکسی این رفتار را با حمایتکامل ساندنیستها وبظاهردراختیارگذاشتن تسهیلات برای آنها ـ آنچنانکه درسند آمده است ـ مقایسهکند، نتیجه میگیردکه حمایت ساندنیستها درواقع کاملا محدود بـوده است. بهعلاوه، کاملا غیرممکن بهنظرمیآیدکـه ساندنیستها بالاترین رهبران نظامی چریکی السالوادور را ده روز، منتظرنگاه دارد، ویا اینکه «آرکه» تنها رهبرساندنیست باشدکه با چریکها، حتی درزمان برگزاری جشنها، صحبتکند. درادامهٔ تحلیل بلند آمده است:

> در ۲۷ ژوئیه، هیأت ستاد کل از ماناگوا عازم هاوانا شد و در آنجا متخصصان کوبایی آخرین مسائل را در رابطه با نقشههای نظامی طرح شده در توافق وحدت مامه در هاوانا ، مورد بررسی قراردادند.

طبق اصل اسپانیایی سند، ستادکل قصد داشت در۷۲ ژوئیه بههاوانا برود، اما آخرین ورود در تاریخ ۲۳ ژوئیه صورتگرفته وهیچ اشارهای نشدهکه واقعاً آنها بههاوانا رفته باشند. همچنین هدف آنها برای رفتن بههاوانا «بهمنظوربیشتر روشنکردن پروژه» درسند منعکس شده، اما دلیلی درسند وجود نداردکه نشان

دهد جملهٔ مذکوربه‌معنی «نقشه‌های نظامی طرح شده درتوافق و وحدت ماه مه درهاوانا» باشد. سرانجام اینکه، دراصل اسپانیایی سند، هیچ اشاره‌ای نشده، که آنها ترتیبات سفربه‌هاوانا، مثلاگرفتن بلیط و ویزا را فراهم‌کرده باشند.

تحلیل بلند دربذکرتاریخ حوادث می‌گوید:

> در اواسط اوت ۱۹۸۰ ، سفر شافیك‌هندل برای خرید اسلحه به نتیجه می‌رسد، و در ۱۵ اوت ۱۹۸۰ ، سلاحهای اتیوپی عازم کوبا می‌شود.

تنها نشانهٔ حمایت‌کننده ازاین اظهارات درسند F پیدا می‌شود (همان سندی که رهبر«ارتش انقلابی خلق» ـ ERP ـ شعارسازمان «نیروهای آزادیبخش خلق» ـ FPL ـ را بجای سازمان خود نوشته است) ودرآن‌گفته شده‌که سلاحهای اتیوپی «در۱۵ اوت قراربود عازم هاوانا شود»، اما برخلاف اظهارات موجود، درتحلیل بلند هیچکدام ازاسناد نمی‌گویندکه سلاحهای اتیوپی واقعاً آن‌کشوررا به‌قصدکوبا ترك‌کردند. سپس تحلیل بلند می‌گوید:

> قرار است سه هفته بعد ، ٦۰ تن سلاحهای امریکایی فرستاده شده از ویتنام وارد کوبـا شود .

این اظهارات، براساس همان سند F استواراست‌که می‌گوید: «آنها در۵ سپتامبردراسمرلادا خواهند بود» اما سند E (که سند F براساس آن استوار است) تنها می‌گویدکه محمولهٔ سلاحها ازویتنام طی «اولین پنج روزسپتامبر» برای حرکت حاضرخواهند شد، نه‌اینکه در۵ سپتامبربه کوبا خواهند رسید. تحلیلگرکتاب سفید به‌سادگی همان اشتباه شخص جعل‌کنندهٔ سند F را دنبال می‌کند، زیرا باید این سند را نیزباکل سناریوی جعل اسناد تطابق دهد.

سپس تحلیل بلند چنین می‌گوید:

> چریکها ، در نتیجهٔ سفر هیأت السالوادوری به عراق در اوایل سال ، یك کمك لجستیکی ۵۰۰٫۰۰۰ دلاری دریافت می‌کنند.

پول اهدا شده درحقیقت درسند H ذکرشده، آن‌هم درصورتیکه بـا تحلیلگرتوافق‌کنیم‌که‌کلمهٔ I نشانهٔ عراق IRAQ می‌باشد ودرستی ومشروعیت سند I را نیزکه می‌گوید: دویست هزاردلار، کمك عراق‌به‌منظوراهداف لجستیکی داخل داده شده است، قبول‌کنیم. درمورد سند I ،کلمهٔ «عراق» آمده است، اما سند به«سفریك هیأت السالوادوری به‌عراق دراوایل سال» اشاره‌ای نمی‌کند.

درارابطه با سند H یك اشکال جدی‌تروجود داردکه به‌گزارشی دربارهٔ اجلاس هیأت رهبری انقلابی واحد در۲٤ سپتامبر۱۹۷۰ مربوط می‌شود. درآغاز سند بخشی حاوی نام افراد حاضردراجلاس به‌چشم می‌خورد. درسطر اول نام

«هوگو ــ رنه»، درسطردوم نام «اناماریا ــ مارسیل» ودرسطرسوم نام «جوناس ــ ادواردو» نوشته شده است. ظاهراً بدین خاطرنام این افراد درسطرهای‌جداگانه نوشته شده‌که آنها درآن موقع نمایندگان یا رهبران سه سازمان چریکی عضو «هیأت رهبری انقلابی واحد» بوده‌اند (دراوایل سپامبر مقاومت ملی ــ RN ازهیأت مدیره‌کنارگیری‌کرد). باوجود این به‌نظرمی‌آیدکه نویسنده، درمورد سازمانهای متعلق به «اناماریا» و «مارسیل» دچار سردرگمی وگیجی شده‌است، زیرا دربخش راهنمای اصطلاحات سند H (ودربخش راهنمای اصطلاحات دیگر اسناد) از«اناماریا» به‌عنوان اسم رمزی «اناگوادلوپ مارتینز»، رهبر«ارتش انقلابی خلق» ERP نام برده است، درحالی‌که «مارسیل» را مثل بخش راهنمای اصطلاحات سایراسناد، نام مستعارسالوادور«کاپنتانوکارپیو» رهبرگروه چریکی نیروهای آزادیبخش خلق FPL می‌داند.

اما این سردرگمی به همانجا ختم نمی‌شود. درراهنمای اصطلاحات‌گذشته ازرنه RENE به‌عنوان اسم مستعاررهبرچریکی‌گروه مقاومت ملی RN نام برده شد، وهمانطورکه‌گفتم این‌گروه، قبل ازتاریخ این اجلاس، ازهیأت رهبری انقلابی واحد،کناره‌گیری‌کرده بود. دربخش راهنمای لغات واصطلاحات سند H به «رنه» به‌عنوان رهبرگروه مقاومت ملی، مثل سایراسناد قبلی، اشاره نشده است. اگراین سند، صحت داشت، «رنه» احتمالا به‌رهبر«ارتش انقلابی خلق» ERP «جواکین ویلا لوبوس» اشاره‌می‌کردکه نام سازمانی‌اش «رنه‌کروز» بسیارمعروف است. مسئلهٔ دیگری نیزهست‌که به‌ادعای تحلیلگربرای نشان دادن «رنه» به‌عنوان اسم رمز«مقاومت ملی» لطمه وارد می‌کند. اولین پاراگراف سند، به‌مرگ تصادفی مسئول اول «مقامت ملی» مربوط می‌شود وازاو به‌عنوان رفیق «نتو» NETO یاد شده‌که نام سازمانی معروف «ارنستو جاول» رهبراصلی گروه مقاومت ملی است. درآن زمان‌گزارش شدکه «ارنستو جاول» دریك سانحهٔ هوایی‌کشته شده است. بدین‌ترتیب، «اناماریا» درصورتی‌که نام رهبر «ارتش انقلابی خلق» باشد باید درهمان سطری باشدکه نام «رنه» نوشته شده و نه درسطری‌که «مارسیل» نام رهبر«نیروهای آزادیبخش خلق» آمده است واگر «رنه» نام «مقاومت ملی» باشد، باید دریك چنین اجلاسی حضورنمی‌داشت.

تحلیل بلند چنین ادامه می‌دهد:

> در اواسط سپتامبر ، مقادیری اساسی از سلاحهای وعده داده شده به هندل ، در راه کوبا و نیکاراگوا خواهد بود. هماهنگ‌کنندهٔ لجستیکی چریکها در نیکاراگوا ، در ۲٦ سپتامبر به ستاد کل مشترك خود اطلاع داد که ۱۳۰ تن از سلاحها و دیگر وسایل نظامی کشورهای کمونیستی وارد

> نیکاراگوا شده، تا از آنجا به السالوادور حمل شود.
> برابر اسناد به‌دست آمده ، این مقدار ، یك ششم سلاحهای وعده داده شده به توسط کشورهای کمونیستی به چریکهاست.

اظهارات فوق ازسند I گرفته شده‌که ظاهراًگزارشی است پیرامون اجلاس ستادکل مشترك EMGC . سند، خود بخش دیگری است، وازبقیهٔ گـزارش، چیزی بهما گفته نمی‌شود. درتفسیرمقدماتی سند، با قاطعیت‌گفته می‌شودکه این گزارش، درتاریخ ۲٦ سپتامبر۱۹۷۰ تهیه شد. درخود أصل اسپانیایی سند تاریخی دیده نمی‌شود. به‌علاوه، درمتن ترجمه، تاریخ ۲٦ سپتامبردرزیرعنوان سندگذاشته شده، درصورتی‌که دراصل سند چنین چیزی پیدا نمی‌شود. گفته می‌شودکـه شرکت‌کنندگان این اجلاس‌که درالسالوادوربرپا شد «رامون»، «ولادیمر» و «جوناس» بودند، ونام هیچیك ازآنان درقسمت راهنما واصطلاحات به‌چشم نمی‌خورد. دربخش راهنمای اصطلاحات اسناد R, Q, K از«ولادیمیر» به‌عنوان نمایندهٔ لجستیکی هیأت رهبری انقلابی واحد درنیکاراگوا اسم برده شده ونه عضو ستادکل مشترك.

درسند I اشاره به«هماهنگ‌کنندهٔ لجستیکی چریکها درنیکاراگوا» نشده است. همچنین‌گفته نشده‌که ۱۳۰ تن اسلحه «توسط‌کشورهای‌کمونیستی صادرشده است». سند درواقع ذکرمی‌کندکه ۱۳۰ تن سلاح درلاگوس (که ظاهراً به‌معنی نیکاراگواست) انبارشده واین ۱۳۰ تن، یك‌ششم تمام سلاحهای وعده‌داده شده است‌که هیأت رهبری انقلابی واحد، آنها را درلاگوس انبارکرده است. باتوجه به‌همین مطلب است‌که تحلیلگرکتاب سفید درآغازتحلیل، نتیجه می‌گیردکه یکی از«مراحل عمده دررشد دخالت‌کمونیستها» عبارت بوده است از:

> یك سری تماسها ، میان رهبران کمونیست السالوادور و مقامـات اصلی و عمدهٔ چند کشور کمونیستی که منجر به دادن تعهداتی برای صدور تقریباً ۸۰۰ تن از مدرن‌ترین سلاحها و تجهیزات برای شورشیان شده است.

تحلیلگر، یا ازخود اختراع‌کرده ویا چنین فرض می‌کندکه ۷۸۰ تـن سلاحها ازکشورهای‌کمونیستی وارد می‌شود، زیرا تمام یا بخشی ازسلاحهای مذکور دراینجارا می‌توان ازهریك ازکشورهای جهان واردکرد. درسند I هیچ ذکرنشده‌که این سلاحها از«کشورهای‌کمونیستی» وارد می‌شوند.

تحلیلگروزارت‌خارجه به‌دلیل ناتوانی درتکمیل سناریوی خود، نتوانسته است بگویدکه درسند I علاوه برذکروجود ۱۳۰ تن اسلحه درلاگوس گفته شده که چریکها تنها قادربودند از٤ تن ازسلاحهای بظاهردرنیکاراگوا رابه‌السالوادور دربیاورند. به‌همین ترتیب درتحلیل، گفته نشده‌که براساس این‌گزارش، ستاد

کل مشترك درواقع درانجام وظیفه‌اش باناکامی روبرو شده است. درعرض چهل روزگذشته، ستادکل مشترك تنها پنج‌بار، اجلاس داشته است، و در رابطه با اجلاسی که موضوع این‌گزارش است، باید گفت‌که سه‌تن ازاعضای شرکت‌کننده، حتی نتوانستند ترتیبی برای محل برگزاری اجلاس خودشان فراهم آورند. طبق‌گزارش، آنها درپی یافتن‌کافه‌ای بودندکه بتوانند بحثهای انقلابی خود را درآنجا برگزارنمایند.

درتحلیل‌کوتاه، پیرامون این‌اجلاس چنین آمده است: «کمیتهٔ لجستیکی چریکها به‌ستادکل مشترك خود خبرداد» درحالی‌که تحلیل بلند می‌گوید: «هماهنگ‌کنندهٔ لجستیکی چریکها درنیکاراگوا به‌ستادکل خود خبرداد» اگر تعبیرراهنمای لغات واصطلاحات سندهای دیگررا بپذیریم‌که «ولادیمیر» همان هماهنگ‌کنندهٔ لجستیکی درنیکاراگوا است، دو«ستادکل» پیدا می‌شودکه در عرض چهل روز، پنجمین اجلاس را بدون آمادگی امنیتی، بدون محافظ وحتی بدون آماده‌کردن محل اجلاس، برپاکرده‌اند. به‌علاوه سند، هیچگونه اشاره‌ای به‌دادن‌گزارشی توسط «ولادیمیر» درمورد وضع لجستیکی نمی‌کند.

سرانجام اینکه، ترجمهٔ انگلیسی‌گزارش‌با ذکرجملهٔ «پایان چکیدهٔ مطالب» به‌آخرمی‌رسد، درحالی‌که دراصل اسپانیایی سند، یك پاراگراف اضافی ۱۶ سطری به‌چشم می‌خوردکه ترجمه نشده است. من صراحتاً می‌گویم‌که باورکردن سند I برایم بسیار مشکل است.

تحلیل بلند درادامه، چنین می‌گوید:

> در سپتامبر و اکتبر تعداد پروازهای هوایی از کوبا به نیکاراگوا به سرعت افزایش یافت. این پروازها ظرفیت اشغال صدها تن بار را داشتند.

درمیان اسناد به‌دست‌آمده هیچ مدرکی دال براین ادعا وجود ندارد وبدین خاطرمن به این سند، مظنون هستم. زیرا چریکهای السالوادورآنقدردرگیر جنگ با خونتای نظامی بودندکه نمی‌توانستند پروازهای مکررمیان‌کوبا و السالوادوررا دنبال‌کرده وثبت‌کنند. اما اگرسازمانهای اطلاعاتی امریکا بـه «افزایش سریع» ظرفیت انتقال «صدها تن» پی‌برده باشند، واگرقرارباشد حرف کتاب سفید را باورکنیم، باید حداقل مقداری از جزئیات این افزایش سریع و ظرفیت انتقال هوایی‌را ذکرنماییم. با توجه به‌جعلیات واختراعاتی‌که قبلا دربارهٔ آنها بحث شد بسیارمشکل است‌که مردم ادعاهای بی‌اساسی نظیراین را باورکنند.

درادامهٔ تحلیل‌کتاب سفید آمده است:

> **در پایان سپتامبر ، دولت ساندنیست‌ها علیرغم درخواست چریکها ،**
> ارسال اسلحه به السالوادور را بعد از اعتراض دولت امریکا به نیکاراگوا

پیرامون حمل اسلحه از طریق هوا ، برای یکماه متوقف کرد.

این اظهارات درسند J مندرج شده وما ازاین سند درهم‌ریخته، بحثی نکرده‌ایم. درمقدمهٔ سند J گفته شده‌که تاریخ سند ۳۰ سپتامبر ۱۹۸۰ است، و خلاصه وچکیده‌ای است از نامهٔ «فرناندو» به «فردریکو». دربخش راهنمای اصطلاحات وکلمات واسامی، معنی هیچکدام ازاین دو اسم نیامده ونام «فرناندو» تنها درپایان سند دیده می‌شود. نام «فردریکو» نیزدرهیچ‌جای سند به‌چشم نمی‌خورد، واصل سندهم بی‌تاریخ است. درست، مثل اسناد قبلی که کلمهٔ «سیمون» را نام «شافیك هندل» دبیرکل حزب‌کمونیست السالوادوردانسته ومدرکی هم دال براین امرارائه نداده است.

درترجمهٔ سند J چندین اشتباه وجود دارد، مثلا جملهٔ «ازهگو دربارهٔ اطلاعات بپرس» به «ازهوگو اطلاعات خواست» ونیزجملهٔ «خانه برده خواهد شد» به «خانه برده شد» ترجمه شده است. به‌علاوه سند ازیك نقشه‌کاری سخن می‌گویدکــه ساختن توپهای ۱۲۰ میلیمتری را دربرمی‌گیرد. من متخصص قطعات توپخانه نیستم. اما این یك پروژهٔ بسیاربلندپروازانه دررابطه بــا تولید داخلی به‌نظرمی‌رسد.

هدف این سند، گرچه جعلی است، نشان می‌دهدکه فشارامریکا باعث شده تا ساندنیستها تحویل سلاحها به‌السالوادوریها را علیرغم نیازآنها بدان، متوقف سازند. درادامهٔ تحلیل بلند، چنین آمده است:

> هنگامی که ارسال محموله‌های سلاح در اکتبر آغاز شود هنوز بیش از ۱۲۰ تن اسلحه و مواد جنگی در نیکاراگوا و حدود ۳۰۰ تا ٤۰۰ تن در کوبا وجود خواهدداشت.

این ادعا با توجه به‌سند K به‌عمل آمده‌که یك نامهٔ دستنوشت سه‌صفحه‌ای است‌که ازسوی ولادیمیر (یا به‌قول آنها) نمایندهٔ لجستیکی هیأت رهبری انقلابی واحد در (نیکاراگوا) برای رهبری «هیأت رهبری» درالسالوادوردررابطه با جریان ارسال سلاح از نیکاراگوا برای چریکها، فرستاده شده است. دراصل اسپانیایی‌سند، فقط‌گفته شده‌است محموله‌های اضافی‌که قراراست‌وارد «اسمرالدا» شود به‌حدود ۳۰۰ تا ٤۰۰ تن می‌رسد، اما نمی‌گوید آیا این سلاحها وارد شده است یا نه؟

درتحلیل‌کوتاه، چنین آمده است‌که این نامه (سند K) خطاب به ستادکل مشترك نوشته شده، اما درواقع، گیرندهٔ نامه، هیأت رهبری انقلابی واحد بوده است. همچنین دراین سند، اشاره نشده‌که «محموله‌های اسلحه مجدد، درماه اکتبرارسال شد». سند ازطرحهایی سخن می‌گویدکه به‌ارسال سلاحها طی ماه

نوامبراشاره می‌کند، ورئیس تدارکات احتمالاًگمان‌کرده است‌که حمل ونقل ۱۰۹ تن سلاح مورد نظرنیکاراگوا، غیرممکن است.

تحلیل‌کوتاه با ذکراسناد O, N, M, L درمطلبی تحت عنوان «سپتامبر ــ اکتبر۱۹۸۰» می‌گوید: «چریکها دست به‌تهیهٔ مقدمات برای ارسال سلاح و تجهیزات به‌السالوادورازطریق زمین، هوا ودریا زده‌اند». دررابطه با زمان سپتامبرــ اکتبربایدگفت‌که سند I اصلاً تاریخ ندارد، اما درآن از«۲۷ سپتامبر گذشته» به‌عنوان تاریخ برگزاری اجلاس یاد شده است. سند I شامل سه‌صفحهٔ یادداشت دستنویس می‌شودکه لیست سلاحها بدون ذکرتاریخ، درآن آمده است. این مسئله، ظاهراً می‌تواند به‌ارسال محموله‌های سلاح، درهرزمانی ازتاریخ ده سالهٔ جنگ چریکی السالوادورمربوط شود. سند M نیزبدون تاریخ است وشامل ایده‌های‌کلی دررابطه با تدارکات می‌شود. این سند، می‌تواند هرتاریخی را بعدازتشکیل ستادکل مشترك داشته باشد. سند N نیزبدون تاریخ است، وشامل ۳ صفحه یادداشتهای دستنویس دررابطه با سلاح و نحوهٔ حمل آنها می‌شود. درترجمهٔ این یادداشتها نام «تگوسیگالپا» (پایتخت هندوراس) به «کاستاریکا» تغییرداده شده‌که‌کلمهٔ خاصی به‌آن اضافه شده است،که دراصل اسپانیایی سندها به‌چشم نمی‌خورد. هیچ نشانه‌ای درمیان نیست‌که حاکی باشد این یادداشتها در دورهٔ سپتامبرــ اکتبر۱۹۸۰ نوشته شده است. سند O یك یادداشت یك صفحه‌ای ماشین شدهٔ بدون امضاست، تحت عنوان «گزارش‌کوتاه رفیق خوناس مونتوالو» (رهبرارتش انقلاب خلق). تاریخ این سند، می‌تواند درهردوره‌ای بعدازتشکیل «هیأت رهبری انقلابی واحد» درماه مه، تاقبل ازانتخابات ماه نوامبرامریکا باشد. درپاراگراف آخرآمده است‌که مشکلات تدارکاتی باید درالسالوادورحل شود نه درخارج‌کشور.

نکته جالب این سند، دراینجاست‌که این به‌اصطلاح رهبرارتش انقلابی خلق می‌گویدکه احزاب دمکرات مسیحی امریکای مرکزی همانند پاناماییها، ونزوئلاییها، نیکاراگوا‌ییها وکوباییها ازپیروزی ریگان در انتخابات امریکا می‌ترسند. درادامهٔ این تحلیل بلند چنین آمده است:

> به دلیل مشکل بودن حمل این مقدار اسلحه از طریق زمین، نیکاراگوا با حمایت کوبا، شروع بـه حمل این سلاحها از نیکاراگوا به السالوادور کرده است. در ماه نوامبر حدود ۲٫۵ تن اسلحه از طریق هوا، قبل از توقف تصادفی حمل هوایی سلاحها، تحویل داده می‌شود.

درهیچیك ازاسناد، ازحمل هوایی سلاحها یا وجود هرگونه اطلاعات دیگری مبنی براین مسئله و یا اطلاعاتی دال برتحویل ۲٫۵ تن اسلحه، ویا

حادثه‌ای که باعث شد حمل هوایی سلاحها متوقف گردد، ذکری به‌عمل نیامده است. والبته تحلیل، نیزهیچ مدرکی مبنی برتایید «حمایت کوبا» ازحمل هوایی سلاحها ارائه نمی‌دهد. درصورت مرورگزارش مطبوعات درمورد السالوادور ونیکاراگوا، طی ماههای اکتبر، نوامبر ودسامبر، هیچگونه اشاره‌ای راجع به حادثهٔ هوایی مربوط به‌حمل سلاحها به‌چشم نمی‌خورد. ازطرف دیگر، نمایندهٔ لجستیکی «هیأت رهبری انقلابی واحد» درنیکاراگوا درسند K ، دراول نوامبر نوشت: «ما هنوزمجبوریم درمورد شیوهٔ راه‌حل هوایی فکر کنیم.»

درادامهٔ تحلیل بلند، ازیـک ایستگاه رادیویی چریکی به‌نام «رادیـو آزادیبخش»[6]، که ظاهراً در۱۵ دسامبر۱۹۸۰ ازداخل نیکاراگوا برای السالوادور شروع به‌پخش برنامه کرد ذکری به‌عمل می‌آید. تحلیل بلند چنین می‌گوید:

«ساندنیستها در پرداخت هزینهٔ یك ایستگاه رادیو انقلابی ، طبق اسناد به دست آمده ، سهیم هستند.»

تحلیل کوتاه، دررابطه با رادیو چریکهای السالوادوری می‌گوید کـه رادیوی مذکور«باکمك کوبا ونیکاراگوا» تأسیس شد.

اشاره به‌این رادیو، درسند P ،که ظاهراً نامه‌ای از «هیأت رهبری انقلابی واحد» درالسالوادوربه‌نمایندگان هیأت رهبری درنیکاراگوا درتاریخ ۲۹ اکتبر ۱۹۸۰ می‌باشد، به‌چشم می‌خورد. دراین نامه، مسئلهٔ ضرورت تاسیس رادیو «در لاگوس» ونیزمسئله «ضرورت درخواست کمك وهمکاری» جزیره «ولاگوس» مورد بحث قرارگرفته است. به‌علاوه، همان سند، ازدوپروژهٔ رادیویی دیگر بحث می‌کند،که هردو برای عملیات داخل خود السالوادورطرحریزی شده ونیزسند مذکورفاش می‌کندکه ERP ازقبل، یك ایستگاه رادیویی با امواج کوتاه در مکزیکو ورادیوی دیگری نیزدرالسالوادورداشته است. (من درتحقیقات خود درروزنامه‌ها، پی‌بردم که ERP یك رادیوی مخفی داشته که ازاوایل ژانویه ۱۹۸۵ کارخود را آغازکرده است). کتاب سفید، ذکری ازدو پروژهٔ رادیویی دیگر، یعنی ایستگاه موجود ERP درالسالوادورومکزیکو به‌عمل‌نمی‌آورد، تابدین‌ترتیب اذهان را به‌استفادهٔ چریکهای السالوادوری ازخاك نیکاراگوا متوجه کند، ومسئلهٔ طرح تقاضای کمك ازکوبا ونیکاراگوا را طوری تحریف کندکه نشان‌دهدکمك واقعاً صورت‌گرفته است.

اشتباه دیگردررابطه با سند P ، درمقدمهٔ کوتاهی‌که برسند نوشته شده بچشم می‌خورد. این مقدمه، در۲۹ اکتبر۱۹۸۰ نوشته شده است.

6– Radio Liberacion

درپاراگرافی که درتحلیل بلند، به‌بحث ایستگاه‌رادیویی چریکها می‌پردازد، چنین آمده است:

> در ماه دسامبر ، چریکهای السالوادور ، به تشویق کوبا ، طرحهایی را برای آغاز یك حملهٔ همه‌جانبه در اوایل ۱۹۸۱ پیاده کردند. برای افزایش حمایت موردلزوم، ساندنیستها مسئلهٔ حمل‌هوایی اسلحه به‌السالوادور را زنده کردند. شورشیان السالوادور اعتراض کردند که نمی‌توانند جریان روبه گسترش سلاحها را جذب کنند، اما اعضای ارتباطی چریکها درماناگوا آنها را تشویق کردند تا تلاشهای خود را افزایش دهند، زیرا کشورهای اروپای شرقی کمك بی‌سابقه‌ای به آنها می‌کنند.

آخرین تاریخهای موجود دراسنادکتاب سفید به‌ماه نوامبرمربوط می‌شود. بنابراین کلمه‌ای دال بر نقشهٔ چریکها دردسامبربرای آغازیك حملهٔ همه‌جانبه در اوایل ۱۹۸۱، ونیزتشویق کوبا وهمچنین حمل هوایی سلاحها توسط ساندنیستها برای السالوادور، درآنجا دیده نمی‌شود، مسئلهٔ لجستیکی مذکوردرپاراگراف بالا به‌اسناد ماه نوامبرمربوط می‌شود ونه‌دسامبر.

هیچ کلمه‌ای دال برتأیید این مسئله که عملیات چریکها نمی‌توانست «جریان روبه‌گسترش سلاحها» را جذب کند، در«کتاب سفید» دیده نمی‌شود. درحقیقت، درسند S که ظاهراً نامه‌ای ازهیأت رهبری انقلابی واحد به‌نمایندهٔ لجستیکی آن درالسالوادوراست وزودترازه۱۸ نوامبرنوشته نشده، چریکها ازمسئلهٔ سوءظن درمورد حمل سلاح ازنیکاراگوا درآن زمان، به‌طورجدی اظهارنگرانی می‌کنند.

تحلیل کوتاه، دربحث ازمشکلات لجستیکی، می‌گوید: «درآغاز نوامبر FSLN سلاحهایی بیش ازآنچه چریکها می‌توانند دریافت وتوزیع کنند، برایشان فرستاد. تحلیل کوتاه، همچنین می‌گوید که اسناد Q و R این مسئله را تأیید می‌کنند. درواقع اسناد Q و R مشکلا ت‌هماهنگی میان سیستم حمل ودریافت سلاحها را مورد بحث قرارمی‌دهند. هیچ اشاره‌ای نشده که سلاحهای بیشتری بیش ازحد توان دریافت وتوزیع آنها، به‌توسط چریکها، فرستاده شده است. این‌جعل اسناد، تنها درمورد اهمیت سلاحهای درحال حمل ازنیکاراگوا برای چریکها اغراق می‌کند. تحلیل بلند عمداً تاریخ نوامبررا به‌دسامبرتبدیل می‌کند تانشان دهد به‌حمل این سلاحها با تهاجمی که چریکها درژانویه آغازکردند، همزمان است.

اگربه‌سندسازی اعتقاد داشته باشید، می‌بینید که چریکها درالسالوادور نمی‌توانستند محموله‌های عظیم اسلحه را طی ماه نوامبردریافت کنند. زیرا در سند R (نامهٔ دهم‌نوامبرهیأت رهبری انقلابی واحد به‌نمایندهٔ لجستیکی خودشان در

نیکاراگوا) گفته شده‌که «سلاحهای دریافت شده بعدازورود موفقت‌آمیزشان، ازنوع اف ٤٧٢، ٤ آر. پی ۲، ام‌ــ۳ می‌باشد». اگر مسئله به‌این مفهوم باشد که سلاحهای موردنظر ازنوع تفنگهای ٤٧٢ ج به‌علاوه مهمات مورد نظراست (حرف «اف» می‌تواند به‌جای‌کلمه اسپانیایی «فوسیل» به‌معنی تفنگ قــرار گیرد)، بنابراین نمی‌تواند به‌عنوان جریان روبه‌گسترش سلاحها وتحویل آنها به‌چریکها قلمداد شود.

اشکالهایی‌هم دررابطه با ترجمه وتحلیل سند Q وجود دارد. این سند، یك سند دستنویس سه‌صفحه‌ای است‌که ظاهراً به‌صورت‌گزارشی ازطرف یکی از چریکهایی‌که برای بحث برسرمسائل لجستیکی به‌نیکاراگوا رفته بود، به«هیأت رهبری انقلابی واحد» تسلیم شده است. درترجمهٔ پاراگراف دوم سند، کلماتی چون «اوتظاهر کرد»، «من اصرارکردم‌که» وهمه به‌چشم می‌خورد‌که هیچکدام آنها دراصل اسپانیایی سند وجود ندارد. درهمان ترجمهٔ‌کلمهٔ «مشارکت» (در اصل سند) به «مشورت قبلی» (درترجمهٔ سند) وکلمهٔ «این ملاحظه» (دراصل سند) به «مباحثات من» (درترجمهٔ سند) تبدیل شده است. دربخش دیگری از همین ترجمهٔ سند درلیست، یك‌سری سلاحها ومهمات، دستکاری شده وجملهٔ «۸۸٤٦۰ گلوله برای تفنگها» به «۸۸٤٦۰ گلوله برای هرتفنگ» تبدیل شده است. درهمین ترجمه، کلمات «دوتن» و«سه‌تن» دیده می‌شود‌که هردو رقم در اصل سند، ذکرنشده است. سرانجام ترجمهٔ سند Q با ذکر کلمهٔ «باکمال احترام، رودریگو» امضا شده است، درحالی‌که این‌کلمه، درهیچ‌جای آخراصل اسپانیایی سند Q به‌چشم نمی‌خورد.

دررابطه با سند Q، ترجمه نتوانسته است تعداد وحروف پاراگرافها در اصل سند را رعایت‌کند.

بخشهایی ازاصل سندکه بیشترغیرخواناست درترجمه به‌طورآشکارآمده است. عبارتی تحت عنوان «این نشان می‌دهد‌که شناسایی خوبی به‌عمل آمده» درترجمه دیده می‌شود‌که دراصل سند به‌طورکلی وجود ندارد. هیچ راهی وجود ندارد مگراینکه‌گفته شود اسناد «به‌دست آمده» R و S کپی‌کاربن شدهٔ سند اصلی است، زیرا سندهای اصلی می‌باید به‌نیکاراگوا رفته باشد.

ترجمهٔ سند S نشان می‌دهد‌که این سند ظاهراً نامه‌ای است از«هیأت رهبری انقلابــی واحد» به‌نمایندهٔ لجستیکی‌اش درنیکاراگــوا ودربالای آن‌کلمــهٔ «السالوادور، چهارشنبه ۱۹ نوامبر۱۹۸۰» ذکرشده، اما دراصل سند، چنین چیزی دیده نمی‌شود.

تحلیل بلند، دوحادثه را درژانویهٔ ۱۹۸۱، که درمطبوعات هم به‌طورمفصل

گزارش شد، به‌عنوان دلیل حمل هوایی سلاحها به‌السالوادور توصیف می‌کند:

> در ۲٤ ژانویهٔ ۱۹۸۱ یك هواپیمای «کسنا» از نیکاراگوا بعد از پیاده کردن مسافران و احتمالا اسلحه‌ها، در السالوادور در باند فرودگاه، با زمین برخورد می‌کند. دومین هواپیما به توسط نیروی هوایی السالوادور، سرنگون شده و خلبان و تعدادی سلاح به‌دست آنها می‌افتد. خلبان قبول می‌کند که کارمند «خط هوایی ملی نیکاراگوا»ست، و اعتراف می‌کند که پرواز در اصل از فرودگاه بین‌المللی ساندینو در ماناگوا حرکت کرده است. بعداً نیز می‌پذیرد که قبلا دو نوبت به همین طریق، سلاح حمل کرده است.

دررابطه با حادثهٔ هواپیمای «کسنا» باید پرسیدکه چرا تحلیلگرمعتقد است سلاحها احتمالا پیاده شده، درحالی‌که می‌گوید مسافران درواقع پیاده شده بودند. باید اندیشیدکه اگرناظران، پیاده شدن مسافران را دیده باشند احتمالا پیاده‌کردن سلاحها یا حداقل پیاده‌کردن جعبه یا نظایرآن را نیزباید دیده باشند. می‌شود شك کردکه تحلیلگرگزارش سانحهٔ هواپیمای «کسنا» را خوانده وسپس به‌منظورتأکید بروجود راه حمل هوایی، موضوع «سلاحها» را نیزبه‌همراه این حادثه در«کتاب سفید» آورده است. دررابطه با هواپیمای دوم، تحلیلگراشاره نمی‌کندکه خلبان‌کاستاریکایی است وهواپیما درواقع، ده روزقبل ازتصرف آن به‌توسط السالوادوریها، کاستاریکا را ترك کرده بود.

تحلیل بلند درادامه، چنین می‌گوید:

> ارسال اسلحه از طریق هوا، یك نقش اصلی را به‌عهده دارد، اما رخنه از طریق زمین و دریا نیز ادامه می‌یابد. کشتیهای کوچك که در چندین بندر نیکاراگوا در اقیانوس آرام در خلیج «فونسکا» در شب حرکت می‌کنند، دست به حمل سلاح و مهمات و افراد می‌زنند و طی حملهٔ کلی در ۱۳ ژانویه، دهها چریك کاملا مسلح در ساحل جنوب شرقی السالوادور در خلیج فونسکا، متصل به نیکاراگوا پیاده شدند.

درصورت عدم انجام هرگونه حمل اسلحه ازطرف هوا، تنها می‌توانیم اعتقاد داشته باشیم‌که «تدارك هوایی نقش عمده‌ای به‌عهده دارد». دررابطه با رخنه ازطریق دریا، حادثهٔ ۱۳ ژانویه (تنها حادثه‌ای‌که تاکنون‌گزارش شده) درتحلیل بلند به‌عنوان حقیقت ذکرشده است، درحالی‌که درواقع، این حادثه، چیزی بیش ازیك فانتزی نیست. رئیس جمهوری رژیم نظامی السالوادوردر۱٤ ژانویه اعلام کردکه: «حداقل یکصد چریك خارجی دربیست وچهارساعت‌گذشته درسواحل «آل سوکو» پیاده شده‌اند.» او افزود: «مهاجمین درپنج قایق با ظرفیت ۲۰ تا ۳۰ نفروارد شدند وارتش السالوادورآنها را محاصره کرده وانتظارمی‌رود سرانجام

آنها را قلع وقمع کنند.»

درهمان زمان، رابرت وایت، سفیرامریکا، ادعاکردکه حدود یکصدچریك، ازطرف قایق ازنیکاراگوا درالسالوادورفرود آمده‌اند. همچنین ازقول او در مطبوعات نقل شدکه او شخصاً دربارهٔ تهاجم نیکاراگوا اطلاعات قبلی داشته است. وزارت خارجهٔ امریکا فوراً اعلام‌کرده‌که این تهاجم نشانگرمداخلـهٔ آشکار نیکاراگوا است و«رابرت وایت» درروزنامه «ال‌دیا» چاپ مکزیك در۱٦ ژانویه اعلام‌کردکه به‌دلیل این واقعه، ماهیت مبارزه تغییریافته است، زیرا یك‌گروه کوچك مرکب ازانقلابیون ازسوی خارج، حمایت می‌شوند. به‌گفتهٔ روزنامهٔ «ال‌دیا» خونتای نظامی السالوادوراعلام‌کردکه بیش ازپنجاه نفرازمهاجمان را کشته وبقیه به‌مناطق روستایی‌گریخته وپراکنده شده‌اند. یك مقام دولتی‌گفت: هنگامی‌که زنده دستگیرشوند، مطبوعات می‌توانند ازآنهاگزارش تهیه نمایند. ولی هیچیك ازنیکاراگوییهای دستگیرشده ونیزاجساد پنجاه نفرکشته شده، به‌نمایش‌گذاشته نشد. درضمن، وزیردفاع السالوادور گفت، یك قایق ساخت خارج را تصرف‌کرده، اما این قایق طبق نشانه‌های موجود برآن، یك قایق ماهیگیری هندوراسی ازکاردرآمد. روزنامهٔ «ال‌دیا» اخباری ازالسالوادوربه‌چاپ رساندکه مهاجمان را مثل اهالی نیکاراگوا، پاناما یاکوبا سیاه وبلندقد، توصیف‌کرده است. همچنین به‌نقل ازیك مقام نظامی السالوادورنوشت‌که «همهٔ ما اهالی امریکای مرکزی به‌هم شبیه هستیم». هنگامی‌که مسئلهٔ یکصد مهاجم نیکاراگوایی دروغی و خیالی ازکاردرآمد، روزنامهٔ «اینترنشنال هرالدتریبون» (۲۱ ژانویه ۱۹۸۱) نوشت‌که: «مقامات امریکایی درسان‌سالوادورمی‌گویندکه آقای وایت بیش ازحد به‌تهاجم فرض شده تأکیدگذاشت ودیگرهمانند روزهای اولیه، دراین‌باره فکر نمی‌کند». کتاب سفید، یك ماه بعد، تهاجم را یك حقیقت غیرقابل بحث توصیف می‌کند.

تحلیل بلند چنین می‌گوید:

> انتقال اسلحه، از راه زمین از طریق هندوراس از نیکاراگوا و کاستاریکا، ادامه می‌یابد. در اواخر ژانویه، نیروهای امنیتی هندوراسی پرده از یك عملیات انتقال اسلحه برداشتند که به توسط السالوادوریهای مشغول به‌کار در نیکاراگوا و به رهبـری کوباییها انجام می‌گرفت و یك کامیون تریلر اسلحه و مهمات را برای چریکهای السالوادوری حمـل می‌کرد. این سلاحها در برگیرندهٔ ۱۰۰ تفنگ ام‍ـ۱٦ ساخت امریکا و مهمات خمپاره‌انداز ۸۱ میلیمتری می‌شد. این سلاحها، بخشی از سلاحهای حمل شده از طریق ویتنام است. و از علامت باقیمانده روی تفنگهـای ام‍ـ۱٦ چنین آشکار می‌شود که تعدادی از این تفنگها برای نیروهای

امریکایی در ویتنام فرستاده شده بود و در آنجا بهدست ویتنامیها افتاد و یا جاگذاشته شد. با استفاده از این شبکه، شاید پنج تریلر حامل اسلحه به چریکهای السالوادوری رسیده باشد.

چیزی راکه تحلیل بلند نتوانسته است دربارهٔ این محمولههای بهدست آمده بهآن اشاره کند، اطلاعاتی است که ازشمارهٔ ۱۲ فوریه ۱۹۸۱ روزنامهٔ Inforpress Centro Americana وهفتهنامهٔ خبری جدی ومعتبر گواتمالا بهدست آمده است. محمولهها درکاستاریکا بارگیری شد، واز طریق نیکاراگوا ازراه زمینی عبورکرده وبعداً درهندوراس بهدست مأموران دولتی افتاد. بهنوشتهٔ روزنامهٔ فوقالذکر، سفیرامریکا درهندوراس گفته است که نمیتوان نیکاراگوا را بهخاطرحمل سلاحها سرزنش کرد، زیرا ممکن است این محموله، بدون اطلاع مقامات نیکاراگوا ازخاك اینکشور گذشته باشد. در اعلامیهٔ رسمی ارتش هندوراس درارابطه با این حادثه، نامی ازدخالتکوبا دراین جریان برده نشده است. ظاهراً تحلیلگر کتاب سفید نتوانسته است مسئلهٔ «دست داشتن کوبا» دراین جریان را جعل نکند. شگفت اینجاستکه چرا تحلیلگر، پس ازذکرتصرف یکصد تفنگ ام–۱۶ امریکایی میگوید: تنها «چند» تا ازاین سلاحها بهویتنام فرستاده شده وتعداد درست آنها را بیان نمیکند. بویژه اینکه درلیست سلاحهای ویتنامی (سند E و F) نامی ازتفنگهای ام–۱۶ برده نشده است. بهعلاوه تحلیلگر، دلیلی ارائه نمیدهدکه چرا «شاید پنجکامیون اسلحه بهچریکهای السالوادور رسیده باشد»، ونه ۲، ۶، ۱۵ و یا ۵۰۰کامیون. باید این جملات را ازآغاز تحلیل بلند، بیادآوریمکه میگوید:

میتوان از طریق اسناد از نظر تاریخی به مراحل عمدهٔ رشد دخالت کمونیستی (از جمله) تحویل پنهانی حدود ۲۰۰ تن اسلحه، آنهم اغلب از طریق نیکاراگوا، بر السالوادور پیبرد.

دراسنادکلا چیزی دیده نمیشودکه این رقم ۲۰۰ تن را تأییدکند. طی ماههاییکه این تدارك عظیم سلاحها ازخارج برای چریکهای السالوادورصورت گرفت، تنها دوسری محموله اسلحه، حمل شد. یکی هواپیمای سبکی بودکه از کاستاریکا حرکتکرد وقبل ازورود بهالسالوادور توقفکوتاهی درنیکاراگوا نمود، ودیگر کامیونیکه ازطریقکاستاریکا ونیکاراگوا اسلحه، حمل میکرد.
این دو مورد، ظاهراً صحت اسناد مربوط بهانبارسلاحها درنیکاراگوا (لاگوس) راکه بویژه دراسناد I و Kآمده است، مخدوش میکند.
اگرسلاحهای مذکور، چنانکه کتاب سفید میگوید، ازطریق هوا بهنیکاراگوا فرستاده میشد، بعید بهنظرمیآمدکه نیکاراگوابیها، سلاحی را بهطرف جنوب

حمل کرده، وازآنجا تمام راه را درامتداد نیکاراگوا به‌طرف شمال به‌هندوراس برگردانند وسپس برای حمل نهایی آنها را به‌طرف غرب، یعنی به‌السالوادور بفرستند. وحتی اگراین اسناد را باورکنیم، بازهم نمی‌توانیم به‌رقمی چون ۲۰۰ تن اسلحه که درواقع، درالسالوادور تحویل شده، برسیم. تحلیلگر کتاب سفید با جعل این ارقام، حتی اگراشکالهای قبل را هم ذکرنکنیم، اعتبارنظریات خود را ازبین برده است.

همچنین باید تاکید تحلیل بلند راکه می‌گوید: به‌دست آوردن سلاحها و مهمات بطورعمده تواناییهای نظامی شورشیان السالوادوررا افزایش داده است، با اظهارات رابرت وایت سفیرامریکا درالسالوادور، که آن زمان درالسالوادور خدمت می‌کرد مقایسه نمودکه درمصاحبهٔ ۱۹۸۱ با نشریهٔ «اخبارامریکا وگزارش جهان» اعلام کرد: «تاکنون حمایت کوبا دررابطه با توانایی جنگی چریکها چشمگیرنبوده است.»

نتیجه‌گیری:

۱ــ دراین اسناد، هیچ مدرکی دال برصحت ادعای کتاب سفید، مبنی برحمایت وسیع شوروی ازجنبش چریکی السالوادور، وجود ندارد، ونمی‌توان براساس آنها اثبات کردکه «السالوادور، تبدیل به‌صحنهٔ آزمایش تجاوزمسلحانهٔ غیرمستقیم قدرتهای کمونیست ازطریق کوبا شده است.»

۲ــ قسمتهای عمده وحساس این اسناد، نشان می‌دهدکه این موارد، جعلی است ودراین رابطه، می‌توان به‌موارد زیراشاره کرد: اشارهٔ سند B به‌توافق وحدت ماه مه ۱۹۸۰ چریکها در«هاوانا». سند E و F درمورد اسلحه ازطرف دبیرکل حزب کمونیست السالوادور وهنگام سفراو به‌کشورهای سوسیالیست، واشارهٔ سند A به نقش کوبا درمورد توافق وحدت چریکها تحت رهبری فیدل کاسترو در دسامبر۱۹۷۹ درهاوانا. سازمان سیا می‌تواند همهٔ این ۱۹ سند را با همکاری مقامات امنیتی السالوادورجعل کرده وآنها را درمیان اسناد به‌دست آمدهٔ واقعی گذاشته باشد. این اولین باری نیست که سیا دست به‌یك‌چنین کارهایی می‌زند.

۳ــ خطاها، جعلیات، صحنه‌سازیها ودعاوی دروغین موجود، درتحلیل «کتاب سفید» آن را به‌کمترازیك عمل تبلیغاتی صرف تبدیل می‌کند. دررابطه با چنین موردی می‌توان به مسئلهٔ صدوراسلحه به‌توسط شوروی وکوبا به‌چریکهای السالوادوراشاره کرد. همانطورکه همه می‌دانند، قدرت خارجی اصلی واردکنندهٔ اسلحه برای جنگ داخلی السالوادور، خود ایالات متحده امریکاست. ادعای کتاب سفید مبنی بروجود مدرك «بی‌چون‌وچرا»، توهینی بیش نیست.

به‌عنوان آخرین فکر، می‌خواهم گزارش ششم مارس ۱۹۸۱ روزنامهٔ «اونو مااونو» چاپ مکزیکوسیستی را نقل کنم. طبق این گزارش، دولت گواتمالا درپنجم مارس اعلام کردکه «اسناد سیاسی ـ نظامی مهم سازمانهایی را دردست‌داردکه نقش مهم کوبا ونیکاراگوا را درحمایت ازشورشیان ثابت می‌کند». رژیم گواتمالا، برای اینکه ازقافله عقب نماند، مدعی است‌که اسناد، ثابت می‌کندکه سازمانهای چریکی مختلف‌که قبلا به‌طور مستقل درگواتمالا فعالیت می‌کردند، درنیکاراگوا به‌یک توافق وحدت دست یافته ونسخه‌ای ازمتن توافق خود را برای فیدل کاسترو فرستاده‌اند. بیانیهٔ دولت می‌افزایدکه نیکاراگوا تاکنون ۱۸۰۰ تفنگ لول‌کوتاه وده‌هزارحلقه مهمات، به‌گواتمالا فرستاده ودرکوبا ۲۴۳ اردوگاه آموزشی برای انقلابیون گواتمالایی وجود دارد.

من نمی‌توانم صبر کنم تاکتاب سفید «گلاسمن» را درمورد اسناد «به‌دست آمده» گواتمالایی ببینم.

بخش ۸

دخالت کمونیست‌ها در السالوادور
کتاب سفید ـ تحلیل بلند

گزارش ویژهٔ شمارهٔ ۸۰، ۲۳ فوریهٔ ۱۹۸۱
وزارت امور خارجهٔ امریکا، دفتر امور عمومی، واشنگتن‌دی،سی

فهرست مطالب:

خلاصه

این گزارش ویژه، حمایت نظامی پنهانی اتحاد شوروی، کوبا، ومتحدان کمونیستی آنها را ازچریکهای مارکسیستی که اکنون مشغول جنگ برای سرنگونی دولت قانونی السالوادورهستند نشان می‌دهد. مدرك ارائه شده که ازاسناد چریکها ووسایل جنگی آنها به‌دست آمده‌وگزارشات اطلاعاتی صحت آن‌را تصدیق می‌کند، نقش اصلی کوبا ودیگر کشورهای کمونیستی را دراتحاد سیاسی، رهبری نظامی و مسلح کردن نیروهای شورشی السالوادوربیان می‌کند.

با استفاده ازاسناد به‌دست آمده، می‌توان مراحل عمدهٔ رشد دخالت کمونیستی را ازلحاظ تاریخی به‌ترتیب زیرنشان داد:

ـ نقش مستقیم قیم‌مآبانهٔ فیدل کاسترو ودولت کوبا دراواخر۱۹۷۹ واوایل ۱۹۸۰ برای گردآوردن جناحهای گوناگون چریکی السالوادوردر یك جبهه‌واحد.

ـ اعطای کمك وراهنمایی به‌چریکها دربرنامه‌ریزی عملیات نظامی خودشان.

ـ زمینه‌چینی برای ایجاد یك‌سری تماسها، میان رهبران کمونیست‌السالوادور ومقامات مهم چندین‌کشورکمونیستی دیگر، که منجربه اعطای حدود ۸۰۰ تن سلاح وتجهیزات بسیارمدرن به‌شورشیان شد.
ـ تحویل پنهانی حدود ۲۰۰ تن سلاح به‌السالوادوریها ازطریق‌کوبا و نیکاراگوا به‌منظورآمادگی چریکها برای دست‌زدن به‌طرح «تهاجم همه‌جانبه» درژانویهٔ ۱۹۸۱، که با شکست مواجه شد.
ـ تلاش‌گسترده‌کمونیستها برای تهیهٔ سلاحهای ساخت‌کشورهای غربی، به‌منظورایجاد «پوشش» برای دخالت خودشان.

آشکاراست‌که درعرض سال‌گذشته (۱۹۸۰) شورش السالوادور، وارد مرحلهٔ دیگری شده وآن عبارت است ازتجاوز مسلحانهٔ غیرمستقیم قدرتهای کمونیست، ازطریق‌کوبا علیه یك‌کشورکوچك جهان سوم.

برای ایالات متحدهٔ امریکا بسیاراهمیت داردکه مردم امریکا وجامعهٔ جهانی ازوخامت اقدامات‌کوبا، اتحاد شوروی ودیگرکشورهای‌کمونیستی ازطریق یك تلاش بسیارهماهنگ شده وپنهان به‌منظورسرنگون ساختن دولت قانونی السالوادور وتحمیل یك رژیم غیرمردمی‌کمونیستی به‌جای آن، مطلع شوند.

الف: نمونه‌ای ازدخالت نظامی‌کمونیستی درجهان سوم

اوضاع السالوادور، نمونهٔ بارزدخالت نظامی شوروی، کوبا ودیگرکشورهای کمونیستی را دریك‌کشورپرآشوب جهان سوم نشان می‌دهد. کمونیستها، بافراهم کردن اسلحه، آموزش وراهنمایی یك شورش محلی وحمایت ازآن، ازطریق یك مبارزهٔ تبلیغاتی جهانی، به‌کشمکش وتضاد موجود دامن زده وبا شدت بخشیدن بدان، به‌رنج مردم السالوادورافزوده وبیشترمردم جهان را درمورد ماهیت اصلی وواقعی انقلاب فریب داده‌اند.

هدف آنها درالسالوادور، همانند سایرمناطق، این‌است‌که دولت قانونی را سرنگون‌کرده ویك رژیم‌کمونیستی را برخلاف میل مردم السالوادوربه‌آنها تحمیل‌کنند.

چریکها: تاکتیك‌ها و تبلیغات آنها:

چپ افراطی السالوادور، وازجمله، حزب‌کمونیست قدیمی آن وچندگروه مسلح جدید دیگراز۱۹۷٦ راه حل نظامی را برگزیده‌انـد. یك‌سری عملیات تروریستی، بمب‌اندازی، ترور، آدم‌ربایی وتصرف سفارتخانه‌ها، زندگی ملی را مختل‌کرده وجان بسیاری ازمردم بیگناه راگرفته است.

طی سال ۱۹۸۰، جناحهای قبلی پراکندهٔ چپ‌افراطی باهماهنگی اقداماتشان

به‌نفع یك طرح نبرد نظامی مشترك باکمك کوبا، موافقت کردند. رهبران چریکی السالوادور، به‌عنوان اقدامی برای کسب کمك هنگفت کوبا، درماه مه در«هاوانا» گردهم آمده و«هیأت رهبری انقلابی واحد» DRU را به‌عنوان بازوی مسلح اجرایی اصلی خودشان دربرنامه‌ریزی سیاسی ونظامی تشکیل دادند. سپس در اواخر ۱۹۸۰ «جبههٔ آزادیبخش خلق فاراباندومارتی» FMLN را به‌عنوان ارگان هماهنگ‌کنندهٔ سازمانهای چریکی تأسیس کردند. یك سازمان وابستهٔدیگر نیزبه‌نام «جبههٔ دمکراتیك انقلابی» FDR برای امرتبلیغات خارجی به‌وجود آمد. برای حفظ ظاهرنیز، سه حزب سیاسی کوچك غیرمارکسیست ــ لنینیستی وارد این جبهه شدند، هرچندکه در«هیأت رهبری انقلابی واحد» نماینده ندارند.

چریکهای السالوادور، که ازطریق «جبههٔ دمکراتیك انقلابی» FDR سخن می‌گویند، سعی کردند بسیاری را درمورد وقایعی‌که درالسالوادور روی می‌دهد، بفریبند. نیکاراگوا وشبکه‌های جهانی تبلیغاتی کوبا، اتحاد شوروی و دیگر کشورهای کمونیستی به‌آنها کمك کرده‌اند.

هدف تبلیغات چریکهـــا، مشروع جلـــوه‌دادن خشونت خـــودشان وپنهان نگاهداشتن مسئلهٔ کمك کشورهای کمونیستی است. اهداف دیگرآنها عبارت است ازبی‌اعتبارکردن دولت السالوادور، بد جلوه‌دادن سیاستها واقدامات امریکا و کسب حمایت عظیم مردم ازجنبش انقلابی.

نمونه‌هایی ازدعاوی افراطی آنهاکه ازطریق وسایل تبلیغاتی کوبا، شوروی ونیکاراگوا منعکس شده بدین‌ترتیب است:

ــ امریکا درالسالوادورپایگاههای نظامی وصدها سرباز مستقرکرده است (درحالی‌که امریکا درواقع پایگاهی درالسالوادورنداشته وتنهاکمترازپنجاه پرسنل نظامی دراین کشوردارد).

ــ نیروهای امنیتی دولت، مسئول اغلب ده‌هزارکشتگان سال ۱۹۸۰ هستند. (چریکها درگزارش خودشان در۱۹۸۰ ادعاکردند نزدیك ۶۰۰۰ نفرازجمله «خبرچینان» غیرجنگجو، ونیزمقامات دولتی ونظامی کشته شده‌اند).

کوبا واتحاد جماهیرشوروی علاوه برتبلیغات، ازطریق رسانه‌های گروهی، مسئلهٔ شورش‌را درسطح بین‌المللی، درنزد دولتهای بیطرف وافکاررهبران خارجی مطرح می‌سازند. کوبا، شبکهٔ مؤثری برای فرستادن نمایندگان چپ السالوادوربه سراسرجهان دارد. کوبا وشوروی همچنین ازطـــریق بسیج گروههای کمونیستی محلی، به‌بعضی دولتها، بطورغیرمستقیم، فشارمی‌آوردند تا ازانقلابیون السالوادور حمایت کنند.

ب: مداخلهٔ نظامی‌کمونیستی: تاریخ وقایع

گروههای مختلف چریکی السالوادورقبل ازسپتامبر۱۹۸۰ غیرهماهنگ، غیرمجهزوبه‌تپانچه وانواع تفنگهای شکاری مسلح بودند. درآن موقع شورشیان غالباً سلاحهای خود را ازطریق خرید دربازارهای بین‌المللی ودلالانی‌که در تأمین اسلحه برای ساندنیستهای نیکاراگوا نقش داشتند، تأمین می‌کردند.

چریکها تا ژانویهٔ ۱۹۸۱ که «تهاجم همه‌جانبهٔ» خود را آغازکردند، مقادیر قابل ملاحظه‌ای سلاحهای مدرن وتجهیزات تقویتی‌که قبلا درالسالوادور، هرگز نه به‌وسیلهٔ شورشیان ونه‌به‌توسط ارتش مورد استفاده قرارمی‌گرفت، به‌دست‌آوردند. تفنگهای بلژیکی «فال»، تفنگهای آلمانی جی‑۳، یوزی وتفنگ‌گالیل اسرائیلی ازجمله سلاحهایی هستندکه همگی درفهرست تجهیزات چریکها ثبت شده است. علاوه براین معلوم شده‌که آنها بین ۳۰ تا ۵۰ مسلسل‌کالیبر، مسلسل امریکایی ام‑٦، نارنجکهای دستی امریکایی وروسی، نارنجك‌اندازهای امریکایی ام‑۷۹ وچینی آر.پی.جی، وسلاح امریکایی سبك ضد تانك ام‑۷۲ وخمپاره‌اندازهای ۸۱ میلیمتری، دراختیاردارند. ازمهمات به‌دست‌آمده، چنین برمی‌آیدکه چریکها احتمالا خمپاره‌اندازهای ٦۰ میلیمتری و۸۲ میلیمتری و تفنگهای ۵۷ میلیمتری و۷۵ میلیمتری دارند.

مدارك به‌دست آمدهٔ اخیربه‌ما نشان داده است،که‌کوبا،کشورهای‌کمونیستی دیگر، وچند دولت رادیکال، دراتحاد ورهبری نظامی نیروهای شورشی‌السالوادور ومجهزکردن چریکها درعرض‌کمتراز٦ ماه به‌سلاحهای مدرنی‌که آنها را قادر به‌یك تهاجم‌کاملا مسلحانه می‌سازد، نقش عمده به‌عهده داشته‌اند.

این اطلاعات غیرقابل بحث وتردید، درعرض سال‌گذشته به‌دست آمده است. اسناد ومدارك خود چریکها نیزجزئیات مهمی ازاین مسائل را فاش ساخته است. دراین رابطه، بویژه دومحمولهٔ سند مهم ازحزب‌کمونیست السالوادوردرنوامبر ۱۹۸۰ وارتش انقلابی خلق ERP درژانویه ۱۹۸۱ به‌دست آمد. این اسناد، طرحهای جنگی، نامه‌ها،گزارشهای جلسات وسفرها راکه بعضی به‌زبان رمز وبعضی با استفاده ازکلمات «کد» نوشته شده، شامل می‌شود.

بعدازکشف جزئیات ورمزورموزاین اسناد وتطبیق آنها با سایرمنابع اطلاعاتی، رازسلسله حوادث مربوط به‌تهاجم ژانویه ۱۹۸۱ چریکها فاش شد. آنچه به‌دست آمد، الگوی همه‌جاگیراقدام هماهنگ تعدادی ازکشورهای‌کمونیست ورادیکال برای تحمیل یك راه‌حل نظامی درالسالوادوربود.

نقش‌کوبا وکمونیستها درکمك به‌سازماندهی «تهاجم همه‌جانبهٔ» ناموفق اوایل سال جاری را می‌توان ازسلسله وقایع تاریخی زیرکه برمفاد اسناد به‌دست آمده و

دیگرمنابع استواراست، به‌درستی درك کرد.

گامهای ابتدایی:

تاریخ حمایت خارجی ازپایان ۱۹۷۹ آغازمی‌شود. اعضای حزب کمونیست السالوادور، مقاومت ملی FARN ونیروهای آزادیبخش خلق PFL درنامه‌ای همراه با «سلامهای برادرانه ودرودهای انقلابی»، ازفیدل کاسترو به‌خاطر کمکش تشکرمی‌کنند. دراین نامه آمده است «ما باکمك رفقای حزب شما . . . توانستیم توافقی را امضا کنیم که اساس محکم واستوارهماهنگی ووحدت سازمانهای ما را تضمین می‌کند.» این نامه که درهاوانا نوشته شده، به‌توسط رهبران سه سازمان مذکورامضا شده است.

رهبران چریکی درجریان اجلاسی درآوریل ۱۹۸۰ درسفارت مجارستان درمکزیکوسیتی، «خواستهای» خاصی را (احتمالا برای دریافت اسلحه) مطرح می‌سازند. دراین اجلاس، نمایندگان جمهوری دمکراتیك آلمان، بلغارستان، لهستان، ویتنام، مجارستان، کوبا، واتحاد شوروی شرکت داشتند.

«شافیك هندل» رهبرحزب کمونیست السالوادور، دراجلاس ۲۵ آوریل این حزب، ضرورت «تسریع بخشیدن به‌تجدید سازماندهی وقراردادن حزب دریك موضع جنگی را» متذکرمی‌شود. او می‌افزاید: «من با استفاده ازامکانات کمکی اردوگاه سوسیالیسم موافقم. فکرمی‌کنم نظرآنها کاملا مثبت است. ما هنوزازاین مسئله استفاده نکرده‌ایم». اودراشاره به‌واحدکردن جنبش مسلحانه، تأکید می‌کند که: «اندیشهٔ درگیرکردن همه درمنطقه قبلا به‌خود فیدل کاسترو پیشنهاد شده است.» هندل به‌مفهوم واحدکردن جنبش چریکی اشاره‌کرده ومی‌گوید: «فیدل نظرش نسبت به‌این فکر، مثبت بود.»

تماسهای چریکی در هاوانا:

رهبران چریکی السالوادورازپنجم ماه مه تا هشتم ژوئن ۱۹۸۰ درمورد جلساتی درهندوراس، گواتمالا، کاستاریکا، ونیکاراگواگزارش می‌دهند. آنها به هاوانا می‌روند وچندباربا فیدل کاسترو ملاقات می‌کنند. دراین اسناد، ازمصاحبه‌ای با «اریك هونکر» رئیس جمهوری دمکراتیك آلمان در«هاوانا» نام برده شده است. رهبری چریکها درجریان سفرهای خود به‌هاوانا، دوباربا رئیس هیأت مدیرهٔ عملیات ویژهٔ کوبا (عملیات پنهانی، واحد نیروهای ویژهٔ وزارت کشور کوبا) درمورد طرحهای نظامی چریکها بحث می‌کند. به‌علاوه بـا «رئیس مخابرات» کوبا نیزدیدارمی‌کنند.

طی این دوره (اواخرماه مه ۱۹۸۰) «ارتش انقلابی خلق» ERP

به‌دنبال مذاکراتی درهاوانا به‌ائتلاف چریکی پذیرفته می‌شود. سپس ائتلاف مذکور «هیأت رهبری انقلابی واحد» DRU نام‌گرفته وبا فیدل‌کاسترو، درسه نوبت دیدارمی‌کند.

«شافیك هندل» پس ازجلسات هاوانا، در۳۰ ماه مه ۱۹۸۰ عازم مسکو می‌شود. دیگررهبران چریکی السالوادورنیز «هاوانا» را به‌مقصد ماناگوا، ترك می‌کنند. رهبران «هیأت رهبری انقلابی واحد» درجریان دیداراوایل ژوئن، با رهبران انقلابی نیکاراگوا (ساندنیستها) دیدارکرده واین مسائل را مورد بحث قرار می‌دهند: ۱ـ تشکیل یك مرکز فرماندهی «با تمام اقدامات امنیتی» ۲ـ داشتن زمینهٔ بین‌المللی عملیات، تحت‌کنترل ساندنیستها و۳ـ تمایل ساندنیستها به«کمك مادی» وپذیرش «قضیهٔ السالوادوربه‌عنوان قضیهٔ خودشان». این ملاقات با جلسهٔ صرف شام درخانهٔ «هامبرتو» (کــه احتمالا نام هامبرتواورتگا رهبر ساندنیستهاست) به‌اوج خود می‌رسد.

سفرهای رهبر حزب کمونیست السالوادور به شرق:

شافیك هندل دبیرکل حزب‌کمونیست السالوادورازدوم ژوئن تا ۲۲ ژوئیه برای دریافت اسلحه وکسب حمایت ازجنبش، به‌کشورهای شوروی، ویتنام، جمهوری دمکراتیك آلمان، چکسلواکی، بلغارستان، مجارستان واتیوپی سفر می‌کند.

«هندل» دردوم ژوئن درمسکو با «میخائیل‌کوداچکیم»، قائم‌مقام بخش امریکای لاتین، اداره روابط خارجی حزب‌کمونیست شوروی، ملاقات می‌کند، «کوداچکیم» به‌هندل پیشنهاد می‌کند، برای دریافت اسلحه به‌ویتنام سفرکند، ودرضمن خرج مسافرت وی را می‌پردازد.

هندل درادامهٔ سفرهای خود بین ۹ و۱۵ ژوئن ازویتنام دیدن‌کرده و با «له دوان» دبیرکل حزب‌کمونیست ویتنام، «خوان توی» عضو دبیرخانهٔ‌کمیتهٔ مرکزی حزب‌کمونیست، و«تران وان‌کونگ» معاون وزیردفاع ملی ملاقات می‌کنند. ویتنامیها به‌عنوان اولین‌کمك، درمورد تهیهٔ ۶۰ تن سلاح توافق می‌کنند. هندل می‌افزاید: «رفیق پیشنهادکرد، حمل سلاحها ازشوروی وازطریق‌هوا صورت بگیرد.»

هندل از۱۹ تا ۲٤ ژوئن ازجمهوری دمکراتیك آلمان دیدن‌کرده وبه‌حضور «هرمان اکسن» عضو دفترسیاسی می‌رسد.

اکسن می‌گوید: جمهوری دموکراتیك آلمان قبلا ۱۹ تن اسلحه به‌ماناگوا فرستاده است. در۲۱ ژوئیه «اریش هونکر» رهبرآلمان، به‌سفارت این‌کشوردر مسکو، طی نامه‌ای می‌نویسدکه سلاحهای دیگری نیزبرای آنها فرستاده خواهد

شد وجمهوری دمکراتیك آلمان، آموزش نظامی چریکها، بویژه درعملیات پنهانی را به‌عهده می‌گیرد. وی می‌گوید: «گرچه برلین، سلاحهای ساخت غرب را که چریکها به‌دنبال آن هستند، دراختیارندارد معهذا تلاشهای خود را برای یافتن راه‌حلی جهت این مسئله مبذول خواهد داشت.»

هندل از۲٤تا۲۷ ژوئن ازچکسلواکی دیدارکرده وبه‌حضور«واسیل بیلاك» دبیردوم حزب کمونیست چکسلواکی می‌رسد. بیلاك می‌گوید: مقداری سلاح ساخت چکسلواکی راکه دربازارجهانی پخش شده برای آنها فراهم می‌کند تا پی‌نبرند چه‌کشوری سلاحها را به‌آنها داده است. درمورد حمل این سلاحها نیز با جمهوری دمکراتیك آلمان هماهنگی خواهد شد.

هندل از۲۷تا۳۰ ژوئن ۱۹۸۰ به‌بلغارستان می‌رود و با «دیمیتراستانیچف» عضو دبیرخانهٔ کمیتهٔ مرکزی ملاقات می‌کند. بلغارستان توافق می‌کند مقداری سلاح ساخت آلمان (غربی) برای السالوادوریها تهیه‌کند. دراینجا نیزظاهراً تلاش شده، منبع تأمین‌کنندهٔ اسلحه بدین‌وسیله پنهان نگهداشته شود.

هندل از۳۰ ژوئن تا ۳ ژوئیهٔ ۱۹۸۰ درمجارستان، به‌حضور«یانوس کادار» دبیرکل حزب کمونیست می‌رسد وبا «گوئسل» (که احتمالا همان آندراس جینس دبیرامورخارجه کمیته مرکزی است) ملاقات می‌کند. گوئسل وعدهٔ تدارکات رادیویی وچیزهای دیگری را می‌دهد وتمایل مجارستان را برای تجارت اسلحه با اتیوپی یا آنگولا به‌منظورتأمین سلاحهای غربی برای چریکهای السالوادور، اعلام می‌کند. او شخصاً قول می‌دهد مسئلهٔ تجارت اسلحه با اتیوپیها وآنگولاییها را حل‌کند. زیرا می‌خواهد مجارستان، تأمین‌کنندهٔ بخشی ازاین کمکها باشد. علاوه براین، «هندل» موفق می‌شود، ده‌هزاریونیفورم مجارستانی به‌دست آورد.

هندل پس ازآن از۳ تا ٦ ژوئیه به‌اتیوپی می‌رود. وی با سرهنگ «منگیستو هایله ماریام» ملاقات می‌کند وپذیرایی گرمی ازاو می‌شود.

«منگیستو» قول می‌دهد، چندین هزاراسلحه ازجمله: یکصد وپنجاه مسلسل تامسن به‌همراه ۳۰۰ خشاب فشنگ، ۱۵۰۰ تفنگ ام-یك ویکهزارتفنگ ام-۱٤، ومهمات این سلاحها را برای چریکهای السالوادورفراهم‌کند. علاوه براین، اتیوپیاییها قول می‌دهند وسایل یدکی تمامی این سلاحها را تأمین نمایند.

هندل، باردیگردر۲۳ ژوئیهٔ ۱۹۸۰ به‌مسکو بازمی‌گردد ومجدداً ازسوی «میخائیل کوداچکیم» پذیرفته می‌شود. مقام شوروی درخواست می‌کند ۳۰ جوان کمونیستی که اخیراً درشوروی درس خوانده‌اند، درجنگ السالوادورشرکت کنند. هندل، قبل ازترك مسکو، ازشورویها تعهد می‌گیردکه وسیلهٔ حمل سلاحهای ویتنامی را به‌السالوادورفراهم نمایند.

تماسهای بیشتر در نیکاراگوا:

در۱۳ ژوئیه، نمایندگان «هیأت رهبری انقلابی واحد» وارد ماناگوا شدند تا درجشنهای اولین سالگرد سرنگونی رژیم سوموزا شرکت کنند. رهبران هیأت رهبری برای ملاقات با «رفیق بایاردو» (که ظاهراً همان «بایاردوآرکه» عضو هیأت رهبری ساندنیستهاست)، تا۲۳ژوئیه، منتظر ماندند. آنها گله داشتندکه ظاهراً ساندنیستها برسرراه تماس آنان با نمایندگان سایرکشورهای جهان، محدودیت قایل می‌شدند وتقاضا می‌کردندکه تمام تماسها باید ازطریق آنها صورت گیرد. طی این ملاقات، آرکه به‌چریکها فول‌داد برایشان مهمات تهیه‌کند وترتیب ملاقات آنها را با «کمیسیون نظامی» ساندنیستها بدهد. «ارکه» اظهارداشت ازآنجاکه چریکها مقداری اسلحهٔ ساخت کشورهای شرقی دریافت می‌کنند، ارتش ساندنیستی. مقداری ازاین سلاحها را برای خود برداشته ودرعوض سلاحهای ساخت کشورهای غربی تحت اختیارخود را به‌چریکهای السالوادورخواهد داد. (درواقع در ژانویهٔ ۱۹۸۱ ارتش خلق ساندنیست ازاستفاده ازسلاحهای غربی دست برداشته و به‌جانب سلاحهای ساخت شوروی وکشورهای بلوك شرق روی آورد).

نمایندگان «هیأت رهبری انقلابی واحد» با یاسرعرفات رهبرسازمان آزادیبخش فلسطین نیزدر۲۲ ژوئیهٔ ۱۹۸۰ دیدارکردند. عرفات به‌آنها قول داد تجهیزات نظامی ازجمله اسلحه وهواپیما دراختیارشان بگذارد. (یك رهبرچریکی السالوادور، دربیروت دراوت ونوامبربا رهبران الفتح دیدارکرد، سازمان آزادیبخش فلسطین تعدادی ازالسالوادوریهارا درخاورنزدیك ونیکاراگوا آموزش داده است.)

در۲۷ ژوئیه، هیأت ستادکل چریکها ازماناگوا عازم هاوانا شد ودرآنجا متخصصان کوبایی، طرحهای نظامی مربوط به‌اجلاس ماه مه هاوانا را مورد ارزیابی وبررسی نهایی قراردادند.

آغاز تحویل سلاحها:

دراواسط اوت ۱۹۸۰ سفر«شافیك هندل» برای خرید اسلحه، به‌ثمررسید. درپانزدهم اوت ۱۹۸۰، سلاحهای اتیوپی به‌کوبا فرستاده شد. سه‌هفتهٔ بعد قراربود ۶۰ تن سلاحهای امریکایی تحت تصرف ویتنامیها که به‌ویتنام فرستاده شده بود، واردکوبا شود.

درنتیجه سفریك هیأت السالوادوری به‌عراق در اوایل همین سال چریکها حدود پنجاه هزاردلارپول به‌عنوان کمك لجستیکی دریافت کردند. پولها در نیکاراگوا بین ساندنیستها والسالوادوریها توزیع می‌شود.

دراواسط سپتامبر، مقادیرزیادی ازسلاحهای وعده داده شده به‌هندل درراه

کوبا ونیکاراگوا است. در۲٦ سپتامبرهماهنگ‌کنندهٔ لجستیکی چریکها در نیکاراگوا بەستادکل مشترك خبرمی‌دهدکه ۱۳۰ تن سلاح ودیگرتجهیزات نظامی ازکشورهای کمونیستی وارد نیکاراگوا شده تا بەالسالوادورحمل شود. بنابەاسناد بەدست آمده، این‌مقدارسلاح یك‌ششم میزان سلاحهای وعده داده شده بەرهبر چریکها توسط کشورهای کمونیستی است. (توجه: برای پی‌بردن بەعظمت مقدار سلاحهای وعده داده شده باید ذکرکردکه ویتنامیها تنها ٦۰ تن اسلحه ازجمله دو میلیون گلولهٔ تفنگ ومسلسل، ۱٤۵۰۰ گلولهٔ خمپاره، ۱٦۲۰ تفنگ، ۲۱۰ مسلسل، ٤۸ خمپاره‌انداز، ۱۲ موشك‌انداز، و۱۹۲ سلاح کمری بەچریکها تحویل دادند).

درماههای سپتامبرواکتبر، تعداد پروازهای کوبا بەنیکاراگوا بەسرعت افزایش پیدا می‌کند. این پروازها، ظرفیت حمل چندصد تن باررا داشتند.

درپایان سپتامبر، علیرغم درخواست چریکها، مقامات ساندنیست بعداز اعتراض امریکا بەنیکاراگوا بەحمل سلاح ازطریق هوا، تحویل سلاحها را به چریکهای السالوادوربرای یکماه بەتعویق می‌اندازند.

هنگامی که باردیگردراکتبرحمل سلاحها آغازمی‌شود، بیش از۱۲۰ تن اسلحه ومهمات نظامی هنوزدرنیکاراگوا وحدود ۳۰۰ تا ٤۰۰ تن درکوبا وجود دارد. بەدلیل مشکلاتی‌که برسرراه حمل این سلاحها ازطریق زمین وجود دارد، نیکاراگوا با حمایت کوبا، حمل هوایی سلاحها را ازطریق نیکاراگوا بەالسالوادور آغازمی‌کند. درماه نوامبر، قبل ازوقوع حادثه‌ای‌که منجربەتوقف تحویل سلاحها شده حدود ۲٫۵ تن اسلحه ازطریق هوا بەالسالوادوریها تحویل شد.

درماه دسامبر، چریکهای السالوادور، بەتشویق کوبا، طرحهایی برای آغاز یك تهاجم همه‌جانبه وبزرگ دراوایل ۱۹۸۱ پیاده‌کردند. ساندنیستها، برای افزایش حمایت مورد لزوم، حمل هوایی سلاحها را بەالسالوادورمجدداً آغاز کردند. شورشیان السالوادور، اعتراض می‌کنندکه قادربەجذب جریان روبەافزایش سلاحها نیستند، اما اعضای رابط چریکها درماناگوا آنها را بەافزایش تلاشهایشان تشویق می‌کنند، زیرا چند ملت اروپای شرقی کمك بی‌سابقه‌ای بەآنها می‌دهند.

در۱۵ دسامبر۱۹۸۰، یك ایستگاه رادیوی انقلابی ــ بەنام رادیو آزادی[1] ــ ازنیکاراگوا شروع بەپخش برنامه برای چریکها می‌کند رادیوی مذکورمردم‌را تشویق می‌کند، یك شورش وناآرامی عظیم علیه دولت بەراه اندازند. (دراسناد بەدست آمده بەسهیم بودن ساندنیستها درمخارج ایستگاه این رادیوی‌انقلابی اشاره شده است).

1— Radio Liberacion

در۲۴ ژانویهٔ ۱۹۸۱، یك هواپیمای «کسنا» متعلق به‌نیکاراگوا پس ازپیاده کردن مسافران واحتمالا سلاحهای مذکور، هنگام بلند شدن به‌زمین اصابت می‌کند. یك هواپیمای دیگرنیزتوسط نیروی هوایی السالوادورسقوط کرد وخلبان وسلاحهای متعددی به‌دست آنها افتاد. خلبان اعتراف می‌کندکه عضو وکارمند خطوط هواپیمای ملی نیکاراگوا است ومی‌پذیردکه پروازاوازفرودگاه بین‌المللی «ساندینو» درماناگوا حرکت‌کرده است. سپس قبول می‌کندکه درگذشته نیزدر پروازحامل اسلحه به‌السالوادورشرکت داشته است.

تدارك اسلحه، ازطریق هوا، نقش مهمی بازی می‌کند، اما رخنه ازطریق دریا وزمین نیزادامه دارد. کشتیهای کوچك درخارج ازچند بندر نیکاراگوا در اقیانوس آرام با عبورازخلیج فونسکا درشب، به‌حمل اسلحه، مهمات وافراد می‌پردازند. طی حمله وتهاجم نهایی وبزرگ در۱۳ ژانویه، دهها چریك کاملا مسلح درساحل جنوب غربی السالوادور، درخلیج فونسکا، متصل به‌نیکاراگوا، درخاك السالوادورپیاده شدند.

حمل هوایی اسلحه نیزازطریق هندوراس ازنیکاراگوا وکاستاریکا ادامه می‌یابد. دراواخرژانویه، نیروهای امنیتی هندوراس ازیك عملیات حمل اسلحه به‌توسط چریکهای السالوادور، ازطریق نیکاراگوا تحت رهبری کوبا، پرده برداشتند. طی این عملیات، یك کامیون حامل اسلحه ومهمات به‌مقصد چریکهای السالوادوری شناسایی وکشف شد. سلاحها شامل یکصد تفنگ امریکایی ام‌ــ۱۶ وخمپاره‌اندازه۸۱ میلیمتری می‌شد. این سلاحها، بخشی ازسلاحهای ارسال شده به‌توسط ویتنامیهاست. علامت یك تفنگ ام‌ــ۱۶ نشان می‌دهدکه چندین قبضه از این تفنگها برای واحدهای امریکایی درویتنام ارسال شده بودکه بعدازجنگ یا جاگذاشته شده یا به‌دست ویتنامیها افتاد. با استفاده ازاین شبکه، شاید حدود ۵ محمولهٔ کامیون سلاح، به‌چریکهای السالوادوررسیده باشد. فراهم آمدن این سلاحها ومهمات توانایی نظامی شورشیان السالوادوررا به‌نحو فزاینده‌ای افزایش می‌دهد. هنگامی‌که حملات درجریان «تهاجم همه‌جانبه وبزرگ» دردهم ژانویه، سراسرکشوررا دربرگرفت، به‌زودی معلوم شدکه «هیأت رهبری انقلابی واحد» نمی‌تواند میزان خشونت را بدون دادن تلفات وخسارات زیاد انسانی تحمل‌کند. دراواخرژانویه، رهبری هیأت رهبری انقلابی واحد، ظاهراً تصمیم‌گرفت از رویارویی مستقیم بانیروهای دولتی‌اجتناب‌کند وبه‌تاکتیکهای تروریستی پراکندهٔ چریکی‌که ازمیزان تلفات عظیم می‌کاهد، دست‌بزنند.

ج: دولت: درجستجوی نظم ودمکراسی

السالوادور، کوچکترین وپرجمعیت‌ترین کشورامریکای مرکزی است. این

کشورازهنگام کسب استقلال در۱۸۳۸، شاهد بی‌ثباتی سیاسی وفشارمداوم، فقر گسترده وتمرکزثروت وقدرت دردست چند خانواده بوده است. گرچه درسالهای دهۀ ۱۹۶۰ پیشرفت اقتصادی قابل ملاحظه‌ای صورت گرفت، اما سیستم سیاسی در کنترل یك گروه نخبۀ اقتصادی سنتی تحت حمایت ارتش، باقی ماند. طی سالهای دهۀ ۱۹۷۰ هم شکایتهای مشروح مردم فقیر وبی‌زمین ومال‌روبه‌رشد طبقۀ متوسط درحال رشد، با فشارفراوان مواجه شد. السالوادور، برای مدتها، یك کشور متشنج همراه با اختلافات وتضادهای سیاسی، اقتصادی وشخصی بود، که غالب اوقات به‌قتل و کشتار، منجرمی‌شد.

دولت فعلی:

افسران مترقی ارتش السالوادوروغیرنظامیان، با آگاهی ازضرورت ایجاد یك تغییروتحول وترس ازچشم‌اندازیك اغتشاش شبیه به‌نیکاراگوا، دراکتبر۱۹۷۹ رژیم استبدادی ژنرال «کارلوس هوبرتو رومرو»را سرنگون کرده وحدود یکصد افسرارشد محافظه‌کاررا ازکاربرکنار کردند.

بعدازیك دورۀ بی‌ثباتی اولیه، دولت جدید، ائتلافی ازنظامیان شرکت‌کننده درکودتای نظامی اکتبر۱۹۷۹، حزب دمکرات مسیحی وغیرنظامیان مستقل تشکیل داد. این ائتلاف، ازمارس ۱۹۸۰ تحولات اجتماعی وسیعی را شروع کرد: زمینهای بزرگ به‌تعاونیهای روستایی تبدیل شد، بین کشاورزان مستأجر، زمین توزیع شد وتجارت خارجی وبانکها ملی اعلام شد.

چهارگروه مارکسیست ـ لنینیست، علیه دولت السالوادورواصلاحات آن ازخشونت وتروراستفاده می‌کنند. سه‌حزب سیاسی کوچك مارکسیست ـ لنینیستی ـ ازجمله یك حزب سوسیال دمکرات ـ با سازمانهای چریکی وگروههای سیاسی وابستۀ آنها ازطریق «جبهۀ دمکراتیك انقلابی» (FDR) همکاری می‌کنند و اکثرفعالیتهای آنها درخارج السالوادور، جریان دارد.

دولت السالوادور ـ به‌رهبری «خوزه ناپلئون دوارته» یك دمکرات‌مسیحی محترم که ازسوی ارتش در۱۹۷۲ ازانتخابات ریاست جمهوری محروم شد ـ هم‌از سوی راست افراطی وهم ازسوی چپ با مخالفت مسلحانه روبرو شد. بعضی از السالوادوریهای ثروتمند که ازسیاست اصلاحات ارضی «دوارته» ضرردیده بودند، با بهره‌برداری ازروابط خودشان با نیروهای امنیتی وتمایل بعضی ازاعضای این نیرو، به‌استفاده ازمقام آنها، ازفعالیتهای تروریستی علیه حامیان اصلاحات ارضی وبانکی وهمچنین خود دولت، حمایت می‌کردند. یك‌نوع رابطۀ یکرنگی بین تروریسم افراطی دوجناح چپ وراست ایجاد شده بود. هزاران نفر، بدون توجه به‌طبقه، شعار، ملیت ویا سیاستهایشان طی این فعالیتها مرده‌اند. قتل وحشیانه

وهنوزنامشخص چهار راهبهٔامریکایی وقتل دوعضوامریکایی اتحادیه‌های‌کارگری، شهروندان امریکایی را نیزجزو قربانیان این خشونت غم‌انگیز درآورد. امریکا علاقهٔ خود را برای تحقیق‌کامل درمورد این قتل و نیز مجازات عوامل آن اعلام کرده است.

دولت «دوارته» علیرغم مقاومت سخت چپ وراست، اصلاحات ارضی را سخت، دنبال‌کرده واقدامات اضطراری برای رفاه حال تعداد زیادی ازفقرا از طریق مددکاری اجتماعی، طرحهای خانه‌سازی وکمك‌به‌جوامع حاشیه‌نشین درپیش گرفته است.

درجبههٔ سیاسی، به‌رقبای خود عفو عمومی داده وخواستاربرگزاری انتخابات بررسی مجلس مؤسسان در۱۹۸۲ شده ووعده داده است‌که تا اواسط ۱۹۸۳ قدرت را به‌یك دولت منتخب مردمی بدهد.

قانون شکنیهای‌واقعی ومقابله با سیستم قضاوتی ونیز فقدان سرویس خدماتی مؤثر، مانع سیاست دولت مبنی برادامهٔ پیشرفت شده است.

انجام اصلاحاتی‌که بعضی ازآنها تغییرناپذیراست، باعث‌کاهش حمایت مردم ازکسانی شده است‌که معتقدند تنها ازطریق خشونت می‌توان تغییروتحول ایجادکرد.

تعدادکمی ازالسالوادوریها درتظاهرات ضد دولتی، شرکت می‌کنند. تقاضای یك چریك، برای دست‌زدن به‌اعتصاب عمومی، دراواخر ۱۹۸۰ مورد استقبال قرارنگرفت. به‌علاوه دولت «دوارته» تمایل خود را برای مذاکره برسرشرایط روند سیاسی آینده با اعضای دمکراتیك همهٔ نیروهای مخالف نشان داده است. از همه، مهم‌تراینکه دولت، پیشنهاد شورای اسقفهای السالوادورمبنی برمیانجیگری میان دولت وجبههٔ دمکراتیك انقلابی را پذیرفته است.

درمجموع وروی‌هم‌رفته، دولت «دوارته» سخت به‌کارمشغول است وموفق شده تاحدی با مشکلات وخیم سیاسی، اجتماعی واقتصادی مردم السالوادورکه شدیداً نگرانشان می‌سازد، مقابله‌کند.

حمایت امریکا:

دولت السالوادور، درتعهد خود برای انجام اصلاحات ودمکراسی، ازآغاز انقلاب اکتبر۹۱۷۹ ازحمایت سیاسی امریکا برخورداربوده است. ازآنجاکه ما تأکید را بیشتربرکمك به‌مردم السالوادورمی‌گذاریم، اغلب کمکهایمان جنبهٔ اقتصادی داشته است. ایالات متحدهٔ امریکا در۱۹۸۰ حدود ۵۶ میلیون دلار به‌منظوربهبود شرایطی‌که منجربه‌ناآرامی وافراطیگری می‌شد، به‌السالوادورکمك کرد. این مقدار، به‌ایجاد مشاغل، سیرکردن گرسنه‌ها، بهبود وضع بهداشت ومسکن

وآموزش وپرورش وحمایت ازاصلاحاتی که اقتصاد السالوادوررا بازومدرنیزه می کند، کمك کرده است. ایالات متحدهٔ امریکا، بههمکاری خود بادولت‌السالوادور درراه بهبود اقتصادی، عدالت اجتماعی وصلح، ادامه خواهد داد.

ازآنجاکه راه‌حل مسائل السالوادورباید بهدست خود السالوادوریها وبدون خشونت باشد، ایالات متحدهٔ امریکا بهدقت کمك نظامی خودرا محدودکرده است. درماه ژانویه، مشاهدهٔ افزایش دخالت کمونیستی در السالوادور، پرزیدنت کارتر را واداشت تا بهالسالوادور، اسلحه ومهمات تحویل دهد.

د: بعضی نتایج

باتوجه بهآنچه که گذشت، جای هیچ‌شکی باقی نمی‌ماندکه شورش السالوادور، نشاندهندهٔ دخالت وسیع کشورهای کمونیستی خارج امریکای لاتین است.

ـ رهبری سیاسی، سازمانی و مسلح کردن شورش با هماهنگی ونفوذکوبا صورت می گیرد واتحاد شوروی، آلمان شرقی، ویتنام، ودیگر کشورهای کمونیستی ازآن حمایت فعال می کنند.

ـ تحویل سلاحهای فراوان ازسوی این کشورها بهچریکهای السالوادوررا باید با این حقیقت مقایسه کردکه امریکا از۱۹۷۷ تا ژانویهٔ ۱۹۸۱ هیچ نوع‌اسلحه ومهماتی بهنیروهای مسلح السالوادورتحویل نداد.

ـ تلاش زیادی بهعمل می‌آید تا با تهیهٔ سلاحهای ساخت غرب، بـرای عملیات فوق «پوشش» مناسبی ایجادکرده وبا حمایت ازسازمانهای وابسته‌ای چون «جبههٔ دمکراتیك انقلابی» زمینهٔ کسب حمایت سیاسی غیر کمونیستی ازطریق تبلیغات را بهدست آورند.

ـ گرچه بعضی کشورهـای غیر کمونیستی نیزاز (چریکها) حمایت مادی بهعمل آورده‌اند، اما سازماندهی وتحویل این کمکها، نظیرسلاحهای فراوان‌تحویل شده، دراختیارشبکه‌های تحت کنترل کمونیستها قراردارد.

کوتاه سخن، آنکه، شورش السالوادور، درعرض سال گذشته، بطورفزاینده، بهنمونه‌ای ازتجاوزمسلحانهٔ مستقیم قدرتهای کمونیستی ازطریق کوبا تبدیل شده است.

بخش ۹

تاریخ مداخلهٔ خارجی در حمایت از شورش السالوادور (کتاب سفید ـ تحلیل کوتاه)

مقدمه :

سلسلهٔ وقایع تاریخی زیر، براساس اسناد به‌دست آمده ازچریکهای السالوادوری بین نوامبر۱۹۸۰ وژانویهٔ ۱۹۸۱، استواراست. دومجموعهٔ سند بویژه مهم، ازحزب کمونیست السالوادور (PCS) وارتش انقلابی خلق (ERP) به‌دست آمده است. تنها بخش کوچکی از کل اسناد به‌دست آمده دراینجا ضمیمه شده است.

این اسناد هم به‌توسط دولت ایالات متحده وهم دولت السالوادور، مورد تجزیه وتحلیل قرار گرفته است. تحلیلگران دولت امریکا، اسناد راکاملا درست وصحیح می‌دانند، دراسناد نوشته شده، به‌طورمکرراززبان رمزواصطلاحات، استفاده شده است. قبل ازهرسند، یك راهنمای اصطلاحات تهیه شده تا اصطلاحات ورمزهای خاص را شرح دهد.

ـ ۱۶ دسامبر۱۹۷۹

نمایندگان حزب کمونیست السالوادور PCS ، مقاومت ملی FARN ونیروهای آزادیبخش خلق FPL ضمن نوشتن نامه‌ای درهاوانا، ازفیدل کاستروبه‌جهت «کمك» اووکمك رفقای حزبی‌اش به‌ایجاد یك توافق وحدت، میان این گروههای مسلح (نگاه کنید به سند A) تشکرمی کنند.

ـ آوریل ۱۹۸۰

درملاقات با نمایندگان جمهوری دمکراتیك آلمان، بلغارستان، لهستان، ویتنام، مجارستان،کوبا، واتحاد شوروی درسفارت مجارستان درمکزیکوسیتی، درخواستهایی (احتمالا برای دریافت اسلحه) مطرح می‌شود، (نگاه کنید به‌سند B)

شافیك هندل درمسکو با «میخائیل کوداچکین» قایم‌مقام بخش امریکای

ـ ۲۸ آوریل ۱۹۸۰

«شافیك هندل» دبیرکل حزب‌کمونیست السالوادور، دراجلاس کمیسیون سیاسی حزب به‌مسئلهٔ استفاده ازامکانات کمك «اردوگاه سوسیالیست» اشاره‌می‌کند. او می‌گوید: «نظرات آنها فوق‌العاده جالب است». هندل، همچنین مسئلهٔ پیشنهادی «فیدل» را مبنی برتمایل به‌درگیرکردن «همه درمنطقه» (امریکای مرکزی) متذکرمی‌شود. (نگاه‌کنید به‌سند C)

ـ ۱۹ـ۳۱ مه ۱۹۸۰

بعدازمذاکرات هاوانا، ارتش انقلابی خلق به‌عضویت ائتلاف چریکی پذیرفته می‌شود. رهبری ائتلافی‌که «هیأت مدیرهٔ انقلابی واحد» نام دارد، مه‌باربا فیدل کاسترو رهبرکوبا و «اریك هونکر» رئیس جمهوری دمکراتیك آلمان‌که مشغول دیدارازکوبا است ملاقات می‌کند. (سندD) شخصی به‌نام «هومبرتو» نیزدرجلسه، حاضراست وبا اودرمورد توافقهای وحدت مشورت می‌شود.

ـ ۱۹ـ۳۱ مه ۱۹۸۰

رهبری چریکی دوباربا «هیأت مدیرهٔ عملیات ویژهٔ‌کوبا» (DOE ـ عملیات مخفی. نیروهای ویژهٔ واحد وزارت‌کشورکوبا) دیدارکرده وطرحهای نظامی چریکی را مورد بحث قرارمی‌دهد. به‌علاوه آنها با رئیس ارتباطات‌کوبا نیزملاقات می‌کنند (سند D).

ـ ۳۰ مه ۱۹۸۰

شافیك هندل ازهاوانا عازم مسکو می‌شود (سندD)

ـ اول ژوئن ۱۹۸۰

رهبری چریکها، به‌جزشافیك هندل دبیرکل حزب‌کمونیست السالوادور، وارد ماناگوا می‌شود. هیأت مدیرهٔ مشترك FSLN پیشنهاد می‌کند: ۱ـ یك مرکزاصلی برای هیأت رهبری چریکها همراه «باتمام اقدامات امنیتی»، ایجاد شود.

۲ـ بر«مشارکت درشرایط مادی» تاکید شود.

۳ـ قضیهٔ السالوادوررا قضیهٔ خود تلقی‌کنند.

٤ـ تبادل نظر، میان چریکها برقرارشود. هیأت دیدارکننده با «هومبرتو» (که ظاهراً همان هومبرتو اورتگا ازهیأت رهبری جبههٔ آزادیبخش‌ملی ساندنیست FSLN است) شام می‌خورد (سند D).

ـ دوم ژوئن ۱۹۸۰ :

شافیك هندل درمسکو با «میخائیل‌کوداچکیم» قائم‌مقام بخش امریکای لاتین دفترروابط خارجی‌کمیتهٔ مرکزی حزب‌کمونیست شوروی دیدارمی‌کند.

کوداچکیم به‌هندل پیشنهاد می‌کند برای گرفتن اسلحه به‌ویتنام سفر کند، ودر ضمن خرج سفرهندل را نیزقبول می‌کنند (سند E)

۱۵-۹ ژوئن ۱۹۸۰ .

هندل ازویتنام دیدن می‌کند وبه‌حضور «له‌دوان» دبیرکل حزب کمونیست ویتنام، «خون‌توی» عضو دبیرخانهٔ کمیتهٔ مرکزی حزب کمونیست، و «تران‌وان خوانگ» معاون وزیردفاع می‌رسد. ویتنامیها به‌عنوان «اولین کمك» با تهیهٔ ۶۰ تن اسلحه برای السالوادوریها موافقت می‌کنند. (سند E و F).

- ۱۹ ژوئن تا ۳ ژوئیه ۱۹۸۰

هندل، ازجمهوری دمکراتیك آلمان، چکسلواکی، بلغارستان ومجارستان دیدن می‌کند وبه‌حضورمقامات ارشد حزبی ونظامی این‌کشورها می‌رسد. هم جمهوری دمکراتیك آلمان وهم‌مجارستان، امکان معاوضه سلاحهای کمونیستی وسلاحهای ساخت غرب‌را برای ارسال چریکها مطرح می‌سازند. مجارستان، امکان این معاوضه را ازطریق آنگولا واتیوپی مطرح می‌کند. چکسلواکی می‌گویدکه می‌توان مقداری ازسلاحهای ساخت چکسلواکی موجود دربازارجهانی را فراهم کرد. همهٔ‌کشورهای مذکور تعهد می‌کنند چه ازنظرصدوراسلحه وچه ازنظر آموزش نظامی، چریکهای السالوادوررا یاری دهند.

- ۶-۳ ژوئیه ۱۹۸۰

هندل ازاتیوپی دیدن می‌کند وبه‌حضورسرهنگ «منگیستوهایله ماریام» و «برهانوگایه» عضوکمیته اجرایی می‌رسد. ماریام می‌گویدکه اتیوپی بـرای چریکها «چندین هزاراسلحه ومهمات» فراهم می‌کند (سند E)

- ۲۳ ژوئیه ۱۹۸۰

«رفیق بایاردو» (بایاردو آرکه ازهیأت رهبری جبههٔ آزادیبخش ملی ساندنیست) درماناگوا با هیأت ستادکل مشترك چریکهای السالوادور ملاقات می‌کند. «ارکه» به‌آنها قول تأمین مهمات می‌دهد وترتیبی فراهم می‌آوردکه چریکها با «کمیسیون نظامی» جبههٔ آزادیبخش ملی ساندنیست ملاقات‌کنند. «آرکه» اشاره می‌کند، ازآنجاکه چریکها مقداری سلاحهای ساخت‌کشورهای کمونیستی دریافت می‌کنند، ارتش ساندنیستی مقداری ازاین سلاحها راگرفته ودر عوض به‌چریکها، سلاحهای ساخت غرب می‌دهد (سندG)

- ۲۷ ژوئیه ۱۹۸۰

هیأت ستادکل چریکها، ماناگوا را به‌قصد هاوانا ترك می‌کند ودرآنجا متخصصان‌کوبایی طرحهای نظامی خود را برای مرتبهٔ نهایی مورد بررسی قرار می‌دهند (سند G)

ــ ۱۵ اوت ۱۹۸۰

سلاحهای متعلق به‌اتیوپی عازم‌کوبا می‌شود (سند F)

ــ ٥ سپتامبر ۱۹۸۰

سلاحهای ویتنامی قراراست واردکوبا شود (سند F)

ــ ۲٤ سپتامبر ۱۹۸۰

چریکها حدود پنجاه هزاردلارکمك ازعراق دریافت می‌کنند. این پول، به‌جبههٔ ملی آزادیبخش ساندنیست وچریکهای السالوادورداده می‌شود.

ــ ۲٦ سپتامبر ۱۹۸۰

کمیتهٔ لجستیکی چریکها بستادکل مشترك خودگزارش می‌دهدکه ۱۳۰ تن اسلحه ودیگرمهمات نظامی به‌توسط‌کشورهای‌کمونیستی وارد نیکاراگوا شده و قراراست به‌السالوادورحمل شود. بنابرهمین‌گزارش، این مقدار تنها یك‌ششم سلاحهای وعده داده شده ازسوی‌کشورهای‌کمونیستی است (سند I)

ــ پایان سپتامبر ۱۹۸۰

جبههٔ آزادیبخش ملی ساندنیست پس از اعتراض دولت امریکا به رهبری نیکاراگوا در مورد فعالیتهای تدارکاتی، تحویل اسلحه به السالوادوریها را برای یك ماه به تعویق می‌اندازد. (سند J)

ــ پایان اکتبر ۱۹۸۰

جبههٔ آزادیبخش ملی ساندنیست تحویل مجدد سلاحها بــه چریکهــای السالوادوری را آغاز می‌کند (سند K)

ــ سپتامبر و اکتبر ۱۹۸۰

وتجهیزات نظامی درنیکاراگوا برای انتقال برای چریکهای السالوادورحاضر نفوذی وارد السالوادور کنند (سند O, N, M, L, J)

ــ اول نوامبر ۱۹۸۰

به ستاد کل چریکها اطلاع داده می‌شود که تقریباً حدود ۱۲۰ تن اسلحه و تجهیزات نظامی در نیکاراگوا برای انتقال برای چریکهای السالوادور حاضر است. چریکها اظهار می‌دارند که تا نیمهٔ نوامبر، حدود ۳۰۰ تا ٤۰۰ تن اسلحه و مهمات وارد کوبا شده و برای حمل بعدی به نیکاراگوا و سپس انتقال آنهــا بطور مخفیانه به السالوادور آماده خواهد شد. (سند K)

ــ ۲۹ اکتبر ۱۹۸۰

چریکها تصمیم می‌گیرند که با کمك کوباییها و نیکاراگوییها یــك ایستگاه رادیو مخفی در نیکاراگوا ایجاد کنند (سند P)

ـ نوامبر ۱۹۸۰

در آغاز نوامبر، جبههٔ آزادیبخش ملی ساندنیست بیش از حد توان دریافت چریکها، برایشان اسلحه می‌فرستند. چریکها می‌گویند که در کشتیهـا در نیکاراگوا بیش از حد، اسلحه بارگیری کرده‌اند و از جبههٔ آزادیبخش ملـی ساندنیست می‌خواهند فعالیتهای خود را با آنها هماهنگ نماید (سندQ و R)

ـ اول نوامبر ۱۹۸۰

نمایندگان لجستیکی چریکهای السالوادور، در ماناگوا از گروههای مسلح السالوادور می‌خواهند برای جذب سلاحهای بیشتر سخت‌تر کار کنند. نمایندگان فوق اظهارمی‌دارندکه‌کشورهای‌کمونیستی دربعضی مـواردکمك احتمالی خود را دوبرابر کرده‌اند (سند K)

ـ نوامبر ۱۹۸۰

چریکها، در رابطه با مشکلات حمل زیاد سلاحها، مسئلهٔ ضرورت گفتگو با جبهه آزادیبخش ملی ساندنیست را برسر ترتیبات تحویل سلاحها مطـرح می‌سازند (سند S)

گروههای مخالف چپ در السالوادور

۱: الف ـ حزب کمونیست السالوادور (PCS):

بهترین سازمان چپ افراطی است وازنظرتاریخی به‌جانب مسکو گرایش پیدا کرده است. حزب‌کمونیست السالوادور، طرزتفکرسابق خود درمورد انقلاب خشونت‌باررا رهاکرده واکنون ازاقدام مسلحانه علیه دولت السالوادورحمایت می‌کند.

ب: اتحادیهٔ دمکراتیك ملی (UND) :

گروه سیاسی وابسته به‌حزب‌کمونیست السالوادورکه سازمانهای وابستهٔ متعددی چون اتحادیه‌های‌کارگری وحوزه‌های شهری دراختیاردارد.

۲: الف. نیروهای آزادیبخش خلق فارابوندومارتی(FPL) :

بزرگترین گروه تروریستی ـ چریکی است وطرز تفکر مارکسیست‌انقلابی دارد. رهبراین سازمان، یعنی «کایتانوکارپیو» قبلاعضوحزب‌کمونیست السالوادور بود وسپس ازاین حزب سنتی برید ونیروهای آزادیبخش‌خلق «فارابوندومارتی» را تأسیس‌کرد.

ب: باوك انقلابی خلق (BPR) :

ازگروههای وابسته به‌نیروهای آزادیبخش «فارابوندومارتی» است و ائتلاف بزرگی ازگروههای دهقانی، کارگری، دانشجویی ومعلمان است. این‌گروه، مسئول اعتصابات، تصرف ساختمانها وراهپیماییهای متعدد بوده است.

۳: الف. ارتش انقلابی خلق (ERP):

یك‌گروه تروریستی چریکی است‌که دراوایل دههٔ ۱۹۷۰ به‌وسیله اعضای ناراضی حزب‌کمونیست السالوادورسازماندهی شد. این‌گروه، نقش فعالی در کارگذاری بمبها وآدم‌رباییها داشته است.

ب: اتحادیه‌های خلقی ۲۸ فوریه(LP 28) :

گروه وابسته به‌ارتش انقلابی خلق‌که ائتلافی است ازدانشجویان، کارگران مزارع، وروستائیان.

٤: الف. نیروهای مسلح مقاومت ملی (FARN) :

یك‌گروه تروریستی ــ چریکی است‌که دراواسط دههٔ ۱۹۷۰ به‌توسط یك گروه انشعابی ازارتش خلق تأسیس شد.

ب: جبههٔ اقدام متحد خلقی (FAPU) :

گروه وابسته به‌نیروهای مسلح مقاومت ملی‌که شامل چندین سازمان دانشجویی، کارگران مزارع، وزاغه‌نشینان شهری می‌شود.

۵ـ الف: حزب انقلابی کارگران امریکای مرکزی (PRTC) :

یك‌گروه تروریستی ــ چریکی است‌که دراواسط دههٔ ۱۹۷۰ سازماندهی‌شد.

ب: جنبش رهایی خلق (MLP) :

گروه وابسته به‌حزب انقلابی‌کارگران امریکای مرکزی که ریاست آن‌را «فابیوکاستیلو» به‌عهده دارد.

۷ـ بازوی چریکی حزب کمونیست السالوادور (FAL) :

این‌گروه، هنگامی تشکیل شدکه حزب‌کمونیست در۱۹۷۹ تصمیم‌گرفت به خرابکاری و تروریسم مسلحانه دست بزنند.

۸ـ جنبش سوسیال مسیحی خلقی (MPSO) :

درسال ۱۹۸۰ به‌وسیله سوسیال مسیحیان مخالف، تشکیل شد وریاست آن‌را

«روبن زامورا ریواس» به‌عهده دارد.

۹ـ جبههٔ دمکراتیک (FD) :

ائتلافی است ازاحزاب میانه‌روی چپ، نظیرجنبش انقلابی ملی وجنبش سوسیال مسیحی خلقی، ونیز گروههای حرفه‌ای و کارگری که دراوایل سال ۱۹۸۰ تأسیس شد.

۱۰ـ جبههٔ دمکراتیک انقلابی(FDR) :

ائتلافی است از گروه «هماهنگ کنندهٔ انقلابی توده‌ها» (CRM) و«جبههٔ دمکراتیک» که دراواسط آوریل ۱۹۸۰ تشکیل‌شد. وهم‌اکنون به‌وسیله «گولیرمو اونگو» رهبری می‌شود.

۱۱ـ هماهنگ کنندهٔ انقلابی توده‌ها (CRM) :

گروه پوششی سازمانهای چپگرا که درژانویهٔ ۱۹۸۰ تأسیس شد.

۱۲ـ هیأت رهبری انقلاب واحد (DRU) :

شاخهٔ کنترل کنندهٔ سازمانهای چپگرا است که اخیراً تأسیس‌شده ودربر گیرندهٔ رهبری گروههای اصلی تروریستی ـ چریکی مثل حزب کمونیست السالوادور، نیروهای آزادیبخش «فارابوندومارتی»، ارتش انقلابی خلق، ونیروهای مسلح مقاومت ملی است. «هیأت رهبری انقلابی واحد» اعلام کرده‌است که هدایت‌انقلاب را به‌عهده خواهدگرفت. این گروه، جایگزین گروه «هماهنگ کنندهٔ انقلابی توده‌ها» شده است.

۱۳ـ جبههٔ آزادیبخش خلق فارابوندومارتی (FMLN) :

شاخهٔ هماهنگ کنندهٔ سازمانهای چریکی است که گروههای ارتش انقلابی خلق، نیروهای آزادیبخش خلق فارابوندومارتی، حزب کمونیست السالوادور، حزب انقلابی کارگران امریکای مرکزی ونیروهای مسلح مقاومت ملی را در برمی‌گیرد.

این گروه، جهتگیری رادیکال مارکسیستی داردوتوسط هیأت رهبری انقلابی واحد رهبری می‌شود.

بخش ۱۰

اسناد جعلی سیا در السالوادور

سنـد A

نامه‌ای از نمایندگان حزب کمونیست السالوادور، مقاومت ملـی و نیروهای آزادیبخش خلق فارابوندومارتی به فیدل کاسترو رئیس جمهـوری کوبا (۱٦ دسامبر ۱۹۷۹ هاوانا)

راهنمای اصطلاحات و اختصارات:
فیدل ـ فیدل کاسترو.
FPL ـ نیروهای آزادیبخش خلق، یك گروه چریکی السالوادور.
مقاومت ملی ـ نیروهای مسلح مقاومت ملی. یك گروه چریکـی السالوادور.

ترجمهٔ سند A

هاوانا، ۱٦ دسامبر ۱۹۷۹
رفیق فیدل:
سخنانمان را با درودهای برادرانه و انقلابی خلق قهرمان السالوادور، به شما آغاز می‌کنیم. رفیق، برادر و دوست گرامی! عمل غنی انقلابی، ایمان به انترناسیونالیسم پرولتاریایی خلق کوبا ـ به رهبری پیشتـاز لنینیستی‌اش، حزب کمونیست کوبا تحت رهبری درخشان شما به عنوان یك انقلابی سرفراز و نمونه ـ برای ما نمایندگان سازمانهـای انقلابـی السالوادور، در درك نیاز فوری به برداشتن گامهای بزرگ پروسهٔ وحدت خلقمان، تأثیر قاطعانه داشته است.

امروز، فیدل، می‌توانیم به شما بگوییم که به میمنت کمك شما، کمك رفقای حزب شما و کمك خلق انقلابی کوبا، گام بسیار بزرگی بـا امضای یك توافق برداشته‌ایم که اساس بسیار استوار و مستحکمی بـرای ایجاد هماهنگی و وحدت سازمانهایمان فراهم می‌آورد. وحدت و رهبری

واحدی که خلق ما برای پیشبرد مبارزه‌اش در رسیدن به آزادی مردمی، دمکراسی، صلح و سوسیالیسم، شدیداً بدان نیازمند است.

یك نسخه از این توافق را همراه این نامه برایتان می‌فرستیم. شما بزرگی و عظمت آن را ستایش خواهید کرد و بطور قطع، این توافق، رضایت و انگیزهٔ مجدد شما در تلاشهای خستگی‌ناپذیرتان برای ایجاد وحدت در میان مقامات انقلابی خلق ما را که تحت ستم امپریالیسم و طبقات مسلط استثمارگر بسر می‌برند، برخواهد انگیخت.

ما به توافقی که به امضا رسانده‌ایم افتخار خواهیم کرد، زیرا ثابت کرده‌ایم که به مبارزهٔ قهرمانانهٔ خلقمان وفاداریم. از آنجا که به مبارزهٔ خلقمان ایمان داریم، ثابت خواهیم کرد که از نمونهٔ انقلابی و انترناسیونالیست پرشکوهی که شما تجسم آن هستید پیروی خواهیم کرد، زیرا اثر صبورانه و خردمندانه‌ای که همبستگی کوبا در موفقیت ما در برداشتن گام دیگری به جانب وحدت داشته، تأثیر و نشان خود را برگام بزرگی که بیانگر حرکت خلق ما به جانب موفقیت و پیروزی نهایی انقلابش می‌باشد، به‌جا گذاشته است.

امضا

ش ــ هندل

دبیرکل کمیتهٔ مرکزی حزب کمونیست السالوادور دی‌فوئنتس (؟)

فرماندهٔ اول سیاسی ــ نظامی مقاومت ملی «مارسیل»

فرماندهٔ اول فرماندهی مرکزی

نیروهای آزادیبخش خلق فارابانِدومارتی

La Habana, 16 de diciembre de 1979

Compañero Fidel:

Recibe nuestras palabras con un saludo muy fraternal y revolucionario en nombre del heroico pueblo de El Salvador.

Compañero, hermano y amigo: la rica práctica revolucionaria, fiel al internacionalismo proletario del pueblo cubano, encabezado por su vanguardia leninista el Partido Comunista de Cuba, guiados por tu lúcida orientación de [illegible] y ejemplar revolucionario, ha sido decisiva para que nuestras [illegible] de las organizaciones revolucionarias de El Salvador comprendiéramos la necesidad impostergable de efectuar pasos trascendentales en el proceso de unidad de nuestro pueblo.

Podemos decirte, hoy, Fidel, que gracias a tu ayuda, a la ayuda de tus compañeros de Partido y al [illegible] del pueblo revolucionario de Cuba, hemos dado un paso trascendental, firmando un acuerdo que sienta bases muy sólidas sobre las que iniciamos la coordinación y unidad de nuestras organizaciones; unidad y dirección única que tanto necesita nuestro pueblo para avanzar en su lucha hasta la conquista de la liberación popular, la democracia, la paz y el socialismo.

Acompañamos a esta carta, la copia de ese acuerdo, cuya lectura te permitirá apreciar su magnitud y alcances y, de seguro, te aportará justa satisfacción y nuevo estímulo a tu incansable labor unificado

....2/

ra de las filas revolucionarias de nuestros pueblos oprimidos por el imperialismo y por las clases dominantes explotadoras.

Así como hemos venido respondiendo a la heroica lucha de nuestro pueblo, así responderemos al acuerdo que hemos firmado.

Así como hemos respondido a la lucha de nuestro pueblo, así responderemos al ejemplo revolucionario, digno e internacionalista que tú representas, porque la labor paciente y sabia con la que la solidaridad cubana ha contribuido a que nosotros demos este paso unitario, está marcando el paso acelerado conque nuestro pueblo marcha a la realización de su revolución.

Por el Partido Comunista de El Salvador

Secretario General Comité Central PCS

Por la Resistencia Nacional

Primer Responsable [illegible]

Por las "Fuerzas Populares de Liberación (FPL) Farabundo Martí",

Primer Responsable del Comando Central

سند B

خلاصه‌ای از یادداشتهای سفرلوگان عضو کمیسیون سیاسی حزب کمونیست السالوادور (۲۶ آوریل ۱۹۸۰)

راهنمای اصطلاحات و اختصارات:

CP ــ حزب کمونیست.
CRM ــ هماهنگ‌کنندهٔ انقلابی توده‌ها، فدراسیون جبهه‌های سیاسی، گروههای مسلح السالوادور.
GDR ــ جمهوری دمکراتیک آلمان.
P ــ حزب (حزب کمونیست).
Perl ــ پرلا (کوبا).
S. L ــ بین‌الملل سوسیالیست.
SOV ــ شوروی.

ترجمهٔ سند B

(شروع خلاصهٔ یادداشتها)

من با چهارمین برنامه موافقم، اما آیا می‌توانستیم برنامهٔ دیگری داشته باشیم؟

مموMemo : در تحلیل سیاسی (کلمات ناخوانا است)، اما در لحظهٔ فعلی برای ما ضروری است که از این مسئله بگذریم و به هماهنگ کردن اقداماتمان بپردازیم. در صحنهٔ بین‌الملل، هیچ‌چیز مساعد نیست، باید روی این مسئله کار کنیم. ما چیز زیادی به‌دست نیاورده‌ایم.

هکتور: در رابطه با آن نیز همینطور است.

ای: I از فرصت استفاده کردم تا (کلمات ناخوانا است) را در رابطه با اس.ای. تذکر بدهم.

هکتور گفت که تأخیر ارسال دعوت برای «سانتودومینگو»، نتیجهٔ مشکلات اجرایی بودند نه مشکلات سیاسی. آنها از فرصت استفاده کردند تا همه چیز را برای دیوید توضیح بدهند.

مایورگا: من در خدمت شما هستم، چه بخواهی رفتگر خیابان باشم و یا رختشوی.

سفارتهای سوسیالیستی.

بسیار وسیع ــ جمهوری دمکراتیک آلمان، بلغارستان، لهستان، ویتنام، کوبا، در سفارتخانهٔ مجارستان گردهم آمدند.

جلسهٔ مذکور، جلسهٔ خوبی بود و سئوالات زیادی مطرح شد.

او درخواستها را برایشان مطرح ساخت.

سپس ملاقاتهای دوجانبه صورت گرفت: یك نفر با یك نفر (کلمات ناخوانا است)

ویتنام: خوب بود.
بلغاریها: خوب بود
لهستان: ما دربارهٔ خیلی چیزها به مدت سه ساعت صحبت کردیم.
مجارستان: خیلی جالب بود. «گلوریا» تنها دربارهٔ P (حـزب) شروع به صحبت کرد. آنها با مسائل میلیتاریستی شروع کردند، و PC (حزب کمونیست) را رد کردند. مجارستانی پاسخ داد: به‌خاطر P (حزب) بود که جهان سوسیالیست درها را به‌روی شما باز کرد. در نیکاراگوا مورد متفاوت دیگری بود. تازه‌ترین ملاقات با شوروی صورت گرفت.
از طرف جمهوری دمکراتیك آلمان: سوغاتیهای کوچك، عملیات...
ــ پان‌دولاتا ــ موشك‌اندازها
علاوه‌بر (کلمات ناخوانا است) CRM
آنها می‌خواهند با حزب «پرل» موافقت کنند.
ــ همچنین ــ پروازهای ــ شماره.
بازار مکاره.
الف: مانوئل ب: دیاب ج: خوان‌خوزه.
نوارهای کاست، همراه با صدای رهبران ارگان هماهنگ‌کنندهٔ لازم است (درودها یا سخنرانیها) و همچنین سخنان (کلمات ناخوانا است) دستمالهای اف.دی F.D با امضای رهبران ارگـان هماهنگ‌کننـده فرستاده شد.
۵۰۰۰ حلقه کلید.
فلورسیتاس.

(پایان خلاصه یادداشتها)

266

8/

Es una misma u otra cosa.-
4º) El programa.- Yo estoy de acuerdo, pero ¿ podrían tener otro programa?

Hemo: En el análisis político coincidencia pero el momento actual exige de partir de esto a la coordinación: las reuniones. Internacionalmente no todo es favorable. Hay que trabajar. No todo está ganado.-

Víctor: También sobre lo mismo.

Yo: aprovechar para mencionar las proximas sobre la I.S.- Hecho mencionar q' fué debido a problemas administrat. y no políticos la tardanza de la invitación a Santo Domingo.
Hablemos sobre la conveniencia de hablar sobre todo en David

Hayorga: estoy a su disposición. Si de Sucre mandar me ponen, de Sucre ...

Embajadas Socialistas

1er Amplio: R.D.A, Bulgaria, Polaco, Vietnam Húngaro, Cuba en el local de Embaj. de Hungría
La reunión buena. Muchas preguntas
Se les tiró las posiciones

— 267

a/ Luego las bilaterales: uno por uno así:
Con Vietnam: bueno
Búlgaros: — " —
Polaco: Se habló mucho 3 horas.-
Húngaros: Muy interesante: Glinia empezó hablar.
P. único. q' ellos acogieron [illegible] P.C.- El [illegible] militantes y negaban [illegible] el mundo [illegible] contestó: [illegible] por el P. q' [illegible] socialista los [illegible] las [illegible] distinto
En Nicaragua fué distinto
La última reunión fué con el Sov.
De RDA.: Suvenirs cortos y opinión

- "Para de Lata" — leer editar / además de platicar con el RA- / [illegible] de P. a Pat.
- además archivo = NO

[illegible]

- Feria
a) Manuel b) Diab y c) Juan José
Se necesitan cassettes: con las voces de los jefes de la coordinadora (saludos o discursos) con discursos de 10 del F.D.-
Pañuelo con las firmas de los Jefes Cordin y Sellos. Enviados
5.000 llaveros
F. Invitación

سنــد C

خلاصه‌ای از یادداشتهای مربوط به اجلاس کمیسیون حزب کمونیست السالوادور، ۲۸ آوریل ۱۹۸۰.

راهنمای اصطلاحات و اختصارات:

CP ـ حزب کمونیست.

FAL ـ نیروهای مسلح آزادیبخش، واحد نظامی حزب کمونیست السالوادور

Felipe - FPL ـ نیروهای آزادیبخش خلق. گروه چریکی السالوادور.

Fidel ـ فیدل کاسترو.

Mex ـ مکزیك.

P - Party ـ حزب کمونیست.

رنه (Rene) ـ مقاومت ملی (RN) نیروهای مسلح مقاومت ملی گروه چریکی السالوادور.

Tico ـ کاستاریکا.

ترجمهٔ سند C

(شروع خلاصهٔ یادداشتها)

ما بطور مناسب اقدام کردیم. من به عقب نگاه نمی‌کنم، بلکه در عوض، شجاعانه به جلو نظر می‌افکنم. براساس این چشم‌انداز، ما باید مشکلات را از میان برداریم. این مشکلات، عبارتند از:

تمرکز برروی وظایف اصلی بدون مسائل فرعی آنها.

ـ وظایف اصلی: ایجاد تعدیلات در حزب برای پیشبرد مبارزه. پیشرفتهای زیادی کرده‌ایم، اما کافی نیست. ما گروه نیروهای مسلح آزادیبخش را به‌وجود آورده‌ایم، اما باید دست به اقدام بزنند، و وارد عمل شود.

ـ در حال سازماندهی مجدد حزب هستیم، اما مشکلات به‌جای خود باقی هستند.

ـ اقدامات عملی مربوطه ـ برای بهبود امور ـ باید کامل شود، این اقدامات بربقیهٔ وظایف تأثیر گذاشته است.

ـ قضیهٔ آرتور (معلم) که به علت تأخیرهای از دستش دادیم، بدینگونه است.

ـ با کادرهایی که در دسترس داشتیم، می‌توانستیم چندین گردان در عرض مدت کوتاهی سازماندهی کنیم.

ـ با این وجود، اگر ابداً قادر نباشیم، مردم خود را آماده کنیم، باید آنها را تحت نظر فرماندهان دیگری قرار دهیم.

ــ ما باید تأسیس پولو Polo بەوسیله نیروهـای آزادیبخش خلق را سرعت دهیم و تلاش نکنیم که بیشترین ضربه را متوجه رنـه (مقاومت ملی) کنیم. بعضی از مشکلات خودمان را باید بەوسیلـه آن حرکت رفع کنیم.

ــ من به سهم خود، توجه زیادی به نیروهای مسلح آزادیبخـش کردەام، اما هنوز هم می‌تواند بهتر باشد. به این دلیـل قصد داریـم سازماندهی مجددی را در کار هیأت رهبری توصیه کنیم.

ــ پاسخهای «رنه» درست است، زیرا توده‌های مورد حمله، می‌توانستند خطرناك شوند و اعتماد خود را از دست بدهند.

ــ من با استفاده از امکانات گرفتن کمك از اردوگاه سوسیالیست موافقم. فکر می‌کنم که تفکر آنها اهمیت زیادی دارد. هنوز، ما استفاده‌ای از آن نکرده‌ایم.

ــ ما باید سازماندهی مجدد را تسریع بخشیم و حزب را در حالت جنگی قرار دهیم، و موانع را از جلوی پا برداریم.

ــ ضرورت اساسی، این است که توافق واحد کردن جنبش کارگری را تسریع بخشیم تا نقش وحدت بخشیدن به مسئلهٔ شورش را بازی کند.

ــ باید پایگاهها را مستحکم‌کرده ودرهربخش‌کشور، رخنه‌کنیم.

ــ به SIGES و دیگر اتحادیه‌های کارگری کمك کنیم تـــا نوسانات و تردیدهای خود را برطرف کنند.

ــ نباید درسطح اتحادیه توافق بەعمل آید.

ــ باید در سطح جنبش کارگری واحد توافق شود، و از این لحاظ می‌توانستیم این وضع را در خارج شهرها بررسی کنیم.

ــ باید در مورد یك رهبری مشترك توافق کنیم.

ــ اندیشهٔ درگیرکـردن همه، درمنطقه قبلا بەخود فیدل پیشنهاد شده است. از طرف «دوستان» (برادران محلی) نظری ابراز نشده است، هرچند که آنها این مسئله را در آن زمان (وقتی موضوع مطرح شد) متذکر شدند.

ــ فیدل این اندیشه را خوب توصیف کرد.

ــ ما باید شرکت سازمانهای منطقه‌ای را تشویق کنیم، بخصـوص احزاب کمونیست را که باید نقش عمده‌ای بازی کنند.

ــ ما به سهم خود، احزاب Mex و H را درگیر کرده‌ایم، اما پاسخ مساعدی نداده‌اند.

ــ برایشان پول فراهم کرده‌ایم تا به ما کمك کنند، اما این پول، زیاد نبوده است.

ــ رفقای Tico (کاستاریکا) نیز در رابطه با نیازهای ما کمك بسیار ناچیزی کردند.

ــ برای ما ضروری است که احزاب منطقه را شکل بدهیم، زیـرا

تفکر آنها مناسب این مسئله نیست.

ــ باید حمایت اردوگاه سوسیالیست را به‌دست آوریم.

به منظور عدم چشم‌پوشی از کار سازمانی نیروهای مسلح آزادیبخش باید وقت بیشتری صرف منطقه فرماندهی کنیم و برای کار سازمانی وقت خاصی تخصیص دهیم.

.....(کلمات غیرخوانا است) شروع یك اقدام مسلحانه را پیشنهاد می‌کند، و تا آغاز پروسهٔ جدیدی را پیشنهاد می‌کند که در آن مبارزهٔ نظامی.....

(پایان خلاصه)

[illegible] consecuentes: No veo tanto para [illegible]
hacia adelante [illegible]
[illegible] problemas [illegible] tareas claves
[illegible]
[illegible] tareas claves [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
Estamos [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] (el [illegible]) que por [illegible]
[illegible] hemos perdido.
Con los [illegible] que tenemos podemos [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] del Polo [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
Hay [illegible] cuando [illegible]
que las [illegible] podrían
[illegible] perder la confianza.
De acuerdo [illegible] aprovechar las posibilidades de
ayuda del campo socialista. Creo que [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
Es necesario [illegible]
[illegible]
[illegible]

- Hay que [illegible] los [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] en el [illegible].
- [illegible] el [illegible] y otros [illegible] de la [illegible]ción.
- No debe ser una parte a nivel Sindical.
- Debe ser a nivel de [illegible] [illegible] [illegible] a partir de allí podremos [illegible] la [illegible]ción en el campo.
- podemos [illegible] la dirección conjunta.

La idea de [illegible] a todos los del área ya ha sido planteada antes [illegible] el [illegible].

No hay opiniones de los [illegible] (hermanos locales) aunque asistieron [illegible] estuvieron presentes en tal ocasión (que fue [illegible]).

A Fidel le parece la idea.

Debemos lograr que participen las [illegible] del área y principalmente los P.C., [illegible] [illegible] un papel de [illegible] parte. [illegible] [illegible] [illegible] pero no han respondido bien. Hemos dado plata para que [illegible] – pero [illegible].

Lo campesino también ha mostrado una actitud indolente. [illegible] [illegible] [illegible], y su contribución es muy poca.

Lo que [illegible] necesario que le demos una sacudida a [illegible] partido [illegible]; pues están mostrando una actitud que no [illegible] a la altura de las necesidades.

- Que hay que apoyarse en ~~[illegible]~~ el campo socialista.
- Que para no dejar a medias [illegible] el trabajo de organización de las F.A.L. es necesario que me dedique más al trabajo de la comandancia, dejando tiempo libre del trabajo organizativo.

Que [illegible] [illegible] planteando el [illegible] General, si no el inicio de una lucha [illegible], en el cual [illegible] la lucha militar [illegible]

سنــد D

گزارش سفر ادواردو (عضو کمیسیون سیاسی حزب کمونیست السالوادور) از پنجم ماه مه تا هشتم ژوئن ۱۹۸۰.

راهنمای اصطلاحات و اختصارات:

CCCP– اتحاد جماهیر شوروی.
CRM– هماهنگ‌کنندهٔ انقلابی توده‌ها. فدراسیون جبهه‌های سیاسی گروههای مسلح.
DRU – هیأت رهبری واحد گروههای شورشی السالوادور.
DOE – هیأت‌مدیرهٔ عملیات ویژهٔ کوبا. عملیات پنهانی – نیروهای ویژهٔ هیأت مدیرهٔ وزارت‌کشورکوبا.
E. M– ستاد کل.
جبهه – جبههٔ ملی آزادیبخش ساندنیست نیکاراگوا.
فید (Fid)– فیدل کاسترو.
FDR – جبههٔ دمکراتیك انقلابی. فدراسیون جبهه‌های سیاسی گروههای مسلح، اتحادیه‌های تجاری وابسته به آنها و سه گروه غیرمارکسیست.
ERP– گروه چریکی السالوادور.
ERP - Hercules – گروه چریکی السالوادور.
Humberto – هومبرتو اورتگا، عضو هیأت رهبری جبههٔ ملی آزادیبخش ساندنیست نیکاراگوا.
Joint M. Plan– طرح مشترك نظامی.
Milicos– اعضای نیروهای مسلح.
ORPA – سازمان انقلابی توده‌های مسلح – گروه چریکی گواتمالا.
PC– حزب کمونیست.
PCH– حزب کمونیست هندوراس.
PGT– حزب کار گواتمالا.
Rene– مقاومت ملی گروه چریکی السالوادور.
Simon– شافیك‌هندل. رهبر حزب کمونیست السالوادور.
Sj– سان‌خوزه – کاستاریکا.
Teg– تگوسیکالپا، هندوراس.
Toys – سلاحها.
PCS – حزب کمونیست السالوادور.

ترجمهٔ سند D

گزارش ادواردو: سفرپنجم ماه مه تا هشتم ماه ژوئن ۱۹۸۰

۱ـ هندوراس:

الف ـ مصاحبه با رهبر سابق (که از طریق PCH ترتیب داده شد).

ب ـ مصاحبه با آلدانا (پیشنهادهای ما)، هنوز باید در مورد این امور، گزارش داده شود.

۱ـ مشکلات بین‌المللی PCH

۲ـ دادن متخصصان لایق و امکانات لجستیکی (راهها، [illegible] فرودگاه، مازاد و غیره)، ۳ـ آنها خواستار فرد یا هیأتی شده‌اند تا برای رفتن به بازار اسلحه، وارد «تگوسیگالپا» شود و با منطقه آشنا گردد.

ج ـ (ملاقات دوطرفه با CP (پیشنهادهای ما)

د ـ تلاش برای ملاقات با milicos

۲ ـ گواتمالا:

الف ـ بار دیگر نتوانستیم با ORPA ملاقات دو نفره داشته باشیم.

ب ـ ملاقات دوطرفه با PGT (پیشنهاد ما).

ـ اوکتادیو دربارهٔ آن صحبت کرد.

ـ آنها جلسه را با شرکت همهٔ اعضا برپا کردند.

ـ بیانات.

۳ ـ کاستاریکا

الف ـ مصاحبه با رونی (پیشنهاد ما).

ب ـ مصاحبهٔ مانوئل (پیشنهاد ما):

ـ کمك او به سازماندهی ورود FDR

ـ به نصیحت او گوش دادم.

ـ مکان برای اجلاس احتمالی با حزب کمونیست منطقه.

ج ـ تأسیس Tri برای سازماندهی و طرح کار.

ـ مشکلات.

ـ طرح یك برنامه برای CRM در S.J

ـ طرح یك برنامه برای ورود هیأت.

ـ مصاحبه با ج.م.آ.

د ـ سازماندهی مجدد و اعطای مجدد مقامات و مسئولیتها (کمکهای) مانویل و ج و دیگران.

٤ ـ هاوانا (۱۹ مه).

ـ در ضمن انتظار ورود هیأت RN مصاحبه‌ای با رفیق «سیلوا» از بخش تحلیل به‌عمل آمد.

ـ (۲۰ مه) ملاقات دوجانبه با Felipe آنها را از اوضاع هندوراس مطلع کردند.

ـ ملاقات با ژرمان و آئورلیو.

ـ ملاقات دوطرفه (دونفره) با هیأت Hercules

ـ ملاقات دو نفره با رولاندو.

ـ (۲۱ مه، ساعت ۹ قبل از ظهر) با شروع اجلاس (که قبلا بطور دوطرفه، بین Rene و Hercules برگزار شده بود) موافقت شد و تمام پیش از ظهر، طول کشید و به این دلیل، بد بدازظهر محول شد.

ـ در ابتدا، Tri تشکیل جلسه داد و برنامه و دعوت از رفقای میزبان را تسلیم کرد.

ـ Hercules و شرایط پذیرفته شد، و Rene دربارهٔ موارد جدید گزارش داد.

ـ Hercules پذیرفته شد، آنها پذیرش خود را با شرایط اعلام کردند.

ـ حالا که برنامه، مشخص شده، تنها این مسائل باقی مانده است: ثبت‌نام E رهبری واحد و خط استراتژیك سیاسی ـ نظامی مشترك

ـ دو کمیتهٔ هیأت تحریریه تشکیل شد ـ ولادیمیر و «ادواردو» برای تهیهٔ اساسنامهٔ رهبری واحد «سیمون» و «کارمن» برای خط استراتژیك سیاسی نظامی.

ـ بحث، شروع می‌شود.

ـ هیأتها با همبرتو، ملاقات می‌کنند.

(۲۲ مه) ـ مذاکرات ادامه می‌یابد، و اولین دور آن به پایان می‌رسد.

ـ با فیدل در قصر مصاحبه می‌شود، جو آرام و برادرانه‌ای حاکم بود و فضا دوستانه به‌نظر می‌رسید. عکس و فیلم نیز به نمایش درآمد و با صرف شام به‌خاطر طرح (وحدت) جلسه خاتمه یافت.

(۲۳ مه) ـ گفتگو با هیأت DOE در رابطه با EM و سپس مصاحبه با رئیس مخابرات.

ـ اسناد توزیع شد: ـ اصطلاحاتی برای پیشنویس جدید در نظر گرفته شده است.

ـ با فیدل ملاقات گرمی به‌عمل آمد.

(۲٦ ماه مه) ـ اصلاحات بیشتر به‌عمل آمد و پیشنویس جدیدی تهیه شد.

(۲۵ مه) ـ دیدار با UPM و ملاقات دیگری با هومبرتو. نظراتی دربارهٔ اسناد داخل مطرح شد.

(۲٦ مه) ـ بیانیهٔ DRU مطرح شد.

دیدار با فیدل، برای امضای اسناد، دیدار با DOE برای تأیید طرح مشترك.

مصاحبه با UPM ویتنام، رهبری دو(جانبه؟) EGP (گفتگو؟) با Felipe

گزارش مارسیل:

(۲۹ مه) ـ گفتگو با ای‌هونکر.

(۳۰ مه) ـ سفر سیمون.

(۳۱ مه) ــ کنفرانس مطبوعاتی.
(اول ژوئن) ــ بازگشت.

۵ ــ ماناگوا .

ملاقات دوجانبه با نمایندگان.
گفتگو با PRTC
ملاقات با «الفرنت» (جبهه) برای بحث برسر:
مسئله شوفر: دربارهٔ هوگو در آنجا تحقیق می‌کنیم.
مسئلهٔ پاپالیکو: مسئلهٔ «لوئی‌انریکو» را مطرح می‌کنیم.
گفتگو با GDR
گفتگو با CCCP
گفتگو با هیأت رهبری مشترک.

آنها مراکز DRU را با تمام اقدامات امنیتی مطرح کردند و زمینهٔ (بین‌المللی) عملیات خود را که تحت کنترل دارند، پیشنهاد نمودند.

ــ پیشنهاد «آمادگی برای کمك در امور مادی»
همه چیز بستگی دارد به:
ــ تأسیس کمیتهٔ (؟)
ــ مشخص کردن طرحهای صحیح
کمك آنها هماهنگ با طرحهای مورد استفادهٔ دشمن خواهد بود.
ــ فرماندهی مشترك قضیهٔ E.S را قضیهٔ خود می‌دانند.
ــ آنها خود را برای ارزیابی یا مبادلهٔ اطلاعات در اختیار ما گذاشته‌اند.
ــ ترکیب Cel و معین کردن اختیارات آن.
ــ موارد: «اوویدلو» و همسرش و «هوگو»

٦ ــ کاستاریکا:

ــ آنچه که خوزه در مورد سفرش از FDR گزارش داد به تحولات، بستگی دارد.
ــ سفر به «توریالبا».
ــ نظرات خوب در مورد سفر به FDR
ــ بروز مشکلات در سطح CRM
ــ هر یك از آنها BPR و FAP کمیته‌های مستحکم مربوط به خود را دارند.
ــ **روابط خوب بویژه در سطح** TRI
ــ با (Felipe) زیرا تئو (لوبیای سحرآمیز) **و سبك کارش دیگران** را به‌خطر می‌اندازد.
ــ او، ملاقات دوجانبه‌ای به سازمان داد که (در سطح **Tri**) نتیجه‌ای نداد.

۷ ــ هندوراس:

ــ گفتگوی مختصر با «آلدانا» که دربارهٔ نتایج «یونیداد» سخن گفت.

ــ گزارش مفصل (آگراف) در مورد انشعاب درونی.

ــ ملاقات دوجانبه با C.P که بهوقوع نپیوست(؟)

ــ تقاضای کمك: اقتصادی، وسایل نقلیه.

ــ پیشنهاد داد به آنها که در مورد سازماندهی امور لجستیکی کمك کند.

۱٤ ژوئن ۱۹۸۰

INFORME DE EDUARDO/ VIAJE DEL 2 de mayo AL 8 DE JUNIO /80

1.- HONDURAS:

- a) Entrevista con ex-rector (previa mediación del PCH.)
- b) Entrevista con Aldana (nuestros planteamientos)
  -lo que falta que informar: a) Problemas internos del PCH,
  b)ofrecimienbos de proporcionar especialistas calif. y posibilidades logísticas (ruta, pistas, mercado, etc)
  c) solicitan hombre o delegado destacado en Teg. para atender mercado de jugetes y de orientaciones en campo publicidad.-
- c)Bilateral con CP (Nuestros planteamientos)
- d) Intentos por reun. con Milicos
- J.J. alentó sin quererlo, las tendencias escisionistas

2.- GUATEMALA:

- a) Bilateral con ORPA.fracasó noevemente
- b) Bilateral con PGT (nuestro planteamiento)
  - En una parte intervino Octavio
  - Tenían Plano
  - impresiones

3.- COSTA RICA:

- a) Entrevista con Roni (nuestro planteamiento)
- b) Entrevista con Manuel (
  - su ayuda para organizar llegada del FDR
  - escuché sus consejos, dudas
  - la seda ante posible encuentro de los PC del área
- c) Integración de Tri para organizar y planificar trabajo
  - dificultades
  - elaboración de Programa para la CRM en S.J.
  - elaboración de Programa para llegada de la deleg. del FDR
  - entrevista con J. G A.
- d) Reorganización, redistribución de atribuciones de Manuel y J y otros.

A.- HABANA (19-V-)

- Mientras llega delegación RN., entrevistas con C.Silva del Departamento de Análisis

- 20-V- Bilateral con Felipe, se les informa de situación hondureña

- Encuentro con Germán y Aurelio

- Bilateral con deleg. de Hércules

- Bilateral con Rolando

- 21-V- 9 AM Acuérdase iniciar el encuentro, previa bilateral entre René y Hércules, la cual se prolonga toda la mañana, razón por la cual la reunión se traslada por la tarde.

- Primero se reune la TRI: Somete la Agenda, la invitación de los Comp. anfitriones

- Aceptación de los Hércules y las condicionantes: René pone a conocimiento los casos nuevos

- Incorporación de los Hércules; Se le comunica su ingreso y las condiciones

- Ya depurada la Agenda, la cual quedó: Ingreso del E, Dirección Unificada y Línea Estrat. Pol-Mil. conjunta

- Nombranse dos Comisiones redactoras: Vlad. y Eduar. para el documento de Dirección Unificada, y Simón y Carmen para Línea Estrat. pol-mil conj.

Iníciase la discusión

- Encuentro de las delegaciones con Humberto

22-V- Continúase la discusión, la cual agota la primera ronda de discusiones.

- Entrevista con Fid. en Palacio: Solemnidad y fraternidad. Ambiente amistoso, filmaciones y fotogr., culmina con cena prot.

23-V- Entrevista con del. del DOE sobre E.M. y luego con Jefe de Comunicaciones

- Depuración de los documentos : enmiendas para la nueva redacción

- Visita de cortesía de Fid.

24 -V Las enmiendas y nueva redacción

- 25 - V -. Visita a UPE y nuevo encuentro con Humberto: opiniones sobre los documentos internos.

- 26- V- ~~Visita a la RDA para discutir el Manifiesto~~ Manifiesto de la D.U.

- Visita de Fid. para firma de documentos

- Visita Al DOE para asrto. dal Plan B. conjunto

- Entrevistas con dirección de UPE, Viet Nam, ECP.

- Bil con Felsipe: inf. de Bercial.

29-V- Entrevista con C. Honecker

- 30-V- viaje es Simón

- 31-V- Conf. de Prensa -

- 1-VI- Regreso

~~XXXXXXXX~~

5.- MANAGUA:

- Bilateral con ~~delegados~~ representantes del PSCh.
- Entrevista con PRTC
- Encuentro con El Frente para:
  - Caso Chofer - allí me enteré caso Hugo
  - " papá Lico . - Plantesmos caso de Luis Enrique
- Entrevista con RDA
- Entrevista con CCCP
- Entrevista con BIR. CONJUN.
  - Ofrecen Sede de la D.U., con toda las med. de segur. y ofrecen su campo de acción (Internacional) que manejan
  - Ofrecto. "disp. de aportar en térm. materiales" todo depende de:
    - Instal. de Comisión (?)
    - definic. de los planes concretos

    su ayuda será de acuerdo a los planes y de acuerdo a lo el enemigo utilice
  - La D. Conj. asume como propia la causa de E.S.,
  - se ponen a nuestra disposición para el asesoramiento o intercambio de experiencias
  - Cena en casa de Humberto
- Constitución de Cel. y deficición de atribuciones.
  - Casos: Ovidio y Sra. y Hugo.

6.- COSTA RICA:

- Lo que informa José socre desarrolló jornada del FDR
  - En general bueno- Benito y el Chale
- Viaje a Turrialba
  - Impresiones buenas de la jornada del FDR
  - dificultades a nivel de CRC
  - Cada uno; BPR y FAP. tienen sus propios Comites de Solid
  - Buenas relaciones a nivel de TRI, especialmente con Fel., ya que tao (frijol mágico) y con su estilo de trab. pone en aprietos al resto.
  - Había organizado bilateral que no fructificó (a nivel de Tri) con V.P.

7.- HONDURAS:

- Breve entrevista con Aldana a quien se le informó de los resultados de la Unidad
- Informa Dav. de profundización (agravt.) de la división interna.
- Programan bilateral con C.P. que no se efectuó (?)
- Solicitan ayuda: Ecoo., vehículo ..
- Se les plantea ayuda para organizar trab. logist.

14-VII-80

سند E

خلاصهٔ گزارش سفر «شافیك هندل» دبیر کل حزب کمونیست السالوادور به کشورهای سوسیالیستی، آسیایی و آفریقایی ــ ۹ ژوئن تا ۳ ژوئیهٔ ۱۹۸۰.

راهنمای اصطلاحات و اختصارات:

C ــ کوبا.
CC ــ کمیتهٔ مرکزی.
CP ــ حزب کمونیست.
CPSU ــ حزب کمونیست شوروی.
DRU ــ هیأت رهبری انقلابی واحد، رهبری مشترك گروههای مسلح السالوادور.
GDR ــ جمهوری دمکراتیك آلمان.
Here (اینجا) ــ کوبا.
PCB ــ حزب کمونیست بلغارستان.
رفیق ــ «شافیك هندل»، دبیر کل حزب کمونیست السالوادور.
Λ ــ ویتنام.

ترجمهٔ سند E

سفر به کشورهای سوسیالیستی، آسیایی و آفریقایی.

۱ــ ویتنام، از ۹ تا ۱۵ ژوئن: دیدار با «له‌دوان»، دبیرکل حزب کمونیست ویتنام، «خوان‌توی» عضو دبیرخانهٔ کمیتهٔ مرکزی و نایب‌رئیس مجمع ملی، و«تران‌وان‌کوانگ» قائم‌مقام، معاون وزیردفاع ملی، پذیرش دوستانه و گرمی به‌عمل آمد. آنها با تهیهٔ اسلحه، به‌عنوان کمك توافق کردند. اولین محموله، شامل ۱۹۲ هفت‌تیر ۹ میلیمتری با ۱۹۲۰ تفنگ آر-۱۵ و ۱٦۲ مسلسل متوسط ام-۳۰ و ۳٦ مسلسل سنگین ام-٦۰ و ۱۲ مسلسل سنگین ام-۵۰ (کالیبر ۱۲٫۷ میلیمتری) و ۳٦ خمپاره‌انداز ٦ میلیمتری و ۱۲ خمپاره‌انداز ۸۱ میلیمتری و ۱۲ موشك‌انداز ضدتانك دی.ك.ز-۵۷- می‌شود. علاوه‌براین مهماتی نظیر ۱۵۰۰ خشاب برای مسلسلهای ام-۳۰ و «ام-٦۰» و یکصدوسی هزار خشاب برای مسلسل ام-۵۰ (۱۲٫۷ میلیمتری) ۹۰۰۰ گلوله برای خمپاره‌اندازهای ٦۱ میلیمتری و ٤۰۰۰ گلوله برای خمپاره‌اندازهای ۸۱ میلیمتری و ۱۵۰۰ گلوله برای سلاحهای ضد تانك دی.ك.ز-۵۷ را در برمی‌گیرد. وزن تقریبی تمام این محموله ٦۰ تن می‌شود.

براساس پیامی که اینجا (کوبا) در سفارت در ۲٤ ژوئیه دریافت شد و برای رفیق خوانده شد، سلاحهای فوق‌الذکر طی اولین پنج روز ماه سپتامبر آمادهٔ انتقال خواهد بود. اگر به توسط کشتی فرستاده شود، در شهر «هوشی‌مین» تحویل گرفته خواهد شد. توصیه می‌شود که این محموله، به‌عنوان کالاهای تجاری در قسمت سه کشتی انبار گردد و روی آن با کالاهای تجاری واقعی پوشیده شود.

رفیق، از حزب کمونیست شوروی خواست، سلاحها از طریق هوا حمل شود، اما در ۲۳ ژوئیه، بدون کسب جواب، مسکو را ترك کرد. او در سفارت اینجا در ٦ اوت تقاضا کرد با آنها تماس گرفته و خواستار پاسخ شویم. قبل از اینکه در ٦ اوت اینجا را ترك کند پاسخی دریافت نشد. این مسئله با سفیر V (ویتنام) در میان گذاشته شد و در ضمن تصمیم گرفتیم سلاحها را با کشتی حمل کنیم. سفیر ویتنام انتظار دارد در عرض مدت کوتاهی ــ حدود ۷ یا ۸ اوت ــ با او تماس گرفته و جزئیات عملیات حمل سلاحها را به اطلاعش برسانیم. تصمیم گرفته شد، در صورت دریافت به‌موقع پاسخ مساعد در مورد حمل هوایی سلاحها، از آن استفاده کنیم. **در این صورت می‌باید با ویتنامیها نیز هماهنگی برقرار** کرد. پاسخ CPSU به توسط «نورما»، نمایندهٔ اینجا دریافت خواهد شد.

۲ــ اتیوپی ــ از ۳ تا ٦ ژوئن: پذیرایی از سوی «منگیستوهایله‌ماریام» و «برهانوبایه» عضو کمیتهٔ اجرایی حزب کمونیست اتیوپی و دبیر روابط خارجی همان حزب، پذیرایی فوق‌العاده گرمی بود. منگیستو به رفیق

اطلاع داد که تصمیم گرفته شده چندین هزار اسلحه تهیه شود و این امر، به توسط سفارت در اینجا در ۳ تا ٤ اوت تأیید شد. سلاحهای فوق بدین‌شرح است:

ـ ۱۵۰ مسلسل تامسن، همـراه ۳۰۰ خشاب، ۱۵۰۰ تفنگ ام‌ـیك، یکهزار تفنگ ام‌ـ۱٤. مهمات: نودهزار گلولهٔ کالیبر ٤٥ میلیمتری برای مسلسلهای تامسن، سیصدوشصت هزار گلولهٔ ام‌ـیك و دویست‌وچهل هزار گلولهٔ ام‌ـ۱٤ و بیست‌هزار خشاب. به‌علاوه، وسایل یدکی این سلاحها نیز تهیه می‌شود.

۳ـ بلغارستان ـ از ۲۷ تا ۳۰ ژوئن: پذیرایی از سوی «استانیچف»، عضو دبیرخانهٔ کمیتهٔ مرکزی حزب کمونیست بلغارستان (CPB) و دبیر روابط بین‌الملل حزب کمونیست. او به رفیق وعده داد این چیزها را برایش تهیه کند: سیصد قبضه مسلسل ساخت آلمان (باقی‌مانده از جنگ دوم جهانی) به‌همراه دویست هزار عدد خشاب با ده قبضه مسلسل کالیبر بـا پنجاه‌هزار عدد خشاب فشنگ. او قول داد که این سلاحها را به‌زودی بـه وسیلهٔ خودشان یا به کمك آلمانیها یا چکسلواکیها به اینجا (کوبـا) بفرستند. «استانیچف» اشاره کرد که این کمك بـه حـزب کمـونیست السالوادور اختصاص دارد. اما، رفیق به او اطلاع داد که راجع بـه توزیع این سلاحها با «هیأت رهبری انقلابی واحد» به توافق رسیده است. استانیچف هم با این مسئله موافقت کرد.

به‌علاوه، او قول داد که دفتر حزب با درخواستهای دیگر بـرای ارسال ده هزاریونیفورم، طبق الگویی‌که برایش خواهد فرستاد، و نیزبـا بیست‌هزار نوع وسیلهٔ دارویی برای رزمندگان موافقت خواهد کرد. در واقع، استانیچف در ۱۸ ژوئیه در مسکو در جریان بازیهای المپیك بـا رفیق ملاقات کرد و اطلاع داد که درخواستهای مذکور مورد توافق قرار گرفته است.

وسایل دارویی، فرستاده خواهد شد و پس از دریافت الگـو و اندازهٔ یونیفورم‌ها آنها را نیز خواهند فرستاد. تمامی این وسایل به اینجا (کوبا) وارد می‌شود. پذیرایی بسیار گرم و برادرانه‌ای بود، و رهبری حـزب کمونیست السالوادور، مورد تحسین آنها قرار گرفت.

٤ـ چکسلواکی، ۲٤ تا ۲۷ ژوئن: پذیرایی از سوی «بیلاك» دبیر دوم کمیتهٔ مرکزی، عضو دفتر و دبیر روابط بین‌الملل حزب کمونیست چکسلواکی. او به رفیق اطلاع داد که تصمیم گرفته شده مقداری سلاح ساخت چکسلواکی به اینجا فرستاده شود، زیرا به‌دست آوردن سلاحهـای ساخت غرب مدت زیادی بطول می‌انجامد، و به‌علاوه سلاحهـای ساخت چکسلواکی در بازار جهانی نیز خرید و فروش می‌شود. او وعده داد با جمهوری دمکراتیك آلمان برای ارسال این سلاحها توسط کشتیهای آلمانی به‌اینجا (کوبا) هماهنگی ایجاد کند. یك عضو هیأت نمایندگی چکسلواکی

در اولین سالگرد انقلاب نیکاراگوا گفت باید برای حمل این سلاحها، هماهنگی ایجاد شود. او درمورد نوع سلاحها توضیحی نداد، زیرا انتخاب آنها بهعهدهٔ ارتش است. خود «بیلاك» هم پذیرایی گرم و جالبی از رفیق بهعمل آورد.

۵ــ **مجارستان ۳۰ ژوئن تا ۳ ژوئیه:** پذیرایی از سوی «یانوس‌کادار» دبیرکل حزب کمونیست مجارستان، و «گیشل» دبیرکل روابط بین‌الملل و عضو دفتر سیاسی. «گیشل» با دادن رادیوهای دوباندی موافقت کرد، ولی تعداد آنها را ذکر نکرد. (رفیق، خواستار ۴۰ دستگاه رادیوی موج کوتاه و ۱۲ دستگاه رادیوی موج‌کوتاه قوی شد). وی پرسید، دفترچهٔ راهنمای رادیوها باید به اسپانیایی باشد یا انگلیسی؟ و رفیق پاسخ داد: اسپانیایی بهتر است. اما اگر ارسال آنها به تعویق خواهد افتاد، انگلیسی هم قابل قبول است. او اعطای دارو، کمکهای اولیه پزشکی وکیفهای دارویی برای سربازان را پیشنهاد کرد. رفیق، این پیشنهاد را پذیرفت. او همچنین قول داد دههزار یونیفورم، طبق الگو و اندازه‌ای که برایش فرستاده خواهد شد تهیه کند. هنوز رفیق در مورد الگوی یونیفورمها تصمیمی نگرفته است. او در رابطه با سلاحها گفت که نمی‌توانند سلاحهای غربی، چینی یا یوگسلاوی بهدست آورند، اما حاضرند با اتیوپی و آنگولا وارد معامله شوند. رفیق گفت: در مورد معاملهٔ اسلحه، شك و تردید دارد و سه راه دیگر را پیشنهاد کرد:

الف: تقاضا از دولتهای دوست، برای خرید سلاحهای غربی.

ب: دادن پول به رفقا برای اینکه بتوانند خودشان اسلحه بخرند.

ج: تهیهٔ سلاحهای ساخت چکسلواکی از همان نوعی که در بازار جهانی معامله می‌شود.

او گفت: این امکانات را بررسی کرده و آنها را برای اخذ تصمیم به دفتر حزب تسلیم خواهد کرد. استقبال برادرانه‌ای بود و توافق شد روی این مسائل تأکید شود. «گیشل» گفت که در حل مسئلهٔ سلاحها دخالت می‌کند، زیرا می‌خواهند بخشی ازتهیه‌کنندگان این سلاحها بهحساب آیند. جریان برق، در السالوادور ۱۱۰ تا ۲۲۰ ولت است، این امر، برای تهیهٔ نوع رادیوها اهمیت دارد.

۶ــ **جمهوری دمکراتیك آلمان ۱۹ تا ۲۴ ژوئن:** پذیرایی توسط «آکسن» عضو دفتر حزب و دبیر روابط بین‌الملل. او گفت که ۱٫۹ تن دارو، ۵۰ نوع کمکهای اولیه، ۲۰۰ کولهٔ اضافی، ۲۰۰۰ کولهٔ جنگی و ده دستگاه بلندگو با باطری، دوربین و دوربینهای فیلمبرداری ۱۶ میلیمتری قبلا بهماناگوا فرستاده شد وقول داد بهخواستهای دیگردر مورد تهیهٔ اسلحه پاسخ دهد.

سفارت جمهوری دمکراتیك آلمان در مسکو، در ۲۱ ژوئیه به رفیق اطلاع داد که هونکر، طی ارسال تلگرامی اظهار داشته که دفتر حزب

با این امور موافقت کرده است:

الف: به کمیتهٔ همبستگی اختیار داده شده تا کمکهایی، نه مستقیماً بطور نظامی، به ارزش ۳ر۲ میلیون مارك، در اختیار هیأت رهبری انقلابی واحد بگذارد و در ضمن درخواستهای السالوادوریها را مورد بررسی قرار دهد. به‌همین خاطر، آنها از ما خواستند رفیقی را به برلین بفرستیم تا این درخواستها را مفصلا مورد بررسی قرار دهد.

ب: کمك به آموزش کادرهای نظامی بویژه در عملیات مخفی.

ج: چون آنها سلاح غربی ندارند، تصمیم گرفتند برای یافتن راه‌حلی در این مورد به تحقیق ادامه دهند. استقبال گرم و برادرانه‌ای بود و آنها حزب کمونیست السالوادور را مورد تحسین قرار دادند.

۷ـ اتحاد جماهیر شوروی: اولین ملاقات، در ۷ ژوئیه با «میخائیل کوداچکیم» قائم‌مقام بخش امریکای لاتین ادارهٔ روابط خارجی کمیتهٔ مرکزی حزب کمونیست شوروی صورت گرفت. او گزارش داد که به‌خاطر عدم فرصت بحث، تقاضاهای هیأت «هماهنگ‌کنندهٔ نظامی سیاسی انقلابی» با رهبری شوروی هنوز تصمیمی در این مورد اتخاذ نشده است .

او پیشنهادکرد: ملاقات مهمی با پنوماریف، عضوکمیتهٔ مرکزی و دبیرروابط بین‌الملل به‌عمل آید. «کوداچکیم» پیشنهاد کرد رفیق به ویتنام سفر کند، زیرا با نظرش پیرامون ضرورت کسب کمك موافق بود.

او همچنین قبول کرد خرج سفر را نیز بپردازد. رفیق، پیشنهاد کرد سی جوان کمونیستی که در شوروی به تحصیل مشغولند و خواستار شرکت در مبارزه شده‌اند، تحت آموزش نظامی قرار گیرند. او از درخواستهای «هماهنگ‌کنندهٔ نظامی سیاسی» برای گرفتن اسلحه، مواد منفجره، مهمات و وسایل مورد نیاز برای ساختن مواد منفجره و پول برای خرید اسلحه، حمایت کرد. او سپس برای ملاقات با «پنوماریف» پس از بازگشت از هانوی، وقت گرفت. ملاقات در آن‌موقع صورت نگرفت و به سفر به کشورهای سوسیالیستی اروپا و اتیوپی تبدیل شد، زیرا پنوماریف آن موقع درگیر بود و کار زیادی داشت. در آستانهٔ عزیمت از مسکو به اینجا (کوبا) نیز در ۲۲ ژوئیه، با «بروتنت» رئیس بخش امریکای لاتین کمیتهٔ مرکزی حزب کمونیست شوروی ملاقات به‌عمل آمد و نه با «پنوماریف». در ضمن رفیق، از حزب کمونیست درخواست کرد ترتیب سلاحهای ویتنامی را بدهند. بروتنت همبستگی حزب کمونیست شوروی را با رفیق اعلام کرد و با فکر رفیق در مورد وحدت نیروهای انقلابی و مبارزه در کشور در صورت خطر مداخلهٔ خارجی و موارد دیگر موافقت نمود. او همچنین به تقاضاهای زیر پاسخ داد:

الف: در اصل، به مسئله حمل سلاحهای ویتنامی با نظر مساعد نگریسته می‌شود، اما هنوز ارگانهای رهبری با آن موافقت نکرده‌اند.

ب: آنها سلاحهای غربی در اختیار ندارند و امکان معامله با

دولتهای دوست، در این مورد را مشکل دانسته و نمی‌دانند چگونه این مشکل را حل کنند.

ج: با آموزش گروه جوانان کمونیست در اصل موافقت شده، امـا شاید به‌علت کمبود سهمیه، تنها سی نفر از آنها پذیرفته شوند.

رفیق، بار دیگر تقاضای اسلحه کرد و مسئلهٔ حمل سلاحهای ویتنامی را مطرح نمود، و گفت حزب کمونیست شوروی قادر به حل این مشکلات است. او همچنین مسئلهٔ آموزش گروه ۳۰ نفره رفقا را مورد تأکید قرار داد. بعد از این ملاقات، رفیق از طریق کانالهای دیگر، مخالفت خود با صورت نگرفتن ملاقات با «پنوماریف» و فقدان تصمیم‌گیری پیرامـون درخواستهای کمك را ابراز داشت. سفارت شوروی در اینجا (کوبا) در ۲۹ ژوئیه طی تلگرامی از مسکو، موارد زیر را به او اطلاع داد.

الف: کمیتهٔ مرکزی حزب کمونیست شوروی میل دارد از رفیـق دعوت کند، برای بحث در سپتامبر یا اکتبر به مسکو بیاید.

ب: آنها با آموزش گروه سی نفره موافقت کردند. رفیق، ضمـن ارسال تلگرامی از پیام حزب کمونیست شوروی قدردانی کرد و درخواست نمود تا حزب، مسئلهٔ حمل سلاحهای ویتنامی را در عرض مدت کوتاهـی حل کرده و تصمیم پیرامون دادن سلاحهای کمکی را به اطلاع او برساند.

هنوز تا پنجم اوت، هیچگونه جوابی دریافت نکرده است. توافق شد هنگام رسیدن پاسخ، باید به رفیق «نورما» اطلاع دهند تا مسئله را بـه من بگوید. رفیق، اظهار نگرانی می‌کرد که فقدان تصمیم‌گیری شورویها نه‌تنها برکمك وعده داده شده از سوی خودشان، بلکه بروعده‌های سایر احزاب اردوگاه سوسیالیست در زمینهٔ همکاری تأثیر بگذارد.

پایان خلاصهٔ گزارش

Gira por los países socialistas, Asia y Africa.

1- Viet-Nam. Del 9 al 15 de junio. Recibido Le Duan, secretario gene del PCV, y por Xuan Thuy, miembro del Secretariado del CC y Vicepresidente de la Asamblea Nacional, y por Tran Van Quang, Tte. Gral Vice-ministro de Defensa Nacional.

Recibimiento solidario y entusiasta. Acordaron dar ayuda en armas cuyo primer aporte consiste en:

- 192 pistolas 9 mm; 1620 fusiles AR-15; 162 ametralladoras media M-30; 36 amet. pesadas M-60; 12 amet. pesadas M-50 (cal. 12.7 m 36 morteros de 61 mm; 12 morteros 81 mm; 12 lanza-cohetes antit ques RPG-57; parque: 15 mil cartuchos para pistolas 9 mm; 1 mil y medio AR-15 (5.56 mm); 420 mil para amet. M-30 y M-60 (7.62 m 130 mil para amet. M-50 (12.7 mm); 9 mil obuses para morteros d 61 mm; 4 mil obuses para morteros 81 mm; y 1500 obuses para ant tanques RPG-57. Peso aproximado de todo el envío: 60 ton.

Según mensaje recibido en la embajada aquí, 24 de julio, y leído al compañero, aparte de detallar el anterior material, se inform que estará listo para su despacho en los primeros 5 días de septiembre próximo. Si por barco serán entregado en Ciudad Ho Chi ; y recomiendan empacar como mercancía económica, colocar en bode que deben ser secas y en el fondo del barco, cubriéndolo con ot mercancías realmente económicas; esto para que se tenga en cuent por ambas partes.

Están listos también para empacar de manera conveniente para tra porte aéreo, siempre como mercancía económica.

El transporte aéreo fue solicitado por el compañero al PCUS, per salió de Moscú sin obtener respuesta el 25 de julio. En la emba aquí, el 25 de julio, pidió enviar cable urgiendo respuesta, y e 5 de agosto, antes de salir de aquí, no la había, lo cual le fue comunicado al embajador de V., junto con la decisión de nosotro de traerlo por barco. El embajador de V. espera en plazo breve, redador del 7-8 agosto, le comuniquemos nosotros pormenores de l operación de transportación. Quedó establecido que de haber respuesta favorable oportuna para el transporte aéreo solicitado, s aprovecharía el mismo, para lo cual se necesita siempre una coor dinación de nosotros con los V. La respuesta del PCUS la recibir Norma, la Representante aquí.

2- Etiopía. Del 3 al 6 de julio. Recibido por Jaime Mengistu Mariam y por Berhanu Bayih, miembro del Comité Ejecutivo del COPWE y Secreta rio de Relaciones Internacionales del mismo.

Recibimiento extraordinariamente caluroso.

Mengistú le informó al compañero la decisión de aportar "varios mi les de armas", lo cual quedó concretado por medio de cable de nues embajada allá, 3-4 de agosto, de la siguiente manera

- 150 Thompsons (sub-amet.), con 300 cargadores; 1500 fusiles M-1; mil fusiles M-14. Parque: 90 mil tiros cal 45 mm para las T. y 360 mil M-1 y 240 mil tiros M-14 con 2 mil cargadores. Además, u lote de piezas de repuestos para estas armas.

Hoja 2.

El mismo cable dice que este cargamento saldría en barco nuest el 5 de agosto.

3- Bulgaria. Del 27 de junio al 30 del mismo mes. Recibido por Stani ev, miembro del Secretariado del CC del PCB, y Secretario de Rela nes Internacionales del PCB, quien con facultades de decisión com có al compañero la donación de:

- 300 sub-amet. de fabricación alemana (de la segunda guerra mund reconstruida) marca Schpagen, con 200 mil tiros, y 10 amet. cal de la misma marca con 50 mil tiros. Prometiendo enviarlo en pla breve aquí por sus propios medios, o coordinando con los aleman o checos.

Stanichiev hizo constar que se trata de una ayuda al PCS, pero el compañero le informó sobre el acuerdo que rige en la DRU para l distribución, con lo cual estuvo de acuerdo.

Además, ofreció que el Buró del Partido aprobaría otras peticiones consistente en 10 mil uniformes conforme al modelo que le sea [illegible] ado; 2 mil botiquines individuales para combatientes. En efecto, 15 de julio, el mismo Stanichiev se encontró con el compañero en Moscú en ocasión de su concurrencia los Juegos Olímpicos, y le comunicó que estas peticiones habían sido aprobadas.

Los botiquines serán enviados, y los uniformes se fabricarán cuando reciban modelos y tallas, todo lo cual será enviado aquí.

Fue un recibimiento muy caluroso y fraternal, siendo elogioso para con la conducta del [illegible] PCS.

4- Checoslovaquia. Del 24 al 27 de junio. Recibido por Bilak, Segundo Secretario del CC, miembro del Buró y Secretario de Relaciones Internacionales.

Comunicó al compañero la decisión tomada ya de enviar a la tierra a ésta, una cantidad de armas de fabricación checa, teniendo en cuenta que sería muy demorado conseguir armas occidentales y que por otra parte algunas de las armas de su fabricación circulan en el mercado mundial. Ofreció coordinar con la RDA para transportar en barcos alemanes hasta aquí este material. Un miembro de la delegación checa asistente al 1er aniversario de la Rev. nicaragüense, comunicó a [illegible] la necesidad de coordinar el envío del material.

No precisó en que consiste este material, porque estaba en manos de los militares seleccionarlo.

Recibimiento caluroso y entusiasta y emotivo por parte del propio Bilak.

5- Hungría. Del 30 de junio al 3 de julio. Recibido por Janos Kadar, Secretario General del PTH, y Gueisel, Secretario de Relaciones Internacionales y miembro del Buró Político.

Ofreció, Gueisel, aceptar petición de radios comunicadores, aunque no fijó número (pidió el compañero aparatos de comunicación de ondas corta y ultras cortas; 40 y 12 respectivamente). Preguntó si los manuales de operación desean venir en español o inglés, respondiendo el compañero preferiblemente en español: pero si ello demora el envío, se acepta en [illegible] inglés.

Hoja 3.

Ofreció medicinas, botiquines de campaña y paquetes médicos para soldado. Aceptándose el ofrecimiento.

Ofreció fabricar 10 mil uniformes, conforme el modelo y talla que se envíen.

Está pendiente por parte de los compañeros resolver sobre el modelo.

Sobre armas, dijo no tienen de procedencia occidentales, chinas yugoslavas, y estarían dispuestos a participar en un canje con Etiopía o Angola. El compañero expresó su escepticismo acerca de la [illegible]sibilidad del canje y sugirió otras alternativas:

a) Encargar a gobiernos amigos comprar armas occidentales.
b) Dar dinero a los compañeros para que ellos compren las armas.
c) Dar armas checas a los compañeros de los tipos que circulan en el mercado mundial.

Ofreció estudiar estas posibilidades; someterlas al Buró para sus resoluciones.

La acogida fue fraternal y coincidente los puntos de vista en el foque. Gueisel dijo que se preocuparían por resolver la cuestión los armas "ya que no queremos quedarnos al margen de prestar esta ayuda".

La corriente eléctrica en El Salvador es de 110-127 voltios en casi todo el país, excepcionalmente de 220 voltios. Dato de utilidad para determinar el tipo de aparatos de radios.

6- RDA. Del 19 al 24 de junio. Recibido por Axsen, miembro del BP y Secretario de Relaciones Internacionales.

Dijo haber enviado ya a Managua una carga de 1.9 ton., consistente en medicina, 50 botiquines médicos, 200 botiquines auxiliares y 2 mil botiquines de combatiente, 10 megáfonos con baterías, cámaras fotográficas, cámaras cinematográficas de 16 mm, y ofreció respond

... de la RDA en Moscú informó al compañero que Honecker envió cable para hacerle informar en el que se decía que el BP aprobó: a) autorizar al Comité de solidaridad proporcionarles medios a la DRU, no directamente militares, por valor de 2-3 millones de marcos, conforme a los pedidos concretos de la parte salvadoreña, para lo cual piden enviar a un compañero a Berlín autorizado para definir estas solicitudes. b) Contribuir a la formación de cuadros militares especialmente en trabajo conspirativo y esperan solicitudes concretas. c) como no tienen armas occidentales, decidieron seguir buscando una solución a este problema, aunque no se fijó plazo para ello.

La acogida fue calurosa y fraternal. Elogiaron la conducta del PCS.

7- URSS. Primer encuentro: 2 de junio, con Miguel Kudashkin, vice-jefe de la Sección de América Latina del Dpto. Relaciones Internacionales del CC del PCUS. Informó que aún no había decisión, por falta de oportunidad para discutirlo en la Dirección, sobre las solicitudes presentadas por la delegación de la Coordinadora Revolucionaria Político-Militar, presentada el 19 de mayo. Propuso la posibilidad de encuentro a alto nivel (con Ponomariov, miembro del Secretariado del CC y Secretario de Rel. Int.) Sugirió viajar a Viet-Nam ya que a su juicio el compañero es el indicado para obtener allí la

Hoja 4.

ayuda necesaria. Ofreció financiar el viaje, y así se hizo.

El compañero presentó solicitud para que 30 jóvenes comunistas que estudian en la URSS y que pidieron ser incorporados a la lucha, recibieran adiestramiento militar; respaldó las solicitudes de armas, explosivos, municiones, materiales para fabricación de explosivo, dinero para la compra de armas, presentadas por la delegación de la Coordinadora R. Pol.-Militar. Y formuló por escrito petición para encuentro con Ponomariov, que debería realizarse al regreso de Hanoi. El encuentro no pudo realizarse entonces, y se transfirió para el regreso de la gira a los países socialistas de Europa y Etiopía, lo cual tampoco pudo ser, por las ocupaciones y compromisos adquiridos por Ponomariov. En la víspera de la salida de Moscú hacia ésta, es decir el 22 de julio, tuvo lugar el encuentro con Brutents, jefe de la Sección de América Latina del CC, y no con Ponomariov como se esperaba. Entretanto, el compañero había presentado solicitud al PC para transportar las armas que dieron los cros. vietnamitas. Brutents expresó la solidaridad del PCUS y la concordancia con las ideas expresadas por el compañero acerca de la unidad de las fuerzas revolucionarias y la lucha en el país, frente al peligro de intervención extranjera y otros aspectos. Y respondió a las solicitudes de la siguiente manera:

a) En principio hay opinión favorable a transportar las armas de Viet Nam pero falta que lo aprueben los organismos dirigentes.
b) No poseen armas occidentales y aunque como parece las posibilidades de canje con gobiernos amigos, no ven como poder resolver este problema.
c) Hay aceptación en principio para entrenar al grupo de jóvenes comunistas, aunque quizás por falta de cupos, recibirían menos de los 30.

El compañero replanteó la solicitud de las armas y del transporte de las que aportó Viet-Nam, expresando la convicción de que el PCUS está en capacidad de resolver estos problemas, insistiendo igualmente en el entrenamiento del grupo de 30 compañeros.

Después de este encuentro, el compañero hizo conocer por otros canales su inconformidad por la falta del encuentro al nivel debido y la no resolución de las solicitudes de ayuda. El 29 de julio, fue notificado por la embajada sov. aquí de un cable recibido de Moscú para él, cuyo contenido es el siguiente:

a) El CC del PCUS desea recibir al compañero para conversaciones en septiembre u octubre. Y
b) Han acordado entrenar al grupo de los 30.

El compañero pidió remitir cable agradeciendo la comunicación y pidiendo resolver a plazo breve el transporte de las armas vietnamitas y la decisión de entregarles ayuda en armas de parte del PCUS.

El 5 de agosto aún no se había recibido respuesta. Se convino que al llegar ésta se comunique a la compañera Norma para que ella informe a nosotros.

سنـــد F

گزارش اجلاس «هیأت رهبری انقلابی واحد» (DRU) ۳۰ سپتامبـــر ۱۹۸۰ (خلاصهٔ گزارش سفر دبیرکل حزب کمونیست السالوادور).

ــ لیست سلاحهای وعده داده شده.

راهنمای اصطلاحات و اختصارات:

آناماری ــ «آناگوادلوپ مارتینز» ازگروه چریکی.

COCEN ــ کمیتهٔ مرکزی.

اسمرلادا ــ کوبا.

ترجمهٔ سند F

IX ــ سفر دبیرکل حزب کمونیست.

پیشنهاد ویتنام (آنها در ۵ سپتامبر در «اسمرلادا» خواهند بود)

ــ ۱۹۲ اسلحهٔ کمری ۹ میلیمتری.

ــ ۱۶۲۰ آ.آ ــ ۱۵۰.

ــ ۱۶۲ مسلسل ام ــ ۳۰.

ــ ۳۶ مسلسل سنگین ام ــ ۶۰.

۱۲۱۲ مسلسل کالیبر ام ــ ۵۰.

ــ ۳۶ خمپارهٔ ۶۲ میلیمتری.

ــ ۱۲ خمپارهٔ ۸۱ میلیمتری.

ــ ۱۲ موشک‌انداز ضد تانك دــ‌كــزــ۵۷.

ــ ۱۵۰۰۰ فشنگ پ میلیمتری.

ــ ۱۵۰۰۰۰۰ آــار ۱۵

ــ ۲۴۰۰۰۰ مسلسل ام ــ ۳۰

ــ ۲۴۰۰۰۰ مسلسل ام ــ ۶۰

ــ ۱۳۰۰۰۰ مسلسل ام ــ ۵۰

ــ ۹۰۰۰ گلولهٔ خمپارهٔ ۶۱ میلیمتری.

ــ ۱۰۰۰۰ گلولهٔ خمپارهٔ ۸۱ میلیمتری.

۱۵۰۰ گلولهٔ موشک‌انداز ضد تانك د.كــزــ۵۷

اتیوپی: ۵۰ تن.

ــ ۱۵۰ مسلسل تامسون با ۳۰۰ لودر.

ــ ۱۵۰۰ تفنگ امیك.

ـ ۱۰۰۰ تفنگ امـ۱٤.
ـ ۹۰۰۰۰ گلولهٔ کالیبر ٤۵ برای مسلسل تامسون.
ـ ۳۰۰۰۰۰ امـیك.
ـ ۲٤۰۰۰۰ امـ۱٤ با ۲۰۰ لودر.
ـ وسایل یدکی.
این محموله در ۱۵ اوت عازم هاوانا شد.
بلغارستان:
ـ ۳۰۰ مسلسل ساخت آلمان با ۲۰۰۰۰۰ گلوله.
ـ ۱۰ مسلسل کالیبر ۳۰
ـ ۱۰۰۰۰ یونیفورم.
ـ ۲۰۰۰ کوله‌بار کمکهای اولیه برای سربازان.
این دو فقره جنس اخیر، هنگامی فرستاده خواهد شد که خصوصیات آنها را دریافت کنند.
چکسلواکی:
آنها سلاحهای چکسلواکی را خواهند فرستاد. نمی‌توانند آنها را با سلاحهای غربی مبادله کنند.
آنها مقدار سلاحها را مشخص نکردند.
مجارستان:
ـ رادیوهای HF و UHF
ـ چهار دستگاه رادیوی HF و ۱۲ دستگاه UHF
ـ ۱۰۰۰۰ دست یونیفورم طبق خصوصیات و اندازه‌های مورد نظر فرستاده خواهد شد.
جمهوری دمکراتیك آلمان:
ـ ۱٫۹ تن دارو.
ـ ۵۰ بسته کمکهای اولیهٔ دارویی.
ـ ۲۰۰ بسته کمکهای اولیهٔ اضافی.
ـ ۲۰۰۰ بسته کمکهای اولیه برای سربازان.
ـ ۱۰ بلندگو و دوربین فیلمبرداری.
یك نمایندهٔ «هیأت رهبری انقلابی واحد» با پیشنهاداتی به منظور کسب یکصد میلیون دلار تجهیزات غیرنظامی به برلین فرستاده خواهد شد.
مسئلهٔ سیاسی در رابطه با «سومبررو».
نظرات مقامات عالی‌رتبهٔ «سومبررو» به دبیرکل حزب کمونیست ابلاغ شد.

خوانده شد.

انقلاب یا مرگ! مردم مسلح پیروز خواهند شد.
کمیسیون سیاسی.
(کمیتهٔ مرکزی).

آناماریا.
فرماندهٔ دوم.

اول سپتامبر ۱۹۸۰

-7-

- [illegible] del Secretario General del PC

Ofrecimiento de Viet Nam (5 de septiembre estarán en Esmeralda)

192 pistolas 9 mm.
[illegible]20 AR 15
[illegible]2 ametralladoras M 30
[illegible]36 " pesadas M50
[illegible]12 " M50 calibre 12.7
36 morteros de 62 mm.
12 morteros de 81 mm.
[illegible] lanzacohetes anti-tanque DKZ-57
[illegible]000 cartuchos de 9 mm.
[illegible] " de AR 15
[illegible]000 " para ametralladora M 30
[illegible] " " " M 60 (7.62)
[illegible] ametralladora M 50 (12.7)
95000 Obuses para morteros de 61mm.
[illegible]000 " " " " 81 mm.
[illegible]500 " " anti-tanques DKZ-57

Etiopia 60 Toneladas

[illegible]0 subametralladoras Tompson con 300 cargadores.
[illegible]000 fusiles M_1
[illegible]000 " M_{14}
[illegible]000 tiros calibre 45 para las Tompson
500.000 M_1
[illegible] M_{14} con 200 cargadores.

Piezas de repuesto

El 15 de agosto salía este cargamento para Habana.

Bulgaria

[illegible] subametralladoras de fabricación alemana con 200.000 tiros.
10 comet. calibre 30 con 50,000 tiros

10.000 uniformes
2.000 botiquines individuales para combatientes

Estos dos últimos rubros serán enviados cuando se le proporcione modelos.

Checoeslovaquia:

Enviarán armas checas. No pueden cambiar en occidentales.
No precisaron cantidad en armas.

Hungría:

Radio-comunicadores de ondas cortas y ultra corta.

[illegible] cortas y 12 ultracortas
[illegible] uniformes conforme modelos y talla que se envíen

-6-

[illegible]

[illegible] toneladas en medicinas
[illegible]50 botiquines médicos
[illegible]00 botiquines auxiliares
[illegible]000 botiquines de combatientes
[illegible] megáfonos, cámaras, cinematografía y de cine.

[illegible]

Asunto político con respecto a Sombrero.

Se leyeron los puntos de vista dados al Srio. General del PC. por altos personeros de Sombrero.

REVOLUCION O MUERTE! EL PUEBLO ARMADO VENCERA!

[illegible]

[illegible]

[illegible]

سند G

گزارش سفر (بدون تاریخ)

راهنمای اصطلاحات و اختصارات:

عرفات ــ یاسر عرفات، رهبر سازمان آزادیبخش فلسطین.
بایاردو (بالاردو) ــ «بایاردوآرکه»، عضو هیأت رهبری FSLN (ساندنیستهای) نیکاراگوا.
EMGC ــ ستاد کل مشترک چریکهای السالوادور.
فیدل ــ فیدل کاسترو.
جبهه ــ FSLN ساندنیستهای نیکاراگوا.
ه ــ هاوانا.

م ــ ماناگوا (پایتخت نیکاراگوا ــ م)
ORPA ــ گروه چریکی گواتمالا.
RN ــ مقاومت ملی. گروه چریکی السالوادور.

متن سند G

گزارش سفر

ما، تمامی نمایندگان در ۱۳ ژوئیه وارد «م» شدیم. در یك خانه جمع شدیم، زیرا دستیار «بایاردو» به ما گفت ممکن است هر لحظه به ما تلفن کنند. از آنجا که سرگرم جشن بودند بسیار مشکل می‌شد جلسهٔ ملاقات داشت و بهترین وقت بعد از نوزدهم بود.

توانستیم با اصرار با دستیار ملاقات کنیم، چون حتی قصد نداشتند ترتیب چنین ملاقاتی را نیز بدهند.

در ملاقات با رفقا توانستیم به مسائل زیر پی ببریم:

۱ــ آنها ارسال تمام محموله را متوقف کرده‌اند تا زمانی که از نقشه باخبر شوند.

۲ــ مسئلهٔ ۲۰۵۰ چندان روشن نبود. همهٔ آنها جنسهای کهنه و استفاده شده بودند.

۳ــ آنها، وقت نداشتند به ما توجه کنند، زیرا تاریخ ورود ما به تعویق افتاده بود.

با توجه به این مسائل چنین اظهار داشتیم:

۱ــ ما موافق نیستیم که آنها تنها به این شرط که با نقشه توافق نمایند باید به ما کمك کنند. مشکلاتی که باعث شده محموله‌ها را ارسال نکنند، ناشی از وجود اشکالات، در هماهنگی با آنهایی بوده که می‌بایست محموله‌ها را در کشور دریافت کنند، و این مشکلات را نیز می‌شود رفع کرد. اما چیزی که آنها در موردش تأکید دارند یك شرط سیاسی است.

۲ــ به هیأت رهبری انقلابی واحد اطلاع رسیده بود که ۲۰۵۰ و دیگر انواع اجناس قبلا حاضر شده و چنین فرض می‌کردند که قریباً به کشور وارد خواهد شد.

۳ــ موقعیت خاص آنها را درك می‌کنیم، اما، ما نیز در وضع جنگی قرار داریم و به همین‌خاطر ورود را به تعویق انداخته‌ایم و به این دلیل لازم است کار خود را سریع انجام دهیم. بنابراین پیشنهاد نمودیم که:

الف: یك جلسهٔ سریع باکمیسیون نظامی جبهه ترتیب داده شود که در مورد نقشه، گزارش کلی به آنها بدهیم تا از جریان آن مطلع شوند و هنگامی که فرصت پیدا کنند آنچه را که برداشت نموده‌اند به نمایندگان هیأت رهبری ملی اطلاع دهند.

ب: بعد از این جلسه عازم «ه» خواهیم شد، تا پس از بحث با «متخصصان» مسئول، بررسی پیرامون نقشه را به پایان برسانیم.

ج: پس از بازگشت از «هـ»، با نمایندگان شورای رهبری جبهه ملاقات خواهیم کرد.

نتایج:

۱ـ «ج» (دستیاربالاردو) شرط توافق با نقشه را برای دادن کمك حذف کرد و با اصرار می‌گفت که مشکلات عملی از جانب ما بوده است.

۲ـ ملاقات با کمیسیون نظامی نیز مشکل بود، چون همه، درگیر آماده کردن جشنها بودند. اما او گفت که همهٔ ما باید با هم در یك‌جا قرار بگیریم تا در هر ساعت شب و روز فرصتی به‌دست آمد با ما تماس حاصل کنند.

۳ـ سفر به «هـ» را مناسب نمی‌دانست، چون تمام مقامات آنجا برای جشن به اینجا می‌آمدند و می‌شد در انتظار آنها بود. او همچنین گفت امکان دارد بتوان بعد از نوزدهم، یك جلسهٔ مشترك ترتیب داد.

٤ـ یك درخواست کتبی رسمی در مورد ملاقات با «باباردو» و کمیسیون نظامی به آنها تسلیم کردیم.

۱٤ ژوئیهٔ ۱۹۸۰: با یکدیگر مشغول کار بر روی نقشه بودیم (ملاقات با کوبایی: او اصرار داشت منتظر بمانیم).

ـ ۱۵ ژوئیهٔ ۱۹۸۰: به همان ترتیب کار می‌کردیم.

ـ ۱٦ ژوئیهٔ ۱۹۸۰ : به همان ترتیب.

ـ ۱۷ ژوئیهٔ ۱۹۸۰: به همان ترتیب.

ـ ۱۸ ژوئیهٔ ۱۹۸۰: «آبرن» به دیدار ما آمد و گفت نظر آنها براین است که اول باید با جبهه ملاقات کنیم و هیچکس نباید برای انجام کاری در این زمان به «هـ» برود.

ـ ۱۹ ژوئیهٔ ۱۹۸۰: به ما گفتند در اتاق بمانیم و برای دیدن جشنها بیرون نرویم.

ـ ۳۰ ژوئیهٔ ۱۹۸۰: به همان ترتیب.

ـ ۲۱ و ۲۲ ژوئیهٔ ۱۹۸۰: در ۲۱ ژوئیه «ج» وارد شد. همیشه با او صحبت می‌کردیم و تمام نکاتی را که قبلا ذکر شد و نیز موارد زیر را به او گفتیم:

الف: اگر با ما ملاقات نکنند یا به «هـ» می‌رویم و یا به کشور باز خواهیم گشت، چون فقط وقت، تلف می‌کردیم.

ب: با توافق متقابل بقیهٔ اعضای EMGC برای منطقهٔ «مورازان» مقدار (خیلی کمی) مهمات درخواست کردم.

«ج» گفت: با بازگشت ما موافق است ولی باید صبر کنیم تا این مسئله را گزارش کند او همچنین گفت: مسئلهٔ درخواست مهمات را نیز گزارش می‌کند.

در ۲۱ ژوئیه نیز، رفقای «نمایندهٔ هیأت رهبری انقلابی واحد» در «م» از ما خواستند با آنها ملاقات داشته باشیم و سپس این مسائل را

مطرح نمودند:

الف: جبهه، آنها را فاقد ارزش دانسته و نادیده گرفته است.

ب: جبهه، به این نتیجه رسید که بحث برسر آنها غیرممکن است

ج: رابطهٔ احترام متقابل مطرح نیست، بلکه تنها تحمیل یک‌طرفه به‌حساب می‌آید.

د: جبهه، بسیار محافظه‌کار است و تنها میل دارد به اوضاع نگاه کند و از انقلاب نیکاراگوا محافظت نماید.

ه: مقررات استاندارد خاصی برای تمام نمایندگان و امکان کار سیاسی وجود داشت. حتی برای دیدار از سفارتخانه‌ها نیز می‌بایست از طریق جبهه عمل‌کرد، زیرا می‌خواست دلیل ملاقات، برنامه و نتایج حاصلهٔ بعدی را بداند.

و: پیامی که آنها، به‌عنوان نمایندگان هیأت رهبری انقلابی واحد برای روز نوزدهم آماده کرده بودند به این منجر شد که در ۱٤ شعار از ۱٦ شعاری‌که آماده کرده بودند دست بردند، بدون اینکه بتوانند برسر این مسئله با آنها بحث کنند.

ز: رفقای RN (مقاومت ملی) بشدت معتقد بودند که حاکمیت و منافع هیأت رهبری انقلابی واحد خدشه‌دار شده و با تمام نمایندگان به‌عنوان «سفیر» رفتار می‌شود. آنها، در این ملاقات و سایر ملاقاتها، این واقعیت را تذکر دادند و به جبهه چنین گفتند: «آقایان محترم، بسیار خوب، ما می‌فهمیم که نیکاراگوا باید حفظ شود، اما برای این کار، هنر و علمی وجود دارد که به آن «توطئه» می‌گویند، بگذارید همه با هم توطئه کنیم.».

ح: درخواست کردند که آنها و EMGC روی این مسئله کار کنند، زیرا جبهه اهمیت بیشتری به بعدی می‌دهد. چون احساس می‌کند بعدی (منظور EMGC است ـ م) ارگان بالاتری است وگفتندکه جبهه به آنها توجهی نمی‌کند.

نتایج:

۱ـ ما معتقد شدیم که جبهه نظر مثبت‌تری اتخاذ خواهد کرد، اما نمی‌توانستیم این حقیقت را نادیده بگیریم که آنها (و بویژه رفیق با یاردو) همیشه اهمیت کمی برای اوضاع بین‌المللی قایل شده و بیشتر تمایل داشته‌اند که به انقلاب خودشان اهمیت بدهند. این مسئله قبل از پیروزی آنها آشکار بود و اکنون در حال آشکار شدن است. ما معتقد شدیم که ضروری است در این رابطه بردیدگاههای مثبت آنها تأکید کنیم و آنها را به این دیدگاهها متعهد کنیم تا نظریات شدید ناسیونالیستی آنها قوی‌ترنشود.

۲ـ در رابطه با ملاقات، احساس کردیم برپایی آن ضرورتی ندارد زیرا این ارگان EMGC مأموریت ویژه‌ای داشت و نمی‌توانست فعالیت

خود را کنار بگذارد. از طرف دیگر، لازم بود نمایندگان «هیأت رهبری انقلابی واحد» مورد احترام قرار گرفته و موقعیت شخصی خود را به‌دست آورند، و EMGC نظر جبهه را مبنی‌بر اینکه در سلسله مراتب سیاسی مقام بالاتری دارد بپذیرد.

۳ـ با توجه به این مسئله که اعضای رهبری مثـل «بایاردو» و «هوبرتو» نظرات متفاوتی دارند، بهتر است نمایندگان «هیأت رهبـری انقلابی واحد» نظرات خود را کتباً نوشته و نسخه‌ای از آن را برای هر یك از اعضای هیأت رهبری ملی بفرستند تا تضمین شود که همهٔ آنها از این نظرات مطلع شده‌اند.

تفسیـر:

ارزیابی من این بودکه RN (مقاومت ملی) با طرح مسئلـه‌ای درست برداشت خود از مفهوم استقلال را مطرح می‌کنـد و لازم است اهمیت بیشتری به «سایر متحدان» مثل پاناما، مکزیکو، و غیره داده شود. در آنجا با نگرانی گفتم برداشتهایی وجود دارد که با برداشت مورد نظر هیأت رهبری انقلابی واحد (DRU)جور درنمی‌آید، و مسائل و نکته‌های مهمی هست که باید با جدیت و مسئولیت بیشتری در موردشان بحث کرد و در هیأت رهبری انقلابی واحد مطرح ساخت. با دیدگاه مقاومت ملی نیز که آنها را مثل «سفرا» قلمداد می‌کرد موافق نبودم.

در رابطه با نتایج، پی بردم که FPL قصد دارد مسائل را پیچیده نکند تا بدین‌وسیله از برخوردهای سیاسی ما با جبهه جلوگیری نماید، زیرا این مسئله ما را از دریافت کمکهای لجستیکی از طرف EMGC محروم می‌کرد، و من نیز این راه‌حل را پذیرفتم. از طرف دیگر، چنین به‌نظرم رسید که جبهه در شیوهٔ برخوردش در رابطه با ما دو چیز را منعکس می‌کند:

۱ـ یك احساس نادرست دارد و می‌خواهد بـدون مشارکت مـا تصمیمگیری کند.

۲ـ جبهه، به آمادگی و پختگی چپ السالوادور و به میزان و درجهٔ وحدت واقعی اعتماد ندارد (این مسئله را ذکر نکردم که روز بیست‌ودوم با عرفات ملاقات به‌عمل آمد).

ـ ۲۳ ژوئیهٔ ۱۹۸۰: با «یاردووج» وارد شدند. مهم‌ترین مسائلی که گفتند عبارت بود از:

۱ـ آنها در مورد تعداد نیروهای نظامی ما، شك و تردید داشتند، آنها می‌گفتند: ما، در مورد تعداد نیروها، مبالغه کرده‌ایم (و تجربیات خود را با جناحهای مختلف تذکر دادند).

۲ـ تبلیغات ما، بد بود و از حمایت بین‌المللی برخوردار نبودیم، و تصویر کشور ما تصویر یك «خلق قتل‌عام شده» بود. حتی خود آنها، که همسایگان ما هستند، گاهی اوقات احساس سردرگمی می‌کنند.

۳ــ یك نفر گفته بود که آن ۲۰۰۰ تفنگ، مال ماست، و بخشی از آن باید به گواتمالاییها داده شود، زیرا نمی‌توانیم نادیده بگیریم که در آنجا چه می‌گذرد و سلاحهای شکاری بقدر کافی وجود داشت که بتوانند به ما تحویل دهند.

٤ــ گواتمالاییها ORPA (سازمان انقلابـی خلقهای مسلح) دریك معاملهٔ اسلحه دست داشتند و از ما خواستند دویست هزار دلار به آنها به مدت دو ماه وام بدهیم.

٥ــ از آنجا که قرار بود همهٔ کمکها را از طریق نیکاراگوا دریافت کنیم، آنها فکر کردند یك «معاملهٔ سه‌جانبه» در میان است. آنها سلاحهای EPS (ارتش خلق ساندنیست) را به ما می‌دهند و سپس آنها را بـا سلاحهایی که در حال ورود است عوض می‌کنند، و همچنین سلاحهایی را که تنها در جهان سوسیالیست مورد استفاده قرار می‌گیرد با سلاحهـای جهان سرمایه‌داری مبادله می‌کنند.

٦ــ تقاضای مهمات مورد تصویب و موافقت قرار گرفت.

۷ــ آنها از بعد از عزیمت ما به کوبا با ملاقات با کمیسیون نظامی موافقت کرده بودند.

ما به سهم خود به انتقاداتی •که نسبت به اظهارات ما می‌شد اعتراض کردیم. همه نکاتی راکه قبلا در١٤ ژوئیهٔ ۱۹۸۰ به «ج»گفته شده بـود بیان کردیم و گفتیم که نمایندگی می‌خواهد با آنها ملاقات کند. همچنین گفتیم که به معامله با پول علاقه‌ای نداریم اما آن را با رهبری انقلابـی واحد مطرح خواهیم کرد، و سرانجام خواستیم یك برنامهٔ کاری مشخص، مثل مورد تفنگها داشته باشیم و آنها نیز باید با تحویل محموله‌ها، بدون پیش‌کشیدن شرایط سیاسی دیگر، مثل تصویب طرح کلی، موافقت کنند.

نتایـج:

الف: (کلمات، خوانا نیست) ملاقات کند وما، در ۲۷ ژوئیه عـازم کوبا خواهیم شد، زیرا قبل از آن‌موقع، هیچ‌کاری نمی‌شود کرد و فیدل هم هنوز آنجا خواهد بود.

INFORME SOBRE VIAJE.- ۳۷۳

[illegible] todos los representantes. Nos concen-
mos en una casa a raiz de que el asistente de Bayardo nos dijo que era po
sible que nos llamarían en cualquier momento, porque estaban muy ocupado
en la celebración y eso era bien dificil de realizar que lo más seguro e
hasta después del 19.

La reunión con el asistente la logramos sobre la base de la insisten
ya que ni siquiera eso pensaban hacer. En la reunión con el compañeronos
encontramos con la siguiente situación:

1- [illegible] plan.
2- [illegible]
[illegible] pelición.
3- [illegible]
[illegible].

Ante ello nosotros planteamos:
1- Que no estabamos de acuerdo en que se condicionara la ayuda a que e
llos dieran su aprovación al plan. Que los problemas por los que no habí
sido enviado el material en concreto era por razones operativas de coordi
nación con la recepción interna, que esos problemas se podían resolver; p
ro que lo que ellos planteaban era una condición de decisión política.

2- Que a la DRU había llegado el informe de que los 2050 y otro tipo de
material ya estaba listo y que en el país se estaba trabajando sobre la b
se de que ese material iva a empezar a entrar.

3- Qu e entendiamps lo de la situación especial en que ellos se encon
traban, pero que nosotrosxx estabamos en situación de guerra y por ello -
nos habíamos atrazado y que por esa misma situación necesitábamos desarro
llar nuestro trabajo en lo inmediato. Que nosotros proponíamos lo siguien
te:

a) Una reunión rápida con la comisión Militar del Frente para darles u
informe general del plan para que ellos estuvieran altanto y en cuanto tu
vieran oportunidad lo comunicaran a los encargados de la Dirección Nacio
nal.
b) Que luego de esa reunión nosotros partiriamos a la H. a discutir co
los encargados "especialistas" para terminar de pulir el proyecto.
c) Que al regreso de la H. nos reuniríamos con los encargados de la Di
rección del Frente

Conclusiones:
1- G. (asistente de Ballardo) se retractó de la condición de aprovació
del plan para dar ayuda e hizo incapié en que los problemas eran operativ
y de parte nuestra.

2- Que en cuanto a la reunión con la Comisión Militar era di ficil, po
que todos estaban metidos en la preparación de la celebración. Pero que n
mantuvieramos concentrados por si surgía alguna posibilidad a cualquier h
ra del día o de noche ellos nos llamarían.

3- Que en cuanto al viaje a la H. no le parecía porque toda la gente d
allá venía a la celebración y que era posible esperar. Que incluso exísti
la posibilidad que después del 19 hubiera una reunión conjunta aquí.

4- Nosotros entregamos una sclicitud formal y escrita sobre la reunión
con Bayardo y la Comisión Militar.

14/VII/80: [illegible]
[illegible])
15/VII/80: IDEM

- 2 - ۳۷۴

16/VII/80: IDEM
17/VII/80: IDEM
18/VII/80: Nos visitó Abren, nos pidió comprensión para el Frente y q
la opinión de ellos era que nos reunieramos primero con el Frente y que
la H. no se podía ir a hacer nada en estos días.
19/VII/80: Se nos dijo que nos mantuvieramos encerrados y no salieram
a ver el acto.
20/VII/80: IDEM
21 y 22/VII/80: El 21 llegó el G. al cual habíamos estado llamando co
tantemente y le replanteamos todos los puntos ya expuestos y otro más:
a) Que si xxx no nos atendían que ó no ivamos a la H. o regresabamos

b) De comúñ acuerdo con el resto del EMGC hize una solicitud de un po (muy poco) de munición para la zona de Morazán.

G manifestó desacuerdo con nuestro regreso y dijo que esperaráramos q él iva a comunicarlo, que esa actitud era absurda. Que también iva a com nicar la solicitud de parque.

El mismo 21 los compañeros que allá se maneja como la "Representación de la DRU" en M. nos pidieron una reunión a nosotros en la cual plantear

a) Que el Frente los subvaloraba y no les prestaba atención.
b) Que el Frente tomaba desiciones que había que acatar sin posibilid de discusión.
c) Que no había una relación de mutuo respeto sino de imposición.
d) Que el Frente era muy conservador y que tenía tendencia a desprecia la situación en el país y proteger la revolución Nica.
e) Que había un reglamento normativo para todos los representantes, el cual anulaba toda posibilidad de trabajo político, que incluso para visitar a otras embajadas u organizaciones había que hacerlo a través del Frente, el cual quería conocer la agenda y después las conclusiones que s habían sacado.

f) Que el mensaje que como "representación" de la DRU habían elaborad para el 19 había sido recortado en 14 de 16 consignas que se habían plan teadoen él sin posibilidad de discutirlo.

g) Los compañeros de la RN hacían mucha insistencia en que se estaba l sionando la soberanía y los intereses de la DRU y que todos los represen- tantes ahí eran como embajadores y así debía tratárseles. Mensionaron muc en esta reunión y siempre que hubo comunicación con ellos que al Frente s le había dicho, y, así tenía que ser "[illegible]

H) Solicitaban que ellos y el EMGC plantearan juntos el problema, pues el Frente le daba más importancia porque consideraba que era un organismo de mayor nivel y que a ellos no les harían caso.

Conclusiones:
1- Que nosotros creíamos que de parte del Frente había una actitud pos tiva, pero que no podíamos ignorar que ellos siempre le habían dado poca importancia a la situación internacional (particularmente el compañero Ba yardo) y que tenían más tendencia a dar importancia a su revolución, que ya se había manifestado antes del triunfo y que se manifestaba ahora, que en ese sentido había que hacer más incapié en las actitudes positivas que estaban tomando comprometiendolos en ellas para impedir que tomen fuerza las actitudes regresivas al nacionalismo.

2- Que en cuanto a la reunión veíamos inconveniente porque este organi no (EMGC) tenía una misión concreta que cumplir y no podía diluir su acti vidad y que por otro lado había que ganar respeto y personalidad a la rep

...

lel Frente sobre cual organismo era politicamente más gerárquico.

3- Que ante el hecho de que en los miembros de dirección del Frente ha- bía diferentes actitudes , tales como la de Bay. y la de Humberto, que lo preferible era que la representación de la DRU mandara sus planteamientos por escrito con copias a cada uno de los miembros de la Dirección Naciona para garantizar que los planteamientos los conocieran todos tal como los l cíamos nosotros.

Comentario: [illegible] etc. y manifesté ahí mi preocupación de que había enfoques que no correspondían a lo acordado por la DRU, que eran puntos delicados que había que discutir en más seriedad responsabilidad y comunicárselo a la DRU adentro, que no compartía el cri- terio de que eran "Embajadores". La RN se retractó.

En cuanto a las conclusiones yo ví en ella la intención de las FPL de no mesclar las cosas para evitar que nos metiéramos en contradicciones po líticas con el Frente que impidieran lograr la ayuda logística por parte del EMGC y acepté la propuesta de resolución. Por otro lado me parecía qu el Frente en cuanto a método de relación con nosotros reflejaba dos cosas 1) que había una concepción no correcta tendiente a tomar desiciones unil terales sin nuestra participación y
2)Que el Frente tenía desconfianza de la madurez de la izquierda salvador ña y del grado de verdadera unidad (esto no lo manifesté, el 22 hubo reun con Arafat.)

23/VII/80: Llegó Bayardo y G. lo esencial de lo que plantearon fue lo siguiente:

- Que ellos dudaban de la cifra de fuerzas militares que dábamos, que si no existía la posibilidad de que nos estubiéramos abultando las cifras unos a otros (mencionó su experiencia entre tendencias).

- Que la propaganda nuestra era mala que no teníamos espacio Internac nal, que la imagen del país era la de un pueblo masacrado. Que incluso el que estaban cercanos a nosotros a veces se sentían confusos.

- Que quien había dicho que los 2000 fusiles eran para nosotros, que llos habían dicho que eso es lo que tenían en disposición, que parte de e llo había que darle a los Guatemaltecos, porque nosotros no podíamos desc dar el proceso guatemalteco. Que había bastantes armas de cacería que no podían dar.

- Que los chapines (ORPA) tenían un negocio de armas y que solicitab un préstamo de $200,000 pagados en dos meses que si los podíamos prestar

- Que como nosotros ívamos a recibir ayuda que todo iva a pasar por caragua ellos habían pensado en "triangualar", es decir, darnos ellos ar mas del EPS y luego reponerlas con las que vengan y también cambiar las solo se usaban en el mundo socialista (particularmente por el EPS) por o del mundo capitalista.

- Que la solicitud de parque estaba aprobada.

- Que ya se había acordado la reunión con la Comisión Militar para e día siguiente antes que salieramos para Cuba.

De parte nuestra objetamos las críticas a que nos mentíamos. Plantean todos los puntos que ya se le habían expuesto al G. el día 14/VII/80, co nicamos que la representación quería reunirse con ellos, que lo del dine no lo veíamos bien pero que comunicaríamos a la DRU, y al final que que amos tener un programa de trabajo bien definido asía como lo de los fus: - que se aprovaran los envíos sin condiciones políticas tales como la a;

Conclusiones:
a) [illegible]

سنـــد H

گزارشی پیرامون اجلاس هیأت رهبـــری انقلابـــی واحـــد (DRU) ۲٤ سپتامبر ۱۹۸۰.

راهنمای اصطلاحات و اختصارات:

آناماریا ـــ آناگوادلوپ از گروه چریکی ERP

DRU ـ هیأت رهبری انقلابی واحد ـــ رهبری مشترك گروههای چریکی السالوادور.

EMGC ـ ستاد کل مشترك چریکی.

استمرلادا ـــ کوبا.

جبهه ـــ ساندنیستهای نیکاراگوا.

ع ـــ عراق.

لاگوس ـــ نیکاراگوا.

مارسیل ـــ «کاپیتانو کارپیو» از گروه چریکی.

RN ـــ مقاومت ملی، گروه چریکی السالوادور.

متن سند H

یادداشتهای اجلاس:
هیأت رهبری انقلابی واحد.
ـ هیأت رهبری انقلابی واحد ـ سیاسی ـ نظامی ـ ۲٤ سپتامبر ۱۹۸۰
حاضرین در اجلاس:
ـ هوگو ـ رنه.
ـ آناماریا ـ مارسیل.
ـ جوناس ـ ادواردو.

برنامه:

۱ـ گزارشها.
۲ـ ارزیابی.
۳ـ نتایج.

۱ـ آناماریا:

گزارش نامهٔ رفیق «موریسیو» که جزئیات مرگ رفیق «نتـو» فرماندهٔ اول RN (مقاومت ملی) را در یك سانحهٔ هوایی شرح می‌دهد. رفقا، «رنه» و «هوگو» گزارشهای ارسالی به توسط رفقا، «استبـان» و «ماریا» را بررسی کردند.

توافقها:

الف: ارسال یادداشت همدردی و همبستگی با رهبری ملی.
ب ـ صدور یك اعلامیهٔ عمومی در مورد همان موضوع.

۲ـ رفیق «هوگو» گزارش می‌دهد که رفیق «ادواردو» هر روزه (بجز شنبه‌ها) طبق توافق صورت گرفته با رفیق «نتو» تماس می‌گرفت تا جلساتی با هیأت رهبری RN برپا کرده و مسئله درخواست آنهـا برای ورود مجدد به هیأت رهبری انقلابی واحد را مورد بررسی قـرار دهد. گزارش می‌شود که هیچکس از RN وارد نشده تا بتوان با او تماس گرفت و سرانجام بحث به اینجا کشید که امکان دارد رفیق «نتو» نتوانسته باشد به رهبری‌اش اطلاع دهد.

توافقها:

جستجو برای برقراری تماس با هیأت رهبری RN از طریق تمـام کانالهای موجود در حداکثر ممکن.

۳ـ گزارش در مورد «هیأت خارج از هیأت رهبری انقلابی واحد»: رفیق «جوناس» و «ادواردو» و «مارسیل». رفقا «جوناس» و «ادواردو» در مورد گزارشهای رفیق مارسیل به این مقاصد، مشورت کردند:

۱ـ گزارش در مورد فعالیتها در سومبرو، پالمرا، آرنا و پینارس، درزمینه‌های زیر: تماسهای رسمی ونتایج، توافقها با سازمانهای خواهر و اشخاص مترقی، ملاقاتهای صورت گرفته با نمایندگان هیأت رهـبری

انقلابی واحد و با FDR

۲ــ گزارش در مورد جلسات، توافقها و اقدامات صورت گرفته در لاگوس:

ــ با هیأت رهبری جبههٔ ملی.

ــ با کمیسیون لجستیکی هیأت رهبری انقلابی واحد.

ــ با PRTC (حزب انقلابی کارگران آمریکای مرکزی)

ــ در مورد ملاقات با رفیق «نتو» از RN و درخواست سازمانش برای ورود مجدد به هیأت رهبری انقلابی واحد.

۳ــ در مورد جلسات برپا شده با رفقای اسمرلادا.

ــ باسی.ام و آبره در لاگوس.

ــ با سی،بر.

ــ با سی در F

توافقات در مورد مسائل فوری:

الف: استحکام موردنظر.

توافق می‌شود که گزارش تهیه شده و برای رفقای جبهه و «اسمرلادا» ارسال شود این وظیفه به رفیق مارسیل محول شد.

ب: همان وظیفه به نمایندگان هیأت رهبری انقلابی واحد، در خارج محول شد.

ج: تصمیم گرفته شدکمك دریافت شده از «ع» به مناسبت همبستگی، به صورت زیر توزیع شود.

ــ ۲۵۰ برای هزینه‌های لجستیکی و ارتباطهای در لاگوس. از این مقدار ۵۰ برای صندوق ذخیره به درخواست رفقای جبهه و ۱۵۰ برای هزینه‌های پذیرایی، لجستیکی و ارتباطات در کشور. از این مقدار نیز ۵۰ صندوق ذخیرهٔ هیأت رهبری انقلابی واحد، اختصاص داده شود.

د: تصمیم گرفته شد عضو خارجی هیأت رهبری انقلابی واحد و نمایندگان آن در «پالمرا» و «پنارس» در جلسهٔ بعدی مشخص شود.

هـ ــ تصمیم گرفته شد وظایف اعضای هیأت رهبری انقلابی واحد در خارج کشور در عین مطالعهٔ عملیات آن، مشخص شود. اختیار موقت این امر، به رفیق «مارسیل» داده شده است.

و: تصمیم گرفته شد با اقدامات و توافقها و نیز اجرای مأموریت محول شده به اعضای هیأت رهبری انقلابی واحد، یعنی رفقا «جوول»، «ادواردو» و «مارسیل» طی سفری که همین اواخر به پایان رسید، موافقت شود.

«متحد در مبارزه تا پیروزی نهایی»
هیأت رهبری انقلابی واحد ــ سیاسی نظامی
السالوادور، امریکای مرکزی
چهارشنبه ۲٤ سپتامبر ۱۹۸۰

ACTA DE REUNION: DIRECCION REVOLUCIONARIA UNIFICADA POLITICO MILITAR – D R U – /. 24 de Septiembre de 1980.

Asistencia:

- Hugo – René
- Ana María – Marcial.
- Jonás – Eduardo.

Agenda:

1– Informes
2– Evaluación.
3– Nombramientos.

I.– Ana María:

Informa de carta de C. Mauricio, donde dá datos sobre la muerte del C. Neto, Primer Responsable de la R. N. en accidente de aviación. El Compañero Hugo y René, amplian con los informes enviados por los compas Leteman y María.

Acuerdos:
a)– enviar una nota de pesar y solidaridad a la Dirección Nacional de la R N.
b– Emitir un comunicado público en el mismo sentido.

II. El C. Hugo informa que el C. Eduardo ha estado yendo todos los días (excepto el sábado) al punto de contacto que se convino con el C. Neto para concertar las reuniones con la Dirección de la R N. para tratar sobre la petición de su reingreso a la DRU. Se informa que de parte de la RN nadie ha llegado a los contactos; llegándose a la conclusión de que posiblemente el C. Neto no pudo informar a su Dirección.

Acuerdo:

Buscar el contacto con la Dirección de la RN por todos los canales que haya, para reunirse con la misma [illegible] a la mayor brevedad posible.

III. Informe de la Misión en el exterior de los miembros de la DRU: Cs. Jonás, Eduardo y Marcial.
Los Compas Jonás y Eduardo informan ampliando los informes de el Compañero Marcial en el orden siguiente:

i– Informe de las tareas en Sombrero, Palmera, Arena y Pinares, en los siguientes terrenos: contactos oficiales y resultados, acuerdos: con organizaciones hermanas y personalidades progresistas; reuniones y medidas tomadas con los representantes de las Organizaciones de la DRU y con los del FDR.

ii– Informe de las reuniones, acuerdos y medidas en Lagos.:

- Con la Dirección Nacional del Frente.
- Con la Comisión de logística de la DRU.
- Con el PRTC.
- Sobre la reunión con el C. Neto de la RN y la petición de reingreso a la DRU de su Organización.

iii– Sobre las reuniones con los Compas de Esmeralda.:

- Con el C. R y Abr en Lagos.
- Con el C. Br.
- Con el C. en F.

Todavía no puede nombrarse pués, y que al integrarse deberán nombrarse coordinadores durante una fase inicial.

En el Estado Mayor General también debe de haber coordinadores, lo mismo en las comisiones y en las comisiones conjuntas. En la DRU debe de haber un coordinador General político Militar y coordinadores en las areas concretas .

Fundamenta su argumentación en distintos aspectos del trabajo conjunto que muestran debilidades; por Ej. En la operatividad conjunta, en los partes de guerra, en la necesidad de revisar los cálculos cuantitativos de combatientes, en los cálculos de bajas del enemigo que considera inexáctos, en diversos enfoques que considera que todavía no son del todo coincidentes; por Ej. el concepto de vanguardia etc.

C. Marcial: Expone que considera que deben hacerse los nombramientos y asignaciones de las responsabilidades individuales de inmediato, porque es una necesidad urgente para que la DRU pueda cumplir más ágilmente su papel de dirección y que su trabajo adopte correctos métodos y ritmo de trabajo que le permitan entrar a la solución de sus debilidades y desajustes que se han ido acumulando precisamente por las postergaciones en dar los saltos de calidad primero, para que la DRU tuviera los mecanismos necesarios para tomar decisiones y luego, para que la DRU pueda tener dirección colectiva con responsabilidad individual. Que por este salto de calidad en el funcionamiento de la DRU le permitirá ejercer en forma dialectica una influencia directa positiva no sólo sobre los organísmos de la misma, sino sobre las organizaciones que la componen; que por eso no puede aplazarse más la satisfacción de esa necesidad histórica.

C. Hugo. Considera que es necesario dar responsabilidades individuales de dirección, pués de lo contrario la DRU irá desmejorando su funcionamiento. Que es necesario reforzar los pasos del trabajo unitario, porque eso permitirá tener una verdadera capacidad de dirección ; por Ej. si en el CMCC, los asuntos van lentos, no es por falta de capacidad de los compañeros sino porque nadie está de lleno en ese trabajo. Que lo que corresponde es que los miembros de la DRU se dediquen a tiempo completo y que agilicen sus lazos con otras organizaciones. Es necesario las diversas instancias paralelas y agilizar los lazos de la DRU con otras Organizaciones y ampliando las instancias de la DRU.

Recalca que el proceso de unidad ha dado pasos contínuos y muy importantes, basados en la gran identidad de la síntesis estratégica, táctica, teórica y práctica que tiene su expresión en el documento del 22 de mayo.

Que sobre los Estados Mayores de Frente si cree conveniente que se nombren coordinadores y en cuanto al CMCC, es necesario que se nombre al jefe; y en la DRU, debe nombrarse al comandante en jefe y asignar responsabilidades individuales. Que en este momento es posible que no puedan ejercer un mando efectivo por las actuales condiciones de desarrollo del trabajo conjunto, pero tomarían verdadera efectividad al iniciarse la aplicación del plan de guerra conjunto.

En nuevas intervenciones los Cra. argumentan las posiciones expuestas.

RESOLUCIONES:

1- Sobre las ideas de establecer reuniones plenarias de la DRU y el funcionamiento de una Comisión ejecutiva de la DRU y otros aspectos para el desarrollo de las formas de su funcionamiento, se acuerda elaborar un proyecto para estudiarlo en próxima reunión.

2- Que se nombren responsabilidades en el interior de la DRU, tomando en cuenta el grado que se ha alcanzado en el proceso unitario.

3- Que se asignen responsabilidades a nivel de coordinación en el CMCC.

4- Que se nombren coordinadores en los estados mayores generales de Frentes.

5- Que se nombren responsabilidades de coordinadores en las comisiones de la DRU.

[end of erroneously inserted page]

2

Acuerdos de asuntos urgentes:

a- Sobre coyuntura.
Se acuerda preparar y enviar la información a los Cs. del Frente y de Esmeraldas.
Se encomienda esta tarea al C. Marcial.
b- Lo mismo que a los representantes de la DRU en el exterior.
c- Se acuerda distribuir la ayuda solidaria recibida de I. de la siguiente manera.

- 250 para los gastos de logística y comunicación en Lagos. De esto, 50 para el fondo de la reserva solicitado por los Cs. del frente y 250 para los gastos de logística y comunicaciones en el país.
  De estos, 50 para fondo de reserva de la DRU.
e- Se acuerda nombrar en la siguiente reunión al miembro de la DRU en el exterior, y los representantes de la DRU en Palmera y [illegible].
e- Se acuerda determinar las atribuciones de los miembros de la DRU cuando están fuera del País al estudiar el funcionamiento de la misma.
IV. Se acuerda llevar actas de cada reunión de la DRU, y emitir boletines para conocimiento de los representantes de la DRU en el exterior. provisionalmente es extensiva hacerlo al C. Marcial.
g- Se acuerda aprobar las disposiciones, medidas y acuerdos, así como la actuación de la misión realizada por los miembros de la DRU, Cs. [illegible], [illegible] y Marcial en la gira que acaban de terminar "

" UNIDOS PARA COMBATIR HASTA LA VICTORIA FINAL "

Dirección Revolucionaria Unificada Político Militar.

El Salvador, Centro América, Miércoles 24 de septiembre de 1980.

سنـــد

خلاصهٔ گزارش اجلاس ستـــاد کــل مشترك چـــریکها (EMGC) ۲٦ سپتامبر ۱۹۸۰.

راهنمای اصطلاحات و اختصارات:

EMGC ـ ستاد کل مشترك چریکها

ORU ـ هیأت رهبری انقلابی واحد ـ رهبری مشترك‌گروه چریکی.

لاگوس ـ نیکاراگوا.

متن سند

اجلاس ستاد کل مشترك و چریکها
۲٦ سپتامبر ۱۹۸۰

حاضرین در جلسه:

رامون.

ولادیمیر.

جوناس.

برنامه:

۱ـ گزارشها.

۲ـ تحلیل اوضاع نظامی.

۳ـ عملیات و ساخت EMGC

٤ـ مبارزهٔ شماره یك.

۱ـ ستاد کل، تسهیلات کافی برای برپایی این اجلاس نداشت و در

حالی که در یك فروشگاه قهوه‌پزی کوچك مستقر بودیم در جستجـوی امکانات بسر می‌بردیم. سرانجام رفیق «رامون»، که یافتن محل اجلاسی را که امکانات امنیتی آن فراهم باشد غیرممکن می‌دید، تصمیم گرفت ما را به محلی ببرد که به گفتهٔ او کسی انتظار نداشت در آنجا جلسه‌ای تشکیل شود.

جلسهٔ مذکور به دلایلی بین ۸۴۰ تا ۱۲۳۹ ساعت به‌طول انجامید: دلیل اول، این بود که خانه برای جلسه درست نشده بود و دلیل دوم نیز از اینجا ناشی می‌شد که رفیق ولادیمیر یك جلسهٔ ۱۳۰۰ ساعتهٔ دیگـر نیز داشت.

این حقایق را برای آن در گزارش می‌آورم که از اوضاع عملیات ستاد کل مشترك هنگام آمدن آن از کوبا ناشی می‌شود. ستاد کل، پنج جلسه داشته و دارای تسهیلات کاری مشخص نبوده است. کار ستاد، بـه وظایف زیر محدود می‌شد: گزارش، به «هیأت رهبری انقلابی واحد» در مورد طرح جنگ تمام‌عیار و تصمیمگیری در مورد یك مبارزهٔ عملیاتی به‌نام «استقلال». ستاد ضرورت توزیع وسایل لجستیکی را مطرح کرد و بدون اینکه به توافقی برسد، مسئله را به هیأت رهبری انقلابی واحـد محول کرد. ستاد، مسئلهٔ ضرورت تشکیل بخشهای اطلاعاتی و ارتباطـی را مطرح کرد و رهبران و افسران ستاد کل مشترك را در بخشهای مختلف آن منصوب کرد. ستاد، همچنین ضرورت ایجاد یك ستاد منطقه‌ای برای آماده‌سازی نیروهای نظامی به‌منظور به‌راه انداختن طرح جنگ تمام‌عیار را یادآور ساخت. از آنجا که ستاد به دو دلیل مذکور نمی‌تواند تصمیم بگیرد آنها را به هیأت رهبری انقلابی واحد محول نمود تا در این موارد تصمیمگیری کرده و تصویب کند. ستاد، تاکنون چهار جلسه تشکیل داده و صورت‌جلسه را برای هیأت رهبری انقلابی واحد فرستاده است.

۲ــ من براساس گزارش عملیاتی EMGC این مسئله را مطـرح کردم که سازمان مذکور، یك طرح نظامی تاکتیکی براساس طرح جنگ تمام‌عیار، ارائه نداده و توجه به اوضاع واقعی نظامی در سطح ملـی جنبه‌های لجستیکی، ساختاری زیربنایی و عملیاتی و نیز جنبه‌های کاملا عملیاتی را (که در اعتصاب عمومی ۱۵ــ۱۳ اوت و مبارزهٔ «استقـلال» مورد استفاده قرار گرفت) به‌حساب نیاورده است.

EMGC مسائل ساختاری، سازمانی را مطرح کرده، و رهبـران و سلاحها را براساس سهمیه درصدی توزیع کرده و نقش مشورتی خود را برحسب اصول سیاست نظامی با هیأت رهبری انقلابی واحد به مرحلـهٔ اجرا درنیاورده است. از طرف دیگر، واقعیت اوضاع نظامی را با توزیع درصدی سلاحها در حالی که تنهـا حدود چهار تن اسلحهٔ موجـود در لاگوس به سختی وارد کشور شده زیر پا گذاشته است. این چهار تن به نوبت و بطور متناوب عرضه شده و مقادیر سلاحهای موجود در لاگوس،

اینك تنها برابر با یك‌ششم تمامی سلاحهای به‌دست آمده است که هیأت رهبری انقلابی واحد، آنها را در لاگوس متمرکز کرده است.

پایان خلاصه

Reunión E.M.G.C.

Presentes: Ramón
Vladimir
Jonás

Agenda: 1- [illegible]
2- [illegible]
3- [illegible]
4- [illegible]

1- El Estado Mayor no se [illegible] para esta reunión con infraestructura y se
menzamos por ver las posibilidades de encontrar alguna contacto en un en
fetín. Por fin el compañero Ramón, ante la imposibilidad de sitios que -
prestaran condiciones de seguridad decidió llevarnos a una casa que él -
dijo sería inesperada la reunión.

La reunión duró de las 8:40 A.M. a las 12:30 por dos razones: Una por
que la casa no era indicada en tanto no se había planificado ahí la reu-
nión y la segunda porque el compañero Vladimir tenía un compromiso a la
1:00 P.M.

Incluyo estos hechos en el informe porque ésta ha sido más o meno
la situación de funcionamiento del E.M.G.C. desde que vino de Cuba; ha -
tenido el organismo cinco reuniones de mediodías; no tiene asignadas o -
definidas infraestructuras de trabajo; su labor se ha limitado a las si-
guientes tareas: Dar un informe sobre el plan general de guerra a la DRU
decidir sobre una campaña operativa denominada "Independencia"; se ha pl
planteado la necesidad de distribución logística por porcentajes y al no
llegar a acuerdos trasladaron el problema a la DRU; se ha planteado la -
necesidad de formar las secciones de información, comunicación y nombrar
los responsables del Estado Mayor Conjunto y de sus diferentes secciones
se ha planteado la necesidad de formar Estados Mayores Zonales para pre-
parar las fuerzas militares para la conducción del plan general de gue-
rra y como en estos dos últimos aspectos no puede tomar la decisión lo -
ha pasado a la DRU para que ésta los apruebe y decida; ha elaborado has-
ta ahora cuatro memorandum de reuniones y los ha hecho llegar a la DRU.

2- De acuerdo al informe de funcionamiento del E.M.G.C. planteé un cues-
tionamiento al hecho que este organismo no ha elaborado un plan militar -
táctico de acuerdo al plan general de guerra y a la situación militar co
creta y a nivel nacional que abarcara los aspectos logísticos, estructu-
rales, de instrucción y operacionales, además de los estrictamente opera
tivos, que han sido los de las fechas del paro general del 13, 14 y 15 -
de agosto y la campaña "Independencia"; que el E.M.G.C. ha seguido una -
tónica de tratar puntos de estructuración de organismos, de nombrar res-
ponsables y de distribución de armas en base a porcentajes, y ha descui-
dado o no ha ejercido su papel de asesorar a la DRU en el aspecto de la
política militar; que es contradictorio con la realidad militar discutir
porcentajes de armas cuando de 130 toneladas embodegadas en Lagos a pe-
nas se han logrado meter al país unas cuatro toneladas, siendo este apro
visionamiento inconstante y el material ahora existente en Lagos solo e-
quivalente a una sexta parte de todo el material [illegible]
conseguido con que contará la DRU concentrado en Lagos.

También es contradictorio con la realidad hablar de estructurar secci
nes del E.M.G.C. si este no tiene resuelto el problema de su infraestruc
tura para su propio funcionamiento como tal y sin un análisis de nues-
tras fuerzas militares, su naturaleza y las necesidades de la guerra y -
el nivel de guerra que vivimos; que prueba de este mal funcionamiento es
el hecho de que en un mes y diez días solo haya habido cinco reuniones -
de mediodías; que no ha habido reunión con la Comisión Logística por lo
cual dicho organismo no tiene criterios definidos sobre las necesidades
de cada frente de guerra y para esta etapa del plan para sobre la ba
se de esos criterios elaborar un plan de prioridades en el trabajo logís
tico; y dicha comisión trabaja según lo que cree más conveniente y sin -
tener siquiera opinión del Estado Mayor. Que el Plan Militar enviado no se
corresponde al plan militar elaborado por el Estado Mayor; y tampoco se
le a expuesto a la sección de operaciones. Por último y lo más delicado
es que la DRU está conduciendo la situación política a un ritmo tal que
las contradicciones sociales y políticas se van precipitando y cobrando

سنـد L

خلاصهٔ نامهٔ «فرناندو» به «فدریکو» (به تاریخ ۳۰ سپتامبر ۱۹۸۰)

راهنمای اصطلاحات و اختصارات:

DRU — هیأت رهبری انقلابی واحد، رهبری مشترک گروههای چریکی السالوادور.
جبهه — گروه FSLN نیکاراگوا.
GDR — جمهوری فدرال آلمان.
NR — مقاومت ملی، گروه چریکی السالوادور.
سیمون: شافیك‌هندل، دبیرکل حزب کمونیست السالوادور

متن سند L

شروع خلاصه:
در یادداشت قبلی به تو گزارش دادم که «لالو» از مطالعهٔ محل «لوچو» بازگشته است. او از «هوگو» خواستار اطلاعات شده است، او خیلی مشتاق است و برنامهٔ کاری زیر را ارائه داده است:
ساخت توپهای ۱۲۰ میلیمتری (توپ، گلوله).
بمبهای دست‌ساز (تهاجمی وتدافعی)
سلاحهای دست‌ساز ضد تانك (دستگاه پرتاب، چاشنی، وگلوله)
مینهایی که در اثر تماس ،منفجر می‌شود (چاشنی، فتیلهٔ لولهٔ جداره).
مین ضد نفر (چاشنی، فتیله و لولهٔ جداره).
محرك اتوماتیك برای مینهای تماس و ضد نفر.
او اظهار داشت که حاضر است از نظر اقتصادی کمك نماید و فکر می‌کند که می‌تواند روی ساختن قطعاتی که به دست آوردن مواد آن سخت است کار کند، اما به این خاطر لازم است جلسه‌ای میان کسانی که برای کار به آنجا می‌روند برپا شود تا توافق به‌عمل آید که چه قطعاتی باید در آنجا و چه قطعاتی در اینجا ساخته شود. او همچنین فکر می‌کرد که می‌تواند تمام وسایل را در آنجا جمع کند و مایل است آنها را به اینجا انتقال دهد. برای اتخاذ این تصمیم (و اگر او اینجا کار کند لازم است من از داخل و نیز از سوی«اوگستو» اختیار بگیرم). به‌نظر من انجام این کار در اینجا مشکل است. زیرا قبلا نظر «اوگستو» را گفته‌ام و او خود اظهار داشته است که آنچه را که در اختیار داریم کافی است.
معنی این امر این است که ما بدون رضایت و توافق او کار خواهیم کرد، هرچند که این معقول نیست. سیمون نیز فکر می‌کند که ما نباید چنین کاری را انجام دهیم. در هرصورت، این کار لازم است و باید

بطوری مسئله حل شود.

ما مفصلا در مورد کار در هندوراس با «آنجل» صحبت کرده‌ایم، ما (کلمات ناخوانا است) جزئی در مورد احتیاجات آنجا... کارهایی که می‌باید در آنجا کامل شود عبارتند از: الف ـ جستجو برای یافتن یک خانهٔ دیگر، چون خانهٔ فعلی گرفته شد. ب ـ تأسیس یك جایگاه برای وسایل نقلیهٔ بزرگ (تریلر، کامیون) که باید یك انبار سرپوشیده برای بارگیری، یا یك مزرعه، در مناطق مناسب باشد. لازم است مسئلهٔ انبارکردن تجهیزات حل شود، زیرا تاکنون کاری انجام نشده است. با وجود صحبتهای مفصلمان با شما نفهمیده‌ایم علت این امر چیست؛ این، یك امر اساسی است، زیرا باید امنیت فعالیت کاری را به حداکثر برسانیم. ج ـ مطالعهٔ مفصل در مورد محل فرود هواپیماها (باند فرودگاه) تا مشخص شود که ما قصد استفاده از آنجا را داریم. د ـ بررسی قوانین گمرکی هندوراس ـ نیکاراگوا. هـ ـ قبلا نیز در بارهٔ پرسنل کافی، بخصوص رانندگان صحبت کرده‌ایم و امروز به وجود رانندگان دارای گواهینامه رانندگی پایهٔ سنگین علاقمندیم. در این رابطه ترتیب ورود چند رفیق کانادایی را می‌دهم. اما چندان اطمینان لازم را ندارم و باید در پی یك چنین افرادی از جاهای دیگر باشیم. و ـ اگر لازم باشد بررسی راههای مرز هندوراس ـ السالوادور ادامه یابد، نباید این امر اساسی تنها به چند مورد اختصاص یابد. در اینجا می‌توان از کمك جبههٔ «مورازانیك» استفاده کرد، اما باید در اصل، به حمایت و توانایی خودمان متکی باشیم.

من بطور مفصل با «رودلفوو آنجل» صحبت کرده‌ام. مسائل مطروحهٔ بالا برایشان روشن شده است، چون آنها هستند که مسئولیت اجرای این وظایف را به‌عهده دارند. به آنها توصیه کرده‌ام پس از توافق و بحث، برسر کار، باید مثل یك سازمان سلولی مشغول به‌کار شوند. به‌نظر من «آنجل» خیلی ناامید است و این به او اجازه نمی‌دهد تا اقدامات امنیتی کافی به‌عمل آورد. او عصبی است و بنابراین خوب با «رودلفو» کنار نمی‌آید. ستیز و مشاجره، میان آنها بیش از حد معمول است. و غالباً باهم توافق ندارند. «رودلفو» به نسبت خود بسیار کند و فاقد ابتکار است. ما باهم جلساتی داشته‌ایم و من خود برای هردوی آنها روشن کرده‌ام که لازم است براوضاع فعلی غلبه کند. نگرانی من بخصوص از اینجا است که آنها اقدامات امنیتی را خوب رعایت می‌کنند. امیدوارم جلسات هفتگی با آنها داشته باشم تا بتوانم بسرعت این مشکل را رفع کنم.

وضعی که می‌خواهم برایت یادآوری کنم به ایام بهار، مربوط می‌شود. بسیار مهم است که ما آن را به منظور(؟) کار شیوه‌ها و وسایل حل کنیم، زیرا این امر در عملیات پنهانی دارای اهمیت اساسی است. چنین گمان رود که این مسئله به هنگام دیدارم با آنها در آنجا روشن شده است. نمی‌دانم چه اتفاقی افتاد.

در رابطه با مسئلهٔ اقتصادی، دوست دارم به اطلاعت برسانم که وضع ما کم و بیش خوب است، زیرا تصمیم گرفته‌ایم از کمکهایی که از طریق همبستگی به‌دست آورده‌ایم استفاده کنیم. این هفته توانستیم کامیونی به قیمت ۲۵۰۰۰۰۰ دلار بطور مشترك خریداری کنیم. بدین‌خاطر این کار را کردیم که همیشه از وسایل نقلیه کوچك استفاده می‌کردیم. دوست دارم به هوگو اطلاع بدهی که جمهوری دمکراتیك آلمان یك کمك ده میلیون دلاری به مناسبت اعلام همبستگی به ما کرده است. رفیق «گیلرمو» نیز که از کمیسیون امور لجستیکی داخلی آمده، در مورد کمکهای عراق اطلاع داد که دویست هزار دلار آن به امور لجستیکی اختصاص داده شده است. طرح تازه‌ای را بررسی می‌کنیم که شیوه‌های جدید حمل و نقل را نشان می‌دهد.

آنجل، همچنین در مورد کار خود و یك دوست دیگر سئوال کرد و من می‌خواهم بسرعت در این مورد اقدام کنم. در این رابطه فهمیدم که این مسئله با آنچه که به هنگام دیدن تو مورد بحث قرار دادیم مربوط می‌شود. و آن عبارت است از مسئله تکنسینها و افراد حرفه‌ای ماهر. قبلا به این مسئله، توجه شده است، اما به طریقی که هرگاه کسی وارد می‌شود دوباره کاری می‌کند. به‌نظرم می‌توانیم تعداد خوبی پرسنل در این زمینه، آن‌هم یکی یکی برایشان بفرستیم. شرایط خوبی وجود دارد، تنها به لیست تخصصها و تعداد پرسنل احتیاج دارم تا بدون اتلاف وقت آنها را تهیه کنم. اگر میل دارید، می‌توانند به‌من بگویند هرکدام چه حرفه‌ای دارند، زیرا این امر، به مسئله، کمك می‌کند. لوئیس نیز همان‌جایی است که «لوچو» هست.

در ضمن دوست دارم به اطلاعت برسانم که رفیق خلبانی در اینجا داریم که «سیمون» را وادار کرد، اول ماه به اینجا بیاید و من ترتیب یك دوره آموزشی را برای او داده‌ام زیرا فعلا شرایط خوبی فراهم است.

در رابطه با محموله‌های بعدی، مشکلاتی مطرح است. ۲۷ سپتامبر گذشته «گوستاو» در جریان یك ملاقات به ما اطلاع داد که جبهه تصمیم دارد تحویل این محموله‌ها را برای یك دورهٔ تقریباً یك‌ماهه، به تعویق اندازد. آنها یك‌سری مشکل امنیتی را مطرح می‌کنند که در اثر ملاقات با «جمزچیك» نمایندهٔ وزارت خارجهٔ امریکا ایجاد شد. به گفتهٔ آنها، وی در مورد ارسال محموله‌ها از طریق نیکاراگوا اطلاع داشت، می‌دانست که ما آنها را در وسایل نقلیهٔ کوچك از طریق دریا نیز حمل می‌کنیم. آنها مسئله احتمال مدیریت بد اطلاعاتی اشخاص مشغول کار روی این مسئله را مطرح کردند و اظهار داشتند که می‌خواهند در این رابطه تحقیق کنند. ما مسئلهٔ قبل را مورد ارزیابی قرار داده‌ایم و برایمان بسیار عجیب به‌نظر می‌رسد که یك مقام مهم نزد آنها بیاید و در چنین موردی به آنها هشدار دهد. اگر درست باشد که آنها پی به این مسئله برده‌اند،

منطقی است که به ما ضربه زده و ماشین عظیم تبلیغاتی خود را مجهـز کنند، نه‌اینکه بـه ما اینگونـه هشداربدهند. به‌نظـرما حالاکـه مسئلهٔ RN (مقاومت ملی) حل شده، آنها به این طریق روی ما فشار می‌آورند. این از یك طرف، و از طرف دیگر نیز این مسئلهٔ سیاسی است که بـه انتخابات امریکا مربوط می‌شود و هدفش این است که قبل از نوامبر، برای کارتر مسئله‌ای پیش نیاید. در این رابطه، باید حرف «لوچو» را به یاد آوریم که گفت باید صبر کرد و دید که مبارزهٔ کارتر ــ ریگان چگونـه حل می‌شود. در رابطه با مسئلهٔ قبلی نیز، گامهایی برای اتخاذ تصمیـم سریع برداشته‌ایم و در مورد وضع داخلی که رفیق «گیلرمو» از طرف کمیتهٔ پذیرایی در مورد مسائل نظامی داخل، مطرح کرده نیز گزارشی تهیه کرده‌ایم. تاکنون، پاسخی دریافت نشده است. «هرگو» را از این جریان مطلع کن و به او بگو که آنرا در سطح «هیأت رهبری انقلابـی واحد» مطرح کند. میل داریم پیشنهاداتی در این زمینه ارائه دهیم، هرچند، شکی نیست که این تصمیم جبهه به روی ما تأثیر منفی گذاشته است.

خوب برادر! امیدوارم مشکلات ما در مورد این مسئلهٔ استراتژیك بزودی رفع شود، زیرا در غیراینصورت می‌ترسم که به ما ضربه سختی بزنند.

با بهترین آرزوها برای همه.

(امضاء)

فرناندو

En nota anterior te informaba de que Lalo había regresado de estudiar de donde Lucas (más información a [illegible]) está muy entusiasmado y ha elaborado el siguiente plan de trabajo:

- Construcción de cañones de 120 mm (cañón, granada y dispositivo de de activación)
- Granadas de mano (ofensiva y defensiva)
- Granada anti-tanque (fusil de lanzamiento, dispositivo eléctrico y granada)
- Minas de concreto (dispositivo eléctrico, espoleta y recipiente)
- Minas antipersonales (dispositivo eléctrico, espoleta y recipiente)
- Activación automática para las minas de concreto y antipersonales

El manifiesta estar dispuesto incluso a ayudar económicamente y piensa que pueda trabajarse aquí en la fabricación de las piezas que allí ofrecieran dificultades en la adquisición de los materiales y que allí se completaran. pero para esto es necesario que se tuviera una entrevista con los que van a trabajar allí para ponerse de acuerdo en qué piezas se fabrican allí y cuales aquí. También tiene la idea de que puede trabajarse allí todo y estaría dispuesto a trasladarse allí. Para tomar esta decisión (si se trabajara aquí yo necesito autorización de adentro así como de Augusto). Yo encuentro difícil que aquí se pueda porque ya he consultado la opinión del [illegible] y este manifiesta que es suficiente con lo que ya tenemos; solamente que trabajáramos sin su consentimiento, aunque no es recomendable, e incluso Simón opina que así no debemos hacerlo. De todas maneras esto es necesario [illegible] que resolverlo.

Con Angel hemos conversado ampliamente sobre el trabajo en Honduras; hemos [illegible] en detalle sobre las necesidades allí. Las tareas que allí deben cumplirse son las siguientes: a) buscar otra casa, ya que la actual se las quitarán; b) [illegible] para vehículos grandes (furgones), la cual debe ser una galera con techo para [illegible] res adecuados. Es necesario resolver lo de los depósito del equipo, ya que hasta hoy nada se ha hecho; desconozco las razones de esto, pues lo habíamos hablado ampliamente contigo. Esto es fundamental, pues tenemos que asegurar al máximo la actividad del trabajo; c) estudio detallado de las [illegible], pues es conocido que vamos a [illegible]; d) [illegible] de las aduanas Honduras-[illegible]; e) hemos hablado asimismo del personal [illegible] a choferes; hoy nos interesa aquellos que tengan licencia de último pesado; sobre esto estoy gestionando la venida de unos compañeros de nacionalidad canadiense, pero no está seguro y debe buscarse por otro lado; f) es necesario continuar con el estudio de los pasos ciegos de la frontera Honduras- El Salvador, lo cual es fundamental; no hay que conformarse con [illegible], [illegible] puede aprovecharse lo que pudiera ofrecer el frente hondureño, pero lo principal lo ponemos nosotros.

He hablado ampliamente con Rodolfo y [illegible] lo arriba mencionado ha quedado claro, que son ellos quienes tienen la responsabilidad de impulsar esas tareas. Yo les he recomendado que funcionen como un organismo colegiado donde discutan y se pongan de acuerdo en el trabajo. Me parece que [illegible] se desespera demasiado y esto no le permite hacer tiempo para tomar las medidas de seguridad adecuadas, [illegible] y esto hace que no se lleven bien con Rodolfo, incluso han llegado a tener altercados fuera de lo normal y entrar en desacuerdos; por su parte, Rodolfo es muy lento y falto de iniciativa. Hemos tenido una reunión conjunta y les he puesto en claro a ambos, sobre la necesidad de superar estas situaciones. Me preocupa especialmente que no trabajen bien en las medidas de seguridad. Espero hacer una entrevista semanal con ellos para mejorar pronto este problema.

Una situación que quiero recordarte es lo referente a lo de la [illegible], pero es [illegible] el que lo resolvamos para arreglar los sellos y métodos de trabajo, algo fundamental en la conspiración. Sobre esto se supone que ya estábamos claros cuando los visité allí, desconozco qué pasó.

Sobre el problema económico quiero informarte que estamos más o menos bien pues hemos tomado una decisión de utilizar algunos contactos que han sido obtenidos en solidaridad. Durante esta semana hemos autorizado la compra conjunta de [illegible]; esto porque sólo lo hemos estado [illegible]. Quisiera que le informes a [illegible] que ya se hizo efectiva una solidaridad de la [illegible] que asciende a [illegible]. Así mismo llegó el compañero Guillermo de la comisión de [illegible] quien traía información [illegible] lo enviado por [illegible], de lo cual dejamos para [illegible] un plan de adquisición de nuevos medios de transporte.

[illegible] plantea también la cuestión de un curso para él y otro socio, lo cual he aceptado muy [illegible]; sobre esto entiendo que se trata de lo que hablamos contigo cuando te visité, de los técnicos y profesionales calificados. Esto ya está [illegible], pero en general de tal manera que cuando alguien llega es [illegible]. Yo opino que nosotros podríamos enviar un buen número de personal de esta clase y no estar enviando uno por uno; hay condiciones favorables; sólo necesitaría el listado de especialidades y la cantidad de personal para tramitarlo con tiempo para que no estén aquí perdiéndolo. Sí quisiera que me digan qué profesión tiene cada uno, pues esto me facilita el trámite. Ya [illegible] está donde [illegible].

~~[illegible] informarte también que [illegible] hizo [illegible] para él [illegible] condiciones para ellos.~~

Sobre los próximos envíos [illegible] problemas el pasado 27 de Sept. se realizó una reunión con [illegible] en la que se nos informó de la decisión del Frente de suspender los envíos durante un período aproximado de un mes; ellos plantearon un problema de seguridad a partir de una reunión que dicen haber tenido con un Cnl. [illegible], delegado del departamento de estado norteamericano; dicen que [illegible] a través de [illegible], en vehículos pequeños y que realizábamos envíos por la vía marítima; plantean posible mal manejo de la información por parte del personal que trabaja en esto, y que van a realizar una investigación. Nosotros hemos realizado una evaluación de lo anterior y nos ha parecido muy extraño que un funcionario gringo les llegue prácticamente a prevenir sobre un caso como este. Si fuera cierto que algo concreto han detectado lo lógico es que nos golpeen y armen el gran propagandón y no que nos prevengan (ni amigos somos); nosotros creemos que esto puede ser un medio de presión para que se resuelva el problema de la [illegible]; esto por un lado, y por otro, que se trata de una decisión política relacionada con las elecciones norteamericanas, es decir que se trate de un período [illegible] para no causarle problemas a Carter antes de noviembre; sobre esto debo recordarte que incluso [illegible] presionado en el sentido de que debiera considerarse un respiro en la lucha para ver cómo se resuelve el problema Carter-Reagan. Nosotros a partir de lo anterior hemos realizado gestiones para la inmediata revocación de esa decisión y se ha tomado como base el informe de la situación en el interior que traía el compañero Guillermo de la Comisión de Recepción, sobre los problemas militares en el interior; al momento de escribirte esto no tenemos respuesta aún. Dale a conocer esto a [illegible] para que lo plantee a nivel de la [illegible]; nos gustaría tener indicaciones sobre esto, aunque está demás insistir en que esta decisión del Frente nos afecta en forma negativa.

Bueno mi hermano, deseo que los problemas que tenemos en este trabajo estratégico se resuelvan pronto, pues de lo contrario temo que nos puedan golpear fuertemente.

سند K

نامهٔ «ولادیمیر» به «جوآکوئین»، «ژاکوبو» و«مارسیل» (به‌تاریخ اول نوامبر ۱۹۸۰)

راهنمای اصطلاحات واختصارات:
DRU ـ هیأت رهبری انقلابی واحد
اسمرلادا ــ کوبا.
FMLN ـ جبههٔ آزادیبخش فارابوندومارتی.
مارسیل ــ کایتانو کارپیو. رهبر گروه چریکی FPL
ولادیمیر ــ نمایندهٔ لجستیکی هیأت رهبری انقلابی واحد، در نیکاراگوا.

ترجمهٔ سند K

گزارش شمارهٔ چهار:
لاگو، اول نوامبر ۱۹۸۰
رفقا جاکوئین، ژاکوبو، و مارسیل.
هیأت رهبری انقلابی واحد.
همراه با درود برادرانه و مبارزاتی:

رفیق «رودریگو» از امور لجستیکی در ۲۹ نوامبر طی یك دیدار به اینجا آمد. او چندین یادداشت (از استیان، مارسیل و گزارشی از هیأت رهبری انقلابی واحد) به‌ما داد. رفیق، همچنین اوضاع محموله را با ما مطرح کرد. ما حمل محموله‌ها از طریق دریا و زمین را متوقف کرده‌ایم، و در رابطه با حمل هوایی منتظر تصمیم شما هستیم که چه چیزی می‌توان دریافت داشت.

اینجا، در رابطه با محموله‌ها، آنها شب و روز مشغول بسته‌بندی بوده‌اند. در حقیقت، مقامات لاگو مسائل را گسترش می‌دهند. در واقع، این مسئله آنقدر برایشان مهم است که هم‌اکنون ما را تحت فشار گذاشته‌اند، بطوریکه این وضع مدت زیادی نمی‌تواند به‌طول انجامد. از طرف دیگر، انبارهای «اسمرلادا» از محموله‌هایی که به مقدار بیش از ۱۵۰ تن هفتهٔ گذاشته وارد شده، لبالب پر شده است. به‌علاوه، قرار است محموله‌های بیشتری این هفته به «اسمرلادا» وارد شود که مقدار آن به ۳۰۰ تا ٤۰۰ تن می‌رسد. بنابراین، این جریان به نوعی زنجیر تبدیل شده که ما آخرین و مهم‌ترین حلقهٔ آن هستیم. این مسئله، ما را در رابطه با کل طرح عملیاتی نگران می‌سازد، زیرا اگر نتوانیم حلقهٔ خود را محکم کنیم، یك‌سری واکنشهای سیاسی و عملیاتی خواهد داشت که به سرزمینهای دوردست متعهد، نسبت به ما نیز خواهد رسید. رفیق سمیون به کشور

وارد خواهد شد و در این رابطه، بحث و مشورت خواهد کرد. ما تمام این مسائل را با «رودریگو» مطرح کردیم و او نیز در صورت لزوم توضیح بیشتری خواهد داد.

در ۱۹ اکتبر طرح رفقای امور لجستیکی را برای تأیید نکات مربوط به دریافت محموله‌ها ارائه دادیم این طرح از سوی جبهه مورد موافقت قرار گرفت، اما تاریخ تحویل محموله‌ها تغییر یافت و قرار شد تحویل اولین محموله‌ها در عوض بیست و پنجم در چهارم ماه بعد آغاز شود. آنها همچنین گفتند: ما این هفته، برنامهٔ نحوهٔ ارسال محموله‌ها را دریافت خواهیم کرد. دیروز، سی‌ام اکتبر، آنها برنامه‌ای به من ارائه دادند که مقدار قبلی را دوبرابر نشان می‌داد و قرار بود ۱۰۹ تن سلاح، تنها در همین ماه قاچاقی وارد کشور شود و این مقدار، ۹۰ درصد کل مقادیر انبار شده در آنجا بود. ظاهراً آنها عجله داشتند و مصمم به‌نظر می‌آمدند. ما برنامه‌ای را که شما فرستادید دریافت کردیم و آنرا با «رودریگو» مورد بحث قرار دادیم، سعی کردیم تاحد ممکن محموله‌ها را بسته‌بندی کنیم.

در این رابطه، و براساس چگونگی وضعیت مورد نظر در اینجا، توافق به‌عمل آمد که می‌توانیم طرحی در مورد ۱۰۹ تن محموله با منابع موجود ارائه دهیم، اما مشکل اصلی که هنوز هم باید رفع شود، چگونگی دریافت این محموله‌هاست. مشکل فعلی ما با مشکل قبلی فرق می‌کند، اما قصد داریم گامهایی برای رفع مشکل برداریم. به‌هرحال، یك عامل مهم را باید به‌خاطر داشته باشیم، و آن این است که گذشته از مشکلاتی که ممکن است از خارج بروز کند، و نیز علاوه بر بحث و جدلهایی که احتمالا برمی‌انگیزد، بسیار مهم است که از نظر استراتژیك به مسلح کردن رزمندگان انقلابی بپردازیم، زیرا در مرحلهٔ بسیار مهمی از انقلاب قرار گرفته‌ایم. ما به سهم خود از مشکلات عملیاتی ناشی از وضع داخلی آگاهیم، و می‌دانیم که با تعویق مداوم سلاحها، آیندهٔ انقلاب را به‌مخاطره می‌اندازیم. در نتیجه، باید آماده باشیم تا از هرگونه مخاطره، برای حل مشکل مربوط به دریافت سلاحها و نیز مبارزه با دشمن استقبال کنیم. البته می‌دانم که قاچاق ۱۰۹ تن اسلحه در این ماه، امری غیرممکن است، اما باید تا آنجا که می‌توانیم در این راه تلاش کنیم.

ما می‌توانیم با خواندن گزارش «رودریگو» فوراً به اوضاع پی ببریم، درست همان اوضاعی که قبلا «مارسلو» هنگام دیدار اخیرش از اینجا برایمان تشریح کرد. این گزارش، اختلاف عمیق میان نیاز به مسلح کردن مردم را که یك عامل بسیار مهم است، با تلاشهای عملی و واقعی صورت گرفته در زمینهٔ منطقهٔ دریافت سلاحها در داخل نشان می‌دهد. رفقا قبلا کارها را در اینجا تشریح کرده‌اند. اما باید تلاشهای بیشتری صورت گیرد، آنها باید کادر مشخصی از درون «هیأت رهبری انقلابی واحد»

DRU و یا مشترکاً با EMGC معین نمایند که مسئول این تلاش، فوق انسانی و قهرمانانه باشد. این کار، باید انجام پذیرد، چون نه تنها آیندهٔ جنگ به آن بستگی دارد، بلکه انقلاب نیز به آن وابسته است.

این امر، با توجه به عوامل گوناگون داخلی و خارجی عمیقاً تحلیل شده از سوی شما، یك مرحلهٔ قطعی و مهم به‌حساب می‌آید. از طرف دیگر انتخابات امریکا دیگر مشکلی ایجاد نخواهد کرد (نتایج آن نیز اهمیتی ندارد).

رفقای جبهه، حاضرند گام قاطعی در این رابطه بردارند. آنها همچنین تحت فشار موج قوی‌تر بعدی قرار دارند. و آن بارگیری محموله‌ای است که اکنون در «اسمرلادا» به تعویق انداخته می‌شود.

جای بسیار خوشبختی است که همهٔ کشورهای بلوك سوسیالیست کاملا خود را برای برآوردن نیازهای ما متعهد می‌بینند و حتی بعضی، کمکهای خود را دو برابر کرده‌اند. این اولین انقلاب امریکای لاتین است که آنها قبل از به قدرت رسیدنش، بدون قید و شرط به آن کمك می‌کنند. آنها به سهم خود، همه حرکات ما را زیر نظر دارند، و حتی بعضیها تعجب می‌کنند که چرا سلاحها را به کشور وارد نکرده‌ایم.

از طرف دیگر، با توجه به مسئلهٔ تدارکات جنگ داخلی، تصمیم گرفته شده که در اولین مرحله بیشترین تعداد اسلحه را بطور قاچاق وارد کرد، زیرا گرچه جنگ وارد مرحلهٔ وخیم پیچیده سیاسی و نظامی می‌شود، اما هم برای ما و هم برای دشمن، بطور نسبی طرحهای عملیاتی ساده‌ای در مقایسه با مرحلهٔ آینده، به‌وجود می‌آورد. هنگامی که جنگ علنی می‌شود، عملیات تدارکاتی خصوصیت پیچیده‌تری به‌خود می‌گیرد و عملیات رزمی بزرگتر از آنچه که امروزه توان انجام آن‌را داریم، خواهد بود.

همهٔ اینجا منجر به این می‌شود که ما برای ایجاد یك مرحلهٔ استراتژیك در انقلاب دست به تلاش بسیار مهم و عمده‌ای بزنیم. در رابطه با استفاده از تمام کانالهای ارتباطی (پست و تلفن) برای برقراری هماهنگی لازم، با «رودریگو» تبادل‌نظر کردیم. او آخرین طرح را ارائه داد و گفت راهنمای زمینی و دریایی را تأمین کرده‌ایم، اما هنوز باید مسئلهٔ راه هوایی را حل کنیم. ما جزئیات چگونگی بسته‌بندی کالا، به بهترین وجه را بررسی کرده و مناطق شروع ارسال محموله‌ها را برای آغاز این مأموریت مهم مشخص خواهیم کرد.

در رابطه با ارتباطات، گامهایی برای خرید تمام تجهیزات لازم جهت «هیأت رهبری انقلابی واحد»(DRU)، EMGC و جبهه‌های مختلف برداشته‌ایم. تجهیزات فنی بسیار گران است، اما ما آنها را خریداری خواهیم کرد. در این رابطه اقدامی به‌عمل نیامده است. «کد» و شیوهٔ عمل ارتباط برای هیأت رهبری انقلابی واحد در «لاگو» مشخص شده است. رفیق «سونیا» تقاضای یك مسافرت یك روزه به «اسمرلادا» برای

مشورت پیرامون این مسئله را مطرح ساخت. او بیست و نهم اینجا را ترك کرده و هنوز باز نگشته است، و هنوز از علت تأخیر او باخبر نشده‌ایم.

ترتیباتی فراهم کرده‌ام که جبهه، یك دورهٔ آموزشی برای ۱۲ رفیق در زمینهٔ ارتباطات اختصاص دهد. من مناسب‌ترین افراد را از میان آنهایی که از بورسیه استفاده می‌کنند و کاری در اینجا انجام نمی‌دهند، برگزیدم. (آنها از سه سازمان مختلف هستند). دوره، از سوم نوامبر آغاز می‌شود. این رفقا حاضر خواهند بود امور ارتباطات تمام جبهه‌ها را به‌عهده بگیرند. احتمال دارد تا هنگام اتمام دورهٔ آموزش آنها و بازگشتشان به کشور، شما تمام تجهیزات را دریافت کرده باشید. در رابطه با درخواست شما برای رادیو، مقامات «جبهه» روز قبل به من اطلاع دادند که تصمیم گرفته‌اند تجهیزات رادیو تجاری را اصلاح کنند. من سعی می‌کنم رادیوهای موج کوتاه فراهم کنم. امیدوارم یکشنبهٔ سوم پاسخ آنها را دریافت نمایم.

سیمون، روز سوم به آنجا سفر خواهد کرد. او یك گزارش راجع به تمام مسائل مطروحه در اینجا با خود خواهد برد.

(گواتمالاییها) همه در اینجا، (سند) وحدت را امضاء می‌کنند. این یك حادثهٔ بسیار فوق‌العاده است، زیرا در اینجا یعنی در «لاگو» به‌وقوع می‌پیوندد. آنها درخواست کردند حداقل یکی از رفقای بلندپایه «هیأت رهبری انقلابی واحد» در مراسم امضای توافق حضور داشته باشد. «سیمون» قادر به ماندن نخواهد بود. اما، ما یك هیأت مرکب از«میگوئل. س»، ماریا و خودم برای حضور در این مراسم تشکیل داده‌ایم. بروج و آ ــ ب هم ممکن است در آنجا حضور داشته باشند.

با درودهای انقلابی

اتحاد در مبارزه تا پیروزی نهایی!

انقلاب یا مرگ، ما پیروز خواهیم شد!

توجـــه:

هر وقت یادداشتهای رسمی هیأت رهبری انقلابی واحد را می‌فرستید، بهتر است یکی از سه نفر، آنها را امضا کند. تنها اطلاعاتی که دریافت کرده‌ام یادداشتی از «جوکوئین» و یادداشتهایی از هیأت رهبری انقلابی واحد بوده است. آخرین یادداشت موجود، نزد من به ۱۲ اکتبر ۱۹۸۰ مربوط می‌شود. گزارش رسمی نظامی دیگری دریافت نکرده‌ام.

۲ بعدازظهر ــ اول نوامبر ۱۹۸۰

امضا:

ولادیمیر

[illegible]

Compañeros Joaquín, Jacobo, Marcial.
DRU del FMLN.

[illegible] 1 Nov. 1980

Reciban un fraternal y combativo saludo.

El 29 estuvo de visita el compañero Rodrigo de Logística. Con él recibimos varias notas (de Esteban, de Marcial y un informe de la DRU). Con el compa vimos el estado de los envíos, dejamos amarrado ya, los envíos marítimos y terrestres, en lo aéreo estaremos a la espera de lo que ustedes decidan que se puede recibir.

Aquí, en cuanto a los envíos ya comenzaron a empacar día y noche todos los bultos en realidad a esta gente de lazo ya le agarró la prisa. Es una papa tan caliente que han venido teniendo, que ahora están tirándonosla a nosotros porque ya no se puede seguir sosteniendo mucho tiempo. Por otro lado en Esmeralda, ya están topadas las bodegas con el cargamento que ha llegado en esta última semana más de [illegible]. y ellos están también atareados, porque esta otra semana llegan cargamentos que completan de [illegible] Ton. en una salida. Entonces esto ya se volvió una cadena, de la cual nosotros somos el último y principal eslabón. Algo que nos está moviendo a preocupación en toda la preparación operativa de la recepción interna ya que si nosotros no jalamos fuerte el eslabón que nos corresponde, esto traerá repercusiones operativas y políticas hasta las lejanas tierras en donde se está cumpliendo seriamente con el compromiso que adquirieron con nosotros. El compañero Simón llegará al país y ampliará esto. Con Rodrigo hablamos de todo esto y él podrá ampliar también a ustedes si es necesario.

El 19 de Oct. mandamos un plan adentro sujeto a la confirmación de los puntos de recepción de parte de los compas de logística interna; este plan fue aprobado por el frente y el 25 ellos le hicieron ajustes a las fechas dejando los primeros envíos a partir del 9. Esta semana, también ellos nos dijeron que nos iban a dar el calendario de envíos. Ayer 30 Oct. me dieron un calendario en el que prácticamente doblan la cantidad anteriormente programada y nos proponen meter sólo en este mes, 109 tons. al país, lo que equivale a enviar un 90 % de la cantidad semblegada aquí. Se notan bastante apurados y decididos. Por parte nuestra recibimos el calendario, lo discutimos con Rodrigo y tratamos de amarrar la mayor cantidad de envíos posibles.

Sobre esto, la valoración según se ve aquí la situación, es que nosotros podríamos absorber un plan como el de mandar las 109 tons. con los alcances que hay; pero el problema fundamental a resolver es el de la recepción. Ahora el problema que se nos viene encima es diferente a la situación anterior y vamos a tomar medidas para enfrentarla; sin embargo, hay un aspecto importante que es necesario tomar en cuenta, y es que independientemente de los problemas externos que esto provoque

- 2 -

y las discusiones que aquí genere, es importante decirles y estrategias armar los combatientes revolucionarios y que esta etapa es definitiva para la revolución. Por parte nuestra, estamos conscientes de los problemas operativos que esto crea internamente y que de seguir prolongando el envío de las armas ponemos en juego el futuro de la revolución. Por tanto, debemos estar decididos, de la misma forma con que combatimos al enemigo a jugárnosla toda en el problema de la recepción de fierros.

Yo creo, que va a ser casi imposible que metamos este mes las 109 tons. pero debemos hacer todos los esfuerzos por meter lo que más podamos.

Del informe que dio Rodrigo aquí se palpa inmediatamente una situación que ya había adelantado Marcelo cuando estuvo aquí recientemente. Y es de que contrasta profundamente la necesidad de armar al pueblo y lo crítico y grave que es esto, con los esfuerzos reales prácticos que se hace en el terreno de la recepción interna. Aquí informaron los compañeros los trabajos que se tienen adelantados; pero es necesario meterle más y de fondo; deberían poner un cuadro de dirección de la DRU ó del E.M.G. conjunto al frente de este esfuerzo sobrehumano y heroico que hay que hacer, porque de esto depende no sólo el futuro de la guerra sino el de la Revolución.

Esta etapa es decisiva por distintos factores internos y externos que ustedes de seguro ya habrán valorado profundamente. ~~[illegible]~~ ~~más por las elecciones de EEUU (los resultados no importan)~~. Los compas del frente, ya están decididos a dar el paso en firme de manera irreversible. Además, están también presionados por la otra ola más fuerte que está ya a la vista y es el cargamento que ya se está atorando por Esmeralda.

Es impresionante, como todos los países del Campo Soc. se metieron a fondo a ayudarnos a todas las solicitudes que hicimos y algunos doblaron la ayuda prometida. Es la primera revolución de A.L. a la que se han volcado incondicionalmente en su ayuda, antes de la toma del poder. De ya de ellos, están en una observación constante sobre todos los pasos que dan y no sólo sobre nosotros sino que comienza a preocuparles a algunos porque no hemos metido las armas al país.

Por otro lado, en los problemas del abastecimiento interno de la guerra se prevé que en esta primera etapa es urgente meter la mayor cantidad de [illegible] posibles, porque [illegible] la guerra, aunque esté entrando en fases [illegible] y complejas políticas y militares para nosotros y el enemigo, todavía [illegible] abastecer (con todo y los problemas que se vengan encima) con algunos esquemas operativos relativamente sencillos, comparados a todo lo que se viene después ... en guerra abierta, los operativos de abastecimiento son mucho [illegible] ... a los que hay que montar.

–3–

De lo cual se desprende, la gran importancia que tiene, hoy, [illegible] gran esfuerzo que hay que hacer y así asegurar una parte estratégica de la revolución.

Con Rodrigo quedamos en todos los canales de comunicación (correos y teléfonos) que se tenga una buena coordinación. Él lleva el último calendario; [illegible] afianzados casi todos lo terrestre y marítimo; lo aéreo hay que ver cómo lo resolvemos. Estaremos preparando los últimos detalles para empezar la mercadería de la mejor forma posible y poniendo en los puntos de partida los recursos que aquí se tienen para iniciar esta gran tarea.

En lo que se refiere a las comunicaciones estamos gestionando la compra de todo el equipo para DRU, EMGC, y para los distintos frentes. El equipo técnico en [illegible] lo vamos a comprar, con esto no había nada hecho. Ya las claves y [illegible] DRU-Lago quedaron establecidas. La compa Sonia [illegible] ir a [illegible] a hacer unas consultas. Se fué el 29 y no ha regresado todavía, no sabemos nada de su atraso.

Por otro lado, gestioné ante el frente un curso de comunicaciones para 12 compañeros. El curso durará 10 días. La gente la agarré de los becarios más ideales que están aquí sin hacer nada (de las tres organizaciones). El curso comienza el 3 NOV. Estos compas irán listos para las comunicaciones de todos los frentes. Es posible que cuando ellos terminen el curso y entren al país ustedes ya hayan recibido todos los aparatos.

Sobre la solicitud [illegible] que se planteó en la nota que me mandaron, a los del frente un día antes me informaron que habían decidido [illegible] los aparatos de una radio comercial. Seguiré gestionando [illegible] esta, [illegible] el Domingo [illegible].

Simón saldrá el 2 hacia allá. Él lleva un informe político amplio de todo de aquí.

Los chapines todos están aquí firmando la unidad. En un acto trascendental que se ha hecho en Lago, quieran que a la firma asistieran por lo menos un compa primer responsable de los de la DRU. Simón no se va a poder quedar. [illegible] se hemos hecho una delegación compuesta por Miguel S., María y yo para asistir al acto. Probablemente para acá se desplace Brot y AB. al acto.

Saludos Revolucionarios. ¡UNIDOS PARA COMBATIR HASTA LA VICTORIA FINAL!

¡REVOLUCIÓN O MUERTE VENCEREMOS!

NOTA:
Cuando se manden notas oficiales de la DRU
es bueno que las firmara alguien de los tres. La única información
que he recibido fué la nota vía Joaquín y actas de la DRU la más reciente
que tengo es del 12 de Octubre 80. Informes militares oficiales no
he recibido ninguno...
2 am. – 1 NOVIEMBRE – 80

Vladimir.

سند L

یادداشتی درمورد تحویل سلاحها (بدون تاریخ)

راهنمای اصطلاحات و اختصارات:

توجه: ارقام ونامه‌ها به‌انواع مختلف سلاحها اشاره می‌کند.

ترجمهٔ سند L

— ۲۱ــام ۷۹ (پرتاب‌کنندهٔ دستی ٤۰ میلیمتری ساخت امریکا) — هر جعبه ۷۲ عدد.
— ۱۵۱۲ — ۱۲ سلاح دستساز امــ۷۹
— ۳۳٦ — (تفنگ) فال.
— ۱٦۸ — امیك و ام۲ —
— ۱۱۷٦۰۰ خشاب ٦۲ میلیمتری.
— ٦٤٤۸۰/۳۰ خشاب امــیك.
— ٦۷۲ — فشنگ فال.
— ۳۳٦ — فشنگ امیك.
— ٦۷۲ — مجله‌های فال.
— ۵۰٤ — قطار فشنگ.
— ۱۵ — آرپی‌جی۲.
— ۲۲۵ — موشك برای آرپی‌جی۲
— ۲ — (تفنگ‌های) ام۶۰.
— ۲۱۰ بسته هر کدام به وزن ۸۰.
— مجموعاً ۱٦۸۰۰

— ۳۳٦   ۱۵۱۲ ÷ ۲۱ = ۷۲   ۱۱۷٦۰۰ ÷ ۳۳٦ = ۳۵۰.

۱٦۸

۵۰٤   ۳۳٦ × ۵۰ = ۱٦۸۰۰   ۸٤۰۰

تفنگ بزرگ = ۱٤۲۷ خشاب هر کدام حداکثر ۲۷
۱٤ خشاب هر کدام حداکثر ۱٤ } ۲۸۷ خشاب

٤۰ خشاب کاربین ام هر کدام ۲۵   جمع = ۱۰۰۰ خشاب

۲۲ تفنگ ژ۳
۱۰ = فال } ۷/٦۲ (میلیمتری = ۸۰۰۰ تا ۹۰۰۰ (خشاب)

تفنگ فال ۷/٦۲ = ۳۲ عدد با ۲۵۰ خشاب برای هر کدام.

— ۸٦ اسلحه.

(تفنگهای) گالیل (تعداد نامشخص)
(تفنگهای) ام۱٦ (تعداد نامشخص) } ۸ تفنگ ۲/۲۳ (۵/۵٦ میلیمتری) هرکدام ۱۷۰ خشاب

روی‌هم‌رفته ۹٤ اسلحه.

۲۰۰ سلاح کمری.
٤٥ سلاح کمری = با ۸ خشاب برای هرکدام.
سلاحهای کمری ۹ میلیمتری = هرکدام ۲٥ خشاب.
۲۲ کلت.
۳۸ کلت ـ کیاب.
مسلسلها.
ـ ٦ عدد مارسن.
ـ ۲ عدد تامپسن.
ـ ٤٥ تفنگ.
ـ مسلسل ۱۹ میلیمتری.
ـ ۱۳۰ مسلسل برونینگ کمپاب؟
ـ ۲ آرپی‌جی۲ با ٥ گلوله برای هر یك.
ـ ۱۱۲۰ (میلیمتر) = یك «سیمون» یك «رتن».
ـ ۱۸۱ = یك سیمون یك رتن ۷ (کلمات ناخوانا است)
کامیونها با محموله دیده شده است (کلمات ناخوانا است)
۱ـ رامون افراد (کلمات ناخوانا) ندارد، اما در عوض، یك منطقهٔ سالم‌تر دارد.
۲ـ انبار به‌روی ۱٥۰ (کلمات ناخوانا).
ـ یك‌متر عرض.
ـ ۱۲۰ طول.
ـ پرسنل در یك خانه.
ـ ۳ نفر در هر قایق.
ـ یك دستگاه آونگ و کارگاه لاگوس، خانه برای خلبانها، ۲ مکانیك.
ـ (کلمات ناخوانا) (سالادو) ۲ خلبان (کلمات ناخوانا) برای هواپیمای بزرگ.
ـ یك هواپیمای رزرو کوچك.
ـ دو هواپیمای ذخیرهٔ بزرگ.
یك خلبان برای هواپیمای کوچك ـ جیم.
(نوشتن در گوشه، در سمت راست بالا)
ـ با قایق
ـ ۷ ـ (پرتاب‌کنندهٔ دستساز) ام ۷۹
٥۰٤ دستساز ام ۷۹
ـ ۱۱۲ (تفنگ) فال.
ـ ٥٦ (تفنگ یا تفنگ خودکار) امیك و ام۲
ـ ۳۹۲۰۰ (خشابهای) ۷/٦۲ میلیمتری.
ـ ۲۰۱٦۰ خشاب.

— ۲۲٤ فشنگ.
— ۱۱٤ فشنگ امیك.
— ۲۲٤ مجله.
— ۱۹۸ قطار فشنگ.
— ۷۰ سفر.

1 cañón = 14 c/u — 27 máximo / 14 mínimo } 257 Tiros

Combinaciones 40 — 25 c/u — Total = 1000 tiros

Fusil G3 22 → 7.62 = 5000 — 100 c.
FAL = 10

Total fusil 7.62 = 32 con 256 tiros c/u

86 armas

Galil } 8 fusiles 2,23 (5.56) 170 tiros c/u
M16 }

Total 94 armas.

200 pistolas

pistolas 45 = con 6 tiros c/u
pistolas 9mm = con 25 tiros c/u
Revolver 22 = —
Revolver 38 = Escaso

Sub ametralladoras
6 Madsen
02 Thompson
1 fusil 45
1 fusil ametralladora 9 mm
1 fusil ametralladora browning 30.06 ¿? Escaso

2 RPG2 con 5 granadas c/u

1er envío

21 — N.79 → 72 c/u
1512 — 12 granadas M79
336 — FAL
168 — M1 y M2
117,600 Tiros 7,62
64,460 M1 .30 (Tiros)
672 — Cargadores de FAL
336 — cargadores de M1
672 — Portacargadores de FAL
594 — bandoleras
→ 15 — RPG2
225 — Cohetes de RPG2
2 — M60 → No hay que pedir los clips de cinema.
210 bultos de 80 lbs cada uno
16,800 Lbs en Total.

c/fusil con 3 cargadores y portacargador
2 fusiles por bulto

336 + 168 = 504

1512 / 21 = 72

117,600 / 336 = 350

336 x 50 = 16800 → 8,400

A. 120 = 1 Sn Simon. 1 Riter

A 61 = 1 Sn Simon. 1 Riter 1 [illegible]

Se han visto camiones en [illegible]. [illegible]

1 Lancha no tiene [illegible]; sino un deposito de [illegible].
2 depositos para 150 [illegible]
1 mt Ancho
120 Largo
Personal el de 1 casa. Viga hasta el muelle de la casa
3 en C/lancha.
1 Hangar y Taller Largos, casa para pilotos 2 mecanicos, 2 [illegible] de [illegible] (Soldado) 2 pilotos (marinos) para Av Grande.
Av. pequeño [illegible] 1
Av. Grande [illegible] 2
1 pilito Av. peq Jim.

C/Lancha
7-M-79
504 g. di M7
112 FAL
56 M2 y M.
39,200 76
7 im 20,160 .3c
224 Carg. di
114 carg. di M
224 [illegible]
195 Granadas

70 Viajes.

سند M

گزارش طرحهای لجستیکی (بدون تاریخ)

راهنمای اصطلاحات و اختصارات:

EMGC ــ ستاد کل مشترك چریکهای السالوادور.

ترجمهٔ سند M

مفاهیم لجستیکی

طرح لجستیکی باید قدم به‌قدم با یك طرح نظامی همراه باشد، یعنی نقاط استراتژیك، و چگونگی تضمین نگهداری و تقویت آنها دقیقاً مورد ارزیابی قرار گیرد.

طرح نظامی باید با طرح سیاسی ما کاملا تطبیق داشته باشد و اهداف سیاسی را برحسب استراتژی جهانی و جاری تضمین کند.

اهداف موضعی، اقتضا می‌کند که نیروهای ما آموزش رزمی تاکتیکی ببینند تا خود را بقدر کافی و بطور مؤثر و تا حد ممکن برای پاسخ دادن به نیازهای عملیاتی مورد انتظار رهبری آماده سازند. از نقطه‌نظر طرح لجستیکی به دو جنبه باید توجه شود. تاکتیکی و استراتژیك.

با توجه به این معیارهای اساسی، طرح زیر پیشنهاد می‌شود:

الف ــ اطمینان از اینکه مناطق استراتژیك پشت جبههٔ خود را حفظ می‌کنیم.

ب ــ افزایش ظرفیت عملیاتی مناطق شهری.

ج ــ تضمین توانایی دریافت لجستیکی خودمان و نیز تضمین توانائیهای تدارکاتی و نیز تقویت آنها.

د ــ اطمینان از ظرفیت توزیعی خودمان.

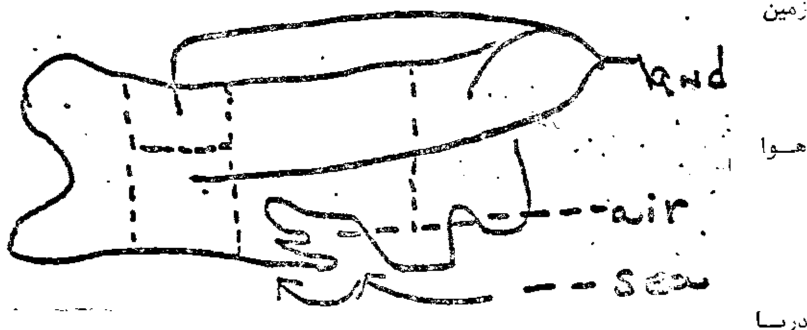
هـ ــ ایجاد زرادخانه‌های استراتژیك تحت کنترل EMGC این طرح، بویژه نکات زیر را دارا بود:

۱ــ در ابتدا باید برای جبهه‌های جنگ اسلحه تدارك دید و نه سازماندهی. این توزیع باید براساس یك طرح نظامی که مبتنی براقدام درست نظامی است صورت گیرد که یك تحول کیفی را در وضع نظامی ایجاد می‌کند. این تحول کیفی باید به‌گونه‌ای باشد که با کمترین کوشش، منطقهٔ پشت جبهه و عملیات در تمامی جبههٔ نیروی نظامی دشمن را در منطقه، به حالت پراکنده درآورده و به زانو درآورد.

براساس این طرح نظامی، ستاد کل مشترك می‌تواند با تقسیم و توزیع سلاحهای درخواست شده، موافقت نماید.

۲ــ از طریق تقسیم توزیع سلاح به یك جبههٔ خاص از جبهه‌ها

براساس منطقی‌ترین اصول عملیاتی، وسایل کافی تدارکاتی را فراهم آورد. همچنین راههای تدارکاتی کافی برای هر جبهه، براساس وسایل موجود ایجاد کند. منابع تدارك دیده شده از طریق دریا به جنوب شرقی و منطقهٔ جنوبی مرکزی وارد می‌شود. تدارکات زمینی نیز یا به هندوراس و یا به السالوادور وارد می‌شود.



هم‌اکنون روی تدارکات هوایی کار نشده است. در این اولین مرحله، احتمال زیاد می‌رود که آنها در بخش شرقی کشور دست به عمل بزنند.

تقسیم پیشنهاد شده به این شرح است:

از طریق دریا: در اولین تدارك منطقهٔ وصول سلاحها رشتهٔ کوه انتیبوکا ــ بوکران و در دومین مرحله، منطقهٔ مرکزی، و سومین مرحله نیز «مورازان» و کلا بخش شرقی خواهد بود.

از طریق زمین: تدارکات در هر نقطه‌ای وارد شده و باید اول به «شالاتنانگو»، دوم به «سان‌سالوادور» و «لالیبرتاد»، و سوم به ناحیهٔ غربی (سانتاآنا، آهواشاپان و سونسونات) فرستاده شود.

از طریق هوا: در تمام جبهه‌ها، مورازان، اورینته جنوبی، سان‌ویسنت، کابانا، و شالاتنانگو از اولویت برخوردارند.

معیار اساسی در تهیهٔ تدارکات تمرکز برنقاط استراتژیك است و نه تدارکات پراکنده. درمورد مناطق شهری وحومهٔ آن، معیارباید افزایش ظرفیت عملیاتی باشد تا برخوردها. در منطقه غربی نیز باید ظرفیت عملیاتی افزایش پیدا کند.

معیاربعدی برای تمرکز تدارکات براساس این واقعیت استواراست که سلاحها در مناطق خاص وارد می‌شود، زیرا راه، وسایل و ضرورت، همه دست به دست هم می‌دهند. (بنابراین تمام تدارکات رسیده از هندوراس باید به بخش شمالی کشور وارد شود).

سودمندی این طرح در اینجا است که باید اهداف لجستیکی در نظر گرفته شده در طرح نظامی هرجبهه راکه مورد تصویب EMGC قرار گرفته، برآورده سازد.

۴ـ طرح مانورهای نظامی به‌وسیلهٔ هر جبهه، باید به سؤالات زیر پاسخگو باشد:

الف: در اولین مرحله، چه تعداد افراد را قصد داریم مسلح کنیم.

ب: ارزیابی این مسئله که چه تعداد افراد را قصد داریم طی دومین مرحله و در تهاجم تمام‌عیار نهایی براساس اهداف مطرح شده در طــرح جنگ کلی تمام‌عیار مسلح کنیم. همچنین چگونه می‌توان عملی بــودن ایجاد راههای تدارکاتی و وسایل آن و نیز مقدار سلاح موجــود در زرادخانه را امکان‌پذیر ساخت.

۵ـ تحول کیفی اوضاع نظامی بدین‌معنی است که هر طرح نظامی برای هر جبهه باید در برگیرندهٔ مسائل زیر باشد:

الف: آغاز کنترل شاهراهها باشد.

ب: کنترل راههای مواصلاتی به پشت جبهه.

ج: حفظ منطقهٔ حرکت نیروی نظامی دشمن در مناطق پشت جبهه.

د: تضمین توانایی ادامهٔ فیروهای عملیاتی در مناطق شهری و مناطق اطراف شهرها.

IDEAS SOBRE LOGISTICA.

El plan logístico tiene que ir en función de un plan militar, es decir de una evaluación, de cuales son nuestros puntos estratégicos y como garantizar su sostenimiento y fortalecimiento.

El plan militar debe ir en concordancia plena con el plan político. Garantizar los objetivos políticos, tanto los globales estratégicos como los coyunturales.

Los objetivos coyunturales requieren una adecuación táctica en la forma de combatir de nuestras fuerzas para estar preparados con la mayor efectividad posible para responder a las necesidades operativas que la coyuntura plantea.

Desde el punto de vista del plan logístico, tiene que solucionarse los dos aspectos: el táctico y el estratégico.

A partir de estos criterios básicos se plantea el siguiente plan:

a- Garantizar que sostengamos nuestras zonas de retaguardia estratégicas.
b- Aumentar la capacidad operativa de las zonas urbanas.
c- Garantizar nuestra capacidad de recepción logística y de nuestras líneas de abastecimiento, así como fortalecerlas.
d- Garantizar nuestra capacidad de distribución.
e- Ir creando los arsenales estratégicos bajo el control del EMGC.

Este plan se traduce a lo concreto en:

1- Aprovisionamiento en base a frentes de guerra y no de organizaciones y dentro de los frentes en base a un plan militar que plantee la maniobra militar concreta que permita un cambio cualitativo en la situación militar.

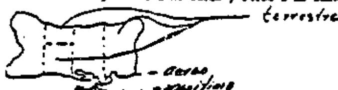
Ese cambio cualitativo tiene que plantear que con el menor esfuerzo, se logre asegurar la zona de retaguardia y la operatividad en todo el frente para mantener dispersas y " fijadas " a las fuerzas militares enemigas de la zona.

Sobre la base de dicho plan militar el EMGC puede aprobar las proporciones de armas solicitadas.

2- Adecuar los medios de abastecimiento dividiendo su servicio a determinado frente ó frentes de acuerdo a lo que operativamente sea más razonable.

Adecuar así mismo las rutas de aprovisionamiento a cada frente , en concordancia con los medios de que se dispone.

Los medios marítimos llegan al sur de oriente y la zona sur de la zona paracentral.
Los medios terrestres llegan unos a Honduras y otros a El Salvador.



Los medios aéreos, por ahora, no han funcionado. Lo más probable, en esta primera fase, es que empiecen a funcionar en el oriente del país.

La división propuesta es:
Marítima: aprovisionar primera zona de recepción, constituida por sierra Inti

-2-

2º Zona Paracentral, 3º Morazán y oriente, en general.

Terrestre: Llega a cualquier punto, debe aprovisionar: 1º Chalatenango, 2º San Salv. La Libertad, 3º Occ. (Sta. Ana, Ahuachapan, Sonsonate).

Aéreo: Aprovisionamiento de zona de oriente y zona paracentral.

3- En todos los frentes, tienen prioridad: Morazán, sur de Oriente, Sn. Vicente, y Cabañas, Chalatenango.

El criterio esencial del aprovisionamiento es concentrar en los puntos estratégicos y no dispersar. En cuanto a los núcleos urbanos y sub-urbanos el criterio es aumentar la capacidad operativa, más que de choque, la zona occidental, también es aprovisionada con criterio de aumentar su operatividad.

El otro criterio de concentrar se basa en el hecho de que las armas llegan a esos puntos porque coinciden la ruta, el medio y además, la necesidad (así todo envío por Honduras debe abastecer la zona norte del país.)

Este plan tiene limitada su vigencia a que se cumplan los objetivos logísticos planteados por la planificación militar de cada frente y aprobados por el [illegible]

4- La planificación de la maniobra militar de parte de cada frente va solucionando las respuestas a:

a- Cuantos hombres vamos a armar en esta primera fase.
b- Hacer una evaluación-tesis de cuantos hombres vamos a armar en la 2º fase y en la ofensiva final a partir de los objetivos que plantea el plan general de guerra y la factibilidad de contar medios y rutas de abastecimiento así como de la cantidad con que se cuenta en el arsenal.

5- El cambio cualitativo de la situación militar implica que el plan militar de cada frente debe comprender:

a- Comenzar el control de carreteras.
b- Control de vías de acceso a la retaguardia.
c- Mantener reducida el área de movimientos de la fuerza militar enemiga establecida en las zonas de retaguardia.
d- Garantizar la capacidad de mantener las campañas operativas en las zonas urbanas y de las áreas periféricas de las ciudades.

Nota: Este plan partiría de que existe una real fuente de abastecimiento en Lagos.

سند N

یادداشتهایی درمورد ترتیبات تحویل (بدون تاریخ)

راهنمای اصطلاحات و اختصارات:

ERP ــ ارتش انقلابی خلق، گروه چریکی السالوادور.
FAL ــ نیروهای مسلح آزادیبخش گروه چریکی حزب کمونیست السالوادور.
FPL ــ نیروهای آزادیبخش خلق ــ گروه چریکی السالوادور.
ISTA ــ مؤسسهٔ اصلاحات ارضی دولت السالوادور.
لاگوس ــ نیکاراگوا.
PRTC ــ حزب انقلابی کارگران امریکای مرکزی ــ گروه چریکی.

ترجمهٔ سند N

دو کامیون تریلر : یکی در کاستاریکا با راننده. FPL ۴۰۰
تا آتشفشان ۱۰۰
یکی در دست ساختن تا ۱۵ نوامبر FAL ۶۰
تا هندوراس ERP ۶۰
یك عدد اضافی تا ۱۵ نوامبر ۵۲۰
یك اضافهٔ دیگر که خریداری خواهد شد.
RN سه کامیون تریلر دارد که اخیراً وارد شده‌اند.
باند فرود: ISTA شنبه و یکشنبهٔ کارگران: پرسنل باند فرود، پرسنل ما هستند. ممکن نیست از این باند، طی روزهای هفته، استفاده کرد، زیرا در منطقهٔ کارگران قرار دارد. دو نفر برای هواپیمای کوچك هستند.
FPL ــ ۱۰۰ مرد ذخیره برای تماس FAL = ساعات بیهوده
تماس FPL = ۴۸ ساعت.
۱۲ نوامبر: ۹تن ــ ۹تن ــ یك‌تن ــ ۲تن.
روی‌هم‌رفته ۲۱ تن غرب ــ مرکز.

مجموعاً	دریا، دریا	هوا	زمین
	۱۸	۱	۲ = ۲۱ تن
		۶ تن	
		۷ تن	

معیار خارج شدن از لوس‌لاگوس.
اما شما می‌توانید (ناخوانا).

۸۰/۴۰۰۰
(تعداد مورد قبول = ۱۲۰ اسلحه)

Furgones: 1 en ~~construcción~~ con ... (Tegucigalpa).
C.S. 1 en construcción el 15 Abr. hasta
~~Honduras~~ (Choluteca)
1 ampliando el 15 Nov. hasta
~~[illegible]~~
1 mas que se van a comprar.
RN: Tiene 3 Furgones han metido ya en
... días.

~~[illegible]~~ Sab y Dom. ~~[illegible]~~ El pue... de la pista es Nuestra. Día de Semana no es ...ible utilizarlas por presencia de los trabajadores. Son 2 para aviones pequeños.

12 de Nov. : 9 Ton – 9 Ton – 1 Ton – 2 Ton
(1 en total) | oste oste – p. central occte
Mar Mar aereo Terrestre
Totales 18 1 2 = 21 Ton.
6 Ton
7 Ton.
... /100

TAL = 60 100
ERP = 60
320 → 48
(N)

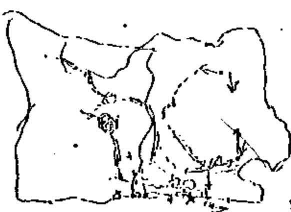
FPL: 100 hombres de reserva ...
Contacto FAL = [illegible] hor
Contacto FPL = 4-8 h

210 / 70

Criterio de desalojar la ...
1. Pero no puede ...

M. transport

Barretin - 300



4 hours

6 hours

each trip by sea: 9 ton, every day

each trip by air: 1 ton, to the mid-central every 6 days
10 (?) Nov and 15 Nov

each trip by land: they come on the 17 Nov to E.S. 2 ton.

exception (?)

(blotted out) transport

defense

operations for annihilation

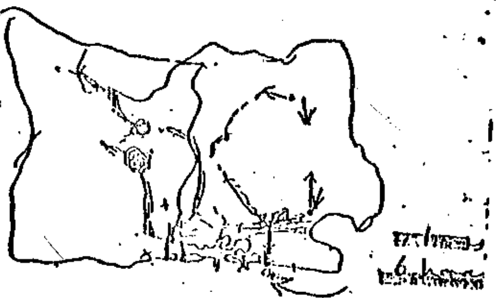
units of diversion

strategic units (?) (two words blotted out)

points of attack (one word blotted out)

...jo transporte:
fuera
operacionales de aniquila-
lades de dimensionismo.
Estrategicos ... de-
los puntos de ataque pri...

M. del transporte
Barcelona = 300



c/ ...viaje marítimo: ... calles ...llas:

c/ ...viaje aéreo: 1 ton. para... c
6 días. 19 nov. y 15 Nov.

c/ ... vienen el 11 de Nov.

8 ERP.
5 FAL
7 FPL.

120 … 30
10
4
4

124 FPL
12 ERP
10 FAL
4 PRTC.
100,000
30,000

100.

2100
→ 300
500

y si solo llegan 10
volcan. (10 de ellas a …

Con los …
12 ERP
10 FAL
4 PRTC.
4 FPL

4000 – 5000
3000 – 3500 ERP
1200 – 1500 FAL
800 – 1000 FAL
9000

700 ←
700

150 total
20 FAL
12 ERP
4 PRTC
114 FPL

4637
50
513 Total

25 FAL
337 ERP
120 FPL

30
80 ← choque
10 FAL = choque
10

II A Actividad de …
en San Miguel 15 No…
B – Golpe en Bu…
… con a…

سند

گزارش رفیق «جوناس مونتالو» (بدون تاریخ)

راهنمای اصطلاحات و اختصارات:

DC ـ دمکرات‌مسیحیها:
DRU ـ هیأت رهبری انقلابی واحد ـ رهبری مشترك گروههای چریکـی.
لاگوس ـ نیکاراگوا.
PCS ـ حزب کمونیست السالوادور.
RN ـ مقاومت ملی گروه چریکی السالوادور.

ترجمهٔ سند

گزارش‌کوتاه رفیق جوناس مونتالو (ازگرو ERP)

هیأت نمایندگی هیأت رهبری انقلابی واحد (DRU) هنگام اقامت در پاناما از طریق سفیر خود در این کشور، پیشنهاداتی از سوی دولت امریکا دریافت کرد. امریکاییها پیشنهاد کرده بودند در مورد انتخابات و تشکیل یك دولت جدید به‌عنوان یك فرمول‌گذاری و موقت در صورت برنده‌شدن کارتر، به بحث بپردازند. آنها بیشتر از این کاری نمی‌توانند انجام دهند.

پاناماییها نیز گفته‌اند که از سوی دولت امریکا پیشنهاد بحث شده است. آنها گفتند که در موقعیت انتخاباتی امریکا یك مشکل داخلـی بوجود آمده وکارتر نمی‌تواند اجازهٔ یك پیروزی انقلابی درالسالوادور را بدهد. نکتهٔ عمدهٔ این مشکل ظاهراً ترس از برنده شدن ریگان است. در این صورت، دمکرات‌مسیحیان امریکای مرکزی نیز همانند پاناماییها، ونزوئلاییها، نیکاراگوییها و کوباییها دچار همین ترس و وحشت هستند. به‌نظر آنها، کارتر با دو مشکل عمده مواجه است، یکی گروگانگیری امریکاییها در ایران و دیگری مشکل السالوادور.

رفقای نیکاراگوا و کوبا در رابطه با بحران در ارتش نگرانـی شدیدی دارند، چون احساس می‌کنند «هیأت رهبری انقلابـی واحـد» نمی‌داند چگونه از موقعیت استفاده کند. آنها احساس می‌کنند که موقعیت بسیار مناسب بود و حداقل DRU (هیأت رهبری انقلابی واحد) بایـد موضعگیری نماید.

باتوجه به مشکل رفقای مقاومت ملی (RN) حتی باوجود اینکه می‌دانند DRU راست می‌گوید، دو مسئله را مطرح می‌کنند. اول اینکه آنها

با تناقضهای مطرح شدهٔ علنی موافق نیستند. بنابراین بسیار دلخور هستند، بەعلاوه ،رفقای کوبایی مسئولیت انکار گزارش داخلیDRUرا که کتباً می‌گوید(RN) (مقاومت ملی) از هیأت رهبری انقلابی واحد کناره‌گیری کرده، به‌عهده گرفتند.

باتوجه به اقدامات اتخاذ شده و درستی تصمیم مربوط به(RN) (مقاومت ملی)، رفقای کوبایی و نیکاراگویی تأکید کردند که حق به‌جانبDRU است و کاری که این ارگان باید انجام دهد نظم دادن به رفقای مقاومت است. آنها گفتند که از DRUحمایت می‌کنند و به حمایت خود ادامه خواهند داد، اما بطور دوجانبه از(RN) هم حمایت به‌عمل خواهند آورد.

رفیق رئیس حزب کمونیست السالوادور (PSC) از علنی کردن مشکل خشنود نیست. نسخه‌های نامهٔ ارسالی «هیأت رهبری انقلابی واحد» DRUبه او داده شده تا بتواند آنها را به بعضی از دوستان DRU که رفیق با آنها مخالف است، تحویل دهد.

در رابطه با مشکل لجستیکی، رفیق «جوناس» معتقد است که مسئله، از خارج حل نخواهد شد. او می‌گوید که یکی از مشکلات عمده، مسئلهٔ مالی است و جدی‌ترین مشکلات، حل جنبهٔ لجستیکی در اینجا به‌چشم می‌خورد. او می‌گوید که از نظر داخلی مشکلات سازمان، بویژه در ارتباطات و در مشخص کردن اولویتها در طرح دریافت محموله‌ها مشاهده می‌شود. از معتقد است که از نظر خارجی، مسئله عملا حل شده است، زیرا مشکل اصلی در اینجا مشکل مالی و پرسنل است و نه فقدان وسایل.

BREVE INFORME ENVIADO POR EL COMPAÑERO JONAS MONTALVO (ERP)

- Estando en Panamá, la delegación de la DRU recibió una notificación de — los Estados Unidos a través de su embajador en ese país, en la cual pro— ponían una discusión sobre las elecciones y la formación de un nuevo go— bierno como una fórmula de transición mientras Carter Gana las elecciones Que no pueden ofrecer más que eso, que es lo mismo que Majano ofrece (la GN, la PN etc).
Los panameños manifestaron también que existe una propuesta de parte de— los E.E.U.U. que consiste en la discusión. Que hay un problema interno en E.E.U.U. que consiste en la discusión. Que hay un problema interno en la— coyuntura electoral norteamericana y que Carter no puede permitir el —— triunfo revolucionario en El Salvador. La base del problema puede ser — que es el temor el triunfo de Reagan. Al respecto, la DC centroamericana, tiene ese mismo temor, al igual que los panameños, venezolanos , nicara— guenses, cubanos. Consideran que hay dos problemas candentes para Carter— Uno es el de los rehenes de Iran y el otro es el de El Salvador.

- Respecto a la crisis en el Ejército, los Compañeros Nicaraguenses y Cuba— nos manifestaron mucho enojo porque consideran que la DRU no supo— aprovechar la coyuntura. Ellos son de la opinión de que esa coyuntura era aprovechable y que al menos la DRU debía haberse pronunciado.

- En relación al problema de los compañeros de la RN, no obstante que han— entendido que la DRU tiene razón, se plantean dos problemas: Uno es que— no están de acuerdo en que se haga un manejo público de esas contradic — ciones y por ello se han molestado mucho, incluso, los compañeros cubanos se encargaron de a desmentir una noticia que la DRU envió del interior — oficializando que la RN se había retirado de la DRU.

- Con respecto a las medidas adoptadas y la justeza de la decisión respecto a la RN los compañeros cubanos y nicaraguenses manifestaron que la DRU— tiene razón y que lo que debe hacer es disciplinar a los compañeros de — la Resistencia. Que ellos apoyan a la DRU y le van a seguir ayudando pero que también le van a seguir ayudando bilateralmente a la RN.

- El Compañero Primer Responsable del PCS manifestó descontento con la cues tión del manejo público sobre el problema de la RN. A él le fueron entre gadas copias de la carta que envió la DRU para que les hiciera llegar a— una serie de amigos de la DRU, a lo cual el compañero se opuso.

- En cuanto al problema logistico, la opinión del compañero Jonas es que el problema no se resuelve afuera. Dice él que afuera el problema fundamen— tal es de financiamiento y que el problema más serio para resolver el as— pecto logistico está aquí adentro. Que en el interior hay problemas de — organización, pero sobr e todo de comunicaciones, de definir prioridades de planificación para la recepción. Que afuera la cuestión está lista — practicamente, ya que el problema fundamental es de financiamiento y per— sonal y no de falta de medios.

2º Zona Paracentral, 3º Morazán y oriente, en general.

Terrestre: Llega a Cuscatlán punto, debe aprovisionar: 1º Chalatenango, 2º San Salv. La Libertad, 3º Occ. (Sta. Ana, Ahuachapan, Sonsonate).

Aéreo: Aprovisionamiento de zona de oriente y zona paracentral.

3- En todos los frentes, tienen prioridad: Morazán, sur de Oriente, Sn. Vicente, y Guaz pa, Chalatenango.

El criterio esencial del aprovisionamiento es concentrar en los puntos estratégicos y no dispersar. En cuanto a los núcleos urbanos y sub—urbanos el criterio es aumentar la capacidad operativa, más que de choque, la zona occidental, también se aprovisionará con criterio de aumentar su operatividad.

El otro criterio de concentrar se basa en el hecho de que las armas lleguen a esos pun— tos porque coinciden la ruta, el medio y además, la necesidad (así todo envío por Hon duras debe abastecer la zona norte del país.)

Este plan tiene limitada su vigencia a que se cumplan los objetivos logísticos plantea dos por la planificación militar de cada frente y aprobados por el EMGC.

4- La planificación de la maniobra militar de parte de cada frente va solucionando las respuestas a:

a- Cuantos hombres vamos a armar en esta primera fase.
b- Hacer una evaluación—tesis de cuantos hombres vamos a armar en la 2º fase y en la — ofensiva final a partir de los objetivos que plantea el plan general de guerra y la factibilidad de montar medios y rutas de abastecimiento así como de la cantidad con que se cuenta en el arsenal.

5- El cambio cualitativo de la situación militar implica que el plan militar de cada— frente debe comprender:

a- Comenzar el control de carreteras.
b- Control de vías de acceso a la retaguardia.
c- mantener reducida el área de movimientos de la fuerza militar enemiga estableci— da en las zonas de retaguardia.
d- Garantizar la capacidad de mantener las campañas operativas en las zonas urbanas y de las áreas periféricas de las ciudades.

Nota: Este plan partiría de que existe una real fuente de abastecimiento en Lagos,

سند P

نامهٔ DRU (هیأت رهبری انقلابی واحد) به‌نمایندگان خود درنیکاراگوا (۲۹ اکتبر ۱۹۸۰)

راهنمای اصطلاحات و اختصارات:
DRU ــ هیأت رهبری انقلابی واحد.
ERP ــ ارتش انقلابی خلق، گروه چریکی السالوادور.
FMLN ــ جبههٔ آزادیبخش ملی فارابوندومارتی. فدراسیون چریکی
جزیره ــ کوبا
لاگوس ــ نیکاراگوا

ترجمهٔ سند P

سان‌سالوادور، ۲۹ اکتبر ۱۹۸۰

(یادداشت رسمی)

رفقای هیأت رهبری انقلاب واحد DRU در لاگوس:

درود گرم و برادرانهٔ رهبری انقلابی واحد را بپذیرید. بدین‌وسیله توافقنامه‌های جلسه ۲۷ اکتبر هیأت رهبری انقلابی واحد را به اطلاع شما می‌رسانیم. به‌دنبال این یادداشت شما بولتن شمارهٔ یك هیأت رهبری انقلابی واحد DRU را که در جریان جلسه ۳۰ اکتبر مورد تصویب قرار خواهد گرفت دریافت خواهید کرد. طرح تحلیل موجود، در بولتن شمارهٔ یك به همراه خلاصهٔ سند جلسهٔ عمومی DRU در ۱۹ اکتبر، قبلا برای رفیق «ولادیمیر» فرستاده شده است. یك سری دستورالعملهای مربوط بد کارمان تحلیل مذکور را تکمیل خواهد کرد. در زیر، من بخشی از سند مربوط به دستورالعملها را آورده‌ام:

اولین خط مهم اقدام:

از کانالهای اطلاعاتی استفاده کنید و پیام ما را مرتب به مردم برسانید:

ما همگی می‌دانیم که یکی از خطوط اصلی اقدام دشمن در آغاز تهاجمش علیه خلق، نابودی قاطعانهٔ تمام وسایل ممکن، بیان افکار و نظرات آنها (نظیر روزنامهٔ استقلال، لاکرونیکا، YSA ترور روزنامه‌نگاران، تهدید به مرگ دیگران و برقراری هشت ماه حکومت نظامی) است. چه این عمل مورد پسند ما باشد چه نباشد، به این وضع کمتر آشنایی هست و در نتیجه، بخشهای مردمی بشدت سر درگم شده و تحت تأثیرطرز تفکرشکست‌گرایانه وتسلیم‌طلبانهٔ «دوارته» (رئیس جمهوری کنونی السالوادور ــ م) قرار می‌گیرند و چگونه می‌شود اینطور باشد، در

حالی که در داخل کشور، نیروهای نظامی ما در یك مبارزهٔ قهرمانانه که در واقع می‌توان به‌آن وضع جنگی گفت، درگیر هستند و در همان حال اقشار وسیعی از جمعیت از این وضع بی‌خبرند، وضعی که به‌نوبهٔ خود می‌تواند منجر به‌گرایش به‌سوی یك طرزتفکرشکست‌گرایانه باشد؟

براین اساس، بسیار ضروری است که فوراً از کانالهای اطلاعاتی استفاده کنید و پیام خود را، در صورتی که میل داریم حداکثر استفاده را از فعالیت سیاسی ـ نظامی ببریم، به مردم برسانید. در پرتو این تلاش، تمام سازمانهای مربوطه باید در مورد شیوه‌های گوناگون و خلاق تبلیغاتی تلاش کنند و مردم را از واقعیت مبارزه و پیشرفت FMLN آگاه نمایند.

این مأموریت، یك هدف بسیار ضروری و استراتژیك است، زیرا دیگر وسایل تبلیغاتی به تنهایی برای برآوردن نیازهای مبارزه کافی نیست.

این وظیفهٔ اساسی توسط کمیسیون تبلیغاتی DRU ستاد کل مشترك و واحد عملیاتی آن، کمیسیون روابط خارجی DRU و رهبری خارج، در مناطق ممکن به مورد اجرا درخواهد آمد.

همچنین به عنوان یك هدف عمدهٔ کمیسیون تبلیغاتی، باید ازطریق سودمند کردن کافی و سازماندهی تمام وسایل بالقوه و بالفعل درون سازمانهایمان، توانایی تبلیغاتی ما را بالا برده و هماهنگ و چند برابر کند. این وظیفه باید به تضعیف، تلاشهایمان منجر نشده و FMLN را در بطن توجه مردم قرار دهد.

در رابطه با طرح رادیو، باید هر امر ممکنی را مورد مطالعه قرار داد و تلاشها را برروی چند پروژهٔ مشخص براساس امکانات متمرکز کرد. هدف، این است که عملیات سخن‌پراکنی و پخش برنامه‌ها را در کمتر از ۳۰ روز آغاز کنیم. کمیسیون تبلیغات به عنوان اولین عملیات خود باید در ابتدا از هر وسیلهٔ ممکن بهره‌برداری کند.

کمیسیون تبلیغاتی باید حداکثر از تضعیف تلاشها، خودداری کرده و حمایت تبلیغاتی از فعالیت نظامی ما را افزایش دهد. به این منظور باید فعالیت اطلاعاتی در خارج مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد.

در پرتو نکتهٔ فوق، هیأت رهبری انقلابی واحد DRU روی این نکات، توافق دارد: به‌زودی زود، طرحی برای آغاز عملیات رادیویی FMLN ادامه دهد. در ضمن باید اشاره کرد که ضرورت انجام این عمل برحمایت اطلاعاتی رادیوی تجارتی یا آژانسهای مطبوعاتی استوار نیست، و بر برآوردن نیازهای رادیویی مخصوص به خودمان استوار است. زیرا این مسئله، روحیهٔ مردم را بالا برده و به ما اجازه خواهد داد تا وجود یك قدرت دوگانه را تقویت کنیم. ایستگاه رادیویی به ما اجازه خواهد داد تا از فعالیت نظامی خود استفاده کرده و تلاش دشمن را به منظور تضعیف روحیهٔ خلقمان خنثی کنیم. (این عمل هرچه زودتر باید صورت

گیرد).

با توجه به این نکته و اطلاع از این حقیقت که در این مرحله دیگر وسایل تبلیغاتی ناکافی است، توافق شد سه پروژهٔ مشابه، برای استقرار رادیوی FMLN مورد بررسی قرار گیرد.

الف: پروژهٔ لاگوس ــ این استراتژیك‌ترین طرح است و متضمن تأسیس یك رادیوی مخفی در لاگوس خواهد بود. برای رسیدن به این هدف، باید از جزیرهٔ (کوبا) و لاگوس تقاضای کمك و همکاری کرد. لازم به یادآوری است که رفیق فرمانده، برای راه‌انداختن این طرح، پیشنهاد اعطای تجهیزات و کمك داد. این برعهدهٔ شما در لاگوس است تا هر اقدام ضروری را برای آغاز عملیات رادیویی به‌زودی زود به‌عمل آورید. تاکنون سه سازمان برای سهیم بودن در این عملیات، لیست پرسنل آمادهٔ خود را که شامل حداقل ۶ نفر تا افراد بیشتری است، ارائه داده‌اند.

طی این پروسه، باید ترتیبی فراهم آید تا عملیات در کوتاه مدت آغاز شده و از حمایت لازم فنی و مادی برخوردار باشد. مسئولیت ایستگاه رادیویی به‌عهدهٔ کمیسیون تبلیغات خواهد بود، اما اکنون شما مسئول نصب آن هستید. روشن است که این ایستگاه رادیویی، بعد از انتخابات امریکا برنامه‌هایش را آغاز خواهد کرد. این رادیو، باید از نوع موج کوتاه باشد تا بتواند سراسر سرزمین ما و نیز افریقای مرکزی را تحت پوشش قرار دهد.

ب: پروژهٔ دوم باید در محل فرانسیسکو به مورد اجرا درآید و در برگیرندهٔ یك واحد رادیویی متحرك خواهد بود که قادر است تمام سرزمین ما را تحت پوشش قرار داده و همیشه از موج کوتاه برنامه پخش کند. این پروژهٔ مستقل از لاگوس عمل خواهد کرد و پیاده کردن آن تغییری در طرزتفکر لاگوس ایجاد نمی‌کند. هنگام اجرای این پروژه باید از حمایت لازم و وسایل مناسب استفاده کرد. (یك رادیوی موج کوتاه از گروه ERP ــ ارتش انقلابی خلق ــ در مکزیکو هست که می‌توان از آن در این پروژه بهره‌برداری کرد).

ج: پروژهٔ سوم در برگیرندهٔ یك مرحلهٔ موقتی است و با رادیوی ERP بطور مشترك عمل خواهد کرد. این رادیو ERP در اینجا برای منطقهٔ مرکزی برنامه پخش می‌کند. این پروژه در خدمت تبلیغات بوده و ستاد کل دایرهٔ عملیاتی آن را گسترش خواهد داد.

قبل از شروع عملیات برنامه‌ها، یك مبارزهٔ تبلیغاتی برای شناساندن این ایستگاه رادیویی به عموم مردم آغاز خواهد شد.

ما منتظریم شما گامهای اولیه را در رابطه با این مأموریت و نیز کار لجستیکی بردارید. آرزو داریم در تلاش خود موفق باشید. دورودهای برادرانهٔ ما را بپذیرید.

اتحاد، در مبارزه تا آزادی نهایی!

انقلاب یا مرگ! ما پیروز خواهیم شد!
هیأت رهبری انقلابی واحد (DRU)
شاخهٔ سیاسی نظامی جبهه.
جبههٔ آزادیبخش ملی ساندنیست (FMLN)

(NOTA OFICIAL) San Salvador, 29 de Octubre de 1980.

Compañeros [illegible]:
Reciban un caluroso y fraternal saludo a nombre de la DRU. La presente es para comunicarles parte de los acuerdos de la reunión de la DRU del día 27 de Octubre.
Posterior a esta nota les será enviado el Boletín No. 1 de la DRU que será aprobado en la reunión del día 30 de Octubre. El proyecto de análisis que integrará el Boletín No. 1, le fué ya enviado al compañero Vladimir en el documento síntesis de la Reunión del Pleno de la DRU del día 19 de Octubre. Dicho análisis será complementado con una serie de directrices relativas a todo nuestro trabajo. A continuación les transcribo parte del documento sobre estas directrices que dice:
"1a. Gran Línea de Acción.
[illegible]
Todos sabemos que una de las líneas de acción principales del enemigo al iniciar su ofensiva contra el pueblo, fue precisamente la de eliminar toda posibilidad de expresión, (casos del Independiente, La Crónica, YSAX, asesinato de periodistas, amenazas a muerte a otros y estado de sitio durante 8 meses)

Querramos o no, esta situación a ido repercutiendo en que los avances dados por nuestra lucha son poco conocidos y tenemos como efecto de que sectores del pueblo se encuentran cada vez más confundidos y afectados por la moral de derrota que Duarte y su camarilla tratan de infundir en el pueblo.
Como es posible que en tanto en el interior del país nuestras fuerzas militares [illegible] heroicas combaten en medio de un estado de guerra que ya se vuelve innegable, haya también grandes sectores del pueblo que desconozcan esta situación y puedan ser peligrosamente influenciados por una moral derrotista.
En virtud de lo anterior, es tarea urgentísima para el máximo aprovechamiento de la actividad político-militar que estamos realizando, romper el cerco informativo y llevar nuestro mensaje al pueblo.
En virtud de esta tarea, todos los organismos que corresponda deberán poner todo su empeño en las variadas y creativas formas de propagandizar y dar a conocer al pueblo el estado actual de la lucha y los avances del FMLN.
En esta tarea se convertirá en una meta urgentísima y estratégica la puesta en el aire de la radio del FMLN, ya que solo los otros medios de propaganda no son suficientes ya para las necesidades de la lucha.
En esta tarea fundamental trabajan: La Comisión de Propaganda de la DRU, El Estado Mayor General Conjunto y su sección de Operaciones, la Comisión de Relaciones Internacionales de la DRU y la Dirección en el exterior, en los puntos en que esto sea posible.
Paralelo a esta meta central de la radio, la Comisión de Propaganda deberá afinar, coordinar y multiplicar nuestra capacidad de propagandización utilizando y organizando adecuadamente todos los medios actuales y potenciales de nuestras organizaciones, aplicando el criterio de no desgastar esfuerzos y poner al FMLN en el centro de la atención del pueblo.
En tanto sea posible, deberán mantenerse operativos parlantes, coordinados o no.
En el plan de radio, deberán estudiarse todas las posibilidades y definir una concentración de esfuerzos en uno o varios proyectos de acuerdo a las probabilidades.
Nuestra meta debe ser que antes que vengan 30 días, deberá nuestra radio haber empezado a dar sus primeras salidas.
Para su salida, la Comisión de Propaganda deberá preparar toda una campaña previa, apoyándose en todos los medios posibles.
La Comisión de Propaganda deberá simplificar y evitar al máximo el desgaste de esfuerzos y agilizar el apoyo propagandístico a nuestra actividad militar.
Para esto debe organizarse la actividad de información hacia el exterior."
En base a lo anterior, la DRU adopta como acuerdos concretos sobre este punto:
Desarrollar al más breve plazo un plan para poner al aire la radio del FMLN.
Cabe señalar que para esto la necesidad no es de apoyos en la información co:

[illegible]

[illegible] con radios comerciales o agencias de Prensa; si [illegible] ta de la necesidad de nuestra propia radio, de que esto elevará la moral del pueblo y permitirá ir cimentando la existencia de un doble poder. La Radio nos permitirá aprovechar más nuestra actividad militar y derrotar la campaña de desmoralización del enemigo sobre nuestro pueblo (ES ESTO DE URGENTE [illegible] SE IMPULSE).
-Tomando en cuenta todo esto y partiendo de que a estas alturas son insuficientes los otros medios propagandísticos, se acordó desarrollar tres proyectos paralelos para el impulso de la Radio del FMLN.

A) [illegible]. Este sería el plan más estratégico y consistiría en el establecimiento de la Radio [illegible] en Lagos. Para el impulso de esta [illegible] deberá solicitarse la colaboración y ayuda de la Isla y los lagueños. Recuerde que el compañero Comandante ofreció el equipo y ayuda en este plan. Corresponde a [illegible], en Lagos hacer todos los movimientos necesarios para que en la mayor brevedad posible, [illegible] organizaciones tienen listo [illegible] personal para atender esta tarea por lo [illegible] en número de 6 o más.
En el manejo de esto, deberán hacerse las gestiones para que se autorice [illegible] operación a corto plazo y se nos [illegible] el equipo [illegible] material necesario. La Radio será responsabilidad de la Comisión de Propaganda, pero en este momento es responsabilidad de [illegible] el montaje de este proyecto. [illegible] como cosa especial. La Radio transmitiría hasta después de las elecciones [illegible]. La Radio deberá ser de onda corta y tener un alcance que cubra todo nuestro territorio y Centro América.

B) [illegible] de un proyecto de radio [illegible] nal [illegible]. Este proyecto será independiente de Lagos y su desarrollo será para evitar que las variaciones en el comportamiento de Lagos no nos vaya a dejar sin la [illegible] compartimentado si fuera necesario. En el desarrollo de este proyecto deberá buscarse apoyo o utilizar medios propios. (Existe un aparato de Radio de onda corta del ERP en Méji[illegible] que puede incorporarse de inmediato a este proyecto).

b) El tercer plan es para cubrir una fase provisional y se trabajará con la Radio del [illegible], que está ya aquí para transmisiones en la Zona central. Este proyecto pasó ya a manos de Propaganda y al Estado Mayor para acelerar su funcionamiento.
Previo a la salida al aire de la radio, se iniciará una campaña de propaganda para que se conozca en detalle su horario de transmisiones.

[illegible] quedamos entonces en espera de un informe de sus primeras gestiones para esta tarea, que al igual que la logística necesita de nuestra atención.

Deseándoles éxitos en su trabajo, los saludamos fraternalmente.-

¡¡ UNIDOS PARA COMBATIR HASTA LA VICTORIA FINAL !!

¡¡ REVOLUCION O MUERTE !! ¡¡ VENCEREMOS !!

Dirección Revolucionaria Unificada-
Político Militar (DRU-PM) del FRENTE
FARABUNDO MARTI PARA LA LIBERACION
NACIONAL (FMLN)

سند Q

خلاصهٔ گزارش کاردرنیکاراگوا، ۳ـ۱ نوامبر ۱۹۸۰

راهنمای اصطلاحات و اختصارات:

DRU ــ هیأت رهبری انقلابی واحد. رهبری مشترک گروههای چریکی السالوادور.

جبهه ــ جبههٔ آزادیبخش ملی ساندنیست نیکاراگوا.

لاگوس ــ نیکاراگوا.

ولادیمیر ــ نمایندهٔ جستیکی DRU در نیکاراگوا.

ترجمهٔ سند Q

با احترامات فائقه نسبت به رفقای هیأت رهبری انقلاب واحد.

گزارش کار تکمیلی در لاگوس از اول تا سوم نوامبر:

هدف، این مسافرت که به توسط کمیتهٔ پذیرایی داخلی سازماندهی شد. ارائهٔ برنامه‌هایی در مورد حمل سلاحها بود کــه تمام راههای ممکن را مورد بررسی قرار می‌داد. در رابطه با کار انجام شده از سوی خودم، باید بگویم که کاملا محدود بوده است. دو جلسهٔ جداگانه با رفیق «ولادیمیر» برپا شد که روی‌هم‌رفته، چهار ساعت به‌طول انجامید. رفقای مشغول کار در امور تدارکات خارجی و نیز خود من در این جلسات حضور داشتیم.

جلسات به گزارشی محدود می‌شد که رفیق «ولادیمیر» در مــورد امکان فرستادن سلاحها به کشورمان و نیز ارائهٔ طرحی در بارهٔ حمــل سلاحها از سوی رفقای ما در جبهه، تهیه کرده بود. من به شخصه اطمینان دارم که رفیق «ولادیمیر» امکان دریافت این سلاحها را در صورتی که ما از طرح او پیروی کنیم، درك می‌کنند. من با اصرار تأکید کردم کــه طرح، بدون مشورت قبلی باکمیسیون پذیرایی، ارائه شده است. لازم بود که در این رابطه مشورت به‌عمل آید تا برنامه، با تمام راههای ممکن برای

ما، تطابق داده شود.

کسی به نظرات من توجهی نکرد. رفیق «ولادیمیر» تنها گفت که باید برنامه را نزد خود داشته باشیم، و آنچه را که می‌توانیم انجام دهیم و اگر قرار است نتوان کاری را انجام داد، باید بگذاریم این امر، از طریق وسایل قانونی به اطلاع همه برسد، تا تعلیقات و تعویقات ضروری صورت بگیرد.

به‌نظر من عضوی که قرار است از کمیسیون پذیرایی در طرح برنامه و آمادگی طرح شرکت کند، باید یك فرد کاملا مطلع باشد زیرا اطلاع کاملی از وضع داخلی دارد.

(چهار سطر از قلم انداخته شده)
ـ ۲۷ ام ۷۹ ـ
سلاحهای دستساز ـ ام ۷۹ ـ
ـ ۲۳۶ فال
ـ ۶۸۵ (؟) امیك و ام۲ ـ
ـ (حذف شده) فشنگ ۷۰۶.
ـ ۶۲۴۸۰ فشنگ ۲۰٪ ان‌ـیك ـ
ـ لودرهای فال.
ـ ۲۳۰ لودور امـیك.
ـ (۴ ؟؟) فال.
ـ ۹۸ نوار جای فشنگ.
ـ لوله‌های (آرپی‌جی) (۵ ؟).
ـ ۲۲۵ موشك آرپی‌جی.
ـ مسلسلهای ام ـ ۶۰ ـ
ـ (چهار سطر از قلم افتاده)
ـ ۳۵۵ (؟) فال با یك لودر اضافی.
ـ ۷۹ (؟) تفنگ امـ۲ ـ
ـ ۵۸ و ؟) تفنگ امـیك.
ـ (از قلم افتاده) ۷۹ سلاح دستساز امـ۷۹ ـ
ـ (از قلم افتاده) آرپی‌جی‌ـ۲ ـ
ـ (از قلم افتاده) موشکهای آرپی‌جی.
ـ ۸۸۴۶۰ فشنگ برای هر تفنگ.
ـ (از قلم افتاده) مسلسلهای امـ۶۰.

ملاحظاتی دربارهٔ این محموله. من قبلا با رفقای جبهه، مسئلهٔ ظرفیت این وسایل (حمل و نقل) را مورد بحث قرار داده‌ام. آنها به من گفتند که می‌توانند چهار تن از این سلاحها را حمل کنند، اما به دلایل امنیتی تنها، دو تن را حمل خواهند کرد. روی این مسئله بطور ضمنی و تنهـا بطور شفاهی توافق شد.

در جریان این سفر، رفیق «ولادیمیر» به من گفت که از حالا به‌جای دو تن، سه تن حمل خواهد شد و رفقای جبهه، این مسئله را آزمایش کرده و با مشکلی برخورد نکرده‌اند.

من خواهم گفت که در چند مورد، از رفقای جبهه خواسته‌ام منابع موجود را کنترل کرده و مشخصاً برآنها نظارت کنم. به گفتهٔ آنها این مسئله، هرگز انجام نشد زیرا تکنیسینهای خود آنها براین امر نظارت می‌کردند.

روزی که سلاحها ارسال شد، رفیق مسئول عملیات به رفقای جبهه، خبر داد که بیش از حد، بارگیری کرده‌اند و این می‌تواند باعث بروز مشکلاتی بشود. این توصیه، مورد توجه کسی قرار نگرفت.

این نامه را می‌نویسم تا رهبری نظرات مرا مورد مطالعه قرار دهد.

با احترام ــ رودریگو.

(RI)

Con todo respeto a los compañeros de la DIRU.

Informe sobre trabajo realizado en [illegible] durante días 1-3 de Noviembre.

El objeto del viaje encomendado por la Dirección [illegible] consistía en la elaboración de un calendario de armas [illegible] a las posibilidades de la recepción.

Con respecto a la labor realizada personalmente debo informar que [illegible] sumamente limitada.

Se realizaron dos reuniones con el compañero Vladimir que en total sumaron 4 horas con participación de mi persona y [illegible] compañeros de logística [illegible]

Estas reuniones se limitaron a un informe del compañero Vladimir con respecto a las perspectivas de envío de materiales a nuestro país y a la presentación de un calendario de envío elaborado por los compañeros del frente.

Personalmente hice ver al compañero Vladimir de la imposibilidad de cumplir con la recepción si el envío se hacía de acuerdo a ese calendario y que además ese calendario se había elaborado sin la participación de la comisión de recepción, lo cual era indispensable para que el calendario se ajustara a las posibilidades existentes.

Esta consideración no fué tomada en cuenta, limitándose el compañero Vladimir a decir que nos trajeramos el calendario, que cumpliéramos en lo que pudiéramos y que con lo que no pudiéramos cumplir que lo manifestáramos por los medios establecidos para efectuar las suspensiones que fueran necesarias.

Considero que para efectos de programación y calendarización la participación de cualquier miembro de la recepción interna debe de ser plenamente, ya que son estos los que tienen pleno conocimiento de la situación interna.

[illegible] siguiente

- [illegible] M-79
- [illegible] Granadas de M-79
- [illegible] FAL.
- [illegible] M-1 y M-2
- [illegible] Cartuchos 7.62
- [illegible] Cartuchos 0.30 M-1.
- [illegible] Cargadores de FAL
- [illegible] Carabinas M-1
- [illegible] Fusiles de FAL
- [illegible] Bombas [illegible]
- [illegible] RPG (tubos)
- [illegible] Cohetes RPG.
- [illegible] Ametralladoras M-60

Envió:
FAL con un cargador extra c/u.
Fusil M-7

Granadas de M-79
RPG-2
Cohetes de RPG
cartuchos por cada fusil = 88,460 cartuchos
ametralladoras M-60.

Consideraciones sobre este envío
Con anterioridad había discutido personalmente con compañeros del frente sobre la capacidad de estos medios. Ellos manifestaron que tenían capacidad para 4 toneladas pero para mayor seguridad serían operadas con 2 ton c/u. Sobre esto había un acuerdo de palabra.
En este viaje el compañero Vladimir me informó que no irían con [illegible], sino que con [illegible], que los compañeros del frente ya habían hecho pruebas y que no había problemas.
He de manifestar que en varias ocasiones solicité a los compañeros del frente ir a ver los medios y supervisarlos personalmente, lo cual nunca fué permitido, aduciendo que ellos tenían técnicos que supervisarían.
El día que salió el envío, el compañero jefe de la operación hizo ver a los compañeros del frente que los medios iban sobre cargados y que podrían tener problemas. Esta consideración no fué tomada en cuenta.

سند R

نامه‌ای از«مارسیل» به «ولادیمیر» به‌تاریخ ۱۰ نوامبر ۱۹۸۰

راهنمای اصطلاحات و اختصارات:

DRU ــ هیأت رهبری انقلابی واحد.
EMGC ــ ستاد کل مشترك چریکی.
جبهه ــ جبههٔ ملی آزادیبخش ساندنیست.
مارسیل ــ «کایتانوکارپیو» از گروه چریکی السالوادور .
ولادیمیر ــ نمایندهٔ لجستیکی هیأت رهبری انقلابی واحد در نیکاراگوا.

ترجمهٔ سند R

ــ السالوادور، ۱۰ نوامبر ۱۹۸۰
ــ رفیق ولادیمیر (یادداشت رسمی چهارم).
برای شما و برای همه، آرزوی سلامت داریم.
یادداشتهای شما و از جمله آخرین آن را که همراه رفیق گلادیس برایم فرستادید، دریافت کردیم.

۱ ــ ما پنجاه‌تای اول را که رفیق گلادیس آورد، دریافت کردیم. اینها در اصل، برای استفاده در امور لجستیکی به EMGC داده شده است.

۲ــ رفیق بخش ارتباطات وارد شد. او گزارشاتی را که شما فرستادید و نیز نتایج کار شما را با خود آورد.

۳ــ RN (مقاومت ملی) این هفته مجدداً به هیأت رهبری انقلابی واحد (DRU) پیوست. RN در اولین جلسه، حقوق و مسئولیتهای خود را مشخص کرد. ما قبلا وظیفه ادغام آنها را در تمام بخشهای کمیسیون و ستاد کل انجام داده‌ایم. پذیرش آنها در جلسهٔ مقدماتی دوشنبه، سوم این ماه مورد تصویب قرار گرفت.

رفیق «فرمن» نیز در جلسهٔ هیأت اجرایی در جمعهٔ هفتم حضور داشت. من یك نسخه از اعلامیه مربوط به پذیرش RN را که در جلسهٔ مقدماتی (DRU) (هیأت رهبری انقلابی واحد) صادر شد، ضمیمه کرده‌ام.

٤ــ برای اطلاع خودتان (و نه استفادهٔ علنی آن مگر برای اعضاء آن‌هم درجریان کار وطبق مقررات جلسات) من اقدامات اتخاذ شده در هردو جلسه را می‌فرستم از دومین و آخرین پلنوم هیأت اجرایی.

٥ــ یك نسخه ازاعلامیه مربوط به‌سوء قصد علیه سرهنگ «ماژانو» را نیز به ضمیمه می‌فرستم.

٦ــ تنها هیأت نمایندگی «هیأت رهبری انقلابی واحد» (DRU)

در دومین کنگرهٔ حزب کمونیست کوبا، در برگیرندهٔ هیأت اجرایی هیأت رهبری انقلابی واحد خواهد بود که در آن چهار مقام مسئول سازمانها، یعنی مارسیل، رنه، سیمون و فرمن حضور خواهند داشت. طبیعی است که آنها هر یك نمایندهٔ سازمانهای مربوط به خود هستند، اما در یك هیأت نمایندگی مشترك حضور دارند.

۷ـ من به‌عنوان هماهنگ‌کنندهٔ محلی، گزارشهایی از سازمانهای DRU دریافت کردم و تلاش نمودم تماسها و ملاقاتهایی را با رفقای هماهنگ‌کنندهٔ هر سازمان برقرار سازم. آنها در EMGC و کمیتهٔ لجستیکی، همانند من در مورد محموله‌های تدارکاتی و تحویل آنها اظهار نگرانی می‌کردند.

۸ـ لازم است که (در اصل رفقای جبهه و تا اندازه‌ای هم شما) در لاگوس نظرات و طرحهای کمیتهٔ امور لجستیکی را بیشتر رعایت کنید، زیرا آنها احساس می‌کنند که طرحها به‌اندازهٔ کافی بویژه در رابطه با محل، ظرفیت و غیره رعایت نشده و تنها «بطور تصادفی» به آن توجه شده است. آنها برای نمونه، موارد زیر را ذکر می‌کردند:

الف ــ اولین محمولهٔ نظامی بیش از حد ظرفیت داشت و یکی از آنها در آبهای ساحلی‌لاگوس در آب فرو رفت و تمامی محمولهٔ کشتی از دست داده شد. آنها توانستند همسفران خود را نجات دهند.

ب ــ رفقا، با توجه به بارگیری بیش از حد انتظار، تصمیم گرفتند ۱۰۰ نفر دیگر را نیز بفرستند و به این خاطر، آنها یکبار در شاهراه ساحلی با مشکل مواجه شدند. به رفقا گفته شد در این رابطه لازم نیست تنها برای کم کردن محموله، اقدام به‌عمل آورند، بلکه می‌باید هماهنگی بیشتری میان آنها برقرار شود.

ج ــ تصمیم گرفته شد، که اینها برای کمیتهٔ دریایی فرستاده نشود اطلاعات مربوط به این مسئلهٔ موثق و صحیح است، اما باید توجه داشت که مانور دشمن دائمی نیست و ما وسایل بهتری برای کنترل مانور مذکور در اختیار داریم. برای مثال، رفیق «موریسیو» به من اطلاع داد که برای کنترل این جنبهٔ امنیتی رفیق «مارسلوسباستین» را فرستاده‌ایم و آنها روز چهارشنبه، یك دستگاه شناسایی «زنده» خواهند ساخت که با قایق (کلمات ناخوانا است) ترك می‌کند. هنگام ورود به خلیج «جیکولیسکو» از طریق شبه جزیرهٔ «سان‌خوان‌دوگوزو»، در دهانهٔ «ریولمپا» عبور کردند و در آنجا پیاده شده و بدون برقراری هیچگونه تماسی یا داشتن مشکل امنیتی به «هرادورا» رفتند.

د ــ در رابطه با دلایل امنیتی، مسئله صحیح است. اقداماتی برای امنیت رفقا اتخاذ شد تا بتوانند در شرایط امنیتی مناسبتری به موقع بازگردند.

ﻫ ــ موضوع دیگری که رفقا برایم تشریح کردند این است که به‌نظر

آنها هنگام ورود یکی از رفقای کمیتهٔ دریافت کننده، نه تنها باید به اطلاعات موجود توجه کنید، بلکه او را به ملاقات با جبهه ببرید، تا بدین‌ترتیب بتواند در کار طراحی شرکت کرده و مسائل بهتر هماهنگ گردد.

۹ــ پی بردم که رفیق «رامون» هفتهٔ آینده عازم آنجا شده و رفیق «رودریگو» نیز روز بعد به‌دنبال او خواهد رفت. اندکی پس از آن‌هم رفیق «موریسیو» عزیمت خواهد کرد.

۱۰ــ آنچه در نتیجهٔ ورود موفقیت‌آمیز دریافت شده عبارتند از: ۲۷۲ اف، ٤ آرپی ۲ ام۳۰ و انواع دیگر.

۱۱ــ رفیقی‌که برای مطالعهٔ«Raster»فرستاده بودید قبلا رفته است.

۱۲ــ سرانجام می‌خواهم گزارش بدهم که اجلاس مقدماتی توافق کرد تا گام قاطعی برای ادغام مجدد RN بردارد.

۱ــ کار ایدئولوژیك وسیعی در سازمانهای تحت رهبری DRU به‌منظور وحدت منسجم‌تر وبالابردن سطح آگاهی رهبری صورت بگیرد.

۲ــ در پیش گرفتن اقداماتی علاوه‌بر امور لجستیکی، در زمینه‌های تبلیغات، روابط، و ارتباطات. اقدامات دیگری نیز در زمینه‌های دیگر صورت خواهد گرفت. این اسناد را در یادداشت رسمی بعد برایت خواهم فرستاد.

۱۳ــ این هفته نیز گزارش تحلیل موقعیت ملی در مورد اقدامات مصوبه از سوی DRU در رابطه با تمام زمینه‌های تحلیل مذکور منتشر خواهد شد.

۱٤ــ اقدامات صورت گرفته، برای آموزش رفقا بسیار عالی است. امیدوارم موفق باشید. انتظار داریم در مورد مشکلاتی نظیر تصمیمات «پاناما» برای تقاضای مداخله از سوی سازمان کشورهای امریکایی(OAS) که ما را بسیار نگران ساخته، توضیح مفصل داده شود.

متحد در مبارزه تا پیروزی نهایی

انقلاب یا مرگ. ما پیروز خواهیم شد.

مارسیل: رهبر اول سیاسی ــ نظامی هیأت رهبری انقلابی واحد و هماهنگ‌کنندهٔ کل.

El Salvador, C.A. ,10 de Noviembre de 1980.-
C. Vladimir.- (Nota oficial # 4)
Deseamos esté bien de salud y de todo.-
Hemos recibido sus notas, incluyendo la última que me e
vió con la c. Gladis.-
1- Recibimos los primeros 50 que trajo la c. Gladis.-
Ya se pasaron al EMGC para sus gastos de recepción
gística principalmente.-
2-Vino la c. de Comunicaciones. Me trajo los informes
us ted envió. Y los resultados de su trabajo.-
3- Esta semana ya se reintegró la RN a la DRU, . Ya estu
en plenitud de derechos y responsabilidades en la primera reunión. Y ya
mos en la tarea de que se reintegren a todas las comisiones, seccion s y
tados Mayores.- En la reunión del Pleno del lunes 3 del presente se apr
su ingreso. Y en la reunión del viernes 7 de la DE ya estuvo presente el
Fermán.- Le adjunto una cop ía del Comunicado que sobre el reingreso de
RN emitió el Pleno de la DRU.-
4- Para su conocimiento (no para utilizarlos en publicidad,- sino como mi
bro que es de la DRU y que necesita estar completamente enterado de la r
de los a suntos y de los acuerdos que setoman en las sesiones le adjunto
actas de a bas reuniones: la del Segundo Pleno y la última de la DE.-
5-Ta bién le adjunto un comunicado sobre el atentado contra el cor. Maje
6- La Delegación unica de la DRU al II Congreso del Partido Comunista de
estará integrada por la Dirección Ejecutiva de la DRU, o sea por los cu
primeros responsables de las organizaciones: Marcial, René, Simón y Fer
Llevarán también ,naturalmente, credencial de su respectiva organizació
ro integrarán una delegación unitaria.-
7.-Por razones de mis funciones como Coordinador General, recibo inform
los organismos de la DRU y trato de tener contactos y reuniones con los
pañeros coordinadores de cada organismo.- Tanto en el EMGC como en Rec
logística me han p rticipado algunas de sus inquietudes en relación con
envío y recepción Logística:
1o) [illegible]
[illegible]
[illegible] a) [illegible]
[illegible]
b) [illegible] hombres más, [illegible]
[illegible] (choque que no anula ni invalida para nada la
lugar; pero que es un ejemplo de medidas que repentinamente tienen que
cuando allá se toman medidas no armonizadas con los planes y capacidad
sadas por recep ión Interna.-2.- Esto lo indican los cs. no para que s
tomar medidas de disminución de envío, sino para que se haga más a rmo
con lo de adentro.- b)- [illegible]
[illegible] (Esquema [illegible]).- El Informe que motivó
correcto; pero debe tomars e en cuenta allá que la maniobra del enemig
permanente, y que aquí se está en mayor capacidad de estar controlando
maniobra. Por ejemplo, el c. Mauricio me informó que para controlar es
to de seguridad se envió al c. Marcelo y Sebastián a hacer una prueba
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] y [illegible]

-2-

mo el que ahora están haciendo, se puede trabajar bien, toda vez que se es
tableciendo un buen a viso para ustedes, y que ustedes tomen en cuenta los
ones que aquí ha ga recepción.- En res umen, consideran que hay condicio
ra recepcionar en ese luga r de la para-centr. y que no debes ser elimin
ada allí.- c)-En cuanto a las razones de seguridad y de lejanía que se ad
; fácilmente remediable, y conjuntamente se están tomando medidas para dar
eguridad y descanso a los cs. para que puedan regresar en las horas y ocnd
ones más propicias para seguridad.- d)-Otro asunto que los compañeros me
usieron es que consideran que cuando llega allí un c. de la Comisión de R
epción , usted debería no sólo oirles los informes (por ejemplo en el últi
aso del vage del c.Rodrigo) como lo está haciendo hasta hoy, sino que d
ería de llevarlo (al como de recepción) a la reunión que tiene con los fre
ara que él participe en la labor de planeamiento y que de esa manera qued
as cuestiones más a rmonizadas.-
-Tengo entendido que a principios de semana sale para allá,el c. Ramón y
ía siguiente como. Rodrigo.- Proximamente irá el c. Mauricio.-
[illegible]
[illegible]
[illegible]
1-Finalmente quiero comunicarle que en la 1- reunión del Pleno se acordó
n firme paso adelante en todos los terrenos aprovechando el reingreso de
/N. 1- levar a cabo una intensa campaña ideológica en lo interior de l
rganizaciones, dirigida por la DRU, para cohesionar la unidad y elevar el
ivel de conciencia unitaria en direcciones y bases.- 2- Un plan de medida
ue profundicen el es tado de unidad, del tipo de las medidas que se han t
o en logísitica en otros terrenos: propaganda, relaciones, comunicaciones
Pero que para que sea organizado y no espo táneo o desordenado se hará una
s pecie de reglamento de tales pasos .- Y otras medidas en otros terreno
Eses documentos sse los enviaré,en la proxima nota oficial.-
12- También esta semana saldrá el documento de análisis sobre la situació
nacional y lasmedidas aprobadas por la DRU en todos los terrenos en relac
con dicho análisis.- 13-Las medidas que ha tomado para entrenamiento de
Es pero se encuentrebien .- están buenas.-

Esperamos mayoresilustraciones sobre problemas tales como la decisión
Panamá de pedir la intervención de la OEA, que nos está preocupando mucho

UNIDOS PARA COMBAT R HASTA LA VICTORIA FINAL.- Revolución o Muerte,Vencer

[illegible]- Primer Res p . Político-militar de la DRU, en funciones de Coo
dor General.-

سند S

نامهٔ «رنه» به «ولادیمیر» (۱۹ نوامبر ۱۹۸۰)

راهنمای اصطلاحات و اختصارات:

DRU ــ هیأت رهبری انقلابی واحد ــ رهبری مشترک گروههای چریکی السالوادور.

EMGC ــ ستاد کل مشترک چریکی.

جزیره‌نشینان ــ کوباییها

لاگوس ــ نیکاراگوا.

ترجمهٔ سند S

السالوادور چهارشنبهٔ ۱۹ نوامبر ۱۹۸۰.

رفیق ولادیمیر:

با درودهای برادرانه و انقلابی!

آنچه در زیر می‌آید خلاصهٔ راه‌حلهای مربوط به مشکلات لجستیکی است که در اجلاس ۱۸ نوامبر هیأت رهبری انقلابی واحد DRU و EMGC (ستاد کل مشترك چریکی) به تصویب رسید.

۱ــ عزیمت فوری رفیق «رودریگو» به لاگوس.

۲ــ رفیق «رودریگو» قادر خواهد بود اطلاعات مفصلی در مورد وضع لجستیکی و نظامی نیروهای ما و نیز طرحهای مورد تصویب DRU برای اجرای فوری طرح لجستیکی به‌دست آورد.

۳ــ یك ملاقات، میان مقامات لاگوس با رفیق «رودریگو» صورت می‌گیرد تا او بتواند اوضاع را تشریح کند و در بحثهـای مربـوط بـه طرحهای جدید کمیسیون لجستیکی داخلی که به تصویب DRU و EMGC رسیده شرکت کند.

٤ــ از رفقای لاگوس درخواست می‌کند تا مستقیماً برارسال محموله‌ها نظارت کنند تا اطمینان حاصل شود که جزئیات عملیاتی بدقت رعایت شده است. در این رابطه، شرکت رفقای کمیسیون لجستیکی خارجی و نیز کمیتهٔ لجستیکی داخلی نیز لازم است. ما همچنین موضع منفی اتخاذ شده در مقابل رفیق «رودریگو» در رابطه با نظارت برطرح را که بـه شکستهای بعدی منجر شد، مورد توجه قرار می‌دهیم.

۵ــ باید دقت شود که طرحهای مذکور براساس و نیـز اهـداف واقعگرایانه استوار باشد، تا تمام امکانات داخلی و خارجی را به‌کار گرفته و هماهنگی و تصمیم جمعی را که بخشی از وظایف نظامی فعلی است بطور دقیق رعایت کند.

٦ــ باید مشکلات ناشی ازقطع فوری ارسال محموله‌ها را بطور دقیق، با رفقای لاگوس مورد بحث قرار دهد. زیرا قطع ارسال محموله‌ها فعلا می‌تواند به ضرر ما تمام شود. رفیق «رودریگو» در رابطه با مشکلات و مسائل امنیتی اطلاعاتی به‌دست خواهد آورد تا نشان دهد که قطع ارسال محموله‌ها نه ضروری است و نه علیرغم مشکلات موجود خردمندانه.

۷ــ برای رفقای لاگوس توضیح دهد که طرح لجستیکی ما به‌نحـو بسیار نزدیکی با طرحهای جنگی ارتباط دارد. بنابراین معیار ما بـرای عملیات و امنیت از اهمیت بسیاری برخوردار است و باید تصمیماتی در این رابطه اتخاذ شود. تصمیمات یکجانبه به‌ضرر ما تمام خواهد شد.

۸ــ ترتیبی دهد که محموله‌های موجود در لاگوس فوراً ارسـال شود. و خطر تعویق طولانی مدت ارسال آنها را گوشزد کند.

۹ــ اگر مشکلاتی در مورد تصویب طرحها و ادامهٔ جریان محموله‌ها به‌وجود آید، (ولادیمیر) فوراً به کشور بیاید تا اطلاعات بدهد و اقدامات لازم را به‌عمل آورد.

۱۰ـ از لاگوس یا جزیره‌ایها بخواهد تا فوراً ۵۰۰ متر فتیله‌های آتشزا برایمان ارسال کنند. این امر، اهمیت اساسی دارد، زیرا عملیات خرابکاری اقتصادی به‌دلیل فقدان وسایل لازم کاملا متوقف شده است، هر چند که ما، مواد منفجرهٔ ذخیره در اختیار داریم.

اتحاد در مبارزه تا پیروزی نهایی!

انقلاب یا مرگ!!

ما پیروز خواهیم شد!!

از طرف

«رنه»

El Salvador, Miércoles 19 de Noviembre de 19

Compañero Vladimir:

Recibe un fraternal y revolucionario saludo.
A continuación comunico sintetizadas resoluciones en relación al problema logístico, tomadas en reunión de la DRU y el EMGC el día 18 de Noviembre:

1o. ~~Salida inmediata del Compañero Rodrigo a Lagos.~~
2o. El Compañero Rodrigo podrá dar informe detallado de situación logística y militar de nuestras fuerzas y también sobre planes aprobados por la DRU para la continuación inmediata del plan logístico.
3o. Reunión con la gente de Lagos con la presencia directa del Compañero Rodrigo, para que explique situación y participe en discusión de nuevos planes que propone Comisión de Logística Interna y que tienen aprovación de la DRU y el EMGC.
4o. Solicitar a los compañeros de Lagos participación directa en supervisión de envíos, para asegurarnos de los detalles operativos. En esto solicitar se permita la participación tanto de compañeros de la Comisión Logística Exterior, como de la Comisión Logística Interna. Recordemos en esto la negativa dada al Compañero Rodrigo para la supervisión del plan que tuvo fallas que ya conocemos.
5o. Buscar que la elaboración de planes sea realista y objetiva, sopesando todos los aspectos, tanto internos como externos y haciendo correcto uso de las atribuciones de coordinación y desición colectiva que existen en las tareas militares en este momento.
6o. Discutir a fondo con los compañeros de Lagos, la inconveniencia de la suspensión abrupta de los envíos en este momento en el que el tiempo cuenta desicivamente a favor o en contra nuestra. En relación al problema de seguridad, el Compañero Rodrigo dará informe para que se vea que no es necesaria ni conveniente la suspensión de todos los envíos, muy a pesar de los problemas ocurridos.

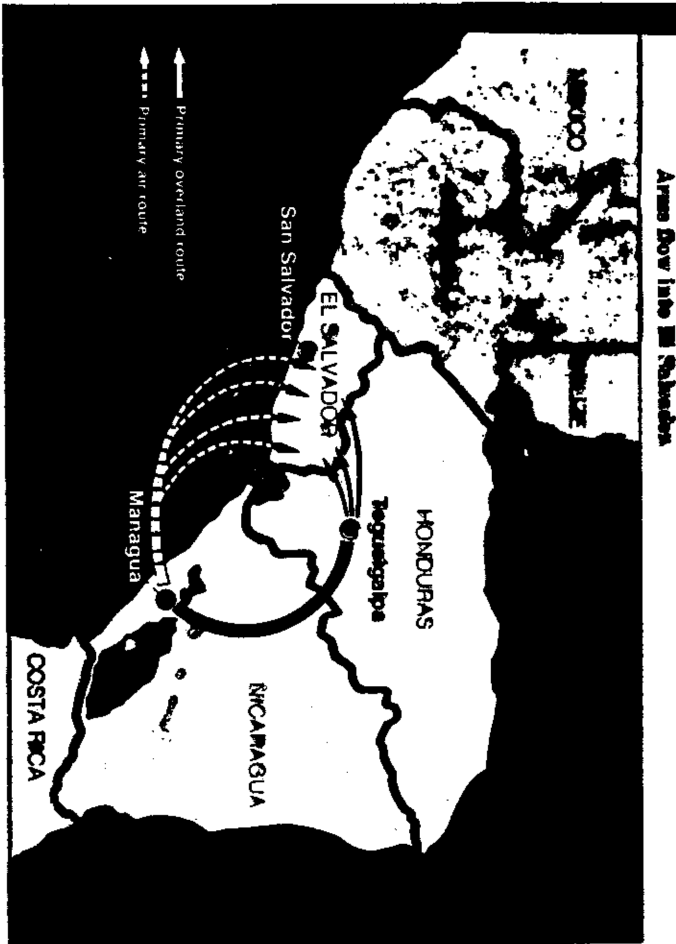
7o. ~~Plantear a los Compañeros de Lagos~~ que nuestro plan logístico está ligado estrechamente a nuestro ~~Plan de~~ Guerra y que por lo tanto nuestros criterios para lo operativo y de seguridad, pesan y son determinantes en las desiciones que haya que tomar. Las desiciones unilaterales no harán más que perjudicarnos a todos.
8o. Lograr que de inmediato se aprueben y marchen en Lagos los envíos que lleva programados el Compañero Rodrigo, señalando el peligro de corte demasiado prolongado de éstos.
9o. De presentarse alguna dificultad en la aprobación de planes y continuación de flujo de material, venir de inmediato al país (Vladimir) a dar informe y tomar medidas.
10. ~~Solicitar a Lagos o Isleños, se nos apruebe envío urgentísimo de 5C metros de mecha lenta, 5.000 fulminantes para mecha (que no sean eléctricos) y unos 2.000 metros de cordón detonante.~~
Esto es fundamental ya que la campaña de sabotaje económico está suspendida totalmente debido a la falta de estos materiales a pesar de que contamos con algunas reservas de explosivos.

¡ UNIDOS PARA COMBATIR HASTA LA VICTORIA FINAL !

¡¡ REVOLUCION O MUERTE !! ¡¡ VENCEREMOS !!

Por la DRU:
René

جریان ارسال اسلحه به السالوادور



انتشارات کیهان
تاکنون کتابهای زیر را منتشر کرده است:

۱ ــ **نفت و بحران انرژی**
دکتر رضا رئیسی

۲ ــ **چگونه نیمی‌دیگر می‌میرند**
سوزان جورج
ترجمهٔ دکتر مصطفی ازکیا ــ مهندس احمد حجاران

۳ ــ **خون‌نامهٔ خاك (شعر)**
سرودهٔ نصراله مردانی

٤ ــ **بلوچستان یادگار مطرود قرون (گزارش)**
کمال‌الدین غراب

٥ ــ **شیخ نجم‌الدین کبری**
(رسالة الی‌الهائم‌الخائف من‌لومةاللائم)
تصحیح و توضیح از دکتر توفیق سبحانی

٦ ــ **کتابشناسی عمومی تاریخ سیاسی ایران**
دکتر علیرضا ازغندی

۷ ــ **دوره‌های کیهان (بعد از انقلاب)**
دوره دوم ــ جلد اول
دوره دوم ــ جلد دوم
دوره دوم ــ جلد سوم
دوره دوم ــ جلد چهارم
دوره دوم ــ جلد پنجم

بزودی منتشر می‌کند:

۱ ــ **تاریخ نمایش در جهان**
جمشید ملک‌پور

۲ ــ **تفسیر و تفاسیر جدید**
بهاءالدین خرمشاهی

۳ ــ **مبانی‌و تاریخ فلسفه غرب**
هالینگ‌دیل
ترجمهٔ عبدالحسین آذرنگ

۴ ــ **بزرگان فلسفه**
هنری توماس
ترجمهٔ فریدون بدره‌ای

۵ ــ **اسناد محرمانه سفارت انگلیس**
ترجمهٔ دکتر جواد شیخ‌الاسلامی



سیاست
۲



فیلیپ اگی، در ۱۹۵۷ به سیا پیوست و مدت ۱۲ سال به عنوان مأمور مخفی در اروگوئه، اکوادور و مکزیک فعالیت کرد. درسال ۱۹۶۹ از سیا استعفا داد، و پس از اینکه متقاعد شد سیا برای صلح جهانی تهدیدی بزرگ به حساب می‌آید، تصمیم گرفت کارها و عملیات آنان را به تفصیل افشا کند. در ۱۹۷۵ کتابی تحت عنوان: «در داخل کمپانی: امور روزانه سیا» نوشت که در سراسر جهان شگفتی آفرید. سپس در انتشار کتاب: «کار کثیف: سیا در اروپای غربی» همکاری کرد. او مقالات زیادی را نیز در روزنامه و مجلات مترقی جهان نوشت. از ۱۹۷۰ به بعد که بناچار در خارج از امریکا بسر می‌برد، تحت فشار سیا قرار گرفت و براثر همین فشارها از فرانسه، انگلستان و هلند به آلمان غربی عزیمت کرد. پس از انتشار کتاب حاضر، سیا و جعل اسناد درآلمان غربی، دولت آمریکا در یک اقدام بی‌سابقه گذرنامهٔ وی را در ۱۹۸۱ به دلیل خطری که کتاب برای امنیت ملی آمریکا آفریده است بی‌اعتبار ساخت.



انتشارات کیهان